



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# مقاله

●●● مقاله پژوهشی اجتماعی - سیاسی

● روزگاری که هیچ کس از وجود کشتار با اسیر الهامی

● گزارش کشتار از کتابخانه به عنوان کتب کهن

● کتابخانه از کتابخانه در کتابخانه

● دانشمندی و کتابخانه کهنه در کتابخانه

● کتابخانه کهنه در کتابخانه

● عنوان کتاب

● کتابخانه کهنه در کتابخانه

● عنوان کتاب

● کتابخانه کهنه در کتابخانه

● کتابخانه کهنه در کتابخانه

● کتابخانه کهنه در کتابخانه

● کتابخانه کهنه در کتابخانه



۵۲

تابستان ۱۳۸۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# میقات حج

نویسنده:

نادر سلیمانی بزچلوئی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	میقات حج-جلد ۵۲
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	اسرار و معارف حج
۱۲	حج در آینه ادب عرفانی
۳۱	تاریخ و رجال
۳۲	دانشمندان و کتاب‌های شیعه در مکه مکرمه (در قرن یازدهم هجری قمری)
۶۱	نمونه‌هایی از غم‌ها و شادی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۳	اماکن و آثار
۸۴	نام‌های ارکان کعبه (۲) کتب تاریخ مکه
۱۰۴	حج در آینه ادب فارسی
۱۰۵	حج‌نامه انزاب
۱۱۷	حکایت دو بیت بر دیواره بیت النبی صلی الله علیه و آله
۱۲۵	جاریه‌های حج
۱۲۶	نظرسنجی از زائران و مدیران کاروان‌های حج تمتع
۱۵۳	گفتگو
۱۵۴	ویژگی‌های حج ۸۳ در گفتگو با امیر الحاج
۱۷۲	خاطرات
۱۷۳	سفر حج مرحوم آیت‌الله محمد یزدی اصفهانی
۱۷۸	گزارش سفر اولیا چلبی به حرمین شریفین
۲۰۶	از نگاهی دیگر
۲۰۷	حج‌گزاری در ترکیه

۲۳۰ ..... اخبار حج

۲۳۱ ..... چند خبر از سرزمین وحی

۲۳۸ ..... درباره مرکز

## میقات حج-جلد ۵۲

## مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمانی، نادر، - ۱۳۳۹  
 عنوان و نام پدید آور : میقات حج / نویسنده نادر سلیمانی بزچلوئی  
 مشخصات نشر : تهران: نادر سلیمانی بزچلوئی، ۱۳۸۰.  
 مشخصات ظاهری : ص ۱۸۴  
 شابک : ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۷-۵۴۵۰۰-۵۴۵۰۰ ریا  
 یادداشت : عنوان دیگر: میقات حج (خاطرات حج).  
 یادداشت : عنوان روی جلد: خاطرات حج.  
 عنوان روی جلد : خاطرات حج.  
 عنوان دیگر : میقات حج (خاطرات حج).  
 عنوان دیگر : خاطرات حج  
 موضوع : حج -- خاطرات  
 موضوع : سلیمانی، نادر، ۱۳۳۹ - -- خاطرات  
 رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/س۹م۱۵ ۱۳۸۰  
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷  
 شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۲۵۲۴  
 ص: ۱

## اشاره











## اسرار و معارف حج

## حج در آینه ادب عرفانی

ص: ۶

محمد شجاعی

از آثار گران‌سنگ عرفانی به زبان فارسی، کتاب «کشف المحجوب» است. نگارنده پس از گشت و گذاری کوتاه در لابه‌لای برگ‌برگ این کتاب ارزشمند، گلوآژه‌های عطرآگین حج را یافته و مقاله خود را به آن آراسته است. «هجویری»، نگارنده کتاب، از عارفان و نویسندگان برجسته قرن پنجم هجری بوده و نام کامل او ابوالحسن، علی بن عثمان بن ابی‌علی الجلبابی الهجویری الغزنوی است.

وی معاصر دو تن از عرفای نامدار همان قرن، به نام‌های شیخ ابوسعید ابوالخیر (۳۵۷-۴۴۰) و ابوالقاسم قشیری (۳۷۶-۴۶۵) است. تاریخ ولادت او معلوم نیست لیکن وفاتش چند ماه پس از وفات ابوالقاسم قشیری (۴۶۵) بوده است. وی در اواخر قرن چهارم هجری در شهر غزنه به دنیا آمد. کودکی و نوجوانی خود را در جلاب و هجویر که از محله‌های غزنه است سپری کرد. او به بسیاری از کشورها؛ از جمله عراق، شام، آذربایجان، خراسان، ماوراءالنهر، ترکستان و هند سفر کرد و سرانجام به امر پیر و مراد خود، در شهر لاهور، که اکنون از ایالات پنجاب پاکستان است، اقامت گزید. او هشت سال پایانی عمر خود را در این سرزمین گذراند و با سلاح عشق و ایمان، مردم را با معارف روحبخش اسلام آشنا کرد و بذریعۀ محبت را در دل‌های آنان پاشید؛ به گونه‌ای که پس از قرن‌ها، هنوز مردم این خطه به او ارادت می‌ورزند و به

ص: ۷

زیارت مرقدش می‌روند و از روح پاکش مدد می‌جویند و او را «داتا (۱) گنج‌بخش» می‌خوانند.

وی در این مدت (۴۳۵-۴۴۲) به تألیف اثری نفیس و گرانبها مبادرت ورزید و آن را «کشف‌المحجوب» نام نهاد. این اثر، یکی از امّهات و ارکان کتب تصوّف و عرفان محسوب می‌شود. وی در تألیف این اثر، از کتاب‌های برجسته‌ای که در این زمینه و به عربی نوشته شده بود، استفاده کرد. (۲) در اهمیت اثر او همین بس که عرفای پس از وی، از این کتاب بهره برده و تأثیر زیادی پذیرفته‌اند. (۳) هجویری در مقدمه کتاب کشف‌المحجوب، هدفش از تألیف کتاب را بیان می‌کند، سپس در طی چهارده باب، به اثبات فضیلت علم، فقر و تصوّف می‌پردازد، آنگاه با ذکر داستان‌هایی از خلفای سه گانه و ائمه اهل بیت تا امام جعفر صادق علیه السلام، حالات عرفانی آنان را بیان می‌کند و در ادامه به شناساندن اهل صُفّه و تابعین و اتباع تابعین تا عرفای زمان خود می‌پردازد. در این باب‌ها، فرقه‌های اهل تصوّف را نیز بررسی کرده و به بیان مذاهب، مقامات، حکایات و سخنان آن‌ها می‌پردازد.

وی سپس به شرح یازده حجاب و مانع، که میان بنده و پروردگار حایل می‌شود، پرداخته و راه‌های کشف و برطرف کردن آن‌ها را شرح می‌دهد. از این رو، بعضی این کتاب را «کشف حُجُبِ المَحْجُوبِ لِأَرْبابِ القُلُوبِ» نامیده‌اند. در کشف حجاب هشتم می‌گوید یکی از حجاب‌ها و موانعی که میان آفریده و آفریدگار وجود دارد، به وسیله برگزاری اعمال حج برطرف می‌گردد و بر این باور است که حج از واجبات عینی بوده و با شرایطی واجب می‌شود و می‌نویسد: حج، از احرام در میقات آغاز می‌گردد و با اعمال منا و پس از آن خاتمه می‌یابد.

هجویری علت نامگذاری حرم را وجود مقام ابراهیم در آن می‌داند و معتقد است که حضرت ابراهیم دو مقام دارد؛ یکی مقام «تن» و دیگر مقام «دل». مقام تن، «مکه» است و مقام دل، «خُلّت». (۴) مقام تن اعمال ظاهری حج است که ابتدا باید محرم شود و کفن (لباس احرام) بپوشد و اعمال را به ترتیب انجام دهد تا حاجی شود و مقام دل، باطن حج است و کسی که قصد مقام دل می‌کند، باید از دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌ها دوری کند و از لذّت‌ها و راحتی‌ها چشم‌پوشد و جز نام خدا بر زبان نیاورد و هرچه غیر اوست، بر خود حرام کند و بداند کوچکترین توجه به عالم ماده، خطرناک است. آنگاه به عرفات برود و خدای را بشناسد و به

۱- داتا به معنای مربّی است.

۲- کتاب اللّمع، تألیف ابونصر السراج ملقّب به طاووس العلماء متوفای ۳۷۸ و کتاب «طبقات الصوفیه»، تألیف ابو عبدالرحمان سلمی نیشابوری متوفای ۴۱۳ و کتاب «الرساله» تألیف ابوالقاسم قشیری متوفای ۴۶۵.

۳- اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، تألیف محمد بن منور تاریخ تألیف ۵۷۶ و «تذکره الاولیاء»، تألیف فریدالدین عطار نیشابوری متوفای ۶۲۷ و «نفّهات الانس» تألیف عبدالرحمان جامی، از شعرا و نویسندگان قرن نهم هجری.

۴- اشاره به آیه ۱۲۵ سوره نساء: ... وَ اتَّخَذَ اللَّهُ اِبْرَاهِيمَ خَلِيْلًا ...؛ «خداوند، ابراهیم را به دوستی خود برگزید.»

ص: ۸

او معرفت پیدا کند و سپس به مزدلفه برود و الفت و دوستی خدای را برگزیند و آفریدگار را در دل، از هر صفت بشری بری و پاک بداند و از هر وهم و فهم و گمان منزّه بشمارد. آنگاه در سرزمین منا، که ایمن گاه تن و اندیشه و دل است، به طرف هواهای نفسانی و اندیشه‌های باطل و خطورات باطلی که بر دل می‌گذرد، سنگ بیندازد، سپس به قربانگاه رود و در آنجا، که سرزمین مبارزه با هوای نفس و مجاهده جهت تقرّب به خداست، نفس را قربان کند. تا پس از طی این مراحل، به مقام «خُلّت» و دوستی پروردگار برسد و کسی که به مقام تن ابراهیم، که همان مکه و حرم الهی است، داخل شود، تن او در امان است و از دشمن و شمشیر آنها نمی‌ترسد و کسی که به مقام دل ابراهیم وارد شود، از هجران پروردگار و فراق یار و ... در امان می‌ماند.

هجویری سپس با استناد به حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حاجی را میهمان خدا می‌داند که هرچه از خدا بخواهد به او می‌دهد، اما وی معتقد است که این طایفه (عرفا) از خداوند چیزی نمی‌خواهند بلکه خود را به او واگذار می‌کنند و تسلیم خواسته او می‌شوند. وی برای تأیید این مطلب، به داستان در آتش افکندن حضرت ابراهیم اشاره می‌کند که جبرئیل به او پیشنهاد کرد تا یاری‌اش کند اما او نپذیرفت!

ص: ۹

جبرئیل گفت: از پروردگار بخواه تا یاری‌ات کند.

ابراهیم گفت: «حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي»؛ «به درخواست، نیازی نیست؛ چون او حال مرا می‌داند.»

هجویری سپس سخنش را با کلامی از محمد بن فضل بلخی (متوفای ۳۱۹) چنین ادامه می‌دهد: «تعجب می‌کنم از کسی که در دنیا خانه خدا را می‌طلبد ولی در دل به مشاهده جمال حق نمی‌پردازد؛ زیرا دیدن خانه، گاه میسر است و گاهی میسر نیست، ولی مشاهده جمال الهی بی‌شکر میسر است و اگر زیارت سنگی که در سال یک بار به او روی می‌آورند واجب است، دلی که روزی ۳۶۰ (۱) نظر به او می‌شود، زیارتش سزاوار است.

هجویری در ادامه می‌گوید:

کسانی که به دنبال حقیقت هستند، در هر قدمی که برای مکه بر می‌دارند، نشانی از او می‌یابند و زمانی که به مکه می‌رسند مزد آن را دریافت می‌کنند.

و بایزید بسطامی می‌گوید:

ثواب مجاهدت بی‌درنگ حاصل می‌شود.

همو گوید: من در سفر اول حج، فقط خانه دیدم و در سفر دوم خانه و خدا دیدم و در سفر سوم فقط خدا دیدم. هجویری سپس می‌گوید: حرم جایی است که مشاهده جمال الهی در آن صورت پذیرد و کسی عاشق است که کل عالم را میعاد قرب و خلوتگاه انس بداند و بنده‌ای که می‌خواهد خدا را ببیند، برای او همه عالم حرم است و اگر قصدش دیدن خدا نیست حرم برای او تاریک‌ترین مکانهاست و گفته‌اند تاریک‌ترین مکانها خانه دوستی است که وی در آن نباشد.

و برای وصول به این مقصود و دیدن روی دوست، کعبه سبب است و به هر وسیله‌ای که شده باید به آن چنگ زد تا مشاهده جمال ربوبی از این راه حاصل شود.

آری، مقصود مردان از پیمودن بیابان‌ها و بادیه‌ها، دیدن حرم نیست بلکه مجاهده‌ای است جهت آن شوق بی‌قرار و محبت بی‌شمار. صاحب کتاب کشف المحجوب، در ادامه، به ذکر داستانی از جنید می‌پردازد که بسیار شبیه به داستان شبلی است، که در کتاب مستدرک الوسائل به طور مبسوط نقل شده (۲) و

۱- نجم رازی ملقب به «دایه» متوفای ۶۵۴ در کتاب «مرصاد العباد» که یکی از کتب عرفانی مشهور است، در توضیح عدد ۳۶۰ چنین می‌گوید:

همچنین چهل هزار سال قالب آدم میان مکه و طائف افتاده بود و هر لحظه از خزاین مکنون غیب، گوهری دیگر لطیف و جوهری دیگر شریف، در نهاد او تعبیه می‌کردند تا هرچه از نفایس خزاین غیب بود، جمله در آب و گل آدم دفین کردند. چون نوبت به دل رسید، گل دل را از ملاط بهشت بیاوردند و به آب حیات ابدی بسرشتند و به آفتاب سیصد و شصت نظر پیروردند. این لطیفه بشنو که عدد سیصد و شصت از کجا بود؟ از آنجا که چهل هزار سال بود تا آن گل در تخمیر بود. چهل هزار سال، سیصد و شصت هزار اربعین باشد، به هر هزار اربعین که بر می‌آورد، مستحق یک نظر می‌شد، چون سیصد و شصت هزار اربعین برآورد مستحق سیصد و شصت نظر گشت.

مرصاد العباد، به اهتمام دکتر محمد امین ریاحی، ص ۷۴

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۷





ص: ۱۰

ناصر خسرو آن را به نظم در آورده است.

حاجیان آمدند با تعظیم شاکر از رحمت خدای رحیم ...

وی سپس به بیان چهار بیت شعر عربی می‌پردازد که ترجمه آن چنین است:

روزی که حاجیان از منا به مکه کوچ می‌کنند و شتران سرخ موی به حرکت در می‌آیند و خُردی‌خوانان، با نغمه و آهنگ خود،

شتران را به شتاب وا می‌دارند، از محبوب خود می‌پرسم آیا می‌دانی که کجا باید رحل اقامت افکند؟

من حج و مناسک و عمره‌ام را تباه کرده‌ام و با مشغله‌ای که برایم پیش آمده، از حج بازمانده‌ام، باید به خانه برگردم و خود را برای

حج سال آینده آماده کنم که این حج پذیرفته نشده است.

سپس داستان جوانی را ذکر می‌کند که در سرزمین عرفات، ابتدا حال دعا را از دست داده بود و پس از چندی، تا می‌خواست دعا

کند نعره‌ای کشید و روح از تنش جدا شد.

مقصود مردان از پیمودن بیابان‌ها و بادیه‌ها، دیدن حرم نیست بلکه مجاهده‌ای است جهت آن شوق بی‌قرار و محبت بی‌شمار.

و جوان دیگری در سرزمین منای قربانی نکرده بود و می‌گفت: بار خدایا! من می‌خواهم نفس خود را قربان کنم، آنگاه با انگشت به

گلو اشاره کرد و از دنیا رفت.

وی سپس حج را به حج غیبت و حضور تقسیم می‌کند و می‌گوید: کسی که در مکه باشد و خدا را نبیند، با زمانی که در خانه

نشسته، فرق نمی‌کند و هیچ یک از این غیبت‌ها بر دیگری فضیلتی ندارد و کسی که در خانه خود خدا را حاضر می‌بیند با آن که در

مکه در محضر پروردگار است، فرقی ندارد و حج مجاهده‌ای است تا انسان به مشاهده برسد.

کشف الحجاب الثامن فی الحجّ، قوله تعالی: ... وَ لِلّٰهِ عَلٰی النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا ... و از فرایض اعیان (۱) یکی حج

است بر بنده، اندر حال صحت عقل و بلوغ و اسلام و حصول استطاعت و آن حُرْم (۲) بود به میقات و وقوف اندر عرفات و طواف

زیارت به

۱- واجبات عینی.

۲- احرام بستن.

ص: ۱۱

اجماع (۱) و به اختلاف سعی میان صفا و مروه (۲) و بی‌حرم اندر حرم نشاید شد و حرم را بدان حرم خوانند که (کی) اندرو مقام ابراهیم است و محل امن. پس ابراهیم را (عم) دو مقام بوده است؛ یکی مقام تن و دیگر از آن دل. مقام تن مکه و مقام دل خلت، هر که قصد مقام تن وی کند، از همه شهوات و لذات اعراض باید کرد تا محرم بود و کفن اندر پوشید و دست از صید حلال برداشت و جمله حواس را اندر بند کرد و به عرفات حاضر شد و از آنجا به مزدلفه و مشعرالحرام شد و سنگ بر گرفت و به مکه، کعبه را طواف کرد و به منا آمد و آنجا سه روز بود و سنگ‌ها به شرط بینداخت (۳) و آنجا موی باز کرد (۴) و قربان کرد و جامه‌ها در پوشید (۵) تا حاجی بود.

و باز چون کسی قصد مقام دل وی کند، از مألوفات اعراض باید کرد و به ترک لذات و راحت بیاید گفت و از ذکر غیر محرم شد و از آنجا التفات به کون مخطور باشد (۶)، آنگاه به عرفات معرفت قیام کرد و از آنجا قصد مزدلفه الفت کرد و از آنجا سیر (۷) را به طواف حرام تنزیه (۸) حق فرستاد و سنگ هواها و خواطر (۹) فاسد را به منای امان بینداخت و نفس را اندر منحرگاه (۱۰) مجاهدت قربان کرد تا به مقام خلت رسد (۱۱) پس دخول آن مقام امان باشد از دشمن و شمشیر ایشان و دخول این مقام امان بود از قطیعت (۱۲) و اخوات (۱۳) آن و رسول (صلعم) گفت:

«الْحَاجُّ وَفِدَالِ اللَّهِ، يُعْطِيهِمْ مَا سَأَلُوا وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ مَا دَعَوْا»؛ «حاج وفد (۱۴) خداوند باشند، بدهدشان آنچه خواهند و اجابت کند بدانچه خوانند و دعا کنند»؛ و این گروه، (۱۵) دیگر نه بخواهند و نه دعا کنند، فاما تسلیم کنند، چنانکه ابراهیم (عم) کرد، إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ قَالَ أَسَلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ چون ابراهیم (عم) به مقام خلت رسید، از علایق (۱۶) فرد شد و دل از غیر بگسست، حق تعالی خواست تا وی را بر سر خلق جلوه کند، نمرود را برگماشت تا میان وی و از آن مادر و پدرش جدا افکند و آتشی برافروخت، ابلیس بیامد و منجیق بساخت، وی را در خام گاو دوختند و اندر پله منجیق نهادند. جبرئیل بیامد و پله منجیق بگرفت و گفت: «هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟» (۱۷) ابراهیم (عم) گفت: «أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا» (۱۸) سپس گفت: به خدای عزوجل - هم حاجتی نداری؟ گفت: «حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي» (۱۹) مرا آن پسندیده باشد که او می‌داند که مرا از برای او در آتش اندازد، علم او به من زبان مرا از سؤال منقطع گردانیده است. (۲۰) و محمد بن فضل گوید (رح): عجب از آن دارم که اندر دنیا خانه وی طلبد، چرا اندر دل مشاهدت وی نطلبد که خانه را باشد که یابد و شاید که نیابد و مشاهدت لا محاله یابد.

۱- موافق رأی همه فرقه‌های اسلامی.

۲- سعی بین صفا و مروه را برخی از فرقه‌های اهل سنت از واجبات و بعضی از ارکان می‌دانند.

۳- همان‌گونه که شرط شده است.

۴- موی چیدن تقصیر یا تراشیدن مو حلق.

۵- لباس‌های احرام را بیرون آورد و لباس‌های معمولی را پوشید.

۶- توجه به دنیا خطرناک است.

۷- دل و باطن.

۸- پاک دانستن پروردگار.

۹- آنچه در ذهن انسان خطور می‌کند.

۱۰- قربانگاه.

- ۱۱- دوستی با پروردگار.
- ۱۲- جدایی از پروردگار.
- ۱۳- کشف المحجوب، ص ۴۲۳
- ۱۴- میهمان.
- ۱۵- طایفه عرفا.
- ۱۶- علاقه و تعلق به دنیا.
- ۱۷- آیا حاجتی داری؟
- ۱۸- اما از تو، نه.
- ۱۹- دیگر سؤالی ندارم چون او حال مرا می‌داند.
- ۲۰- هجویری، کشف المحجوب، به تصحیح ژو کوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، ص ۴۲۳

ص: ۱۲

اگر زیارت سنگی کی اندر سالی بدو نظری باشد، فریضه بود دلی که بدو روزی سیصد و شصت نظر باشد، به زیارت او اولیتر، اما اهل تحقیق را اندر هر قدم از راه مکه نشانی است و چون به حرم رسند، از هر یکی خلعتی یابند. و ابو یزید گوید (رض): هر که را ثواب عبادت به فردا افتد، خود امروز وی عبادت نکرده بود، که ثواب هر نفسی از مجاهدت حاصل است اندر حال و همو گوید (رح): نخستین حج من به جز از خانه، هیچ چیز ندیدم و دوم بار خانه و خداوند خانه دیدم و سه دیگر بار همه خداوند خانه دیدم و هیچ خانه ندیدم و در جمله حرم آنجا بود که مشاهدت تعظیم بود و آن را که کل عالم میعاد قرب و خلوتگاه انس نباشد، وی را از دوستی هنوز خبر نبود و چون بنده مکاشف بود، عالم جمله حرم وی باشند و چون محجوب بود، حرم وی را اظلم عالم بود؛ «أَظْلَمُ الْأَشْيَاءِ دَارُ الْحَبِيبِ بِلَا حَبِيبٍ»، پس قیمت مشاهدت رضاست اندر محلّ خلت که خداوند سبب آن را دیدار کعبه گردانیده است نه قیمت کعبه راست، اما مسبب را به هر سبب تعلق می‌باید کرد تا عنایت حق تعالی از کدام کمین گاه روی نماید و از کجا پیدا شود و مراد طالب از کجا روی نماید. پس مراد مردان اندر قطع مفازات و بوادی نه حرم بوده است که دوست را رؤیت حرم حرام بود که مراد مجاهدتی بوده است اندر شوقی مقلقل و یا روزگاری اندر محنتی دایم.

یکی به نزدیک جنید (رض) آمد، وی را گفت از کجا می‌آیی؟

گفت: به حج بودم.

گفت: حج کردی؟

گفت: بلی.

گفت: از ابتدا که از خانه برفتی و از وطن رحلت کردی، از همه معاصی رحلت کردی؟

گفتا: نی.

گفت: پس رحلت نکردی.

گفت: چون از خانه برفتی و اندر هر منزلی هر شب مقام کردی، مقامی از طریق حق اندران مقام قطع کردی؟

گفت: نی.

گفت: پس منزل نسپردی. گفت: چون محرم شدی به میقات از صفات بشریت جدا شدی چنانکه از جامه؟

ص: ۱۳

گفتا: نی.

گفت: پس محرم نشدی. گفت: چون به عرفات واقف شدی، اندر کشف مشاهدت وقف پدیدار آمد؟

گفتا: نی.

گفت: پس به عرفات نایستادی. گفت: چون به مزدلفه شدی و مرادت حاصل شد، همه مرادها را ترک کردی؟

گفتا: نی.

گفت: پس به مزدلفه نشدی. گفت: چون طواف کردی خانه سر را اندر محلّ تنزیه لطایف حضرت، جمال حقّ دیدی؟

گفتا: نه.

گفت: پس طواف نکردی. گفت: چون سعی کردی میان صفا و مروه، مقام صفا و درجه مرّوت ادراک کردی؟

گفتا: نی.

گفت: هنوز سعی نکردی. گفت: چون به منا آمدی میت‌های تو از تو ساقط شد؟

گفتا: نه.

گفت هنوز به منا نرفتی. گفت: چون به منحرگاه قربان کردی، همه خواست‌های نفس را قربان کردی؟

گفتا: نی.

گفت پس قربانی نکردی.

گفت: چون سنگ انداختی هرچه با تو صحبت کرد، از معانی نفسانی، همه بینداختی؟

گفتا: نه.

گفت: پس هنوز سنگ نینداختی و حجّ نکردی، بازگرد و بدین صفت حجّی بکن تا به مقام ابراهیم برسی!

شنیدم کی یکی از بزرگان در مقابله کعبه نشسته بود و می‌گریست و این ابیات می‌گفت:

وَ أَصْحَبْتُ يَوْمَ النَّفْرِ وَالْعَيْسُ تَرَحَّلَ وَ كَانَ حَدَى الْحَادِي بِنَا وَ هُوَ مُعْجَل

ص: ۱۴

أَسَائِلُ عَنْ سُلَمَى فَهَلْ مِنْ مُخَبَّرٍ بِأَنَّ لَهُ عِلْمًا بِهَا أَيْنَ تَنْزَلُ  
لَقَدْ أَفْسَدْتُ حَجِّي وَنُسَكِي وَعُمْرَتِي وَفِي الْبَيْنِ لِي شُغْلٌ عَنِ الْحَجِّ مَشْغَلٌ  
سَأَرْجِعُ مِنْ عَامِي لِحِجَّةٍ قَابِلٍ فَإِنَّ الَّذِي قَدْ كَانَ لَا يَتَقَبَّلُ

فضیل بن عیاض (۱) گوید (رح): جوانی دیدم اندر موقف، خاموش استاده و سر فرو افکنده، همه خلق اندر دعا بودند و وی خاموش می بود. گفتم: ای جوان، تو نیز چرا دعایی نکنی؟

گفت: مرا وحشتی افتاده است، وقتی که داشتم از من فوت شد، هیچ روی دعا کردنم ندارد.

گفتم: دعا کن تا خدای تعالی به برکت این جمع تو را به سر مراد تو رساند. گفت: خواست که دست بردارد و دعا کند، نعره‌ای از وی جدا شد و جان با آن نعره از وی جدا شد.

ذوالنون مصری گوید (رح): که جوانی به مناساکن نشست و همه خلق به قربان‌ها مشغول، من اندر وی نگاه کردم تا چه کند و کیست. گفت: بار خدایا! همه خلق به قربان‌ها مشغول‌اند و من می‌خواهم تا نفس خود را قربان کنم اندر حضرت تو، از من بپذیر.

این بگفت و با انگشت سبابه به گلو اشارت کرد و بیفتاد، چون نیکو نگاه کردم مرده بود!

پس حج‌ها بر دو گونه بود؛ یکی اندر غیبت و دیگر اندر حضور. آنکه اندر مکه در غیبت باشد، چنان بود که اندر خانه خود، از آنک غیبتی از غیبتی اولتر نیست و آنک اندر خانه خود حاضر بود، چنان بود که به مکه حاضر بود، از آنک حضرتی از حضرتی اولتر نیست. پس حج مجاهدتی مر کشف مشاهدت را بود و مجاهدت علت مشاهدت نی، بل که

۱- فضیل عیاض، ابتدا جزو راهزنان عیار بود که داستان‌های جوانمردی و فتوت او در راهزنی مشهور است. او با شنیدن آیه‌ای از قرآن متنبه و متحول گردید و از آن شغل توبه کرد و خصمان را نامه نوشت و خشنودشان گردانید و به مکه رفت و مدتی آنجا بود. هارون الرشید در سفرش به مکه به فضل بن ربیع می‌گوید: آیا اینجا مردی هست از مردان خدای تعالی تا او را زیارت کنیم؟ فضل می‌گوید: آری و سپس هارون را به دیدار عبد الرزاق صنعانی و سفیان بن عیینه و فضیل بن عیاض می‌برد. هارون هر سه را تحت عنوان پرداخت قرض، با پول می‌آزماید و تنها فضیل پول او را نمی‌پذیرد و از این آزمایش سربلند بیرون می‌آید. تفصیل داستان در کتاب کشف المحجوب صفحه‌های ۱۲۰ تا ۱۲۲ آمده است.

ص: ۱۵

سبب است و سبب را اندر معانی تأثیری بیشتر نبود. پس مقصود حجّ نه دیدن خانه بود که مقصود کشف مشاهدت باشد. هجویری، علاوه بر آنکه بخشی از کتاب کشف المحجوب را به حج اختصاص داده، در باب‌های دهم، یازدهم و دوازدهم که به معرفی تابعین و اتباع و امامان می‌پردازد، به مناسبت داستان‌هایی از آن‌ها که مربوط به مکه است، نقل می‌کند و برخی از آنان را نیز که به حج مشرف شده‌اند و یا مجاور خانه خدا گردیده‌اند، مانند اویس قرنی، سعید بن مسیب، عبدالله مبارک، فضیل عیاض، بایزید بسطامی، محمد بن اسماعیل خیرالنساج، محمد بن خفیف، ابوعثمان مغربی، ابراهیم خواص، بوطالب حرمی و محمد بن فضل بلخی را نام می‌برد، که برای نمونه به حکایت محمد بن فضل بلخی و بایزید بسطامی اشاره می‌شود:

محمد بن فضل بلخی

محمد بن الفضل البلخی رضی الله عنه از جله مشایخ بود و پسندیده عراق و خراسان بود، مرید احمد بن خضروه بود و ابوعثمان حیری را به وی میلی عظیم بود. وی را از بلخ بیرون کردند متعصبان از برای عشوّه مذهب وی به سمرقند شد و عمر آنجا گذاشت. از وی می‌آید که گفت: «أَعْرَفُ النَّاسِ بِاللَّهِ أَشَدُّهُمْ مُجَاهِدَةً فِي أَمْرِهِ وَأَتْبَعُهُمْ لِسُنَّةِ نَبِيِّهِ»؛ یعنی بزرگ‌ترین اهل معرفت، مجتهدترین ایشان باشد اندر ادای شریعت و با رغبت‌ترین اندر حفظ سنت و متابعت و هر که به حق نزدیک‌تر بود، بر او امرش حریص‌تر بود و هر که از وی دورتر بود از متابعت رسولش دورتر بود و معرض‌تر.

از وی می‌آید که گفت: «عَجِبْتُ مِمَّنْ يَقْطَعُ الْبُؤَادِي وَالْقِفَارَ وَالْمَفَاوِزَ حَتَّى يَصِلَ إِلَى بَيْتِهِ وَحَرَمِهِ لِأَنَّ فِيهِ آثَارَ أَنْبِيَائِهِ كَيْفَ لَا يَقْطَعُ نَفْسَهُ وَهَوَاهُ حَتَّى يَصِلَ إِلَى قَلْبِهِ لِأَنَّ فِيهِ آثَارَ مَوْلَاهُ»، عجب دارم از آن که بادیه‌ها و بیابان‌ها ببرد تا به خانه وی رسد که اندر او آثار انبیای وی است، چرا بادیه نفس و دریای هوا را ببرد تا به دل خود رسد که اندر او آثار مولای وی است یعنی دل که محل معرفت است بزرگوارتر از کعبه که قبله خدمت است. کعبه آن بود که پیوسته نظر بنده بدو بود و دل آن که پیوسته نظر حق بدو بود، آنجا که دل دوست من آنجا، آنجا که حکم وی مراد من آنجا، و آنجا که اثر انبیای من، قبله دوستان من آنجا.

والله اعلم. (۱)

ص: ۱۶

بایزید بسطامی

فُلک معرفت و مُلک محبت ابویزید طیفور بن عیسی البسطامی (رض) از جُله مشایخ بود و حالش اکبر جمله بود و شأنش اعظم ایشان بود، تا حدی که جُنید گفت (رح): «أبو یزید منّا بمنزله جبرئیل من الملائکة»؛ «ابو یزید اندر میان ما چون جبرئیل است از ملائکه» و جدّ او مجوسی بوده و از بزرگان بسطام، یکی پدر او بود و او را روایات عالی است اندر احادیث پیغمبر (عم) و از این ده امام معروف مر تصوّف را، یکی وی بوده است و هیچ کس را پیش از وی اندر حقایق این علم چندان استنباط نبوده است که وی را، و اندر همه احوال محبّ العلم و معظّم الشریعه بوده است، به حکم آن که گویند گروهی مر مدد الحاد خود را، موضوعی بر وی بندند ...

و از وی می آید (رض) که گفت: یک بار به مکه شدم، خانه مفرد دیدم، گفتم حج مقبول نیست که من سنگ‌ها از این جنس بسیار دیده‌ام. بار دیگر برفتم، خانه دیدم و خداوند خانه دیدم. گفتم که هنوز حقیقت توحید نیست، بار سه دیگر برفتم، همه خداوند خانه دیدم و خانه نه، به سرّم فروخواندند: یا بایزید اگر خود را ندیده‌ای و همه عالم را بدیده‌ای، مشرک نبودی و چون همه عالم نبینی و خود را بینی مشرک باشی. آنگاه توبه کردم و از دیدن هستی خود نیز توبه کردم و این حکایتی لطیف است اندر صحّت حال وی و نشانی خوب مر ارباب احوال را واللّه اعلم. (۱) هجویری در این کتاب حکایتی از ابوطالب خزّمی نقل می کند که بیانگر احترام ویژه عرفا به این سرزمین پاک و مقدس است. وی می گوید:

«بوطالب حرّمی چهل سال به مکه مجاور بود، اندر مکه طهارت نکرد، هر بار از مکه، به طهارت، از حدّ حرم بیرون آمدی، گفتمی زمینی را که خداوند تعالی به خود اضافت کرده است، من کراهیت دارم که آب مستعمل من، بر آن بریزد.» (۲) هجویری در حکایت دیگری آورده است:

«یکی از مشایخ گوید (رح): درویشی به مکه اندر آمد و اندر مشاهده خانه یک سال نشست که نه طعام خورد و نه شراب و نه بخفت و نه به طهارت شد، از اجتماع همّتش

۱- کشف المحجوب، صص ۱۳۲ و ۱۳۴

۲- کشف المحجوب، ص ۳۷۶



ص: ۱۷

به رؤیت خانه که خداوند آن را به خود اضافه کرده است، غذای تن و مشرب جانش گشته بود».

عرفا این حالت را «جمع» نامیده‌اند. (۱) با آن که حج نزد عارفان جایگاه ویژه‌ای داشته است، پاره‌ای از مسائل؛ از جمله رعایت حق مادر سبب می‌شده که حج در اولویت دوم قرار گیرد؛ مثلاً درباره ابو حازم مدنی، که مقتدای بعضی از مشایخ بود و عمرو بن عثمان از وی روایت می‌کند، آورده‌اند که:

«یکی از مشایخ گوید: به نزدیک وی اندر آمدم، وی را یافتم خفته، زمانی بودم تا بیدار شد، گفت: اندر این ساعت پیغمبر را به خواب دیدم که مرا به سوی تو پیغام داد و گفت:

حق مادر نگاه داشتن بهتر از حج کردن، باز گرد و رضای دل وی بجوی. من از آنجا باز گشتم و به مکه نرفتم. از وی بیش از این مسموع ندارم.» (۲) بزرگ‌ترین اهل معرفت، مجتهدترین ایشان باشد اندر ادای شریعت و با رغبت‌ترین اندر حفظ سنت و متابعت و هر که به حق نزدیک‌تر بود، بر او امرش حریص‌تر بود و هر که از وی دورتر بود از متابعت رسولش دورتر بود و معرض‌تر.

گاهی عرفا بدون آن که چهارپایی همراه داشته باشند و یا زاد و توشه‌ای با خود بردارند، به سفر حج دست می‌زدند و آن را نشانه «توکل» می‌دانستند. آنان در این سفر، تنها و تنها اعتماد و اتکایشان به خدا بود و حتی همنشینی با «خضر» را نمی‌پذیرفتند و آن را اتکای به غیر خدا و خلاف توکل می‌دانستند. کشف المحجوب درباره «ابراهیم خواص» که اندر توکل شأنی عظیم و منزلتی رفیع داشت، چنین آورده است:

«ابراهیم خواص را پرسیدند از حقیقت ایمان، گفت: اکنون این را جواب ندارم، از آنچه هر چه گویم عبارت بود و مرا باید تا به معاملت جواب گویم. اما من قصد مکه دارم و تو نیز بر این عزمی. اندر این راه با من صحبت کن تا جواب مسأله خود بیابی. گفتا: چنان کردم، چون به بادیه فرو رفتم هر شب دو قرص و دو شربت آب پدید آمدی؛ یکی به من

۱- کشف المحجوب، ص ۳۳۳

۲- کشف المحجوب، ص ۱۱۱

ص: ۱۸

دادی و یکی بخوردی، تا روزی اندر میان بادیه، پیری همی آمد سواره، چون وی را بدید، از اسب فرو آمد و یکدیگر را پرسیدند و زمانی سخن گفتند. پیر برنشست و باز گشت. گفتم: ایها الشیخ، مرا بگوی تا آن پیر که بود؟ گفت: آن، جواب سؤال تو بود. گفتم: چگونه؟ گفت: آن خضر پیغمبر بود (عم) که از من صحبت طلبید و من اجابت نکردم که بترسیدم اندر آن صحبت، اعتماد از دون حق با وی کنم. توکل مرا بیشولاند [توکل من تباه شود] و حقیقت ایمان، حفظ توکل باشد با خداوند عز و جل، قوله تعالی، وَ عَلَى اللَّهِ فِتْوَاكُلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (۱)

عرفا در سفر حج، از خدمت به زائران خانه خدا لحظه‌ای کوتاهی نمی‌کردند و آن را وظیفه خود می‌دانستند. چنان‌که ابراهیم خواص در سفر مکه از چاه آب می‌کشید و هیزم جمع می‌کرد و آتش می‌افروخت و حتی در شبی بارانی تا بامداد، لباس وصله‌دار خود را بر سر همسفر خود گرفت تا وی آسیب نبیند. وی این خدمتگزاری را همراه با ظرافت و لطافت خاصی انجام می‌داد تا همسفر وی مجبور به پذیرش آن باشد و احساس شرمندگی نکند.

کشف المحجوب این داستان را این‌گونه آورده است:

«یکی گوید از درویشان که وقتی از کوفه برفتم به قصد مکه، ابراهیم خواص را یافتم رضی الله عنه در راه از وی صحبت خواستم، مرا گفت: صحبت را امیری باید یا فرمان‌برداری. چه خواهی؟ امیر تو باشی یا من؟ گفتم: امیر تو باش. گفت: هلا، تو از فرمان امیر بیرون می‌ای.

گفتم: روا باشد. (گفت) چون به منزل رسیدیم مرا گفت: بنشین. چنان کردم. وی آب از چاه برکشید، سرد بود. هیزم فراهم آورد، آتش برافروخت اندر زیر میلی [و مرا گرم کرد] و به هر کار که من قصد کردی، گفتمی شرط فرمان نگاه‌دار. چون شب اندر آمد، بارانی عظیم اندر گرفت، وی مرقعه خود بیرون کرد و تا بامداد بر سر من ایستاده بود و مرقعه بر دو دست افکنده و من شرمنده می‌بودم، به حکم شرط هیچ نتوانستم گفت. چون بامداد شد، گفتم: ایها الشیخ، امروز امیر، من باشم. گفت: صواب آید. چون به منزل رسیدیم، وی همان خدمت بر دست گرفت. من گفتم: از فرمان امیر بیرون می‌ای. مرا گفت: از فرمان کسی بیرون آید که امیر را خدمت خود فرماید. تا به مکه هم بر این صفت با من صحبت کرد و چون به مکه آمدیم، من از شرم وی بگریختم تا در منا مرا بدید و گفت: ای پسر، بر تو بادا که با درویشان صحبت چنان کنی که من با تو کردم.» (۲)

۱- همان، صص ۳۷۲، ۳۷۳ و ۱۹۳

۲- همان، صص ۴۴۱ و ۴۴۲

ص: ۱۹

یکی از عرفای بزرگ به نام محمدبن اسماعیل «خیر النساج» که از بزرگان مشایخ در خدمتگزاری به بندگان خدا تا آنجا پیش رفت که در میان راه حج، شخصی او را به بندگی گرفت و سال‌ها به خدمت او داشت و او آن را پیش آمدی خدایی دانست و خلاف آن رفتار نکرد. کشف المحجوب درباره او می‌گوید:

«وی را خیر النساج از آن خوانند که چون وی از مولودگاه خود به سامره برفت به قصد حج، گذرش به کوفه بود، به دروازه کوفه خربانی [خزبانی] وی را بگرفت که تو بنده منی و «خیر» نامی. وی آن از حق دید و وی را خلاف نکرد و سال‌های بسیار کار وی می‌کرد و هرگاه که وی را گفتی یا خیر! وی گفت لئیک، تا مرد از کرده خود پشیمان گشت. وی را گفت برو که من غلط کرده بودم و تو، نه بنده منی. برفت و به مکه شد و بدان درجه رسید که جنید گفت: «خیر، خیرنا» (خیر، بهترین ماست) دوست تر آن داشتی که وی را خیر خواندندی. گفت روا نباشد که مردی مسلمان مرا نامی نهاده باشد و من آن را بگردانم...» (۱) پی‌نوشت‌ها

۱- کشف المحجوب، صص ۱۸۲ و ۱۸۳







ص: ۲۳

## تاریخ و رجال

## دانشمندان و کتاب‌های شیعه در مکه مکرمه (در قرن یازدهم هجری قمری)

حسین واثقی

تاریخ تشیع و شیعیان در مکه و مدینه، از موضوعاتی است که پیشینیان از آن غفلت کرده و بدان پرداخته‌اند و این شاید بدان سبب بوده که مصادر مستقل و سریع‌الحصولی در این زمینه وجود نداشته و پرداختن به آن، فرصت بسیار و پی‌جویی گسترده در لابلای کتاب‌های فراوان را طلب می‌کرده است، که چنین حال و مجالی کمتر یافت می‌شود.

روشن است که ما بخشی از امت اسلامیم و چون شیعه‌ایم، همواره مورد انکار و بی‌توجهی دیگر مسلمانان قرار گرفته و هدف مناسبی برای کج اندیشان و تنگ نظران بوده‌ایم؛ به‌طوری که هرچه توانسته‌اند، در حذف ما از جامعه اسلامی کوشیده‌اند و راه نجات اسلام را در طرد ما از جمع امت اسلامی شناسانده‌اند و هر قدر توانسته‌اند با تهمت و افترا در مورد شیعه سیاه‌نمایی کرده و چهره آنان را در میان مسلمانان، منفی و غیر مناسب نشان داده‌اند.

از این رو، پرداختن به موضوعاتی که مورد اهتمام همه مسلمانان است و تبیین اعتقاد و عمل شیعیان درباره آن‌ها، می‌تواند تبلیغات عوامل تفرقه و تضعیف اسلام را برملا کند.



ص: ۲۵

بنابراین، پرداختن به موضوع پیش گفته، لازم و ضروری است، گرچه به دلیل پرداختن پیشینیان به آن، پر زحمت و زمان بر باشد. امید است پژوهشگران معاصر، که پر تلاش‌اند و خوش فکر، بدان پردازند و خلأهای موجود را پر کرده، غبار نسیان از این مهم بزایند.

بدیهی است، به دست آوردن نتیجه‌ای مفید و ارزشمند، همت افراد و گروه‌هایی را می‌طلبد که با حوصله تمام، از لابلای کتاب‌های تاریخ، تراجم و رجال، حدیث، سفرنامه‌های حج، فهرست مخطوطات و ...

مطالب مربوط را بیابند و در قالبی پسندیده و به صورت دائرةالمعارفی ماندگار عرضه کنند تا فرهنگنامه‌ای باشد که علاوه بر پرداختن به ریز موضوعات، زمینه‌های پژوهش گسترده‌تر را برای اهل کار و تلاش فراهم آورد.

حضور برجسته دانشمندان شیعه در نیمه اول قرن یازدهم هجری در مکه معظمه، از مسائل قابل توجهی است که جا دارد، هر چند به‌طور فشرده و مختصر، بدان پرداخته شود.

چنین بر می‌آید که در آن زمان، عالمان شیعه مهاجر ایرانی و لبنانی، در مکه حضوری چشم‌گیر داشته‌اند و با آزادی نسبی، علاوه بر عبادت، می‌توانستند به کار تعلیم و تعلم و تألیف و نسخه برداری کتب مذهبی پردازند و بازار علوم مذهبی شیعی را در مکه رونق دهند.

به تعبیر علامه سید حسن صدر، در آن روزگار، مکه مکرمه، منزل‌گاه علمای شیعه بوده است. (۱) شاید بتوان گفت که حضور آزاد و فعال دانشمندان شیعه در مکه، در قرن یازدهم، در مقایسه با قرون دیگر اسلامی، یک استثنا است که دیگر تکرار نشده است.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چه عامل یا عواملی سبب شده است که در آن برهه از تاریخ، جمعی از علمای شیعه در مکه گردهم آیند و حوزه علوم دینی شیعی را تشکیل دهند؟ و در رونق فرهنگ شیعی بکوشند و در بازسازی کعبه، به سال ۱۰۴۰ ه. مشارکت کنند و درباره آن تجدید بنا، دو کتاب به نام‌های: «مفرحة الأنام فی تأسیس بیت الله الحرام» و «أبنیة الکعبه» بنگارند؟

ص: ۲۶

به نظر می‌رسد شیوه حکومت و رفتار حاکمان مکه به گونه‌ای بوده که زمینه چنین حضور فعالی را فراهم می‌کرده است. در آن زمان، حکومت به دست شرفا و سادات بوده که گر چه سنی بوده‌اند، اما گرایش و میلی به تشیع داشته‌اند.

\*\*\* اشاره به این نکته لازم است که منبع این نوشته، عمدتاً جلد پنجم کتاب «طبقات اعلام الشیعه» نوشته علامه بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی است که در قرن چهاردهم هجری می‌زیسته است. آن بزرگ مرد، بیشتر آگاهی‌های خود را از نسخه‌های خطی به دست آورده و این نشان می‌دهد اطلاعات وی، پر بها و منحصر به فرد است؛ زیرا دسترسی وسیع به کتاب‌های خطی در زمان ما، آنگونه که برای او به هنگام تدوین کتاب عظیم «الذریعه ...» فراهم بود، میسر نیست.

آری، اگر توفیق نگاه دوباره و همه جانبه به کتاب‌های خطی، برای فرد یا گروهی، در مقیاس وسیع پیش آید و همه اطلاعات جانبی آنها؛ از قبیل: کاتب‌ها، سفارش دهنده‌ها، زمان شروع و پایان و نیز مکان تألیف و نسخه برداری، همچنین بلاغ‌ها، انهاء‌ها، اجازة‌ها، تملک‌ها و ... از آنها استخراج و به رایانه داده شود، می‌توان امیدوار بود که گوشه‌هایی تاریک از تاریخ ما روشن و بسیاری از علمای ما شناخته شوند.

البته شیخ آقا بزرگ تهرانی، در کتاب «طبقات اعلام الشیعه» در صدد فراهم آوردن زندگی‌نامه دانشمندان شیعه، به‌طور عام بوده است، نه با رویکرد حضور آنان در مکه مکرمه.

به یقین، اگر وی با این دیدگاه قلم می‌زد یا به این موضوع توجه ویژه داشت، آگاهی‌های بیشتری فراهم می‌آورد و در اختیار ما می‌گذاشت.

اکنون ما، در این نوشتار، ۷۴ تن از عالمان و دانشمندان شیعی را، که در سده یازدهم هجری در مکه می‌زیسته‌اند، معرفی می‌کنیم و آنگاه گزارشی از ۳۰ کتاب شیعی، که در آن قرن در مکه تألیف یا استنساخ شده‌اند، می‌آوریم و سپس نگاهی کوتاه خواهیم داشت به دانشمندان و کتابهای شیعی در مدینه منوره در قرن یازدهم. گفتنی است در آن دوره تألیف، نسخه‌برداری، و خرید و فروش کتب شیعه در مکه رواج داشته و از آنجا به شهرهای دیگر شیعه نشین هم برده می‌شده است.

نکته قابل توجه درباره علمای شیعه در مکه مکرمه این است که از هر دو جریان اخباری

ص: ۲۷

و اصولی در میان آنان دیده می‌شود، گرچه غلبه با اخباریان بوده است. دیگر آن که بیشتر آنان ایرانی بوده‌اند و علمای جبل عامل لبنان، از نظر تعداد، در مرتبه بعد قرار داشته‌اند؛ یعنی همه مهاجر بوده‌اند و بومی در میان ایشان کمتر وجود داشته است. و ویژگی دیگر این عالمان، آن است که بیشتر فقیه یا محدث و رجالی بوده‌اند و فیلسوف، متکلم، عارف، مورخ، ریاضی دان و شاعر فارسی گوی در میان آنان به چشم نمی‌خورد.

\*\*\* ۱- ابراهیم احسائی بن علی بن عبد الله جبلی شیرازی، «تفسیر فرات کوفی» را در دوران مجاورتش در مکه مکرمه استنساخ کرده و در روز سه شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۰۸۳ ه. از آن فراغت یافته است. احسائی سپس همان نسخه را در مکه در سال ۱۰۸۵ با عبدالله بن احمد انصاری مقابله کرده است. (۱) ۲- ابراهیم همدانی (م ۱۰۲۶)، پس از یک سال مجاورت در مکه مکرمه، از شمس‌الدین محمد عینائی، که در مکه ساکن بوده، اجازه گرفته است. (۲) ۳- احمد انصاری بن ادریس عاملی حسینی، از شاگردان شیخ محمد سبط، فرزند صاحب معالم، ساکن مکه مکرمه بوده و از «منتقى الجمان» تألیف صاحب معالم در سال ۱۰۱۷ در مکه مکرمه نسخه برداری کرده و آن را نزد استاد خود شیخ محمد سبط قرائت کرده است. (۳) اخیراً حاشیه‌ای بر اصول کافی به چاپ رسیده که ظاهراً از تألیفات او است. (۴) ۴- احمد حکمی، در فاصله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۵ در مکه مکرمه به رحمه‌الله گیلانی درس داده است. (۵) ۵- احمد شهیدی جزینی عاملی، از نوادگان شهید اول، محمد بن مکی، است. شیخ حرّ عاملی گوید: او از معاصرانی است که سال‌ها در مکه مکرمه مجاورت اختیار کرده است.

شیخ آقا بزرگ از سخن شیخ حرّ عاملی چنین برداشت کرده که وی پیش از سال ۱۰۹۷ ه. در گذشته است. (۶) ۶- احمد بن قاسم شیرازی، همه کتاب «من لایحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق را استنساخ کرده و در ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۰۲۴ جزو دوم آن را به پایان برده است. او همه آن کتاب را

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۳۱

۳- طبقات، ج ۵، ص ۱۶، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۱۴، ص ۶۴، شماره ۵۲۷۷

۴- الحاشیه علی اصول الکافی، از بدر الدین بن احمد حسینی عاملی زنده در سال ۱۰۶۰ جمع و ترتیب: سید محمد تقی موسوی ۱۰۹۴ چاپ دار الحدیث، قم، ۱۴۲۵ ه.

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۶- طبقات، ج ۵، ص ۲۵

ص: ۲۸

نزد استادش فضل‌الله بن محب‌الله دستغیب شیرازی خوانده و استاد بر آن نسخه، بلاغ‌ها نگاشته است. (۱) با توجه به این که استادش فضل‌الله دستغیب در مکه می‌زیسته و دو سال پیش از تاریخ فوق؛ یعنی در سال ۱۰۲۲ رجال کبیر استرآبادی را در مکه استنساخ کرده (۲) ظاهراً احمد بن قاسم شیرازی نیز در مکه مکرمه زندگی می‌کرده و در آن جا «من لایحضره الفقیه» را نسخه‌برداری کرده است.

۷- احمد مکی بن شهاب‌الدین فضل بن محمد باکثیر، کتاب خود «وسيلة المآل فی عدّ مناقب الآل» را در مکه معظمه، در سال ۱۰۲۷ نوشته است. (۳) سید علیخان مدنی، بعضی از قصاید و شرح حال وی را در «سلافة العصر» آورده است. (۴) ۸- احمد میر نظام‌الدین بن محمد معصوم حسینی دشتکی، پدر وی، میر محمد معصوم، با خواهر شاه عباس صفوی در راه حج ازدواج کرد و پس از تمام کردن حج، در مکه مشرفه مجاورت گزید. احمد میر نظام از آن پدر و مادر به دنیا آمد و در مکه مکرمه رشد کرد و تربیت شد و از همگنان پیشی گرفت. وزیر عبد‌الله قطب شاه وی را به حیدرآباد دکن دعوت کرد و وی راهی آن دیار و در آنجا ماندگار شد. (۵) او پدر سید علیخان مدنی، ادیب شهر شیعی و صاحب تألیفات گرانسنگ است.

۹- اشرف محمد جوزی بن شهاب، شاگرد شمس‌الدین محمد بن خاتون عاملی بود و از «کتاب‌الدیون» تا آخر تهذیب الأحکام شیخ طوسی را استنساخ کرد و نزد استاد خود، محمد بن خاتون در مکه مکرمه خواند و استاد در پایان کتاب برای او چنین نگاشت: وی- که خداوند توفیقاتش را استمرار بخشد و راه هر نیکی و فضیلت و کمالی را برای او آسان فرماید- قرائت آن را با تحقیق و استحکام و دقت به پایان برد و مشکلات آن را کاوید و پرده از روی فواید و اشاراتش گشود. خداوند فایده‌ها و بهره‌دهی وی را بسیار کند و عالمان عامل، چون او را زیاد گرداند. مکه مشرفه به تاریخ ۱۳ جمادی الثانی سال ۱۰۰۹ ه. محمد بن احمد بن نعمه‌الله بن خاتون عاملی. (۶) ۱۰- جعفر بن کمال‌الدین بحرانی، شیخ حرّ عاملی گوید: وی فاضل عالم صالح ماهر شاعر معاصر است، او را در مکه مکرمه دیدم و در حیدرآباد دکن وفات یافت. (۷)

۱- طبقات، ج ۵، صص ۲۶-۲۵

۲- طبقات، ج ۵، صص ۴۴۱-۴۴۰

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۷

۴- سلافة العصر، صص ۲۱۳-۲۰۴

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۳

۶- طبقات، ج ۵، ص ۵۰

۷- طبقات، ج ۵، ص ۱۱۰

ص: ۲۹

شیخ حرّ عاملی توضیح نداده که آیا جعفر در مکه اقامت گزیده بود یا برای زیارت به مکه آمده بود.

۱۱- حامد استرآبادی بن محمد جرجانی، بیش از پنج سال در مکه مکرمه اقامت گزید و در آنجا تمام کتاب «کافی» کلینی را در چهار مجلد از ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۰۲۵ تا اواسط رجب ۱۰۳۰ نسخه برداری کرد. (۱) به نظر می‌رسد که پنج سال، از سال‌های مجاورت خود در مکه مکرمه را به نسخه‌برداری کتاب مذکور گذرانده؛ زیرا در چند جای آن نسخه تاریخ زده است اما سال‌های مجاورت وی در مکه بیشتر بوده است.

۱۲- حسن شذقمی ابوالمکارم بدرالدین مدنی هندی (۹۹۸-۹۳۲)، از نقبای سادات مدینه منوره بود و مدتی در مکه مکرمه زندگی کرد و در ۱۸ ذی‌حجه ۹۸۳ از پدر شیخ بهایی؛ شیخ حسین بن عبد الصمد در مکه مکرمه اجازه دریافت کرد. شیخ حسین در آن اجازه می‌نویسد حسن شذقمی از وی در خانه‌اش در مکه مکرمه پذیرایی کرده است. (۲) در همان روز ۱۸ ذی‌حجه ۹۸۳ ه. حسین بن عبد الصمد، به پرسشی درباره کرامتی از شهید ثانی پاسخ داده است. (۳) پس وی در مکه، دارای خانه بوده و دست کم مدتی را در آنجا به سر برده است.

گفتنی است وی بزرگ‌خاندان شذقمی است. شیخ حسین بن عبد الصمد آن اجازه را برای وی و فرزندان‌ش؛ سید محمد، سید علی، سید حسین و سیده ام‌الحسین دختر وی نگاشته است.

از نوشته شیخ آقابزرگ چنین برمی‌آید، در اصفهان موقوفاتی بوده که به حرمین شریفین تعلق داشته و درآمد آن‌ها به دست نوادگان حسن شذقم؛ سلیمان و محسن فرزندان محمد بن حسن شذقم، و شمس‌الدین بن علی بن حسن شذقم، و ضامن بن شذقم بن علی، نبیره حسن شذقم و حسین بن علی بن حسن شذقم در مدینه منوره و مکه مکرمه به مصرف می‌رسیده است. صاحب مدارک، در سفر حجش در سال ۹۸۷ ه. به حسن شذقم اجازه داده است.

او در روز غدیر، سال ۹۷۷، در مکه از نعمه بن احمد بن خاتون عاملی نیز اجازه گرفته است. از این سه اجازه دارای تاریخ، به دست می‌آید که به یقین وی از ۹۷۷ تا ۹۸۷ به مدت ۱۱

۱- طبقات، ج ۵، ص ۱۳۰

۲- ریاض العلماء، ج ۱، صص ۲۴۳-۲۳۶، طبقات، ج ۴، صص ۵۴-۵۲، و نیز، ج ۵، ص ۱۴۴

۳- الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۰، پاورقی.

ص: ۳۰

سال در مکه مکرمه می‌زیسته و سپس به حیدرآباد هند رفته است.

۱۳- حسن مشغری، در مکه مکرمه کتب اربعه حدیثی را نزد میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی آموخته است. (۱) با توجه به مفصل بودن کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه)، به نظر می‌رسد که وی سالیانی را در مکه مشرفه برای آموختن آنها به سر برده است.

۱۴- حسین بن حسن مشغری عاملی، در مکه معظمه، شاگرد و مصاحب شیخ محمد، فرزند صاحب معالم بوده است. (۲) وی کتاب «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» تألیف شیخ محمد را به خط خود نگاشته و بر روی همان نسخه چنین نوشته است:

مؤلف این کتاب شب دوشنبه دهم ذی القعدة ۱۰۳۰ ه. از دنیا رفت و چند روز پیش از وفاتش، در مکه به من گفت: همین روزها من می‌میرم. ما او را نزدیک قبر حضرت خدیجه به خاک سپردیم. این سخن را در همان روز نوشتم. (۳) ۱۵- حسین دشتکی میر نصرالدین، در سال ۱۰۲۳ در مکه مکرمه از دنیا رفت و در قبرستان حجون مدفون گردید. (۴) ۱۶- حسین ظهیری، استاد شیخ محمد حرّ عاملی، صاحب وسائل است و خود در مکه مکرمه نزد محمد امین استرآبادی اخباری درس خوانده است. (۵) ۱۷- حسین بن علی حسینی شامی عاملی، در سال ۱۰۰۷ در مکه مکرمه نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را خریداری کرده است. (۶) ۱۸- حسین قاضی، نسخه کتاب «فقه الرضا» علیه السلام را از مکه مکرمه به اصفهان آورده است. (۷) مجلسی اول گوید: میر حسین قاضی، پس از مدتی مجاورت در مکه مکرمه، به اصفهان آمد و نسخه‌ای از کتاب فقه الرضا را به همراه آورد. (۸) ۱۹- حسین نیشابوری مکی بن محمد علی، معاصر سید نورالدین علی بن ابی‌الحسین موسوی عاملی (متوفای ۱۰۶۸ ه.س) بوده است. او متولد و ساکن مکه مکرمه بوده و در همان‌جا (حدود سال ۱۰۸۰ ه.س) وفات یافته است.

به سفارش وی باب «إحياء الموات» تا «الموارث» از کتاب «جامع المقاصد» نسخه برداری شده و وی را با وصف «علامه» ستوده‌اند.

(۹)

۱- طبقات، ج ۵، صص ۵۵۹ و ۵۹۴

۲- طبقات، ج ۵، ص ۱۸۵

۳- الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۱۲

۴- طبقات، ج ۵، ص ۱۶۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۱۷۱-۱۷۰

۷- طبقات، ج ۵، ص ۱۶۰

۸- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۸

۹- طبقات، ج ۵، صص ۱۸۷ و ۶۲۳

ص: ۳۱

وی در سال ۱۰۵۶ در مکه مکرمه به مولا- نوروز علی تبریزی اجازه داده است. (۱) از مقایسه این تاریخ با سال وفات وی، چنین به دست می‌آید که وی بیش از ۲۴ سال در مکه سکونت داشته است.

۲۰- حیدر سکیکی، سکونت وی در مکه بوده است. شیخ حرّ عاملی گوید: سکیکی را در سال ۱۰۶۲، در سفر دوم خود به حج، در مکه دیدم. وی یکی- دو سال پس از آن، در مکه در گذشت. (۲) ۲۱- خضر موصلی بن عطاء الله شامی، ساکن مکه معظمه بوده و در سال ۱۰۰۳ کتاب «الاسعاف» را تألیف کرده و در سال ۱۰۰۷ ه. در گذشته است. (۳) ۲۲- خلیل بن غازی قزوینی (۱۰۸۹-۱۰۰۱)، محدث و کلامی ماهر بوده است. صاحب وسائل، در حج اول خود، در سال ۱۰۵۷ ه. (۴) او را دیده که در مکه معظمه اقامت گزیده و مشغول حاشیه نویسی بر «مجمع‌البیان» بوده است. او سال‌ها در مکه بوده و سپس به قزوین باز گشته و در آنجا زندگی را وداع گفته است. (۵)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۱۵۳-۱۵۴، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۷۱

۲- طبقات، ج ۵، ص ۱۹۴

۳- طبقات، ج ۵، صص ۲۰۰-۱۹۹

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۴۸

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۰۳

ص: ۳۲

۲۳- خیرالدین بن محمد قاسم قاری نجفی، وی و پدرش در فاصله سال‌های ۱۰۴۵-۱۰۴۲ در مکه مکرمه، به رحمت‌الله گیلانی علم آموخته و اجازه داده‌اند. (۱) ۲۴- داود بن عمر طیب انطاکی (۱۰۰۸-۹۵۰)، از انطاکیه به دمشق و سپس به قاهره سفر کرده و به دعوت حاکم مکه، شریف حسن بن ابی نومی به حجاز رفته است. وی کتاب‌های طبّی تألیف کرده است. (۲) ۲۵- ربیع نباطی عاملی، ساکن مکه مشرفه بوده و در سال ۱۰۰۲، در همان‌جا در گذشته است. مرثیه‌ای که صاحب معالم در مرگ او سروده، نشان دهنده جلالت و بزرگی اوست. (۳) ۲۶- رحمت‌الله گیلانی حیدرآبادی، نویسنده کتاب «برهان القاری فی تجرید کلام الباری» به زبان فارسی است. او که در حیدرآباد هند سکونت داشته، در سال ۱۰۴۲ به حج رفته و تا سال ۱۰۴۵ در آن‌جا به سر برده نزد محمد قاسم قاری نجفی و فرزندش خیرالدین درس خوانده و از آنان اجازه گرفته است. وی در مکه نزد احمد حکمی نیز درس خوانده است. (۴) ۲۷- زین الدین بن محمد بن حسن بن شهید ثانی، نوه شیخ حسن صاحب معالم است. از سخن برادرش بر می‌آید که وی در سال ۱۰۰۹ به دنیا آمده، در عراق و ایران تحصیل نموده و در سال ۱۰۳۰ از اصفهان به مکه مهاجرت کرده و در آن‌جا سکونت گزیده است. او در سال ۱۰۷۴ در گذشته و در کنار پدرش، در قبرستان حجّون مکه مکرمه مدفون شده است. (۵) آنچه آوردیم، سخن شیخ آقابرگ بود، لیکن برادرش نوشته است:

۲۹ ذی‌حجه ۱۰۶۴ در مکه از دنیا رفت و من از روز عرفه تا زمان وفات، نزد وی بودم و او نزد قبر پدرم به خاک سپرده شد. (۶) سید محسن امین نیز وفات او را ۱۰۶۴ دانسته است. (۷) ۲۸- زین العابدین بن نورالدین علی جبعی موسوی عاملی، در سال ۹۹۶ به دنیا آمد و در سال ۱۰۷۳ در مکه مکرمه در گذشت و در مقبره حجّون دفن شد. وی پسر برادر صاحب المدارک از آن خاندان علمی است. (۸) چنین می‌نماید که وی بخش عمده‌ای از زندگی‌اش را در مکه سپری کرده؛ زیرا پدرش در مکه سکونت داشته است. (۹) ۲۹- زین العابدین بن نورالدین علی کاشانی، در مکه مکرمه سکونت داشته است و رساله چاپ شده «مُفَرَّحَةُ الْأَنَامِ فِي تَأْسِيسِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ» را نگاشته است. این کتاب را در باره سیل سال ۱۰۳۹ ه. نوشته که سبب تخریب کعبه مشرفه شد و سپس مراحل بازسازی آن

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۲- طبقات، ج ۵، ص ۲۰۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۴

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۶

۶- الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۳۱

۷- اعیان الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۴ شماره ۷۰۲۰

۸- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۷، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۹۸

۹- طبقات، ج ۵، صص ۱۷۳ و ۱۸۰



ص: ۳۳

در سال ۱۰۴۰. اولین سنگ بنای جدید کعبه را وی گذاشت و در همه مراحل بازسازی، با جمعی از شیعیان شرکت کرده و در این امر یاری نموده است.

وی زمان بسیاری در مکه مکرمه زندگی کرده، در آنجا از محمد امین استرآبادی درس آموخته و به برخی؛ از جمله عبدالرزاق مازندرانی اجازه داده است. وی را که عالم پر تلاشی بوده، در مکه مکرمه به جرم تشیع به شهادت رساندند. او با همسر و دو طفل خردسالش، که پیش از وی در گذشته‌اند، همگی در قبرستان حجون مکه مدفون شده‌اند. (۱) ۳۰- شمس الدین محمد شیرازی مکی، در مکه مکرمه مجاورت گزیده و به فراگیری علم پرداخته است. مولا خلیل قزوینی حاشیه خود بر «عُبدَةُ الاصول» را در مکه به وی داد و نام‌برده پس از مطالعه، در رد آن مطلب نوشت. (۲) ۳۱- شمس الدین محمد، معروف به شمس گیلانی، وی که از فلاسفه قرن یازدهم و از شاگردان شیخ بهائی و ملاصدرا بوده در اصفهان می‌زیسته، لیکن کتاب «العلم الإلهی / النوریه» را در سال ۱۰۴۸ در مکه معظمه تألیف نموده است. (۳) ۳۲- شیخ صنعان، به سفارش وی، نسخه‌ای از «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید» در مکه مکرمه استنساخ شده است. شیخ آقا بزرگ احتمال داده که شیخ صنعان، نام مستعار باشد نه نام واقعی. (۴) ۳۳- صاحب علی استرآبادی، شاگرد میرزا محمد استرآبادی، صاحب کتاب‌های رجال است. (۵) با توجه به این که استاد وی در مکه می‌زیسته، ظاهراً صاحب‌علی هم متوطن مکه مکرمه بوده است.

۳۴- عبد الرزاق مازندرانی، شاگرد سید زین‌العابدین کاشانی است، همو که در تجدید بنای کعبه مشرفه شرکت داشته و در مکه به شهادت رسیده است. عبدالرزاق از وی اجازه داشته است. (۶) ۳۵- عبد علی عاملی، کتاب «تلخیص الأقوال» از تألیفات میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتاب‌های رجالی را در کنار کعبه مشرفه در سال ۱۰۱۵ استنساخ کرده و حواشی بسیاری از مؤلف بر آن نگاشته است. ظاهراً وی از همکاران سید زین‌العابدین کاشانی در تجدید بنای کعبه مشرفه بوده است. (۷) ۳۶- عبداللّه بن احمد انصاری، شیخ آقا بزرگ از وی با لقب «شریف» یاد می‌کند که این

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۸؛ الذریعه، ج ۱، ص ۷۳

۲- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۸

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۶

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۱

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۳۲۰-۳۱۹

۷- طبقات، ج ۵، ص ۳۳۱

ص: ۳۴

لقب در مورد سادات به کار می‌رود. در سال ۱۰۸۵ ه. ابراهیم احسانی، «تفسیر فرات کوفی» را در مکه مکرمه با وی مقابله کرده و وی مقابله و تصحیح خود را بر روی آن نسخه گواهی کرده است. (۱) ۳۷- عبدالله طائی، کتاب «علل الشرایع» تألیف شیخ صدوق را در مکه مکرمه تصحیح و مقابله کرده است. (۲) ۳۸- علی جبعی (۱۰۶۸-۹۷۰)، برادر صاحب «المدارک»، بیش از بیست سال در مکه سکونت داشته و به تدریس و تألیف مشغول بوده و در همان‌جا از دنیا رفته‌است. از تألیفات وی «الشواهد المکیه»، در ردّ «الفوائد المدنیه» محمد امین استرآبادی است. می‌توان گفت وی یکی از علمای برجسته اصولی است که در برابر محمد امین استرآبادی مقاومت نمود. پس در مکه، در آن زمان، هم از اصولیان و هم از اخباریان حضور داشته‌اند.

وی دارای پنج پسر به نام‌های: زین العابدین، جمال‌الدین، ابوالحسن، حیدر و علی بوده که ظاهراً آنان نیز اهل فضل و کمال بوده‌اند. برخی دانشمندان از وی اجازه دارند؛ مانند: محمد محسن بن محمد مؤمن با اجازه‌ای به تاریخ ۱۰۵۱، میر محمد مؤمن بن دوست محمد صاحب کتاب «الرجعه»، محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی، صالح بن عبدالکریم بحرانی. قاسم بن محمد کاظمی نیز در طائف و مکه نزد وی درس خوانده است. (۳) ۳۹- علی رضا بن آقا جانی، کتاب «تهذیب» را، در مکه، نزد میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجال آموخته و در سال ۱۰۱۶ ه. از وی اجازه گرفته است. (۴) ۴۰- علی نجفی بن ابراهیم، صاحب نسخه‌ای از تفسیر فرات کوفی بوده که به سال ۱۰۸۳ در مکه مکرمه استنساخ شده و بر مهر وی، تاریخ ۱۰۸۳ حک شده است. (۵) شیخ آقا بزرگ به حضور وی در مکه مکرمه تصریح نکرده، لیکن به نظر می‌رسد او از مکه نسخه مذکور را خریده است.

۴۱- عیسی بن زین العابدین مازندرانی، در مکه مکرمه به سر می‌برده و در آن‌جا همه کتاب «من لایحضره الفقیه» را استنساخ کرده و در ۱۹ شوال ۱۰۵۳ به پایان رسانده است. (۶) ۴۲- فتح‌الله بن مسیح‌الله، در مکه مکرمه می‌زیسته و کتاب «ابنیة الکعبه» را در تاریخ بازسازی‌های کعبه در طول تاریخ نگاشته و در آن گزارشی از تجدید بنای کعبه مشرفه در سال ۱۰۴۰ ارائه کرده‌است؛ زیرا خود شاهد تخریب آن، بر اثر سیل و سپس بازسازی‌اش بوده

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲

۲- طبقات، ج ۵، ص ۳۵۰

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۸۶؛ تکملة أمل الآمل، ص ۲۵۲؛ الفوائد الرضویه، ص ۳۱۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۳۹۸

۵- طبقات، ج ۵، ص ۴۱۷

۶- طبقات، ج ۵، ص ۴۲۳

ص: ۳۵

است. وی مقاله «مُفَرَّجَةُ الأَنام» سید زین العابدین کاشانی را نیز در کتاب خود گنجانده است. (۱) ۴۳- فضل الله دستغیب بن محب الله شیرازی، از شاگردان میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی است. او رجال کبیر استاد خود را در زندگانی استاد در مکه مکرمه استنساخ کرده و ۲۷ رجب ۱۰۲۲ از آن فراغت یافته، سپس با نسخه اصل، به قلم مؤلف مقابله کرده و در اواخر شعبان ۱۰۲۲ آن را به پایان برده است. (۲) احمد بن قاسم شیرازی همه کتاب «من لایحضره الفقیه» را نزد وی خوانده و استاد بر آن نسخه بلاغها نگاشته است. (۳) ۴۴- قوام الدین محمد، کتاب «الشواهد المکیه» نوشته علی جبعی را، که در رد کتاب «الفوائد المدنیه» استرآبادی است، نسخه برداری کرده و بر آن حاشیه بسیار زده و هفتم رمضان ۱۰۶۸ از آن فراغت یافته است. (۴) ۴۵- محسن بن محمد مؤمن استرآبادی، شاگرد نورالدین علی بن علی بن حسین عاملی (متوفای ۱۰۶۸ هـ) است. استادش برای وی در مکه مکرمه اجازه‌ای در تاریخ ۱۰۵۱ نگاشته است. وی سپس به مشهد خراسان منتقل شد و در آنجا به سال ۱۰۸۹ زندگی را وداع گفت.

گفتنی است که او به مجلسی اجازه داده است. (۵) ۴۶- محمد امین بن محمد شریف استرآبادی، از پرچمداران اخباریان و مخالف سرسخت اصولیان است و تألیفات متعدد دارد. او ابتدا در مدینه منوره مجاورت گزید و سپس به مکه مکرمه رفت و در آنجا ساکن شد و همانجا به سال ۱۰۳۶ در گذشت. به نظر می‌رسد کتاب «الفوائد المکیه» را در مکه مکرمه نوشته است. وی داماد میرزا محمد استرآبادی، صاحب کتاب‌های رجالی بود که او نیز سالیانی دراز در مکه مکرمه مجاورت گزیده بود. (۶) محدث قمی وفات وی را در سال ۱۰۳۳ هـ نوشته است. (۷) ۴۷- محمد امین شدقمی، معاون قاضی مکه مکرمه بوده است. (۸) «۸» ۴۸- محمد امین قمی بن میرزا جان بن سلطان حسین بن ابی طالب نجفی، نسخه برداری کتاب «خلاصه الأقوال» علامه حلّی را برای خود و به خط خود در مکه مکرمه آغاز کرد و در جمادی الآخره ۱۰۰۹ هـ از آن فراغت یافت و سپس آن را برای عموم شیعیان وقف کرد. (۹) ۴۹- محمد باقر بن محمد مؤمن، محقق سبزواری، از مجتهدان و حکیمان مشهور و صاحب تألیفات در فقه و حکمت است. او در اصفهان تحصیل کرد و در مشهد سکونت و

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۳۱

۲- طبقات، ج ۵، صص ۴۴۱-۴۴۰

۳- طبقات، ج ۵، صص ۲۶-۲۵

۴- طبقات، ج ۵، ص ۴۶۰

۵- طبقات، ج ۵، ص ۴۸۹

۶- طبقات، ج ۵، ص ۵۶

۷- الفوائد الرضویه، ص ۳۹۹

۸- طبقات، ج ۵، ص ۵۷

۹- طبقات، ج ۵، ص ۵۹

ص: ۳۶

ریاست علمی یافت. قبرش در مدرسه میرزا جعفر است. در سال ۱۰۶۲ در مکه مکرمه در جنگ حسین شیرازی، مطلبی علمی به رسم یادگار نوشته است. (۱) ۵۰- محمد باقر نیشابوری بن حسین مکی بن محمد علی، در مکه مکرمه سکونت داشته و دو مجلد بزرگ «جامع المقاصد» از پدرش به وی ارث رسیده است. محمد باقر نیشابوری از مجلسی و محمد سراب و سید علی خان دشتکی اجازه داشته است. (۲) ۵۱- محمد بهاء الدین بن قاری، در مکه مکرمه کتاب «الإرشاد» شیخ مفید را نسخه برداری کرده و بر آن حاشیه زده و فوائد و مقالات علمی دیگر را ضمیمه همان نسخه نگاشته است. (۳) ۵۲- محمد تقی سرخ آبی بن ابراهیم مازندرانی، کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق را در مکه مکرمه نسخه برداری کرده و ۱۱ شوال ۱۰۵۴ بر فراز کوه ابوقبیس، آن را به پایان برده است. (۴) ۵۳- محمد بن حسن صاحب معالم بن شهید ثانی، پنج سال را در مکه سپری کرد و از میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجالی دانش آموخت، سپس به کربلا مراجعت کرد و مدتی را در آنجا زیست. او در سال ۱۰۲۴ در نجف اشرف برای بهاء الدین علی بن یونس حسینی تفرشی اجازه نوشت و در سال ۱۰۲۵ در کربلا- از نگارش کتاب «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» فراغت یافت.

وی سپس به مکه مکرمه بازگشت و سال‌های پایانی عمر خود را در آنجا سپری کرد.

معروف است که او روزی در طواف کعبه مشرفه بود، شخصی گلی به وی هدیه کرد که نه زمان آن بود و نه از آن منطقه بود. شیخ محمد از او پرسید: این گل را از کجا آورده‌ای؟ وی پاسخ داد: از خرابات، و دیگر آن شخص را ندید. (۵) وی در همان‌جا در سال ۱۰۳۰ زندگی را وداع گفته و نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری علیها السلام در قبرستان حجون مدفون شده است. (۶) ۵۴- محمد حسین بن مقصود علی طالقانی، از سید نورالدین بن علی بن ابی‌الحسن عاملی در منزل وی در مکه مکرمه اجازه گرفته است. (۷) ۵۵- محمد بن حیدر عاملی حسینی، در سال ۱۰۸۹ ه. حدیثی به یادگار در مجموعه محمد باقر بن محمد حسین نیشابوری نگاشته، در حالی که در مکه مکرمه مجاورت گزیده بود. (۸)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۷۲

۲- طبقات، ج ۵، صص ۷۴ و ۱۸۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۸۷

۴- طبقات، ج ۵، ص ۹۹

۵- الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۱۲

۶- طبقات، ج ۵، صص ۱۸۵ و ۲۳۶ و ۵۲۰؛ الذریعه، ج ۲، ص ۳۰، شماره ۱۲۰؛ الفوائد الرضویه، صص ۴۶۷-۴۶۴

۷- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۳

۸- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۹

ص: ۳۷

۵۶- محمد سلمان شریف صفوی، که «ترتیب رجال النجاشی»، نوشته محمد تقی خادم انصاری را در مکه مکرمه استنساخ کرده و در ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۰۲۴ ه. از آن فراغت یافته است. (۱) ۵۷- محمد شامی بن علی بن زین‌الدین محمد حسینی عاملی، نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را در مکه مکرمه خریده و تملک خود را به سال ۱۰۰۷ بر آن نوشته است. (۲) ۵۸- محمد شمس‌الدین بن شهاب‌الدین احمد عینائی عاملی، ساکن مکه مکرمه بوده است. ماجد جد حفصی (متوفای ۱۰۲۸) از او اجازه گرفته و نیز میرزا ابراهیم همدانی (متوفای ۱۰۲۶ ه.) پس از یک سال مجاورت در مکه مکرمه، از او اجازه دریافت کرده است. (۳) ۵۹- محمد صالح گیلانی (۱۰۸۸-۹۶۹)، شاگرد شیخ بهایی و دیگر عالمان اصفهان بود.

چهل سال در دکن هند زندگی کرد و سپس راهی حج شد. در این سفر دریا طوفانی شده، کتاب‌های گران‌بهای او غرق می‌شود، لیکن خودش نجات می‌یابد. وی مدتی در مکه اقامت اختیار می‌کند و سپس به سوی یمن می‌رود و در آنجا ماندگار می‌شود و قدر و منزلت می‌یابد و در همان‌جا از دنیا می‌رود. (۴) ۶۰- محمد بن عبد اللطیف جامعی، چند کتاب علمی و عمومی را به خط خود و برای خود نسخه‌برداری کرده و بر آن‌ها مهر بزرگی زده که نوشته آن چنین است: «محمد بن عبد اللطیف الجامعی، نزیل حرم الله السامی». از نوشته این مهر به دست می‌آید که وی مدتی در مکه مکرمه زندگی کرده است. (۵) ۶۱- محمد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی، مؤلف کتاب‌های علم رجال بوده، که رجال کبیر او به نام «منهج المقال» چاپ شده است. شیخ آقا بزرگ بحثی مطرح کرده که آیا وی از سادات بوده یا نه؟ در هر حال، با توجه به قوت علمی‌اش، کم و بیش نقش محوری در گردهم‌آیی علمای شیعه در مکه مکرمه داشته است.

در «ریاض العلماء» آمده است: از محقق ملا احمد اردبیلی پرسیدند پس از شما به چه کسی برای فراگیری علم مراجعه کنیم؟ پاسخ داد: در علوم عقلی به میرفضل‌الله، و در علوم نقلی به میرعلام. میرزا محمد استرآبادی از این که از وی نام نبرد رنجیده شد و از نجف اشرف به مکه مکرمه هجرت کرد و در آنجا بساط علم گسترده. (۶)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۹۶ و، ص ۲۴۸؛ الذریعه، ص ۷۰ شماره ۲۸۷

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۲

۳- طبقات، ج ۵، ص ۵۳۱

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۸۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۵۰۴

۶- طبقات، ج ۵، ص ۴۹۷

ص: ۳۸

اگر این داستان را درست بدانیم، وی باید اندکی پیش یا پس از سال ۹۹۳، که سال وفات اردبیلی است، به مکه رفته باشد و با توجه به وفاتش در سال ۱۰۲۸ ه. بیش از سی سال در مکه زندگی کرده و به افاده پرداخته است. محمد امین استرآبادی (پرچمدار اخباریان) داماد وی بوده است. چندین تن از استرآبادی‌های ساکن مکه مکرمه، عالم و دانشمند بوده‌اند و سر سلسله آنان میرزا محمد استرآبادی رجالی بوده است. وی در قبرستان حجون در مکه معظمه مدفون است. (۱) ۶۲- محمد علی بن احمد عاملی مکی، مؤلف کتاب «الدلائل المکیه فی العقائد الدیته» است که در سال ۱۱۰۸ آن را نوشته است. (۲) شیخ آقا بزرگ به زندگی وی در مکه اشاره‌ای نکرده، لیکن از نام کتابش چنین برداشت می‌شود که در مکه به نگارش آن دست زده است.

۶۳- محمد علی اصفهانی، نزد شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتاب‌های رجالی، شاگردی نموده و استرآبادی برای وی در سال ۱۰۱۵ اجازه‌ای نگاشته است. (۳) با توجه به مجاورت استرآبادی در آن سال‌ها در مکه مکرمه، ظاهراً آن اجازه در مکه صادر شده و اصفهانی مدتی را نزد وی در مکه درس خوانده است.

۱- الفوائد الرضویه، ص ۵۵۴

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۰۷؛ الذریعه، ج ۸، ص ۲۵۳ شماره ۱۰۴۳

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۷۶

ص: ۳۹

۶۴- محمد علی شیبانی بن محمد صالح شیرازی، در مکه مکرمه بر «ارشاد» شیخ مفید حاشیه زده و ۲۷ رمضان ۱۰۷۳ از آن فراغت یافته است. (۱) ۶۵- محمد بن علی بن محمود شامی عاملی، از معاصران شیخ حرّ عاملی بوده و سید علیخان مدنی نزد وی درس خوانده و اشعار او را در «سلافة العصر» و دیوان خود نقل کرده است. وی در سال هزار و نود و اندی در گذشته است. (۲) سید علیخان گوید: او پس از انجام حج، دو سال در مکه ماند، سپس به وطن برگشت.

برای نوبت دوم به مکه مکرمه آمد و در آنجا سکونت گزید و پدرم مقدم او را گرامی داشت و به من دستور داد تا نزد وی درس بخوانم. سرانجام او پس از مدتی مکه را ترک گفت. (۳) ۶۶- محمد قاسم قاری، و فرزندش خیرالدین در فاصله سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۴۵ در مکه مکرمه به رحمه‌الله گیلانی علم آموختند و به وی اجازه دادند. (۴) ۶۷- محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استرآبادی، در مکه مکرمه مجاورت گزید و پس از عمری دراز در سال ۱۰۸۷ ه. به جرم تشیع در همانجا به شهادت رسید. وی پسر خواهر میر فخرالدین سماکی و داماد محمد امین استرآبادی اخباری است. او شاگرد صاحب‌علی استرآبادی است که وی شاگرد میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی بوده.

پس هم خود او، هم استاد او و هم استادِ استادِ او در مکه به سر می‌برده‌اند. محمد مؤمن، از ابراهیم بن عبد الله خطیب مازندرانی و سید زین العابدین کاشانی مؤسس کعبه مشرفه اجازه داشته و در مکه مکرمه برای مجلسی دوم و احمد بحرانی اجازه صادر کرده است و تاریخ اجازه وی به بحرانی سال ۱۰۸۱ ه. است. (۵) ۶۸- محمد نصرا تونی، در مکه مکرمه کتب اربعه حدیثی را نزد میرزا محمد استرآبادی مؤلف کتب رجالی خوانده است. (۶) با توجه به مفضل بودن کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه) به نظر می‌رسد وی سالیانی در مکه مکرمه سکونت داشته تا توفیق قرائت آن کتاب‌ها را یافته است.

۶۹- مصطفی بن محمد ابراهیم تبریزی قاری، سه مرتبه به حج مشرف شده و در حج دوم نزد اسماعیل قاری در مکه مکرمه علم قرائت قرآن آموخته است. سفرنامه سومین حج خود را که به سال ۱۰۶۷ ه. انجام شده، به نام «التحفة بین الحرمین» در حین بازگشت نگاشته است. (۷)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۸۸ و ۴۰۴

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۲

۳- سلافة العصر، صص ۳۴۷-۳۲۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۱۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۴ و ۵۹۲؛ الفوائد الرضویة، ص ۵۹۹؛ الذریعة، ج ۱، ص ۹۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۵۵۹، ۵۹۴ و ۶۱۴

۷- طبقات، ج ۵، ص ۵۶۵

ص: ۴۰

۷۰- میر اسحاق موسوی استرآبادی، وی دعای سیفی را از حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه الشریف فرا گرفته و مجلسی اول آن را از وی روایت می‌کند. مجلسی دوم در اجازه‌اش به میرمحمد هاشم، میر اسحاق را سید عابد زاهد عادل توصیف کرده و گوید: وی چهل بار پیاده به حج رفت. او پیش از مرگ از تاریخ وفات خود در عالم رؤیا آگاه شده بود.

این‌گونه کرامات را در دوران اقامتش در اصفهان از وی مشاهده کردم. شاه عباس صفوی برای احوال‌پرسی به منزل او رفت و از وی دیدار کرد. (۱) ۷۱- میر محمد مؤمن بن شرف الدین علی حسینی استرآبادی، در سال ۱۰۸۸ در مکه مکرمه به شهادت رسید. او پسر خواهر فخرالدین سماکی استرآبادی است. (۲) ۷۲- میر محمد معصوم حسینی دشتکی، با خواهر شاه عباس صفوی در راه حج ازدواج کرد و از ترس شاه، پس از فراغت از حج در مکه مجاورت گزید. فرزندش میر نظام‌الدین احمد در مکه به دنیا آمد و رشد کرد و تربیت شد و از همگنان پیشی گرفت. (۳) ۷۳- نور الدین بن علی بن ابی الحسن عاملی، برادر صاحب مدارک و صاحب معالم است و در خانه‌اش در مکه مکرمه به محمد حسین بن مقصود علی طالقانی اجازه داده است. (۴) شیخ آقا بزرگ در جای دیگر تصریح کرده که وی ساکن مکه معظمه بوده است. (۵) ۷۴- نوروز علی تبریزی، در مکه مکرمه نزد حاج حسین نیشابوری درس خوانده و در سال ۱۰۵۶ ه. از وی اجازه گرفته است. (۶)\*\*\*

کتاب‌های شیعه در قرن ۱۱ ه. در مکه مکرمه

کتاب‌هایی که از آنها نام برده می‌شود، در سده یازدهم هجری قمری در مکه معظمه تألیف یا نسخه‌برداری شده است.

- ابنیه‌الکعبه / فتح‌الله بن مسیح‌الله

او معاصر سید زین‌العابدین کاشانی است و مانند او این کتاب را درباره سیلی که در سال ۱۰۳۹ آمد و سبب تخریب کعبه مشرفه شد و نیز در باره مراحل بازسازی آن در سال ۱۰۴۰

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۱

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۳۴

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۳

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۸۰

۶- طبقات، ج ۵، صص ۱۵۳، ۱۵۴ و ۶۲۳



ص: ۴۱

نگاشته است. نوشته فتح الله از نوشته سید زین العابدین مبسوطتر است. وی رساله سید زین العابدین را نیز به عربی برگردانده و در کتاب خود گنجانده و سپس همه را به مبحث حج و عمره «مصباح المتهجد» شیخ طوسی ضمیمه کرده است. (۱) - الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد/ شیخ مفید

بهاء الدین محمد بن محمد قاری آن را در مکه به سال ۱۰۷۳ استنساخ کرده و فوائد و حواشی محمد علی بن محمد صالح شیبانی شیرازی بر آن را، که در رمضان ۱۰۷۳ در مکه معظمه نگاشته شده، ضمیمه کرده است. (۲) - الإسعاف / خضر الموصلی بن عطاء الله شامی

وی ساکن مکه معظمه بوده و این کتاب را در سال ۱۰۰۳ نوشته است. در سال ۱۰۰۷ در حالی که از مکه اخراج شده و به سوی مدینه منوره می‌رفته در بین راه در گذشته است. (۳) - ایضاح الاشتباه / علامه حلی

محمد سلمان شریف صفوی آن را در سال ۱۰۲۴ نسخه برداری کرده است. شیخ آقابزرگ پیش از ذکر آن کتاب، چنین نوشته است: «ترتیب رجال نجاشی» را محمد سلمان شریف صفوی در ۲۶ ربیع الثانی ۱۰۲۴ در مکه معظمه استنساخ کرده. سپس گوید: به خط همین کاتب، نسخه‌ای از «ایضاح الاشتباه» علامه حلی را دیدم که در همان سال نگاشته است. (۴) - التذکارات / گردآورنده شمس‌الدین حسین بن محمد شیرازی

وی در اواسط قرن یازدهم هجری در مکه مکرمه ساکن شد و از دانشمندان شیعه، که به حج می‌آمدند، می‌خواست مقاله‌ای از خود، در مجموعه وی به رسم یادگار بنگارند.

از کسانی که در آن مجموعه، مقاله‌ای نگاشته، محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن است که در سال ۱۰۶۲ شرحی بر حدیث «بَرِّ الوالدین» در آن جُنک نگاشت. (۵) - ترتیب رجال نجاشی / محمد تقی خادم انصاری

محمد سلمان شریف صفوی اردبیلی، در سال ۱۰۲۴ در مکه معظمه از آن کتاب نسخه برداری کرده است. (۶) - تفسیر سورة الإخلاص / شمس‌الدین محمد / شمس‌گیلانی

وی آن کتاب را در سال ۱۰۴۸ در مکه مکرمه تألیف کرده است. (۷)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۳۱؛ الذریعه، ج ۱، ص ۷۳ شماره ۳۶۰

۲- طبقات، ج ۵، ص ۸۸-۸۷ و ۴۰۴

۳- طبقات، ج ۵، صص ۲۰۰-۱۹۹؛ سلافة العصر، صص ۳۸۰-۳۷۷

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۴۸؛ الذریعه، ج ۴، ص ۷۰ شماره ۲۸۷

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۱؛ الذریعه، ج ۴، ص ۱۹ شماره ۶۴

۶- طبقات، ج ۵، صص ۹۶ و ۲۴۸

۷- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۷

ص: ۴۲

- تفسیر فرات/ فرات بن ابراهیم کوفی

ابراهیم بن علی احسائی، در زمان مجاورتش در مکه معظمه، از آن، برای خود و به دست خویش نسخه برداری کرد و در ۲۳ ربیع الثانی ۱۰۸۳ از آن فراغت یافت و در سال ۱۰۸۵ ه. با عبدالله انصاری در مکه معظمه آن را مقابله کرد. (۱) نسخه‌ای از تفسیر فرات که در سال ۱۰۸۳ در مکه معظمه تحریر شده، علی بن ابراهیم نجفی تملک خود را بر آن نگاشته است. (۲) از کلام شیخ آقابزرگ دانسته نمی‌شود که آیا همان نسخه است یا نسخه دیگری است.

- تلخیص الأقوال/ میرزا محمد استرآبادی

عبد علی عاملی، شاگرد مؤلف، در کنار کعبه مشرفه، در سال ۱۰۱۵ ه. آن را استنساخ کرده است. (۳) - تهذیب الأحکام/ شیخ طوسی

از «کتاب الادیون» تا آخر کتاب را اشرف محمد جوزی بن شهاب نگاشته و در مکه معظمه نزد استادش شمس‌الدین محمد بن خاتون عاملی خوانده و استاد برای وی در تاریخ ۱۳ جمادی الثانی ۱۰۰۹ در مکه انهایی نگاشته است. (۴) - جامع المقاصد/ محقق کرکی حسین نیشابوری مکی بن محمد علی از «باب إحياء الموات» تا آخر «الموارث» آن کتاب را در یک مجلد بزرگ نسخه برداری کرده است. وی ساکن مکه معظمه بوده و حدود سال ۱۰۸۰ در مکه در گذشته است. (۵) - حاشیه عُدَّة الاصول/ مولا خلیل قزوینی مؤلف، آن را در سالی که به حج مشرف شده به شمس‌الدین محمد شیرازی در مکه داده و وی بر آن انتقاداتی نگاشته است. (۶) - حاشیه مجمع البیان/ مولا خلیل قزوینی

وی سال‌ها در مکه مکرمه سکونت داشته و در همان‌جا حواشی مذکور را نوشته است. (۷) - خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال/ علامه حلّی

محمد امین قمی بن میرزا جان، آن را در مکه معظمه برای خود نسخه برداری کرده و در

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۱۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۳۳۱

۴- طبقات، ج ۵، ص ۵۰

۵- طبقات، ج ۵، ص ۱۸۷

۶- الذریعه، ج ۴، ص ۲۰ شماره ۶۴؛ طبقات، ج ۵، ص ۲۶۸

۷- طبقات، ج ۵، ص ۲۰۳

ص: ۴۳

جمادی الآخره ۱۰۰۹ از آن فراغت یافته و آن را برای عموم شیعیان وقف کرده است. (۱) - الدلائل المکیه فی العقائد الدینیة / محمدعلی عاملی مکی بن احمد بن علی

محمد علی آن کتاب را در سال ۱۱۰۸ ه. نگاشته است. (۲) از نام کتاب بر می آید که در مکه نوشته شده و از لقب مؤلف بر می آید که وی در مکه مکرمه ساکن بوده است.

- رسالات و فوائد / محمد علی بن محمد صالح شیبانی شیرازی

آن رسالات و فوائد، همراه با نسخه‌ای از کتاب «ارشاد» شیخ مفید، توسط بهاءالدین محمد بن محمد قاری، در مکه نوشته شده و به تاریخ ۲۷ رمضان ۱۰۷۳ به پایان رسیده است. (۳) - رساله فی السؤال عن بعض المسائل المعضله من الأصلیه والفرعیه / سؤال کننده:

حسین ظهیری؛ پاسخ دهنده: محمد امین استرآبادی

ظهیری در مکه نزد استرآبادی درس خوانده است. (۴) - شرح نهج البلاغه / ابن ابی الحدید

به سفارش شیخ صنعان در مکه استنساخ شده و در سال ۱۰۳۳ با نسخه دیگر مقابله گردیده است. شیخ آقا بزرگ احتمال داده که شیخ صنعان نام مستعار باشد نه نام واقعی. (۵) - الشواهد المکیه / علی جبعی

مؤلف آن را در ردّ «الفوائد المدنیة» ملا محمد امین استرآبادی نگاشته است. او بیش از بیست سال در مکه معظمه سکونت داشته است. علاوه آن که از نام کتاب هم استفاده می شود در مکه نگاشته شده است. (۶) قوام الدین بن محمد نسخه‌ای از آن را تحریر

کرده و در ۷ رمضان ۱۰۶۸ آن را به پایان رسانده و بر آن حواشی بسیاری زده است. (۷) - علل الشرایع / شیخ صدوق

نسخه‌ای از آن را عبدالله طائی در سال ۱۰۷۳ در مکه مکرمه مقابله و تصحیح کرده است. (۸) - العلم الإلهی أو النوریه / شمس الدین محمد معروف به شمس گیلانی

مؤلف آن را در سال ۱۰۴۸ به هنگام مجاورت در مکه معظمه نگاشته است. (۹) ۲۲ - فقه الرضا،

۱- طبقات، ج ۵، ص ۵۹

۲- طبقات، ج ۵، ص ۴۰۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۸۸

۴- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۴

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۷۱

۶- طبقات، ج ۵، صص ۳۸۷-۳۸۶

۷- طبقات، ج ۵، ص ۴۶۰

۸- طبقات، ج ۵، ص ۳۵۰

۹- الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۹۰ شماره ۲۰۹۱؛ طبقات، ج ۵، ص ۲۶۶

ص: ۴۴

میر حسین قاضی نسخه‌ای از آن را از مکه مکرمه به اصفهان آورده است. (۱) - الفوائد المکیه / محمد امین استرآبادی اخباری وی پس از مجاورت در مدینه منوره، در مکه معظمه سکونت گزید و در سال ۱۰۳۶ در همان‌جا از دنیا رفت. «الفوائد المکیه» را شیخ آقا بزرگ ندیده بلکه گوید: نزد مجلسی دوم بوده و از آن در بحار نقل کرده است. (۲) لیکن اسم کتاب برترین شاهد است که آن را در مکه تألیف کرده است.

- الکافی / کلینی

حامد استرآبادی بن محمد جرجانی بیش از ۵ سال در مکه معظمه سکونت گزیده و تمام کتاب کافی را در چهار مجلد در آن‌جا رونویس کرده است.

در تاریخ ۱۶ ربیع الآخر ۱۰۲۵ از قسمت «الایمان والکفر» اصول کافی فراغت یافته، در شعبان ۱۰۲۵ از «الروضه» فراغت یافته، از اول «الطهاره» تا آخر «الجهاد» را از اواسط سال ۱۰۲۵ تا اواسط شعبان ۱۰۲۶ رونویس کرده، و پس از استنساخ، آن را نزد اساتید خود خوانده و آنان بر آن بلاغ نگاشته‌اند. از «الأشربه» در سال ۱۰۲۹، از «الوصایا» در صفر ۱۰۳۰، از «الحدود» در جمادی الأولى ۱۰۳۰، از «الدیات» در اواسط جمادی الآخره ۱۰۳۰، و از «الکفارات» در اواسط رجب ۱۰۳۰ فراغت یافته است. (۳) - کمال الدین / شیخ صدوق

محمد تقی سرخ‌آبی بن ابراهیم مازندرانی آن را نسخه‌برداری کرده، و در ۱۱ شوال ۱۰۵۴ روی کوه ابوقیس در مکه معظمه از آن فراغت یافته است. (۴) - مُفْرَحَةُ الْأَنَامِ فِي تَأْسِيسِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ / سید زین‌العابدین کاشانی در سال ۱۰۳۹ ه. بر اثر سیل مهیب، کعبه گرامی تخریب شده، وی و جمعی از شیعیان در بازسازی کعبه مشرفه همکاری داشته‌اند. مقاله مذکور شرح داستان سیل و تخریب کعبه و بازسازی آن در سال ۱۰۴۰ ه. است. (۵) - منتقی الجمان / شیخ حسن صاحب معالم احمد انصاری از شاگردان شیخ محمد فرزند صاحب معالم، آن را در مکه معظمه در سال ۱۰۱۷ ه. از روی نسخه مؤلف نگاشته و سپس بر استاد خود شیخ محمد فرزند صاحب معالم در مکه مشرفه خوانده است. (۶)

۱- طبقات، ج ۵، صص ۱۶۰ و ۱۷۸

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۶؛ الذریعه، ج ۱۶، ص ۳۵۹ شماره ۱۶۶۷

۳- طبقات، ج ۵، ص ۱۳۰

۴- طبقات، ج ۵، ص ۹۹

۵- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۸

۶- طبقات، ج ۵، ص ۱۶

ص: ۴۵

- من لایحضره الفقیه / شیخ صدوق

عیسی بن زین العابدین مازندرانی تمام کتاب را همراه با مشیخه آن، در چهار مجلد در مکه مکرمه نگاشته و در ۱۹ شوال ۱۰۵۳ به پایان برده است. او بر آن کتاب حواشی بسیار زده است. (۱) نسخه‌ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» را حسین شامی بن علی بن زین الدین حسینی عاملی در سال ۱۰۰۷ در مکه مکرمه خریده است. (۲) - منهج المقال / الرجال الکبیر / محمد بن علی استرآبادی شاگرد وی فضل‌الله بن دستغیب آن را در مکه معظمه استنساخ کرده و در ۲۷ رجب سال ۱۰۲۲ از آن فراغت یافته است. سپس آن را با دست‌نوشته مؤلف مقابله کرده و در اواخر شعبان همان سال به پایان برده است. (۳) - وسیله المآل فی عدّ مناقب الآل / احمد مکی بن شهاب الدین فضل بن محمد باکثیر مؤلف آن کتاب را در سال ۱۰۲۷ در مکه معظمه تألیف کرده است. (۴) شیخ آقا بزرگ گوید: کتاب‌های علمی و عمومی بسیاری دیده‌ام که محمد بن عبد اللطیف عاملی آن‌ها را برای خود نسخه برداری کرده و بر آن‌ها مُهری زده که نوشته مُهر چنین است: «محمد بن عبد اللطیف الجامعی نزیل حرم اللّٰه السامی»، از این نوشته بر می‌آید که وی مدتی در مکه سکونت عالمان شیعی در مدینه منوره در قرن ۱۱ ه.

در پایان سخن، از ده دانشمند شیعی نام می‌بریم که در مدینه منوره می‌زیسته‌اند، البته برخی از آنان دورانی را نیز در مکه سپری کرده‌اند. شش تن از آنان، از خاندان شذقی و از اهالی مدینه منوره می‌باشند. آنان در مدینه ریاست و نقابت سادات را داشته‌اند و دانش آنان در رشته ادب و نسب و شعر عربی بوده است و کم و بیش اطلاعاتی هم از آموزه‌های دینی داشته‌اند و شاید بتوان آنان را از علمای رسمی دینی به حساب آورد که در رشته‌های فقه، اصول، عقاید، رجال، حدیث و تفسیر ... تحصیل کرده باشند. به هر حال آنان عبارت‌اند از:

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۲۳

۲- طبقات، ج ۵، صص ۱۷۰ و ۵۲۲

۳- طبقات، ج ۵، ص ۴۴۱

۴- طبقات، ج ۵، ص ۳۷

ص: ۴۶

۱- حسین بن حسن شذقی

پدر شیخ بهایی در سفر حج خود، برای وی و پدر و دو برادر و خواهرش در تاریخ ۹۸۳ در مکه اجازه نوشته، در حالی که او چهار ساله بوده است. او بعدها همراه پدر به حیدرآباد رفت و در سال ۹۹۸ که پدرش در آنجا از دنیا رفت به مدینه منوره برگشت. (۱)

۲- سلیمان بن محمد بن حسن شذقی

وی در مدینه منوره نزد پدر و عموهایش دانش آموخته و سپس به اصفهان آمده و از محضر شیخ بهایی و میرداماد بهره برده است. شاه عباس صفوی وی را گرامی داشته و موقوفات مربوط به مکه و مدینه رابه وی سپرده است. سلیمان بن محمد پیش از ۱۰۳۳ هـ.

در گذشته است. (۲) ۳- شمس الدین بن علی بن حسن شذقی

او در مدینه منوره می‌زیسته و بزرگی یافته است. وی در مدینه از عبدالنبی جزایری می‌خواهد تا شرحی بر کتاب «ارشاد الأذهان» علامه حلّی بنگارد و او در پاسخ درخواست وی کتاب «الاقتصاد فی شرح الإرشاد» را می‌نویسد. (۳) ۴- عبد الله سمنانی

او کتاب حسام‌الدین ماچینی، در باره حکم تنباکو و دخانیات را در مدینه منوره به درخواست علی بن حسن بن شذقم به عربی برگردانده است. (۴) ۵- عبدالنبی بن سعد جزائری

او مدتی در مدینه منوره به سر برده و به درخواست سید شمس‌الدین علی بن سیدحسن بن سید شذقم شرحی طولانی بر کتاب «الإرشاد» علامه حلّی به نام «الاقتصاد فی شرح الإرشاد» نگاشته است که از آغاز کتاب تا «کتاب الزکات» یا «کتاب الجهاد» قلمی

شده است. وی در سال ۱۰۲۱ وفات یافته است. (۵) ۶- علی نقیب بن تقی بن علی شذقی

وی در اصفهان به سر می‌برده و سپس به استانبول رفته و از آنجا به قاهره سفر کرده است. در سال ۱۰۶۵ به حج رفته و به زید بن محسن بن حسن بن ابی‌نمی، حاکم مکه و مدینه پیوسته و به نقابت سادات حسینی منصوب شده و سپس در سال ۱۰۸۱ از سمت

نقابت عزل شده است. وی مدتی در مدینه منوره بوده است. (۶)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۱۷۰

۲- طبقات، ج ۵، ص ۲۵۰

۳- طبقات، ج ۵، ص ۲۶۷

۴- طبقات، ج ۵، ص ۳۴۹

۵- طبقات، ج ۵، ص ۳۵۸؛ الذریعه، ج ۲، ص ۲۶۸

۶- طبقات، ج ۵، صص ۴۱۸-۴۱۷

ص: ۴۷

۷- محسن بن محمد بن حسن شدقمی

وی دایی ضامن بن شدقم مؤلف «تحفه الأزهار» است. او و پدر و برادرش حافظ قرآن کریم، با قرائات هفت گانه بوده‌اند. وی در سال ۱۰۵۷ در مدینه منوره در گذشته و در مقبره جدش حسن نقیب به خاک سپرده شده است. (۱) ۸- محمد امین بن محمد شریف استرآبادی

او مدتی در مدینه منوره، مجاورت گزیده و در آنجا کتاب «الفوائد المدنیه» را نگاشته که از متون مهم اخباری‌گری است. وی سپس به مکه مکرمه رفت و تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد و در سال ۱۰۳۶ وفات یافت. (۲) ۹- محمد بن حسن شدقمی او و پدر و برادران و خواهرش یک اجازه مشترک از شیخ حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهایی دارند. او مدتی در مدینه منوره می‌زیسته و حسینیّه بزرگی را که جنب مسجد قبا بوده را تعمیر نموده و سپس به مکه مکرمه مهاجرت کرده و در همان‌جا از دنیا رفته است. (۳) ۱۰- محمد زمان بن اسماعیل حسینی

«خلاصه الأفعال» تألیف علامه حلّی را نسخه برداری کرده و برای نوبت دوم در مدینه منوره با نسخه خود علامه مقابله کرده است.

(۴)\*\*\*

تألیف، ترجمه و استنساخ چهار کتاب در مدینه

وضعیت تولید کتاب شیعی در مکه مکرمه در قرن یازدهم هجری قمری، در مقایسه با مدینه منوره مناسب‌تر است. در جلد پنجم طبقات، که مربوط به سده یازدهم هجری است، چهار مورد کتاب مربوط به مدینه یافت شد، در حالی که کتاب‌های مربوط به مکه در همان قرن، به عدد سی می‌رسد.

۱- التنباک / حسام الدین ماچینی

این رساله درباره حکم دخانیات است و عبدالله سمنانی آن را در مدینه منوره، در سال ۱۰۲۰، به دستور علی بن حسن بن شدقم به عربی برگردانده است. (۵)

۱- طبقات، ج ۵، ص ۴۹۱

۲- طبقات، ج ۵، ص ۵۶

۳- طبقات، ج ۵، ص ۵۲۳

۴- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۲

۵- طبقات، ج ۵، ص ۳۴۹

ص: ۴۸

۲- خلاصه الأقوال / علامه حلی

محمد زمان حسینی بن اسماعیل در سال ۱۰۰۷ آن را استنساخ کرد و برای نوبت دوم، در مدینه منوره با نسخه مؤلف مقابله نمود.

(۱) ۳- الفوائد المدنیه / محمد امین استرآبادی

این کتاب که از متون مهم اخباری گری است، در دوران زندگی مؤلف در مدینه تألیف شده و پس از آن، وی به مکه رفته و تا پایان عمر در آنجا زیسته و در همانجا زندگی را بدرود گفته است.

۴- الاقتصاد فی شرح الإرشاد / عبدالنبی جزایری

وی آن کتاب را به درخواست سید شمس‌الدین علی بن سید حسن شذقی در مدینه منوره نگاشته است. (۲) پی‌نوشت‌ها

۱- طبقات، ج ۵، ص ۲۳۲

۲- الذریعه، ج ۲، ص ۲۶۸، طبقات، ج ۵، ص ۳۵۸











ص: ۵۳

## نمونه‌هایی از غم‌ها و شادی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله

محمد مهدی فیروزمهر

مقدمه:

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا، (۱)

آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند.

در قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه و الگوی کامل برای کسانی که خواهان حقیقت و زندگی

سعادت‌مندان هستند، معرفی شده است:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا. (۲)

«مسلماً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به (رحمت) خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را

بسیار یاد می‌کنند.»

روشن است کسی که از سوی خداوند به عنوان الگو و نماد زندگی شناسانده می‌شود، نباید در گفتار و رفتارش چیزی بی‌فایده یا

کم فایده دیده شود و به یقین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که تمام گفتار، رفتار و کردارش حتی خنده‌ها، تبسم‌ها و

اشک‌هایش، برای پیروان او پر از درس‌ها، نکته‌ها و پیام است؛ زیرا قرآن در وصف او می‌گوید: وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا

وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ (۳) «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی نیست.»

۱- توبه: ۸۱

۲- احزاب: ۲۱

۳- نجم: ۳-۴

ص: ۵۴

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیاری از معارف و حقایق (به‌خصوص در مورد اهل بیتش) را با تبسم‌ها و اشک‌های خود بیان کرده که سزاوار است طالبان حقیقت و امتش، در مورد لبخندها و گریه‌های او تأمل کنند و با دقت به مطالعه بنشینند. در این نوشتار، گوشه‌هایی از لبخندها و گریه‌های پر رمز و راز حضرتش جمع‌آوری شده، که امید است برای خوانندگان سودمند باشد.

خنده پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خواستگاری علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام:  
از علی علیه السلام نقل شده که گفت: ابوبکر و عمر نزد من آمدند و گفتند: اگر خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بروی و از فاطمه خواستگاری کنی (شاید موافقت کند). من به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم، وقتی آن حضرت مرا دید خندید و فرمود: چه چیزی تو را به این‌جا آورده و حاجت چیست؟

علی علیه السلام گفت: قرابت خود و پیشگامی‌ام در اسلام و یاری و جهادم را یاد آوردم.

حضرت فرمود: ای علی، راست گفتی و تو بالاتر از آنی که می‌گویی.

گفتم: ای پیامبر خدا، آیا فاطمه را به ازدواجم در می‌آوری؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پیش از تو، مردانی از فاطمه خواستگاری کردند و من او را در جریان قرار دادم ولی در چهره‌اش ناخشنودی و نارضایتی دیدم، اکنون منتظر باش تا برگردم.

رسول الله صلی الله علیه و آله بر فاطمه وارد شد و بدو فرمود: ای فاطمه. گفت: لیبک، لیبک، ای پیامبر خدا، خواسته‌ات چیست؟

فرمود: علی، فرزند ابوطالب کسی است که قرابت و خویشی و فضل او را می‌شناسی و پیشینه او را در اسلام را می‌دانی و من از پروردگرم خواسته‌ام که بهترین و محبوبترین خلق را به ازدواج تو درآورد و علی درباره تو چنین خواسته‌ای را مطرح کرده است، نظرت چیست؟

فاطمه علیها السلام سکوت کرد و روی خود را برنگرداند و رسول الله صلی الله علیه و آله در او ناخشنودی ندید.

در این هنگام برخاست، در حالی که می‌گفت: الله اکبر سکوت او، اقرار (و رضای) اوست. (۱) ام‌سلمه گوید: بعد از خواستگاری علی از فاطمه علیهما السلام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم در حالی که از خوشحالی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گفت، در چهره علی تبسم کرد .... (۲)

۱- امالی شیخ طوسی، ص ۴۰

۲- بحار الأنوار، ج ۴۳، ۱۲۷

ص: ۵۵

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام دیدن جهیزیه دخترش فاطمه علیها السلام:

... و پیامبر صلی الله علیه و آله مشتکی از درهم‌ها را برداشت و ابوبکر را فراخواند و آن را به او داد و فرمود: «با آن برای دخترم لوازم خانه تهیه کن» و همراه او سلمان و بلال را فرستاد تا در حمل لوازم خریداری شده، یاری‌اش نمایند. ابوبکر گوید: مبلغی که (پیامبر صلی الله علیه و آله) به من داد، شصت و سه درهم بود. با آن، یک زیرانداز مصری پر شده از پشم، یک فرش از پوست، بالشی از چرم، که از لیف خرما پر شده بود، چادری خیبری، یک مشک آب، یک آفتابه و چند عدد کوزه سفالی و پرده نازک پشمی خریدم و همه آن‌ها را نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آورده، در پیشگاهش نهادیم. وقتی نگاه حضرت به آن‌ها افتاد، اشک ریخت و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمِ جُلِّ أَسْبَابِهِمُ الْخَزْفُ...»؛ «خدایا! به کسانی که بیشتر ظروفشان از سفال است، برکت عطا فرما». (۱) لبخند پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگام گفت‌وگوی علی و فاطمه علیهما السلام:

ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بر علی و فاطمه علیهما السلام وارد شد، در حالی که آن دو می‌خندیدند. آن دو، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند، سکوت کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ایشان فرمود: چه شد که خندیدید و همین که مرا دیدید ساکت شدید؟! فاطمه علیها السلام گفت: ... ای پیامبر خدا، علی گفت:

من نزد رسول الله از تو محبوب‌ترم و من گفتم: محبوبیت من نزد پیامبر از تو بیشتر است. پیامبر صلی الله علیه و آله تبسم کرده، فرمودند: دخترکم تو (رحم و) رقت فرزند را داری و علی نزد من از تو عزیزتر است؛ «يَا بَنِيَّ لَكَ رِقَّةُ الْوَلَدِ وَعَلِيٌّ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْكَ».

(۲)

۱- بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۰

۲- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۲

ص: ۵۶

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر مصیبت‌های اهل بیتش

ابن عباس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی در حال احتضار بود، به شدت گریست؛ به گونه‌ای که محاسنش به آب دیدگانش تر شد. پرسیدند: ای پیامبر خدا، چه چیزی سبب شد که تو اشک بریزی؟ فرمود: گریه‌ام برای ذریه‌ام و به خاطر ظلمی است که بیدان امتم پس از من بر آنها روا خواهند داشت. گویا می‌بینم به دخترم، فاطمه پس از من ظلم می‌شود و فریاد و ابتای او بلند است و کسی از امتم یاری‌اش نمی‌کند!

فاطمه علیها السلام وقتی این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنید گریه کرد. حضرت بدو فرمود: دخترم! گریه نکن. فاطمه گفت: گریه‌ام به خاطر رفتاری که با من می‌شود نیست، بلکه از یاد لحظه جدایی تو گریه‌ام جاری شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بشارت می‌دهم که از اهل بیتم تو نخستین کسی هستی که به من ملحق می‌شود. (۱) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله در چهره علی علیه السلام:

روز جنگ بدر، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ آبی نداشت و علی علیه السلام میان دشمن رفت تا آبی بیاورد و این در حالی بود که چاه بدر در دست دشمن بود و آن‌ها بر چاه احاطه داشتند، علی علیه السلام بر سر چاه رسید و به داخل آن رفته، ظرف آب را پر کرد و بر روی چاه گذاشت. در این هنگام صدایی شنید ... و لحظه‌ای در چاه نشست و پس از آن که آرام شد، بالا آمد، دید آب بر زمین ریخته است. بار دیگر پایین رفت و همان ماجرا تکرار شد. در مرتبه سوم آب را بالا نفرستاد بلکه با خودش حمل کرد و بالا آورد. وقتی آب را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رساند، حضرت در چهره علی نظر کرد و خندید و فرمود: تو (از ماجرا) خبر می‌دهی یا من بگویم؟ علی علیه السلام عرض کرد:

ای فرستاده خدا، شما بفرمایید. سخن تو شیرین تر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داستان را تعریف کرد، سپس فرمود: آن شخص جبرئیل بود (که آب را ریخت) و تو را تجربه می‌کرد و ثبات قلب تو را به ملائکه می‌نمایاند. (۲) گریه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام:

۱. ابوبکر می‌گوید: ... در مورد ابو الحسن (علی علیه السلام) تعجب نکنید، به خدا سوگند روزی

۱- امالی شیخ طوسی، ص ۱۸۸

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۶۹



ص: ۵۷

که علی در خبیر را از جا کند، من در کنار پیامبر بودم، دیدم که حضرت خندید؛ به گونه‌ای که دندان‌هایش آشکار شد. پس از اندکی دیدم گریه می‌کند؛ به حدی که محاسنش از آب دیدگانش تر شد. گفتم: ای پیامبر خدا، در یک لحظه، هم خنده و هم گریه؟! فرمود: اما خنده‌ام به خاطر این است که از کنده شدن در خبیر به دست علی خوشحال شدم و اما گریه‌ام برای علی علیه السلام است؛ چرا که او در خبیر را در حالی کند که سه روز است روزه دارد، آن هم با آب خالی ... (۱) اصیغ بن نباته روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله یک هفته علی را ندیده بود. دیدند که آن حضرت گریه می‌کند و می‌گوید: خدایا! علی نور چشم، قوت بازو، پسرعمویم و برطرف کننده غم و غصه از چهره من است، او را به من برگردان! و فرمود: برای کسی که از علی علیه السلام برایم خبری بیاورد، بهشت را برایش ضمانت می‌کنم. مردم (برای پیدا کردن علی علیه السلام) به راه افتادند.

فضل بن عباس او را یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله او را به بهشت بشارت داد ... (۲) ابن عباس می‌گوید: روزی من، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام به بیرون رفتیم، پیامبر صلی الله علیه و آله سر خود را بر سینه علی علیه السلام نهاد و اشک می‌ریخت. علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا، گریهات برای چیست؟ خداوند چشمان تو را گریان نکند. فرمود: گریه‌ام (به خاطر) کینه‌هایی است که در دل برخی، نسبت به تو وجود دارد، که آن‌ها را برای تو آشکار نمی‌کنند تا این که ما از همدیگر جدا شویم. (۳) از امیرمؤمنان علیه السلام نقل است که فرمود: در واقعه خبیر بدنم بیست و پنج زخم برداشت.

با این زخم‌ها خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم. وقتی جراحات‌های مرا دید، گریه کرد و از اشک‌های دیدگانش گرفت و بر جراحاتم کشید. در همان لحظه از درد و رنج زخم‌ها راحت شدم. (۴) وقتی علی علیه السلام از غزوه احد برگشت، هشتاد زخم بر بدنش وارد شده بود. در حالی که زخم‌های خود را مداوا می‌کرد و همانند یک قطعه گوشت خرد شده بر روی فرش افتاده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله برای عیادت از او وارد شد. وقتی وی را در آن وضع دید، گریه کرد و فرمود:

مردی که این گونه در راه خدا مصیبت ببیند، بر خداست که (آنچه حق اوست) در موردش انجام دهد و انجام خواهد داد. (۵) علی علیه السلام در غزوه احد، دشمنان را از چپ و راست پیامبر صلی الله علیه و آله دور می‌کرد. آن حضرت آن

۱- بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۸۲

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۱۰۰

۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۱

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۴۲

۵- الاختصاص، ص ۱۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۱۴

ص: ۵۸

قدر جنگید که شمشیرش شکست و سه تکه شد! آن را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد و عرض کرد: این شمشیر من است که قطعه‌قطعه شده، آیا من به بیعتم وفا کردم؟!

حضرت فرمود: آری، و آنگاه ذوالفقار (شمشیر مخصوص) را به او داد و چون پیامبر صلی الله علیه و آله دید از شدت جنگ و خستگی ناشی از آن، پاهای علی علیه السلام توهّم می‌رود سرش را به سوی آسمان گرفت و در حالی که گریه می‌کرد، گفت: خدایا! وعده‌ام دادی که دینت را یاری کنی و اگر بخواهی ناتوان نیستی... (۱) شگفتی سلمان فارسی درباره فاطمه علیها السلام و خنده پیامبر صلی الله علیه و آله

از سلمان فارسی نقل است که گفت: روزی به خانه فاطمه رفتم، دیدم که او در حالی که با چادری خود را پوشانده، خوابیده است و دیگری در کنارش می‌جوشد، بی آنکه آتشی زیر آن باشد! با شتاب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا مرا دید، خندید و فرمود: ای ابو عبدالله (سلمان)، آنچه از حال دخترم فاطمه دیدی تعجب کردی؟! گفتم: آری، ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله. آن حضرت فرمود: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ خدای تبارک و تعالی دانست دخترم فاطمه ضعیف است، از این رو، او را تأیید کرده، به وسیله فرشته‌ای گرمی، وی را در کارهایش کمک کرد. (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام وارد شد، در حالی که بر او پوششی از کرک شتر بود و با دستانش آسیاب را می‌چرخاند و به کودکش شیر می‌داد، چون نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به او افتاد، اشک‌هایش جاری شد و فرمود: دخترم! تلخی دنیا را در برابر شیرینی آخرت اندک بدان؛ چرا که خدا بر من آیه و لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۳)

را نازل کرد. (۴) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله در صحنه جنگ احد:

در غزوه احد، درگیری شدت گرفت و مردان جنگی مشرکان با تیراندازی، تعدادی از لشکر اسلام را مجروح کردند پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را به جنگیدن و دفاع ترغیب و تشویق می‌کرد و به «سعد» فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد! تیر بینداز. در این هنگام «حیان بن العرقه»

۱- بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۱۰۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۹۸

۲- الثاقب فی المناقب، ص ۳۰۱

۳- ضحی: ۵

۴- مجمع البیان، ج ۱۰-۹، ص ۷۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۴۳

ص: ۵۹

از سپاه دشمن تیری انداخت که به دامن «ام ایمن» که کارش در آن روز آب رسانی به مجروحان و مداوای آنها بود، اصابت کرد و او را به زمین انداخت و لباسش کنار رفت.

«حیان بن العرقه» از این صحنه شاد شد و خندید و این امر بر پیامبر صلی الله علیه و آله گران آمد، در این حال تیری به سعد وقاص داد و فرمود: این تیر را به سوی «حیان» بینداز. سعد تیر را انداخت و آن به گودی گلوی «حیان» خورد و او به پشت افتاد و عورتش نمایان شد. سعد گفت: دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله خندید؛ آن گونه که دندان‌های کنارش آشکار شد.... (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در شهادت حضرت حمزه

پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از غزوه احد، وقتی صدای گریه از خانه‌های انصار شنید که بر کشته‌های خویش می‌گریستند، اشک از چشمانش جاری شد و فرمود: اما حمزه! کسی نیست که بر وی بگرید. وقتی سعد بن معاذ و اسید بن حضیر این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدند، نزد زنان بنی‌عبد‌الأشهل رفته، آنان را به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند و آنان همگی برای حمزه گریه (و عزاداری) کردند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن صدای گریه و ناله آنها در حقشان دعا کرد و دستور دادند که برگردند. پس از آن بود که هیچ انصاری بر مرده خود گریه نمی‌کرد، جز پس از گریه بر حضرت حمزه. (۲)... پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان فرمود: درباره عمویت جستجو کن. علی علیه السلام در پی جسد حمزه آمد تا این که او را یافت، وقتی وضعیت اسف‌بار به شهادت رسیدن حمزه را دید، برایش مشکل بود که آن وضعیت را برای پیامبر شرح دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله خود به کنار جنازه حمزه آمد و دید که سینه حمزه را شکافته و جگرش را درآورده‌اند، گریه کرد و گفت: به خدا سوگند جایی نایستادم که بر من سخت‌تر از این مکان باشد.... (۳) خنده و شادی پیامبر صلی الله علیه و آله از کار علی علیه السلام: ابوهریره گوید: در مدینه قحطی و گرسنگی روی داد و یک شب و یک روز بر من گذشت که چیزی نخوردم! ابوبکر را دیدم و از او آیه‌ای را (که خود تفسیر آن آیه را بهتر می‌دانستم) پرسیدم و با او تا در خانه‌اش رفتم. او وارد خانه شد و من گرسنه برگشتم و آن روز را گرسنه ماندم. فردایش خلیفه دوم را دیدم و از وی آیه‌ای را (که خود به تفسیرش از او

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۲۴۸

۲- معالم المدرستین، ج ۱، ص ۵۶؛ و قریب به همین نقل در مدینه‌البلاغه، ج ۱، ص ۵۳ آمده است.

۳- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶۲

ص: ۶۰

آگاه‌تر بودم) پرسیدم، رفتار او هم مانند رفتار ابوبکر بود (و من باز هم گرسنه برگشتم). روز سوّم نزد علی علیه السلام رفتم و از او چیزی را که تنها او می‌دانست، پرسیدم (جواب داد). خواستم برگردم که مرا به خانه‌اش دعوت کرد و دو قرص نان و روغن به من داد. پس از آن که سیر شدم نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم، آن حضرت تا مرا دید، خندید و گفت: تو برایم خبر می‌دهی یا من تو را خبر دهم؟ سپس ماجرا را آن‌گونه که اتفاق افتاد بیان کرد و فرمود: (این ماجرا را) جبرئیل برایم تعریف کرد. (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ عبدالمطلب

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا رحلت عبدالمطلب را به یاد داری؟

فرمود: آری، آن روز من هشت ساله بودم. «امّ ایمن» گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در آن روز دیدم که پشت سر جنازه عبدالمطلب می‌گریست. (۲) خنده و تعجب پیامبر صلی الله علیه و آله از زودرنجی بنی‌آدم

نقل شده که مردم مدینه از خشکسالی و کمی باران، در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکوه کردند و از حضرتش خواستند که برای نزول باران دعا کند. حضرت به آنان فرمود: در فلان روز بیرون بیاید و صدقه بدهید. در موعد مقرر حضرت به اتفاق مردم از خانه‌هایشان بیرون آمدند و به مصلا رفتند و نماز خواندند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعا کردند بلافاصله باران فراوانی نازل شد تا حدی که سیل راه افتاد و مردم آمدند خدمت حضرت و عرض کردند: از خدا بخواه باران را برگرداند. در این لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله که بالای منبر بود، به شدت خندید، به خاطر تعجب از زودرنجی فرزند آدم. سپس دستانش را بلند کرد و گفت: «اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا...»؛ «خدایا! باران را، بر اطراف و پیرامون ما بباران، نه بر سر ما.»

پس از آن بود که ابرها از بارش بر شهر مدینه دریغ کردند، گویی خیمه‌ای بر بالای شهر زده شد؛ به طوری که باران بر اطراف شهر و مراتع می‌بارید اما قطره‌ای از آن بر شهر نازل نمی‌شد.

در برخی از روایات آمده است: وقتی مدینه به صورت خیمه درآمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت خندید و فرمود: خداوند ابوطالب را خیر دهد! اگر زنده بود چشمش روشن می‌شد. چه کسی

۱- بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۲۷

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۵۶

ص: ۶۱

کلام او را برای ما می‌خواند؟ علی علیه السلام از جا برخاست و گفت: یا رسول‌الله، گویا منظور شما این شعر است: (۱)

وَ أَيْضُ يُسْتَشْفَى الْعَمَامُ بِوَجْهِهِ ثِمَالُ الْيَتَامَى عِضْمُهُ لِلْأَرَامِلِ ...

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام جدایی اش از ابوطالب

واحدی گوید: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده سال سن داشت، قریش تصمیم گرفتند کاروانی تجاری، با سرمایه و اموالی زیاد روانه شام کنند و ابوطالب هم تصمیم گرفت آن کاروان را همراهی کند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز میل داشت همراه عمویش به این سفر برود.

وقتی ابوطالب به چهره او نگریست، حالش منقلب شد اما عموها و عمه‌های او، که از این مسافرت خشنود نبودند، با او صحبت کردند و گفتند: نوجوانی چون او را نباید در معرض مشکلات سفر و امراض قرار داد. همان‌گونه که خود ابوطالب هم چنین فکر می‌کرد و تصمیم داشت برادرزاده‌اش در مکه بماند، ناگهان ابوطالب دید، محمد صلی الله علیه و آله، برادر زاده‌اش گریه می‌کند. به او گفت: فرزند برادرم! شاید گریه‌ات از این جهت باشد که احساس کرده‌ای من تو را در مکه تنها می‌گذارم و خودم به مسافرت می‌روم؟ حضرت محمد صلی الله علیه و آله گفت: آری، چنین است. ابوطالب گفت: نه هرگز از تو جدا نمی‌شوم. همراهم حرکت

کن و پیامبر در آن سفر با ابوطالب همراه شد ... (۲) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از جزع شیطان

حضرت رسول صلی الله علیه و آله غروب روز عرفه (در عرفات) برای امت خود دعا کرد که بخشیده شوند، حتی از مظالم و خون‌های ریخته شده (حق الناس)، این دعایش اجابت نشد. صبح مزدلفه (صبح عید قربان در مشعرالحرام) همان دعا را کردند که اجابت شد، حتی در مورد مظالم و خون. (شیطان بی تاب شد) و پیامبر صلی الله علیه و آله از بی تابی شیطان خندید. (۳) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله به یاد همسر باوفایش خدیجه علیها السلام:

... ام سلمه (از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله) گوید: وقتی که نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه یاد کردیم، حضرت گریه کردند و فرمودند: خدیجه! و مانند خدیجه کجاست؟ او زمانی مرا تصدیق کرد

۱- بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۳۰۰

۲- دلائل النبوه، ص ۲۳۰

۳- اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۱۵

ص: ۶۲

که همه مردم تکذیب کردند و در راه دین خدا مرا قوت بخشید و با مال خود، اسلام را یاری کرد. خدای عزّوجلّ مرا فرمان داد که خدیجه را به خانه‌ای از زمر در بهشت، که در آن رنج و مشکلی وجود ندارد، بشارت دهم. (۱) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از پیروزی امّ‌هانی بر برادرش علی علیه السلام:

پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از فتح مکه اعلان کردند که خون چند نفر هدر است، آنان را هر جا یافتید بکشید؛ از جمله آنها دو مرد از (قبیله) بنی‌مخزوم بودند که به امّ‌هانی پناهنده شدند و علی علیه السلام وقتی آن دو را دید، شمشیر کشید تا بکشد، امّ‌هانی میان حضرت و آن دو مرد حایل شد و شمشیر را از علی گرفت و بر او غالب شد و در خانه‌اش را بر روی وی بست و علی علیه السلام اصرار کرد اما او اجازه نداد و گفت: (حاکم) میان من و تو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! پیش از آن که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بیایند، خبر به حضرت رسید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی علی و امّ‌هانی را دید، خندید و به علی علیه السلام فرمود: ای ابو الحسن، امّ‌هانی بر تو پیروز شد؟! علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خدا سوگند او نمی‌توانست کاری انجام دهد تا این که شمشیر را از دستم گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر همه مردم از ابوطالب بودند، همه‌شان این‌گونه شدید و قوی بودند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که خنده بر لب داشتند، به امّ‌هانی فرمودند: ما آن دو نفر را مهدور الدم دانستیم.

امّ‌هانی گفت: ای فرستاده خداوند، من آن دو را پناه داده‌ام، ایشان را بر من ببخش. پیامبر فرمود: ای امّ‌هانی، هر که را تو پناه دادی ما پناهش دادیم و به علی علیه السلام فرمود: از آن دو صرف‌نظر کن و ایشان را به خاطر امّ‌هانی آزاد بگذار. (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار قبر مادرش در ابواء

از ابن عباس و غیر ایشان نقل شده است: ... هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان عمره حدیبیه به سرزمین ابواء رسید، فرمود: خداوند به من اجازه داد که قبر مادرم را زیارت کنم، سپس کنار قبر مادر رفت و آن را مرتب کرد و بر آن گریست. مسلمانان نیز به خاطر گریه پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کردند. (۳)

۱- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱

۲- شرح الأخبار، ج ۳، ص ۲۱۷

۳- بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۶۲

ص: ۶۳

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فاطمه بنت اسد

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان علیه السلام در گذشت، علی علیه السلام نزد پیامبر رفت. پیامبر از او پرسید: ابوالحسن! کاری داری؟ عرض کرد: مادرم از دنیا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا سوگند او مادر من هم بود و در این هنگام بر مرگ فاطمه بنت اسد گریست و گفت: ای وای مادرم! ... (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ ابوطالب

ابن سعد با واسطه نقل کرده که علی علیه السلام فرمود: وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را از رحلت ابوطالب خبر دادم، حضرت گریست و فرمود: او را غسل بده و کفن کن و من هم چنین کردم. (۲) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از قضای خدا درباره بنده مؤمن

امام صادق علیه السلام از پدراناش نقل کرده که: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خندید، آن گونه که دندان‌های آخرش نمایان شد، و در این هنگام فرمود: از من نمی‌پرسید به خاطر چه چیزی خندیدم؟ گفتند: چرا ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! فرمود: تعجبم برای فرد مسلمان است که خدای سبحان

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۳۲ و، ج ۱۸، ص ۶

۲- تلخیص الحبیر، ج ۵، ص ۱۵۰

ص: ۶۴

هیچ قضایی درباره او ندارد، جز این که در عاقبت امر به خیر و صلاحش خواهد بود. (۱) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی با یاران خود نشستند و حضرت لحظه‌ای خندید و آنگاه فرمود: از من نمی‌پرسید که چرا و برای چه چیزی خندیدم؟ گفتند: ای فرستاده خداوند، از چهره خندیدی؟ فرمود: تعجب کردم از کار شخص مؤمن که همه‌اش خیر است. اگر چیزی که مورد علاقه اوست به او برسد، حمد خدا را می‌گوید و این به خیر اوست و اگر چیز ناخوشایندی به او برسد، صبر می‌کند که این هم به خیر اوست و هیچ کس نیست که تمام آموزش خیر باشد جز بنده مؤمن. (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام استلام حجرالأسود عبدالله بن عمر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به طرف حجرالأسود رفت و لب‌های خود را بر آن نهاد و زمانی طولانی گریست، سپس متوجه شد که عمر بن خطاب هم می‌گرید. فرمود: ای عمر، این جاست که اشک‌ها ریخته می‌شود. (۳) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خروج از مکه:

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حجّه‌الوداع، هنگام خروج از مکه، پیوسته نگاه به کعبه می‌کرد و می‌گریست.

نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام هجرت و خروج از مکه به سوی مدینه، پیوسته نگاه به خانه خدا می‌کرد و می‌گریست و این گریه به خاطر اندوهی که بود از جدایی خانه خدا برای حضرت پدید می‌آمد. (۴) و قرطبی در تفسیرش (۵) از ابن عباس و قتاده نقل کرده که: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حجّه‌الوداع، هنگام خروج از مکه، پیوسته نگاه به کعبه می‌کرد و می‌گریست و آیه ۱۳ سوره محمد صلی الله علیه و آله به دنبال آن، نازل شده است.

خنده و شگفتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مجادله بنده با خدا در قیامت

انس بن مالک گفت: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله خنده یا تبسم کرد و فرمود: از من نمی‌پرسید که از چهره خندیدم؟! و سپس افزود: در شگفتم از مجادله بنده با پروردگارش در روز قیامت، که

۱- شیخ صدوق، توحید، ص ۴۰۱؛ بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۱۴۱

۲- مسند احمد، ج ۶، ص ۱۶

۳- شرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۸۴؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۵۴

۴- التبیان، ج ۹، ص ۲۸۸؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۴۴

۵- تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۲۲۳



ص: ۶۵

می‌گوید: پروردگارا! آیا وعده ندادی که بر من ظلم نکنی؟

خداوند می‌فرماید: آری، وعده دادم!

بنده می‌گوید: من شهادت هیچ کس را علیه خودم نمی‌پذیرم جز این که از خودم باشد.

پروردگار می‌فرماید: آیا کافی نیست که من و فرشتگان کرام الکااتبین شاهد باشیم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این سخن چند بار رد و بدل می‌شود، پس از این، دهان بنده را مهر می‌کنند و می‌بندند و اعضای

بدن او سخن می‌گویند و شرح می‌دهند که او چه کرده است.

پروردگار خطاب به ایشان می‌فرماید: دور باشید، آیا با من مجادله می‌کنید؟! (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ نجاشی

پادشاه حبشه

امام حسن عسکری علیه السلام از پدراناش نقل کرده، هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خبر مرگ نجاشی را از جبرئیل

شنید، به شدت گریست (بَکَى بُكَاءَ حَزِينٍ عَلَيْهِ) و فرمود: برادر شما «اِصْحَمَه» (۲) مرد. حضرت آنگاه به صحرا رفت و از راه دور بر

او نماز خواند و هفت تکبیر گفت و خداوند زمین را برای او هموار ساخت؛ به طوری که جنازه نجاشی را دید، در حالی که او در

حبشه بود. (۳) خنده و شگفتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از یک رؤیای شگفت‌انگیز

عایشه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از رؤیایی که مردی برای وی نقل کرد، آنقدر خندید که هرگز ندیده بودم از چیزی

آن‌گونه بخندد!

محمد بن سیرین گوید: دانستم که آن رؤیا و تأویلش چیست. خواب این بود که آن مرد دید سرش جدا شده و او به دنبالش حرکت

می‌کند (و تأویل آن این است که) سر، پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آن مرد می‌خواست با عمل خود به عمل پیامبر صلی الله علیه

و آله برسد ولی نمی‌توانست. (۴) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر شهید فخر

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به سرزمین فخر رسید، نمازی را آغاز کرد، در رکعت دوم نماز گریست و

مردم چون گریه آن حضرت را دیدند، گریستند. در پایان نماز پرسید: چرا گریه می‌کنید؟ عرض کردند: از گریه تو می‌گرییم.

حضرت فرمود: وقتی رکعت اول نماز را

۱- نیشابوری، مستدرک الحاکم، ج ۴، ص ۶۰۱

۲- نام نجاشی است.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۰۷

۴- المصنف، ج ۷، ص ۲۴۴

ص: ۶۶

خواندم، جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله مردی از فرزندان تو در این مکان کشته خواهد شد و شهید همراه او پاداش دو شهید دارد. (۱) خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از برخی استغفارها

از علی بن ربیعہ نقل شده که گفت: مرکبی را آوردند که علی بن ابی طالب سوار شود، وقتی آن حضرت پای خود را در رکاب گذاشت، گفت: «بسم الله...» و آنگاه که بر مرکب نشست، گفت: «الحمد لله...» و سپس سه بار حمد خدا و سه تکبیر گفت و این کلمات را خواند:

«سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». سپس خندید.

گفتم: ای امیر مؤمنان، از چهره خندیدی؟ فرمود: پیامبر خدا را دیدم، همین کار را که من انجام دادم او نیز انجام داد و خندید. پرسیدم: ای پیامبر خدا! برای چه خندیدی؟ فرمود: پروردگار از بنده‌اش تعجب می‌کند هنگامی که می‌گوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي» و می‌فرماید: «بنده من دانست که گناهان را جز من، کسی نمی‌بخشد.» (۲) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فرزندش ابراهیم: عایشه گوید: وقتی ابراهیم از دنیا رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ وی گریست، تا حدی که اشک‌های دیدگانش بر محاسنش جاری شد. به او گفتند: ای پیامبر خدا، دیگران را از گریه کردن باز می‌داری، در حالی که خود اینگونه اشک می‌ریزی؟! فرمود: این گریه نیست، همانا رحمت است و هر کس که رحم و مهربانی نکند، به او رحم و مهربانی نخواهد شد. (۳) و در نقل دیگر آمده است: وقتی اشک‌های حضرت در مرگ فرزندش ابراهیم جاری شد، فرمود: اشک‌ها از چشم جاری و قلب اندوهناک می‌شود ولی ما چیزی نمی‌گوییم که موجب خشم پروردگار شود و ما به خاطر تو محزونیم، ای ابراهیم. (۴) این ماجرا در مورد مرگ فرزند دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله (طاهر) و یکی از دخترانش هم نقل شده است. (۵) شادی و خنده پیامبر صلی الله علیه و آله از بخشیده شدن گناهکاران در قیامت

از ابوذر رحمه الله نقل شده که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت شخصی را می‌آورند و (به

۱- مقاتل الطالبيين، ص ۲۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۷۰

۲- مسند احمد، ج ۱، ص ۹۷؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۱۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۹۳

۳- وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۲۸۲

۴- الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳؛ وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۲۸۰

۵- نك: مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۱۸

ص: ۶۷

فرشتگان) گفته می‌شود که گناهان کوچک وی را بر او عرضه کنید، فرشتگان چنین می‌کنند، اما گناهان کبیره را از او پنهان می‌دارند (او با دیدن گناهان خود) می‌گوید: در چنین روزی چنین عملی را انجام دادم و به گناهان کوچک خود اعتراف می‌کند، در حالی که از گناهان بزرگش ترس دارد. (به فرشتگان) گفته می‌شود به جای هر سیئه و بدی، حسنه‌ای به او بدهید. او می‌گوید: من گناهایی دارم که اکنون آنها را نمی‌بینم!

ابوذر گوید: دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به گونه‌ای خندید که دندان‌های کناری او هم آشکار شد! (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام تلاوت قرآن

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام شنیدن قرآن گریه می‌کرد. (۲) آن حضرت به ابن مسعود فرمود: قرآن را بر من قرائت کن. ابن مسعود گوید: شروع به خواندن سوره نساء کردم تا این که به آیه: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً (۳)

رسیدم، دیدم اشک از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله سرازیر شد و فرمود: دیگر بس است.

ابوالفتوح رازی در تفسیر خود این روایت را نقل کرده و افزوده است:

ابن مسعود گوید: چون به آیه یاد شده رسیدم، حضرت گریه کرد و فرمود: بار دیگر، از اول تلاوت کن. باز شروع کردم تا این که به آیه یاد شده رسیدم، پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از بار اول گریه کرد و فرمود: بس است. (۴) نقل کرده‌اند که هرگاه آیه وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً را نزد پیامبر می‌خواندند، اشک‌های حضرت جاری می‌شد. (۵) خنده و شگفتی پیامبر صلی الله علیه و آله از شدت نزول باران به دنبال نماز باران و دعای آن حضرت

عایشه نقل کرده است که: مردم از قحطی و خشک‌سالی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کردند.

حضرت خطبه خواندند و دعا کردند و دو رکعت نماز گزاردند. در پی آن، خداوند قطعه ابری پدید آورد که رعد و برقی زد و سپس باران نازل شد. هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجدش (مسجدالنبی) نرسیده بود که سیل‌ها به راه افتاد! وقتی حضرت دیدند مردم با سرعت و شتاب،

۱- مسند احمد، ج ۵، ص ۱۵۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۱۳

۲- سبل السلام، ج ۳، ص ۱۳۱

۳- نساء: ۴۱، «حال آن‌ها چگونه است در آن روز که از هر امتی شاهد و گواهی می‌آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم گرفت؟!»

۴- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۷۷

۵- المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۶

ص: ۶۸

به خانه‌هایشان می‌روند، به شدت خندیدند و گفتند: «أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّي عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ». (۱)

گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غروب آفتاب

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: هرگاه (هنگام غروب)، سرخی خورشید بر قله کوه‌ها آشکار می‌شد، اشک از دیدگان پیامبر می‌ریخت و می‌گفت:

خدایا! روز را به پایان می‌برم در حالی که از ظلم‌هایم به عفو تو، از گناهانم به مغفرت تو، از ترسم به امان تو، از ذلتم به عزت تو، از فقرم به غنای تو، از صورت فرسوده و فانی شونده‌ام به چهره و وجه باقی و کریمانه تو پناه می‌آورم!

خدایا! عافیتم ده و از کرامت شکوهم ببخش و در رحمت قرارم ده و از شرّ آفریدگانت؛ از جنّ و انس حفظم کن، ای رحمان و ای رحیم. (۲) خنده و شادمانی پیامبر صلی الله علیه و آله از ثواب زیارت امام حسین علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله روزی بر فاطمه علیها السلام وارد شد و او غذایی از خرما و نان و روغن آماده کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام غذا را میل کردند. پس از آن، به سجده رفتند و در سجده گریه کردند، بعد از آن، خندیده و سپس سر از سجده برداشتند. در میان حاضران، علی علیه السلام که در سخن گفتن با پیامبر صلی الله علیه و آله جرأت بیشتری داشت، گفت:

ای پیامبر خدا، امروز از شما چیزی دیدیم که پیش از این ندیده بودیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی با شما غذا خوردم از سلامت و اجتماع شما خوشحال و مسرور شدم. جهت شکر (این نعمت) بر خدای تعالی سجده کردم و جبرئیل نازل شد و گفت:

به خاطر سرور و شادمانی که از اهل تو، به تو رسیده سجده شکر می‌گزاری؟

گفتم: آری.

گفت: آیا از چیزی که پس از تو بر ایشان می‌گذرد، خبر دهم؟

گفتم: آری، آگاهم کن ای برادرم، جبرئیل.

گفت: دخترت نخستین کسی است که به تو ملحق می‌شود، پس از آن که به او ستم می‌شود و حقش را می‌گیرند و از ارشش منع می‌گردد و شوهرش مورد ستم واقع می‌شود و

۱- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۶۱

۲- بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۶۷؛ سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۳۷۹

ص: ۶۹

پهلوی او شکسته می‌شود.

پسر عمویت (علی بن ابی طالب) نیز مورد ستم قرار می‌گیرد و از حقش محروم می‌گردد و کشته می‌شود.

در حق حسن نیز ستم می‌شود و از حقش محروم می‌کنند و او را با سم به شهادت می‌رسانند.

به حسین هم ستم می‌کنند و از حقش منع می‌شود. عترتش را می‌کشند و بر پیکرش اسب‌ها می‌دوانند و دارایی‌اش را به سرقت و زنان و فرزندانش را به اسارت می‌برند و در حالی که به خون خود آغشته است، دفن می‌شود و گروهی غریب و ناآشنا او را به خاک می‌سپارند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (با شنیدن این خبر) گریستم و گفتم: آیا کسی حسین را زیارت می‌کند؟

گفت: او را غریبه‌ها زیارت خواهند کرد. گفتم: کسی که او را زیارت کند ثواب او چیست؟

گفت: برای او ثواب هزار حج و هزار عمره است؛ حج و عمره‌ای که همه را با تو انجام داده باشد و من (با شنیدن این خبر) خندیدم.

(۱) گریه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای فرزندش حسین علیه السلام

عائشه گوید: حسین، فرزند پیامبر بر آن حضرت وارد شد و با سرعت به سوی او رفت و بر شانه‌اش قرار گرفت. جبرئیل به پیامبر

گفت: ای محمد، آیا او را دوست داری؟ فرمود: ای جبرئیل! چرا دوست نداشته باشم!؟

جبرئیل گفت: «پس از تو اُمتت او را خواهند کشت». آنگاه تربتی سفید به آن حضرت داد و گفت: ای محمد، فرزندت در این زمین

کشته خواهد شد و نام آن «طف» است. پس از آن که جبرئیل از حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت، همچنان تربت در دست

او بود و گریه می‌کرد. پس از آن، خطاب به من فرمود: ای عائشه، جبرئیل به من خبر داد که فرزندم حسین در سرزمین «طف» کشته

خواهد شد و اتمم پس از من، دچار فتنه خواهند شد. سپس به سوی یارانش که علی علیه السلام، ابوبکر، عمر، حذیفه، عمار و ابوذر

در میانشان بودند، بیرون رفت در حالی که می‌گریست. گفتند: ای فرستاده خداوند، از چه رو گریه می‌کنی؟

فرمود: جبرئیل خبر داد که فرزندم حسین پس از من در زمین طف کشته خواهد شد و این تربت را برایم آورد و آگاهم کرد که

مرقدش در آن زمین خواهد بود. (۲)

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۴

۲- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۸؛ معالم المدرستین، ج ۳، ص ۳۴

ص: ۷۰

خنده پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر رفتار خشن اعرابی با حضرت!

انس بن مالک گوید: در حال راه رفتن با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم و بر دوش حضرت بُرد نجرانی، دارای حاشیه خشن و زبر بود. عربی بیابانی از راه رسید و با سرعت، ردای حضرت را کشید؛ به طوری که وقتی به گردن پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کردم اثر حاشیه برد را دیدم. اعرابی در حال گفت: ای محمد، فرما بده مقداری از مال خدا، که نزد تو است به من بدهند. پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به اعرابی کرد و خندید و آنگاه دستور داد چیزی به او بدهند! (۱) گریه پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رحلت:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام احتضار، که در بستر بود، خطاب به علی علیه السلام فرمود: «... وقت جدایی من و تو است، تو را به خدا می‌سپارم، ای برادر. همانا پروردگار، آنچه نزد اوست برایم برگزیده و گریه و اندوه من برای تو و این (اشاره به دخترش فاطمه علیها السلام) است، که بعد از من (حق شما را) ضایع خواهند کرد. مردم تصمیم بر ستم شما گرفته‌اند و شما را به خدا می‌سپارم ... چیزهایی به دخترم فاطمه سفارش کرده و او را مأمور کرده‌ام که به تو برساند. آنها را عملی کن که او (فاطمه) بسیار راستگو است.»

خدایا! روز را به پایان می‌برم در حالی که از ظلم‌هایم به عفو تو، از گناهانم به مغفرت تو، از ترسم به امان تو، از ذلتم به عزت تو، از فقرم به غنای تو، از صورت فرسوده و فانی‌شونده‌ام به چهره و وجه باقی و کریمانه تو پناه می‌آورم!

سپس فاطمه را در آغوش گرفت و سرش را بوسید و فرمود: پدرت فدای تو باد، فاطمه!

در این هنگام صدای گریه فاطمه علیها السلام بلند شد. پیامبر بار دیگر او را در آغوش گرفت و فرمود: «به خدا سوگند خداوند انتقام تو را خواهد گرفت و به خاطر غضب تو غضبناک می‌شود، پس وای بر ستمگران!»

باز هم اشک از دیدگان پیامبر جاری شد. علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند گمان کردم که پاره‌ای از تنم جدا شد و رفت! به خاطر این که (دیدم) پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر گریه کرد که اشک‌هایش مانند قطرات باران سرازیر شد، تا حدی که محاسن او و پارچه‌ای که بر او بود، تر شد و او همچنان به فاطمه علیها السلام چسبیده بود و جدا نمی‌شد و این در حالی بود که سر او بر

۱- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۰؛ حلیه الأبرار، ج ۱، ص ۳۰۷

ص: ۷۱

سینه‌ام بود ... (۱) طبق نقلی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله در لحظات آخر عمرش، حوادث پس از خود و رفتار ظالمانه امتش نسبت به علی علیه السلام را یاد آورد و فاطمه آن را شنید و به شدت گریست و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از گریه فاطمه علیها السلام گریه کرد و اشک ریخت. آنگاه فرمود: دخترکم! گریه نکن و فرشتگانی را که همنشین تو هستند آزار نده. این جبرئیل است که به خاطر گریه تو می‌گرید و میکائیل و صاحب سرّ خدا اسرافیل (هم به خاطر گریه تو می‌گرید). دخترکم گریه نکن که آسمان‌ها و زمین به خاطر گریه تو به گریه افتادند ... (۲) خنده و شگفتی پیامبر صلی الله علیه و آله از سخن دانشمند یهودی دانشمندی از یهود نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای ابو القاسم، وقتی که روز قیامت به پا شود، خدا آسمان‌ها را بر یک انگشت و زمین‌ها را بر انگشت دیگر و آب و خاک را نیز بر انگشت سوم و درختان را بر انگشتی و همه خلایق را بر انگشتی دیگر می‌نهد، سپس تکان می‌دهد و می‌گوید: حاکم تنها من هستم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این سخن در شگفت شد و به شدت خندید، تا آنجا که دندان‌های کناری حضرت آشکار شد و این آیه را قرائت کردند! وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ...؛ (۳)

«آنها خدا را درست نشناختند ...» (۴)

۱- بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱

۲- همان، ص ۴۹۳

۳- انعام: ۹۱

۴- السنن الکبری، ج ۶، ص ۴۴۶

ص: ۷۲

گریه‌های طولانی و شدید پیامبر صلی الله علیه و آله

امام کاظم علیه السلام از پدرش و او از پدرانش، از امام حسین، از پدرش علی علیه السلام در بیان حالات پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله به قدری گریه می‌کرد که محل نمازش (از اشک) تر می‌شد. این گریه تنها به علت ترس از خدا، آن‌هم بدون داشتن هیچ جرم و گناه بوده است. (۱) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ... پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر گریه می‌کرد که از حال می‌رفت و بی‌هوش می‌شد. به او گفته شد: ای پیامبر خدا، آیا خدای عز و جل گناهان گذشته و آینده‌ات را نبخشیده است؟ فرمود: آری (اما) آیا من نباید بنده سپاسگزار باشم؟ (۲) چگونگی خنده پیامبر صلی الله علیه و آله

امام صادق علیه السلام از پدرانش، از علی علیه السلام نقل کرد که: «كَانَ ضَحِكُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّبَسُّمُ...»؛ «خنده پیامبر صلی الله علیه و آله لبخند بوده است.» (۳) همچنین نقل شده است که تبسم و لبخند پیامبر صلی الله علیه و آله از همه بیشتر بوده است. (۴) سیره‌نویسان نقل کرده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه می‌خندید، دستش را بر دهان قرار می‌داد. (۵) روایت پیش گفته از امیر مؤمنان علی علیه السلام هم نقل شده است. (۶) و نیز روایت شده که بیشتر خنده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه‌ای بود که دندانهای جلوی حضرت نمایان و دیده می‌شد. (۷) چگونگی گریه پیامبر صلی الله علیه و آله

سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در گریه کردن این گونه بود که اشک از چشمانش جاری می‌شد و آن را از صورتش پاک می‌کرد ولی صدایش (در گریه) شنیده نمی‌شد. (۸) پی‌نوشت‌ها

۱- حلیه الأبرار، ج ۱، ص ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۴۵

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۷، ذیل آیات اول سوره طه؛ بحار الأنوار، ج ۱۷، صص ۲۵۷ و ۲۸۷

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱۹؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۶۳

۴- الشمائل المحمدیه، ص ۱۸۷

۵- الاصابه، ج ۷، ص ۳۰۶؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۱۹

۶- سبل الهدی والرشاد، ج ۷، ص ۱۲۴

۷- همان.

۸- مسکن الفؤاد، ص ۹۷







ص: ۷۵

## اماکن و آثار

## نام‌های ارکان کعبه (۲) کتب تاریخ مکه

محمد مظلومی

در بخش نخست این نوشتار، نام‌های گوناگونی را که ارکان کعبه بدانها خوانده شده‌اند، بر شمرديم و اختلاف‌های صاحبان نظریه را در هر زمینه یادآور شدیم.

مهمترین اختلاف در تعیین مصادیق، دو رکن عراقی و شامی است. برخی رکن اسود را عراقی و رکن بعدی را شامی خوانده‌اند و گروهی رکن بعد از رکن اسود را عراقی و گوشه سوم کعبه را شامی می‌شمارند. در بخش پیشین آوردیم که بیشتر احادیث اهل بیت علیهم السلام و اتفاق فقهای شیعی منطق بر دیدگاه اول است.

کعبه نخستین خانه‌ای است که برای عبادت خداوند بر روی زمین بنا شده است و پیشینه‌ای بیش از پیدایش آدمیان بر کره خاکی دارد. مکه خاستگاه باورهای دین خاتم و جایگاه رشد و بالندگی پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله بوده است. جای جای این وادی ایمن یاد ماندگار لحظه‌های آن دوران را در خود به امانت دارد و از همین روی، سیره نویسان و تاریخ نگاران فراوانی در اعصار گذشته، به فراخور توان علمی و به میزان فراخنای دانش خویش، در ثبت و نقل سرگذشت این بلد طیب کوشیده و سلسله تألیفاتی در حوزه تاریخ مکه از خود به

ص: ۷۷

یادگار گذاشته‌اند. روشن است که گفتگو از کعبه، در قلب مباحث مذکور جای داشته و بارها و به مناسبت‌های گوناگون، در فصولی مستقل و یا در ضمن بخش‌های دیگر، به تصریح و تفصیل و یا به اشاره و اجمال بیان شده است. از این رو، باید بیشترین نوشته‌ها را در باره نام‌های ارکان کعبه، در این نوشتارها جست.

ما نیز می‌کوشیم تا با لحاظ ترتیب زمانی، کتب تاریخ مکه را به دنبال قرائن تعیین مصادیق ارکان ورق بزنیم. پس، نه تنها از تصریح مؤلفان در نامگذاری و تطوّر نام‌ها بهره می‌جوییم، بلکه کاربرد هر اسمی را که بر مصداقی معین دلالت کند، باید در پژوهش خود دلیلی بر یکی از دو دیدگاه مذکور بشماریم. گرچه بحث نام‌ها و وجوه تسمیه، از گستردگی چندان و منابع فراوان برخوردار نیست لیکن نوع دوم از منابع - کاربردهای دارای مصداق متعین - دچار کثرتی چشمگیر و توزیعی فراخ است که در ذیل عناوینی قابل دسته بندی است.

روشن است که در دانش‌های نقلی؛ همچون تاریخ، با دستیابی به هر منبع متقدم، از واگویی‌های آن در متون متأخر بی‌نیاز می‌گردیم. بنابراین، به نظر می‌رسد علاوه بر کتب اولیه تاریخ مکه، تنها تحقیقات میدانی متأخرین و گزارش آنها از مشاهدات خویش ما را به سوی مقصود رهنمون خواهد شد؛ ولی باید به خاطر داشت که شیوع استعمال مشابه نام‌ها در متون یک دوران، نشانگر انصرافی آشکار و وضعی حداقلی تعیینی در آن معنی است. پس در کنار قدیمی‌ترین منبع هر سخن و در جنب گزارش مشاهدات هر مؤلف، نقل‌های متأخران در مواردی قابل استدلال خواهد بود.

هر گاه ناقلی سخن پیشینیان را نقل به معنا می‌کند و مقصود ایشان را در قالب الفاظی نو می‌آورد، گفتارش مستندی مستقل محسوب می‌گردد؛ زیرا در این حالت، الفاظ دارای ویژگی‌های زبانی ناقل است و به تبع نشانگر تبادر و انصراف الفاظ در زمان متأخر می‌باشد و این نکته، چنانکه خواهد آمد سر تناقض متوهم در برخی از متون است که به هنگام نقل عین عبارت گذشتگان را حکایت نموده‌اند، ولی در توضیحات خود به شیوه عصر و دوران خویش گام برداشته‌اند.

نظر به قدمت متون اولیه، تصحیفات ناشی از استنساخ‌های متعدد و تشابه خطی و نوشتاری برخی از کلمات، عواملی است که تصحیح کتب تاریخ مکه را از بایسته‌های اولیه نشر این منابع محسوب می‌کند. حال اگر مصححان به روش قیاسی و بدون توجه به احتمال پیدایش

ص: ۷۸

نقل در معانی الفاظ، در هر متنی اعمال نظر نمایند، ردّ پاهای و قراین فراوانی را در دسترس محققان پنهان داشته‌اند. از سوی دیگر، در بسیاری از نسخه‌ها، خطاط یا مالک نسخه، کلامی توضیحی را در حاشیه متن نگاشته بوده که به تدریج و طی استنساخ‌های بعدی، به عنوان بخشی از متن افزوده شده است. نقل عبارت پیشینیان در متون متأخر، قرینه‌ای بر بازشناسی افزوده‌های نسخه و اجتهادهای ناصواب مصححان خواهد بود؛ چنانکه در بخش قبل نیز برخی از تصحیفات و خطاهای تصحیح کتاب‌ها را بر شمردیم.

در صدر فهرست کتب تاریخ مکه، به رساله «فضائل مکه و السکن فیها» تألیف حسن بن یسار بصری (متوفای سال ۱۱۰ هـ) برمی‌خوریم. مخاطب این نوشته زاهدی به نام عبدالرحیم یا عبدالرحمان بن انس رمادی است (۱) که در صدد ترک مکه و سکونت در یمن بوده است و مؤلف می‌کوشد با نقل احادیث فضایل مکه، او را از این تصمیم منصرف سازد. عنوان رکن شامی، تنها یک بار در صفحات پایانی این نامه آمده است:

«من صلّی فی الحجر رکعتین ناحیه الرکن الشامی فکأنه أحيى سبعین ألف ليلة و كان كعباده كل مؤمن و مؤمنة و كأنما حجّ أربعین حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً» (۲)

اما چون طبق هر دو نظریه، رکن شامی در مجاورت حجر اسماعیل قرار دارد، از عبارت مذکور نمی‌توان تأییدی برای هیچ‌یک به‌دست آورد.

اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار

این کتاب نوشته ابوالولید ازرقی (متوفای ۲۴۸ هـ) است و قدیمی‌ترین کتاب مبسوط و جامعی است که به همه جوانب تاریخ مکه پرداخته و بحمد الله هم اکنون در اختیار است.

ازرقی در مباحث ذیل، عبارات روشنی در تعیین مصادیق رکن عراقی و شامی دارد:

۱. ابعاد کعبه در بنای ابراهیم علیه السلام

در بیان ابعاد، ازرقی نام چهار رکن را به ترتیب: اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند:

«و جعل طوله فی السماء تسعة أذرع و عرضه فی الأرض اثین و ثلاثین ذراعاً من الرکن الأسود إلى الرکن الشامی الذی عند الحجر من وجهه و جعل عرض

۱- حسن بن یسار، فضائل مکه و السکن فیها، تصحیح سامی مکی العانی، مکتبه الفلاح، کویت، ۱۴۰۰، ص ۱۲، به نقل از نرم‌افزار المکتبه الاسلامیه الکبری الشامله، متأسفانه آنچه در نرم‌افزار المعجم الفقهی آمده، تنها ۲۶ صفحه از این کتاب می‌باشد.

۲- همان، صص ۳۹-۴۰

ص: ۷۹

ما بین الركن الشامى إلى الركن الغربى الذى فيه الحجر اثنین و عشرين ذراعاً، و جعل طول ظهرها من الركن الغربى إلى الركن الیمانى احد (۱) و ثلاثین ذراعاً و جعل عرض شقها الیمانى من الركن الأسود إلى الركن الیمانى عشرين ذراعاً، فلذلك سمیت الكعبه لأنها علی خلقه الكعب. (۲) ازرقى ضمن گزارش ابعاد كعبه دوران خود، ارکان را به همان ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی آورده است.

۲- ابعاد كعبه در بنای عبد الملك مروان

هنگامی که حجاج بر عبد الله بن زبیر چیره شد، به دستور عبد الملك كعبه را ویران کرد تا تغییراتی را که ابن زبیر ایجاد کرده بود، به حال بنای دوران قریش بازگرداند. ابعاد كعبه بعد از آن ثابت مانده و در بازسازی‌های بعدی، گرفتار تحوّل نشده است. ازرقى ضمن گزارش ابعاد كعبه دوران خود، ارکان را به همان ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی آورده است:

«طولها فى السماء سبعة و عشرون ذراعاً، و ذرع طول وجه الكعبه من الركن الأسود إلى الركن الشامى خمسة و عشرون ذراعاً، و ذرع دبرها من الركن الیمانى إلى الركن الغربى خمسة و عشرون ذراعاً، و ذرع شقها الیمانى من الركن الأسود إلى الركن الیمانى عشرون ذراعاً، و ذرع شقها الذى فيه الحجر من الركن الشامى إلى الركن الغربى أحد و عشرون ذراعاً». (۳) ۳- چراغ‌های مسجد الحرام نخستین کسی که برای روشنی مسجد الحرام در شب‌ها چراغ افروخت، عقبه بن ازرق بود. او، که خانه‌اش در جوار مسجد بود، شب هنگام چراغی را بر روی دیوار میان خانه خود و مسجد می‌نهاد تا طواف گزاران و اهل مسجد، از روشنایی آن بهره‌مند گردند. (۴) اما خالد بن عبد الله قسری در دوران عبد الملك بن مروان او را از این کار بازداشت و خود چراغی را بر روی ستونی بلند در کنار زمزم برافراشت. بنا بر نقل ازرقى، چراغ‌های بعد در امتداد رکن‌های

۱- احداً چنانکه در شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۷۹ آمده است.

۲- ابو ولید ازرقى، اخبار مکه، تصحیح رشدی الصالح ملحس، دو جلد، دار الأندلس، بیروت، ۱۴۱۶ هـ. ج ۱، ص ۶۴

۳- همان، ج ۱، ص ۲۸۹

۴- همان، ج ۱، ص ۲۸۶

ص: ۸۰

غربی، یمانی و شامی برپا شدند. تغایر رکن غربی با رکن شامی نشانه آشکار دیدگاه مؤلف است:

«قال أبو الولید: فلم یزل مصباح زمزم علی عمود طویل مقابل الرکن الأسود الذی وضعه خالد بن عبد الله القسری فلما کان محمّد بن سلیمان علی مکه خلافة المأمون فی سنه ست عشره و مائتین وضع عموداً طویلاً مقابله بحذاء الرکن الغربی فلما ولی مکه محمّد بن داود جعل عمودین طویلین أحدهما بحذاء الرکن الیمانی و الآخر بحذاء الرکن الشامی». (۱) ۴- حجر اسماعیل علیه السلام ازرقی حجر اسماعیل را میان دو رکن شامی و غربی می‌داند. پس رکن شامی دومین رکن طواف خواهد بود:

«قال أبو الولید: الحجر مدور و هو ما بین الرکن الشامی و الرکن الغربی». (۲) و در جای دیگر تصریح می‌کند:

«و میزاب الکعبه فی وسط الجدر الذی یلی الحجر بین الرکن الشامی و الرکن الغربی یسکب فی بطن الحجر». (۳) ۵- جایگاه پلکان داخل کعبه

بنای ابراهیمی کعبه سقف نداشت (۴) و برای نخستین بار قریشیان خانه خدا را مسقف ساختند (۵) و برای رسیدن به بام کعبه پلکانی بنا نمودند که در گوشه شمالی کعبه قرار دارد.

ازرقی در بیان داستان بنای پلکان، رکن مزبور را شامی می‌خواند:

«و جعلوا درجه من خشب فی بطنها فی الرکن الشامی یصعد منها إلی ظهرها». (۶) در بازسازی دوران عبد الله بن زبیر نیز به این نکته تصریح می‌کند:

۱- همان، ج ۱، ص ۲۸۷

۲- همان، ج ۱، ص ۳۲۰

۳- همان، ج ۱، ص ۲۹۱

۴- همان، ج ۱، ص ۶۶

۵- همان، ج ۱، ص ۱۷۱

۶- همان، ج ۱، صص ۱۶۴-۱۶۵



ص: ۸۱

«و جعل لها درجة في بطنها في الركن الشامي من خشب معرجة يصعد فيها إلى ظهرها» (۱) بلکه او هر گاه از این پلکان سخن می‌گوید، همین نام را برای رکن به کار می‌برد:

«و في الكعبة إذا دخلتها على يمينك درجة يظهر عليها إلى سطح الكعبة ومربعه مع جدرى الكعبة في زاوية الركن الشامي» (۲) ۶- جایگاه الواح زرین و سیمین داخل کعبه

درون کعبه ۶ لوح قرار دارد. در بیان جایگاه الواح، ازرقی ارکان را به ترتیب به نام‌های اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و علاوه بر آن، مجدداً تصریح می‌کند که پلکان کعبه در رکن شامی واقع است:

«و من الألواح الملبسة الذهب و الفضة التي في الأركان ستة ألواح، طول كل لوح منها أربعة أذرع و أربعة أصابع و عرض كل لوح منها ذراع و أربعة أصابع، منها لوح في طرف زاوية الجدر الذي يلي الدرجة و هو الشامي و لوح في زاوية الركن الغربي و هو مما يلي الحجر و في طرف الجدر الذي بين الركن الغربي و الركن اليماني لوحان و في طرف الجدر الذي بين الركن اليماني و الركن الأسود لوح و هو مما يلي الركن اليماني و في الملتزم لوح و في الجدر الذي على يمينك إذا دخلت الكعبة لوح» (۳)

۱- همان، ج ۱، صص ۲۱۰-۲۰۹

۲- همان، ج ۱، ص ۲۹۴

۳- همان، ج ۱، ص ۲۹۶

ص: ۸۲

## ۷- شاذروان

زمانی که در بازسازی‌های کعبه، ابعاد خانه قدری کوچکتر از بنای ابراهیمی بنا شد؛ برای حفظ ابعاد اصلی، فضای عقب‌نشینی شده را با ساخت سکویی کم ارتفاع، علامت‌گذاری کردند که «شاذروان» نامیده شد و چون ملاک در طواف، حد اصلی کعبه است؛ فقها برای حصول شرط خروج طواف گزار از کعبه، طواف بر روی شاذروان را صحیح نمی‌دانند. (۱) ازرقی سنگ‌های به کار رفته در بنای شاذروان را ۶۸ عدد می‌داند و ارکان را به همان نام‌های:

اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند:

«و عدد حجاره الشاذروان التي حول الكعبة، ثمانية وستون حجراً في ثلاثة وجوه من ذلك من حد الركن الغربي إلى الركن اليماني خمسة وعشرون حجراً؛ منها حجر طوله ثلاثة أذرع ونصف وهو عتبة الباب الذي سد في ظهر الكعبة و بينه وبين الركن اليماني أربعة أذرع و في الركن اليماني حجر مدور و بين الركن اليماني و الركن الأسود تسعة عشر حجراً و من حد الشاذروان إلى الركن فيه الحجر الأسود ثلاثة أذرع و اثنا عشر إصباعاً ليس فيه شاذروان، و من حد الركن الشامي إلى الركن الذي فيه الحجر الأسود ثلاثة و عشرون حجراً و من حد الشاذروان الذي يلي الملتزم إلى الركن الذي فيه الحجر الأسود ذراعان ليس فيهما شاذروان و هو الملتزم».

(۲) ۸- قبله پیامبر صلی الله علیه و آله

ابن جماعه فصلی را به گزارش دقیق اندازه‌گیری ابعاد کعبه اختصاص داده و ارکان را به ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و برای نخستین بار در کتب تاریخ مکه نقل می‌کند که گاهی رکن شامی عراقی نیز خوانده می‌شود.

اهتمام مسلمانان به حفظ آثار حیات پر برکت پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را واداشته است حتی جهتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله رو به کعبه می‌ایستاد و نماز می‌گزارد، در کتب تاریخ گزارش کنند و چون نماز خواندن به آن سو را واجد فضیلت دانسته‌اند، در نقل سمت قبله پیامبر صلی الله علیه و آله دقت بیشتری کرده‌اند. اقوال گوناگون قبله‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله را در ادامه نوشتار، به مناسبتی دیگر، به تفصیل بیان می‌کنیم ولی در بحث فعلی، ازرقی قبله‌النبی صلی الله علیه و آله را حد فاصل میان ناودان کعبه و رکن شامی می‌داند. چون ناودان در حجر اسماعیل قرار دارد، رکن شامی یکی از دو رکن ابتدا یا انتهای حجر خواهد بود؛ از این رو، با قید «یلی المقام» مصداق رکن شامی را به رکن آغازین حجر محدود می‌سازد:

«حدثنا أبو الوليد قال: حدثني جدِّي حدثنا سفیان عن ابن ابي نجیح قال: قال عبد الله بن عمرو بن العاص: البيت كله قبله و قبلته وجهه، فإن أخطأك وجهه فقبله النبي صلی الله علیه و آله، و قبله النبي صلی الله علیه و آله ما بين الميزاب إلى الركن الشامي الذي يلي المقام». (۳) ۹- جایگاه مقام ابراهیم علیه السلام

تردید نیست که قرار گرفتن مقام ابراهیم در جایگاه کنونی، به دست خلیفه دوم انجام گرفته است و پیش از آن، مقام در جهت جایگاه فعلی، چسبیده به خانه خدا بوده است:

«فاحتمل المقام من موضعه هذا فذهب به حتى وجد بأسفل مکه فأتی به فربط إلى أستار الكعبة في وجهها». (۴) ازرقی از جدش نقل می‌کند که هرگاه شمارش را از حجر اسماعیل علیه السلام آغاز کنیم، سنگ هفتم یا نهم از سنگ‌های شاذروان، جایگاهی است که مقام در مجاورت کعبه بوده است؛ چنانکه گذشت، آن محل در جنب دیواری بوده که از رکن اسود آغاز و به حجر اسماعیل علیه السلام پایان می‌یابد. ازرقی در این نقل، در و رکن آغازین حجر را شامی خوانده، در تعیین مصداق رکن شامی ابراز نظر قطعی می‌کند:

«قال أبو الوليد، قال لي جدی بعد ما جصص شاذروان الكعبة بالجص و المرمر و أما جصص حديثاً من الدهر، فقال لي و أنا معه في الطواف أعدد من باب الحجر الشامي من حجارة شاذروان الكعبة فإذا بلغت الحجر السابع فإن كان

- ۱- امام خمینی قدس سره، مناسک حج با حواشم مراجع معظم تقلید، چاپ هفتم، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸، مسأله ۵۹۷
- ۲- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۰۹
- ۳- همان، ج ۱، ص ۳۵۰
- ۴- همان، ج ۲، ص ۳۳



ص: ۸۴

حجرًا طویلًا هو أطول السبعة فيه حفر شبه النقر فهو موضعه و إلاً فهو التاسع من حجارة الشاذروان، قال جدی نسبت عددها و قد كنت عددها هي إماً سبعة و إماً تسعة إلاً أنه حجر طويل هو أطول السبعة أو التسعة فيه الحف فإن رأيته قد قرف عنه الجص فاعدد وانظر إليه». (۱) گرچه ازرقی عمل خلیفه دوم را بازگرداندن مقام به جایگاه اصلی اش می‌داند و مدعی است انتقال مقام به جوار کعبه حاصل سیل ام نهشل بوده است (۲) ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام، این عمل عدول از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و رجعت به سنن جاهلیت خوانده شده است:

«زاره گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا حسین علیه السلام را درک کردی؟ فرمود: آری، به یاد می‌آورم که همراه او در مسجد الحرام بودم. سیل وارد مسجد شد. مردم روی مقام می‌ایستادند. برخی که بیرون می‌رفتند، می‌گفتند: مقام را سیل برد و بعضی می‌گفتند: سر جای خود است.

به من فرمود: فلانی! مردم چه کردند؟ گفتم خداوند به صلاح دارد، مردم بیم آن دارند که سیل، مقام را برده باشد. فرمود: ندا بده که خداوند، آن را نشانه قرار داده است، آن را نخواهد برد. پس مردم آرامش یافتند. جایگاه مقام، که ابراهیم علیه السلام آن را قرار داده بود، کنار دیوار کعبه بود. همچنان آن‌جا بود، تا آن که مردم جاهلیت آن را به جایگاه امروزش منتقل کردند. چون پیامبر مکه را فتح کرد، به همان جایی برگرداند که ابراهیم نهاده بود. آن‌جا بود تا آن که عمر بن خطاب به حکومت رسید، از مردم پرسید: کدام یک از شما جایگاه قبلی آن را می‌داند؟ مردی گفت: من جای آن را با افساری که نزد من است، اندازه گرفته‌ام. گفت: آن را بیاور. آن را آورد. پس اندازه گرفت و مقام را به همان‌جا برگرداند.» (۳) در روایتی که کلینی از سلیم بن قیس نقل می‌کند و در کتاب سلیم نیز آمده است. (۴) امام علی علیه السلام اصلاح این بدعت‌ها را امری لازم می‌شمارد که تنها به دلیل عدم همراهی مسلمانان سست عهد دوران خویش، قادر بر تصحیح آن‌ها نیست.

«حکمرانان پیش از من کارهایی انجام دادند که در آن‌ها با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند و از روی تعبد، راه خلاف پیمودند و پیمان‌ش را شکستند و سنت و روشش را تغییر دادند و اگر من بخواهم مردم را به ترک آن‌ها وادارم و به جای اصلی آن‌ها بازگردانم و به همان

۱- همان، ج ۲، صص ۳۵-۳۴

۲- همانجا.

۳- محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، ترجمه جواد محدثی، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ص ۱۳۷

۴- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تصحیح محمد باقر انصاری زنجانی، سه جلد، چاپ سوم، دلیل ما، قم، ۱۴۲۳

۵. ج ۲، ص ۷۲۰

ص: ۸۵

ترتیب، که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، مقرر دارم، لشگر از پیرامون من پراکنده شوند تا جز خودم تک و تنها به جای نمانم و یا اندکی از شیعیان من، که برتری مرا شناخته و وجوب طاعت و امامت مرا از روی کتاب خدای عزّ و جلّ و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند، به جای مانند.

اگر می‌دیدید که من دستور می‌دادم تا مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را به جای اصلی آن، که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را در آنجا نهاده بود، برمی‌گرداندم ... در این صورت مردم از دورم پراکنده می‌شدند. (۱) ۱۰- فاصله رکن شامی تا مقام ابراهیم علیه السلام

ازرقی در تبیین جایگاه مقام ابراهیم، فاصله آن را از دیوار کعبه، شاذروان و دو رکن اسود و شامی می‌داند و این نشانگر آن است که رکن شامی در دیواره سمت مقام قرار گرفته و دوّمین رکن طواف است:

«و ذرع ما بین الرکن الأسود إلی مقام ابراهیم علیه السلام، تسعة و عشرون ذراعاً و تسع أصابع، و ذرع ما بین جدر الکعبه من وسطها إلی المقام، سبعة و عشرون ذراعاً، و ذرع ما بین شاذروان الکعبه إلی المقام، ستة و عشرون ذراعاً و نصف، و من الرکن الشامی إلی المقام، ثمانية و عشرون ذراعاً و تسع عشرة إصبغاً». (۲) ۱۱- فاصله ارکان کعبه تا مناره‌ها

در زمان ازرقی ۴ مناره در گوشه‌های چهارگانه مسجد الحرام بوده است. (۳) ازرقی فاصله هر رکن کعبه را از مناره‌ای که در محاذاتش قرار دارد، به دقت بیان می‌کند و رکن شامی را در امتداد مناره مروه می‌داند که در جهت شمال قرار گرفته است. پس رکن شامی نیز همان رکن شمالی کعبه خواهد بود:

«و من رکن الکعبه الشامی إلی حدّ المنارة التي تلي المروة مائتا ذراع و أربعة و ستون ذراعاً، و من رکن الکعبه الغربی إلی حدّ المنارة التي تلي باب بنی سهم مائتا ذراع و ثمانية أذرع و نصف، و من الرکن الیمانی إلی المنارة التي تلي

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الروضة من الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، دو جلد، علمیه اسلامیة، تهران، ج ۱، صص ۸۹-

۲- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۸۵

۳- همان، ج ۲، ص ۷۹

ص: ۸۶

أجیاد الکبیر مائتا ذراع و ثمانیة عشر ذراعاً و ست عشرة إصبعاً، و من الركن الأسود إلى المنارة التي تلى المسعى و الوادی مائتا ذراع و ثمانیة عشر ذراعاً». (۱) ۱۲- فاصله رکن شامی تا باب بنی شیبه

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مکه را آزاد کرد و بیت الله را از لوٹ اصنام پاک ساخت، بت هبل در آستانه باب بنی شیبه دفن گردید و بنا بر برخی روایات، استحباب ورود از باب بنی شیبه به همین جهت است. (۲) در پیش گفته در موازی کعبه و در جهت مقام ابراهیم علیه السلام قرار داشته که اکنون نیز در همان محاذات با تغییر نام، به عنوان باب السلام از درهای فعلی مسعی است. نقل ازرقی نشانگر آن است که رکن شامی در جهت مسعی قرار داشته و لذا نمی تواند رکن غربی کعبه باشد:

«و من الركن الشامی إلى وسط باب بنی شیبه مائتا ذراع و خمسۀ و أربعون ذراعاً و خمس أصابع». (۳) اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه

نوشته ابو عبدالله محمد بن اسحاق فاکهی است. گرچه تاریخ دقیق دوران حیات او بر ما پوشیده مانده، لیکن بی تردید در سال ۲۷۲ در قید حیات بوده است. با تأسف جزو اول کتاب مفقود شده و نسخه موجود شامل جزو دوم کتاب و بخش هایی از جزو اول است که در ضمن کتاب های دیگر نقل شده بوده و با تلاش مصحح محترم گردآوری گردیده است. مشابهت مطالب این کتاب با اخبار مکه ازرقی قابل انکار نیست و از خلال مباحث آتی نیز این نکته به خوبی مشخص خواهد شد ولی می توان نزدیکی دوران دو نویسنده و بهره گیری از منقولات مشابه را از مهمترین عوامل این تقارب به شمار آورد. مباحثی که در تعیین مصداق ارکان می تواند مورد تمسک قرار گیرد، عبارت اند از:

۱- جایگاه مقام ابراهیم علیه السلام

فاکهی، جایگاه مقام را در جوار کعبه، با عبارتی مشابه ازرقی نقل کرده و تنها تفاوتش این

۱- همان، ج ۲، ص ۸۵

۲- شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چهار جلد، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۲۳۸

۳- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۸۶

ص: ۸۷

است آن را به جای جدّ ازرقی، به برخی از مکّیان اسناد داده است. مشابهت عبارت و حتی تردید میان دو عدد هفتم و نهم، احتمال اقتباس فاکهی از ازرقی را تقویت می‌کند.

«و ذکر عن بعض المکّیین أنّ الموضع الَّذی ربط عنده المقام فی وجه الکعبه بأستارها إلى أن حجّ عمر بن الخطاب فرده و ذلك أن یعد الطائف من باب الحجر الشامی من حجاره شاذروان الکعبه إلى أن یبلغ الحجر السابع فإذا بلغ الحجر السابع فهو موضعه و إلا فهو التاسع من حجاره الشاذروان». (۱) فاکهی در موارد دیگری هم منقولات ازرقی از جدّش را با تعبیر «بعض المکّیین» روایت می‌کند. چنانکه محلّ نماز پیامبر صلی الله علیه و آله را بنا به نقل برخی از مکّیان همین جایگاه اولیه مقام ابراهیم علیه السلام می‌داند (۲) در حالی که ازرقی همین معنا را با عبارتی مشابه از جدّش نقل می‌کند. (۳) ۲- فاصله رکن شامی تا مقام ابراهیم علیه السلام

فاکهی نیز رکن شامی را در سمت مقام ابراهیم علیه السلام می‌داند و فاصله مقام از رکن را با دقت، همچون ازرقی گزارش می‌کند: «و ذرع ما بین شاذروان الکعبه إلى المقام ستّه و عشرون ذراعاً و اثنتا عشرة إصبعاً و من الرکن الشامی إلى المقام ثمانیه و عشرون ذراعاً و تسع عشرة إصبعاً». (۴) ۳- فاصله ارکان کعبه تا مناره‌ها

رکن شامی را فاکهی نیز در محاذات مناره مروه می‌داند و فاصله آن دو را با عبارتی مانند ازرقی نقل می‌کند:

«و من رکن الکعبه الشامی إلى حدّ المناره التي تلی المروه مائتا ذراع و أربعة و ستون ذراعاً و من رکن حدّ الکعبه الغربی إلى حدّ المناره التي تلی باب بنی سهم مائتا ذراع و ثمانیه أذرع و اثنتا عشرة إصبعاً». (۵) ۴- فاصله رکن شامی تا باب بنی شیبه عبارت فاکهی در این مورد، همانند عبارت ازرقی است:

۱- محمد بن اسحاق فاکهی، اخبار مکه، تصحیح عبد الملک بن عبد الله بن دهیش، شش جلد، چاپ اول، النهضه الحدیثه، مکه،

۱۴۰۷ هـ. ج ۱، ص ۴۶۷

۲- همان، ج ۲، ص ۱۸۳

۳- ابو ولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۵۱

۴- محمد بن اسحاق فاکهی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۸۵

۵- همان، ج ۲، ص ۱۸۶



ص: ۸۸

«و من الركن الشامى إلى وسط باب بنى شيبه مائتا ذراع و خمسه و أربعون ذراعاً و خمس أصابع». (۱) فاکهی در داستان چراغ‌های مسجد الحرام می‌فرماید:

و كان مصباح زمزم هذا فيما مضى على عمود طويل مقابل الركن الأسود الموضع الذى وضعه خالد بن عبد الله. فلما ولى محمد بن سليمان مكه فى سنه ست عشرة و مائتين وضع عموداً طويلاً مقابله بحذاء الركن الغربى، فكأننا كذلك حتى كانت سنه اثنتين و عشرين و مائتين، فولى محمد بن داود مكه، فجعل عمودين طويلين: أحدهما عند الركن اليمانى، و الآخر بحذاء الركن الغربى». (۲) مکه را آزاد کرد و بیت الله را از لوٹ اصنام پاک ساخت، بت هبل در آستانه باب بنى شيبه دفن گردید و بنا بر برخی روایات، استحباب ورود از باب بنى شيبه به همین جهت است.

آشفنگی متن حاضر کاملاً آشکار است؛ زیرا بنا بر این عبارت، باید دوّمین و چهارمین چراغ، هر دو، در امتداد رکن غربی نصب شده باشد و رکن شامی فاقد روشنایی فرض گردد.

مراجعه به متن ازرقی، نشانگر آن است که تعبیر «الركن الغربى» در پایان عبارت باید به «الركن الشامى» تصحیح گردد؛ که در این حالت متن مذکور نیز دلیلی دیگر بر توافق در مصداق رکن شامی خواهد بود.

اتّحاد عبارات و یکسانی ترتیب ذکر آنها، این احتمال را بسیار تقویت می‌کند که ۸ مورد نخست منقول از ازرقی، باید در ضمن بخش مفقود اخبار مکه فاکهی قرار داشته باشد.

هدایه السالک إلى المذاهب الأربعة فی المناسک

کتاب «هدایه السالک...» چنانکه از نامش پیداست، حاوی مناسک حج بر اساس فتوای مذاهب اهل سنت است و از این رو، مناسب بود که در زمره کتب فقهی اهل تسنن مورد بررسی قرار گیرد؛ ولی چون عزالدین بن جماعه کنانی، مؤلف کتاب، گزارش‌های دقیقی از مشاهدات عینی خود درباره ابعاد مسجد الحرام و کعبه نقل نموده، تبیین دیدگاه‌های او در زمره

۱- همان، ج ۲، ص ۱۸۶

۲- همان، ج ۲، ص ۶۹

ص: ۸۹

نگارندگان تاریخ مکه بی تناسب نخواهد بود و شاید از همین روست که در کتب تاریخ مکه نیز بخشی به گزارش مشاهدات او اختصاص دارد. مؤلف از سال ۶۴۹ تا ۷۶۷ در قید حیات بوده و زمان مشاهدات خویش در سال ۷۵۳ را اعلام می‌کند: «و حررت أنا ارتفاعها و مقدار ما بین أركانها و غیر ذلك لما كنت مجاوراً بمكة سنة ثلاث و خمسين و سبعمائة». (۱) ابن جماعه در دو بحث، دیدگاه خود را در مصادیق ارکان کعبه بیان می‌کند:

۱- معنای استقبال قبله:

ابن جماعه در توضیح معنای استقبال، به امام جماعتی مثال می‌زند که رو به رکن اسود ایستاده است و جهت او را از رکن شامی تا رکن یمانی می‌داند. پس، از دید او رکن‌های یمانی و شامی در مجاورت رکن اسود قرار دارند:

«و لو صَلَّى الإمام إلى نفس الركن الذي فيه الحجر الأسود مثلاً، فالذي يظهر:

ان جهة الإمام ما حاذاه بدنه من ناحيتي الركن مع الركن و هو ما بين الركن الشامي و الركن اليماني، و لم أقف على نقل في هذه المسألة، واللّه تعالى أعلم». (۲) ۲- ابعاد کعبه از داخل و خارج:

ابن جماعه فصلی را به گزارش دقیق اندازه‌گیری ابعاد کعبه اختصاص داده و ارکان را به ترتیب اسود، شامی، غربی و یمانی می‌خواند و برای نخستین بار در کتب تاریخ مکه نقل می‌کند که گاهی رکن شامی عراقی نیز خوانده می‌شود:

«بين الركن الذي فيه الحجر الأسود و بين الركن الشامي - و يقال العراقي - من داخل الكعبة ثمانية عشر ذراعاً و ثلث و ربع و ثمن، و من خارجها ثلاثة و عشرون ذراعاً و ربع ذراع ... و بين الركن الشامي و الغربي من داخل الكعبة خمسة عشر ذراعاً و قيراطان، و من خارجها ثمانية عشر و نصف و ربع ... و بين الغربي و اليماني من داخلها ثمانية عشر ذراعاً و ثلثا ذراع و ثمن ذراع، و من خارجها ثلاثة و عشرون ذراعاً ... و بين الركن اليماني و الركن الأسود من

۱- عز الدين بن جماعه کنانی، هداية السالك، تصحيح نورالدين عتر، سه جلد، چاپ اول، دار البشائر الاسلاميه، بيروت، ۱۴۱۴ ه. ج

۳، صص ۱۳۳۵-۱۳۳۴

۲- همان، ج ۲، ص ۹۴۲

ص: ۹۰

داخلها خمسة عشر ذراعاً و ثلث ذراع، و من خارجها تسعة عشر- بتقديم التاء على السين- و ربع ... كل ذلك حرر بذراع القماش المستعمل في زماننا بمصر». (۱) استفاده از صیغه مجهول برای اشاره به ضعف قول مخالف- عراقی نامیدن رکن شامی- است؛ ولی در نقل کلام دیگران ابن جماعه امانت‌داری می‌کند:

«و قال الإمام أبو داود سليمان بن خليل المكي الشافعي رحمه الله في مناسكه:

قال الشافعي: «و إذا بلغ الركن العراقي و الشامي (۲) لم يستلم واحداً منهما و كفته الاشارة إليهما بيده». (۳) هر چند اگر تصحیح بر طبق گزارش هامش نسخه ظاهریه، از نسخه شیخ مجدالدین صورت می‌گرفت؛ این تغایر نیز از میان می‌رفت.

در ملحقات کتاب، ابن جماعه برای شناخت قبله سرزمین‌های گوناگون، دایره‌ای را از پدر خویش با این عبارت نقل می‌کند: «هذه صفة الكعبة الشريفة و ما يحتاج إلى معرفة تصويره و بيان جهة المصلين إليها من سائر الآفاق، نقلتها من خط والدي تغمده الله برحمته و اسكنه بحبوحه جنته و قال إنه كتبها في شهر ربيع الآخر سنة اثنتين و ستين و ستمائة». (۴) تصاویر این دایره در سه نسخه خطی را مصحح محترم ضمیمه کتاب ساخته، که صورت نسخه کتابخانه ظاهریه در شکل صفحه بعد مشخص است.

فاسی اسامی سرزمین‌ها و جهت قبله آنها را در کتاب خود نقل کرده که ما تنها به مقدار مرتبط به بحث خود، اکتفا می‌کنیم: ذکر بیان جهة المصلين إلى الكعبة من سائر الآفاق و معرفة أدلة لقبله المشار إليها أخبرني بذلك خالي قاضي الحرمين محب الدين النويري سماعاً عن القاضي عز الدين بن جماعة سماعاً إنه نقل ذلك من خط والده في الدائرة التي ذكر فيها صفة الكعبة و ما يحتاج إلى معرفة تصويره و إن والده قال إنه كتبها في شهر ربيع الآخر سنة اثنتين و ستين و ستمائة قال: جهة القبلة لأهل البصرة و ... و

۱- همان، ج ۳، صص ۱۳۳۵-۱۳۳۴

۲- در حاشیه کتاب آمده است: «كذا في نسخة اخرى. وفي نسخة الشيخ مجدالدین: والغربي. هامش ظ.»

۳- عز الدين بن جماعة كنانی، هداية السالك، ج ۲، صص ۸۲۹-۸۲۸

۴- همان، ج ۳، ص ۱۴۳۳

ص: ۹۱

نقشه از کتاب هدایة السالک إلى المذاهب الأربعة فی المناسک

ص: ۹۲

ما على سمت ذلك و هو من باب الكعبة إلى الحجر الأسود ... و جهة القبلة الكوفة و ... و ما كان على سمت ذلك ما بين مصلى آدم إلى قرب باب الكعبة ...

و جهة القبلة لأهل الرها و ... و ما كان على سمت ذلك إلى القبلة يستقبلون من الركن الشامي إلى مصلى آدم ... و جهة القبلة لأهل الشام كلهم إلا ما ذكر عن اليمين و دمشق في هذا القسم و هي حمص و ... ما بين الميزاب و الركن الشامي، موقفهم موقف أهل المدينة و دمشق كما تقدم لكنهم يتياسرون شيئاً كثيراً و الجهة شاملة للجميع إن شاء الله تعالى و جهة القبلة لأهل جانب الشام الغربي، و ... و ما ولي ذلك من السواحل على سمتهم و هي من قبيل ميزاب الكعبة إلى دون الركن الغربي ...» (۱) پدر قاضی ابن جماعه، قبله بلاد مختلف را به این ترتیب نقل می کند:

- از حجر الأسود تا در کعبه

- از در کعبه تا مصلاى آدم عليه السلام

- از مصلاى آدم عليه السلام تا ركن شامى

- از ركن شامى تا ناودان

- از ناودان تا ركن غربى و ...

بر اساس نظم مذکور، او به روشنی رکن شامی را دومین رکن طواف می داند و گوشه سوم کعبه را رکن غربی می نامد.

پی نوشت‌ها

۱- محمد بن احمد فاسی مکی، شفاء الغرام، تصحیح مصطفی محمد الذهبی و ایمن فؤاد سید، دو جلد، چاپ دوم، النهضة الحديثه،

مکه، ۱۹۹۹ م، ج ۱، صص ۲۵۱-۲۵۰





ص: ۹۵

## حج در آینه ادب فارسی



## هجنامه انزاب

(مروری بر یک سفرنامه حج به زبان آذری)

جواد محدّثی

«هجنامه انزاب» سفرنامه‌ای منظوم از شاعر معاصر، آقای غلامرضا انزابی‌پور، متخلّص به «انزاب» است، در ۱۴۹ صفحه جیبی، که از سوی انتشارات کتاب‌فروشی ذاکر کریمی، در مراغه به چاپ رسیده است. این کتاب، مقدمه‌ای کوتاه از نویسنده و تقریظی به نظم از شاعر آذری زبان و نامدار معاصر، آقای کریمی مراغی دارد. تشرّف مؤلف به حج، در سال ۱۳۹۹ ق. مقارن آغاز چهاردهمین قرن هجرت نبوی و اولین دوره حج پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

در مقدمه آن آمده است: «... این مجموعه را به خاطر آگاهی حجاج محترمی که ان‌شاءالله در نظر دارند به زیارت حرم کبریایی و خانه خدا مشرّف شوند، نگاشتم که قبل از عزیمت به کلیه اعمال و مناسک حج، شخصاً آگاهی پیدا کرده و در صورت لزوم، یاد بگیرند و نیازی به مطوّف و پیشنماز، یا نایب و غیره نداشته باشند.»

نگاهی گذرا به محتوای این سفرنامه و دیدگاه‌های لطیف شاعر، می‌تواند مفید باشد.

ص: ۹۷

در آغاز، حمد و ثنای الهی و بیان نعمت‌های پروردگار در جهان هستی و هدف بعثت نبوی و سرّ ولایت و جریان حق و باطل در معارف کربلا و آثار اجتماعی آن حماسه در پر آوازه ساختن شیعه و رسواسازی شیاطین می‌پردازد:

وحدتی عاجز ایده قدرت لری ماتّ قویا همتی ملت لری  
 دنیا دا وحدت علمین ساچدیرا خلقه سعادت قاپوسین آچدیرا  
 سپس با عنوان «آغاز مطلب»، اشاره به توفیق الهی و قسمت شدن زیارت خانه خدا و لیک گویی به دعوت ابراهیم خلیل و به نوعی اشاره به مناسک حج و اعمال این سفر آمده است:

چشمه زمزم دن آلوب دستماز باشلیا سان پشت مقام دا نماز  
 هم حجر الأسودی با احترام بوس ایلوب، یا ایده سن استلام  
 ایلیه سن عمره نی اول ادا سعی صفا مروه نی اوندان صورا  
 سعی ده یاده سالاسان هاجری «هروله» حالیندا او خوش منظری  
 تقصیر ایدیب، شکر ایده سن آلاها زار و ملول اوز قویاسان درگاها  
 از آن پس، اشاراتی به اسرار و آثار اجتماعی حج و نقش وحدت‌آفرینی و کبرزداپی و تقویت مراتب بندگی و رهایی از وابستگی‌های مادی و علقه‌های دنیوی آمده است و این که حاجی نباید خود را در مقابل زرق و برق و جلوه‌های دنیایی ببازد و چرب و شیرین دنیا او را از هدف خلقت، که عبودیت است، غافل سازد (ص ۱۷):

دنیا مالین گوزجاق ایتیرمز اوزین قورخو قباقیندا دگیشمز سوزین  
 ثروت و اموالینی چکمز گوزه پولدان اوتور «بعلی» دمز هر سوزه  
 هر پلوی یاغلیا اگمز باشین ساتماز اجانب‌لره دین قارداشین  
 پست و ریاست اونی ایتمز عوض منصف اولار، سوزلری اولماز عوض  
 و ... البته که نگاه انتقادی و طنزآمیز وی در سروده‌هایش، گزنده و نیش‌دار است. گاهی هم از مرز متانت در تعبیر فراتر می‌رود و عباراتی دیده می‌شود که چندان درخور چنین سفرنامه‌ای نیست.

ص: ۹۸

آغاز سفرنامه، ورود به جده است و گرمای هوا، ازدحام و فشار جمعیت، معطلی گمرک، و از همین جا گریز به مسأله تفرقه امت‌های مسلمان و سلطه یهود و حراج نفت و غارت بیگانگان و وابستگی سران و خواب و غفلت مردم سخن می‌گوید که شیرین است. باز هم بازگشت به منزلگاه جده و ناهار و میوه‌ها، قال و مقال سر سفره بر سر غذا و میوه و تنگی جا و خاموش و روشن بودن پنکه و انتقاد از اینکه توجه به خوردنی‌ها مانع توجه به معنویات و اهداف اصلی سفر شده است و مشکلات از این است که گویا همیشه گریبانگیر برخی کاروان‌ها و بعضی زائران بوده است.

در فصلی که با عنوان «حمله دار» آغاز می‌شود (ص ۳۱) به گله از وظیفه‌شناسی مدیر کاروان و پولکی بودن او پرداخته و از رفتار نامناسب و بدون مراعات حاجیان شکوه کرده و از نداشتن صلاحیت لازم و پارتی بازی در آوردن آشپز و نظافتچی و خدمه و معاون و پزشک و ... می‌گوید و از پایین آمدن کیفیت غذا و پذیرایی در روزهای بعد نسبت به آغاز سفر. و باز هم قلم تند و طنز تلخ او گاهی «خطوط قرمز» در وادی قلم را پشت سر می‌گذارد. قلم انتقادی‌اش حتی سراغ روحانی کم‌کار و وظیفه‌شناس کاروان هم می‌رود. البته در کنار آن، از حسن انجام وظیفه و آگاهی و تعهد و آموزش احکام و مراقبت بر اعمال حاجیان و ... هم از سوی اغلب قریب به اتفاق روحانیون کاروان‌ها تقدیر و تمجید می‌کند (ص ۳۶):

مُلاً لارین بعضی سی انسان دیلار پیرو حق صاحب ایمان دیلار  
علم‌لرین وقف ایلیوب ائمه دوشمویه تا خلق خدا ذلته  
اوزلرینه فرض بولور خدمتی تا که هدایت ایلیه امتی

بیلیمیه‌نه، مسأله‌سین آندیریر قانمیاننی باشه سالیر، قاندیریر

حالنه واقف‌دی مسلمانلارین تکمیل ایدیر هر اوزه نقصانلارین

فکری بودور قالمیا نادان، حاجی گیتیمیه آله یولونی قیقاجی

باشه سالیر مسأله‌سین بیر به بیر لازم اولان ایشلری بیر بیر دیر

چوخلاری وار دور که کمال اهلی‌دی بعضی‌سی افسوس که مال اهلی‌دی

نقد عملکرد حاجی‌ها نیز، که برخی بدون درک فلسفه این سفر و اسرار عظیم حج، دائم به خوردن و خوابیدن و پول شمردن و

حرص مال و اثاث داشتن و ... می‌پردازند، از محورهای دیگر این سفرنامه است (ص ۴۱)

گویا گلوب دور اوزین اویناتماقا فکرنی ویرمیشدی فقط یاتماقا

بیز دانشیردیق، او یاتیردی مُدام خوش گونی ایتمشدی بیزه لاپ حرام

حاسد و بد کیش و عبوس و خسیس تنگ‌نظر، مودی و کرداری پیس

ایؤدن ایاقین ایشیگه قویمادی یاتدی نقدری یو خودان دویمادی

پنکه نی آچدیق، او دوروب باغلادی اوتدی، یدی، ایچدی، بوغون یاغلادی

یاتدی اتاق‌دا گهی، گه حال ده ایتدی معذب بیزی هر حال ده

در تشریح تشرف به حرم و زیارت با معرفت و ادب و درخواست حاجت‌ها از خدای متعال در کنار ضریح نبوی و کنار منبر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یاد کردن از رفقای بدرقه و ملتسمین دعا، چنین می‌سراید (ص ۴۵):

جانب منبر ده دوروب دلده آه غصه لی قلبیله دیدیم، ای الاه

بو قلیل اعمالی به حق رسول بیزدن ایله اوز کرمینلن قبول

ایلیه هدایت بیزه ایت مرحمت تا سنی تا پماقدا تا پاق معرفت

ایله حقیقتله بزى آشنا سالما بیزی کبر و هوس دامنا



ص: ۱۰۰

شیطانی بیزدن اوزاق ایت یا کریم اَنِّكَ عَفَّار، و اَنْتَ الرَّحِيم  
 عفو ایله گر ایلْمیشوخ معصیت قدرت خدمت بیزه ایت مرحمت  
 ملت اسلامی ایله سرفراز لطفیله ایت «رهبر» ین عمرین دراز  
 دشمن اسلامی ایله مضمحل کافره یول ویرمه بیزه تاپسون ال  
 کبر و نفاقی آرامیزدان آپار ملته ویر صبر و ثبات و قرار  
 بیزلره ویر سیرت آزادگی ایلْمیاخ غیر سَنَه، بندگی  
 ایندی کی ایراندا اولوب انقلاب کاخ ستم پایه دَن اولموش خراب  
 خانه طاغوتی بیخوب دست عدل دولت اسلامی ایدیب حق، بَدَل  
 قصر ستم خاکیه یکسان اولوب عالمه اسلام نمایان اولوب  
 ویر بیزه توفیق که وحدت تاپاق دشمنه بو عرصه ده نصرت تاپاق  
 فتنه نی ایراندان ایله ریشه کَن تا تاپا آسایش و راحت، وطن  
 که بُعد سیاسی نیازها و حاجت‌های اجتماعی و دعا به رهبر و دفع شرّ دشمنان سلطه‌جو و آزادی امت‌های مسلمان از بردگی جباران،  
 در مضامین آن نهفته است.

ترسیم قبرستان بقیع، اشگ‌ها و ناله‌های شیعیان و اذن دخول برای ورود به آن بقعه منور و زیارت قبور بی سایه بان و غم‌های بزرگ  
 شیعه و جفای مخالفان در حق اهل بیت و زیارت مشتاقان از پشت نرده‌ها و یادی از قبور امامان معصوم آن مدفنِ غریب و عباس  
 عموی پیامبر و فاطمه بنت اسد و ام‌البنین، دختران پیامبر و عمه‌های حضرت رسول و یادی از مزار امام غریب در خراسان و اشاره به  
 این که غریب واقعی این عزیزانند، از نکته‌های دیگر این اثر منظوم است، (ص ۵۴):

او عظمت صاحبینه ای عجیب بی سبب ایراندا دیولر غریب  
 اصل غریب ایستویه سیز، اوردا دی اولدوغی توپراقدا چکیلیر آدی  
 شهر مدینه آرا غربتده دی گیت گلی یوخ، گوشه عُزلت ده دی  
 نه واریدی قبه سی، نه بارگاه نه ویریلور گلدیغی زواره راه  
 آنگاه از آثار با عظمت یرب می گوید، که هر کدام یادگار و نشانه حادثه‌ای و خاطره‌ای است؛ از مسجد قبا، مسجد سلمان، مسجد  
 فاطمه، مسجد علی، مساجد سَبْعَه، ذو قبلتین،

ص: ۱۰۱

بیت‌الاحزان، کوی بنی‌هاشم، مسجد غمامه، مسجد مباحله و ... و هنگام یاد از احد و شهدای آن نبرد بزرگ و شهادت حمزه و ترک آن تپه حساس و شکست مسلمانان به خاطر نافرمانی، گریزی به مسأله «حفظ سنگر وحدت» زده و با عبرت‌گیری از آن حادثه در جنگ احد، حساسیت وضع مسلمانان و توطئه‌های دشمنان و منافقان را یاد می‌کند و چنین می‌سراید (ص ۵۹):

ایمدی بو ایام ده اول صحنه لَر مدّ نظرده اولوری جلوه گر  
دور و بری خیل منافق آلوب امت اسلام کمک سیز قالب  
بیر پارا اسلام نمای دَعْل آتش فتنه ایلوری مشعل

پس از سپری شدن ایام مدینه، عزیمت به مکه و احرام در مسجد شجره و حرکت به سوی مکه و پذیرایی در میان راه و بالاخره رسیدن به آن شهر مقدس و ترسیم نگاه اول زائران به کعبه و اشک‌هایی که جاری می‌شود، از صحنه‌های شورانگیز این اثر است (ص ۶۶):

اولدی نمایان حرم کبریا کعبه مقصود و حریم خدا  
گورسَنوب اول لحظه ده کوی وصال اوز و یروب عَشَاقه او دم اوزگه حال  
شوقه گلوب ذکر جلی باشلادیخ شکر حق لَم یزلی باشلادیخ  
تلبیه تکرار اولوب یکسره نعره تکبیر گلوب گوئلزه  
گورجاق او احوالی ایدیب خلق ذوق تو کدوله رُخساره تمام اشگ شوق

پس از ساعتی به هتل محل اقامت می‌رسند. با طبیعی‌ترین وصف، صحنه پیاده کردن بارها و چمدان‌ها و شلوغی آسان‌بر (آسانسور)، عرق‌ریزان تلاش، مسائل کرایه کردن ماشین برای رفت و آمد به حرم و قول و قرارها و وعده‌های عمل نشده و ریال‌هایی که به عنوان کرایه داده شد و ... بالاخره عزیمت به حرم برای انجام اعمال عمره مفرده، در این اشعار دیده می‌شود. نمازهای پرشکوه، صف‌های دایره‌وار نماز جماعت، برابری شاه و گدا در پیشگاه خدا و راهپیمایی عظیم و پنجاه هزار نفری ایرانیان به سوی مسجد الحرام در ۵ ذی‌حجه در برابر چشمان مأمورین سعودی و زوار کشورهای دیگر، که همه نشان دهنده وحدت و انسجام ملت و مدیریت شایسته زائران و تبعیت کامل از رهبری است، از جلوه‌های دیگر این سفرنامه

ص: ۱۰۲

منظوم است. در این مورد چنین می‌سراید (ص ۸۷):

ویردی نشان عالمه ایرانی لار جامعه‌ده یک دل و یک جانلی لار  
مرد و زن و پیر و جوان، یکسره جمله‌سی همبسته‌دی بیر ره‌بزه  
قدرت ملت که بو شدت ده دور عامل و انگیزه‌سی وحدت ده دور  
گورمه‌لی اولموشدی اوگون اول محل دور دی تماشایه تمام ملل  
باری باخان اوردا بو سنخیته آفرین ایلوردی بیزیم ملته

کم کم فصل عزیمت به عرفات فرا می‌رسد و زائران به آن سرزمین مقدس و عرفانی می‌روند. ترسیم عرفات و دعای عرفه، حرکت به سوی مشعر، شب با معنویت مزدلفه، جمع کردن ریگ‌ها برای رمی جمرات و ... البته وضع نامناسب بهداشتی و نظافت در آن شب پر ازدحام و عدم امکانات دستشویی و کمبود آب و ... بحق، شاعر را به ستوه آورده و زبانش را به گله گشوده است.

آنگاه حرکت پیاده در صبح روز دهم از مشعر به سوی منا، خستگی گرما، سرگردانی در آن صحرا برای یافتن چادرهای کاروان خود، تشنگی مردم، کمبود آب و یخ، گم‌شدن افراد زیادی از کاروان و باقی ماندن فقط ده- پانزده نفر از افراد کاروان، همراه روحانی، با زبانی فصیح ترسیم شده است (ص ۱۰۶):

عده میزه سالدیم او ساعت نظر گوردوم اولاردان قالیر اون پش نفر  
مابقی یوللاردا ایتیب بیر به بیر بللی دگل هاردا اولوب لار اسیر  
بیر المیز ده پتو، بیر الله ساک آز قالیر ایتسین بیزی گرما هلاک

و معاون راه می‌افتد تا چادر را پیدا کند و همه از گرما بی‌تاب می‌شوند و زمان می‌گذرد و فرصت‌ها می‌سوزد و بالاخره یافتن چادر و استقرار در آن، سپس تصمیم به رفتن برای رمی جمرات. ترسیم شاعر از رمی جمرات و دشواری سنگ زدن به شیطان بزرگ، با بیانی لطیف و اشاراتی زیبا به جلوه‌ها و رمزهای معنوی این مناسک این گونه ادامه می‌یابد (ص ۱۰۹):

یدی داش آلدیم اله بی وسوسه غیضیله پرتاب ایلدیم ابلیسه  
دیو هواویله جدل باشلادیم سنگ ملامتله اونی داشلادیم



ص: ۱۰۳

ازدیم او نوعیله هوس باشینی تو کدوم اَتکَدَن یَرَه غم داشینی  
 دیده اَماره‌نی کور ایلدیم قوؤدوم اوزیمَدَن اونی، دور ایلدیم  
 ایله که پرتاب ایلدیم داشلاری باشیما بیغدیم گَنه یولداشلاری  
 صویلدیم اولدوخ بو عَمَل دَن رَها ایمدی گیداخ یاخچیدی قربانگاها  
 و عزم رفتن به قربانگاه و ذبح قربانی می کنند و دشواری‌های مسلخ پیش می آید. در اینجا شاعر به سازندگی‌های این رنج و مشقت  
 و ثواب‌های اعمال دشوار حج و عهده‌ی که با خدا می‌بندند و شرط عاشقی و مسأله بلا و ابتلا در وادی محبت اشاره می‌کند و چه  
 زیبا می‌سراید (ص ۱۱۳):

عشق طریقینده هزاران هزار محنت و اندوه و غم و غصه وار  
 عاشق اگر مایل هجران دگل شربت وصل ایچماقی آسان دگل  
 عشقده عاشق دل و جانندان گچر سهل ایدی جان، هر دو جهانندان گچر  
 گر دل عاشقده اولا عشق یار هیچزادی ایتمز اوزینه اختیار  
 عاشق او دور آتش عشقه یانا محنت هجرانی چکیب قاتدانا  
 جائنه هر درد و غمی نوش ایده راحت ایامی فراموش ایده  
 قلبینی اندوه و محن داغلیا غیره شکایت قاپوسین باغلیا  
 عشق یولوندا چکه مین جور جفا صبریدی عاشقده نشان وفا  
 اولمیا شالی غم ایامدن اگمیله بل، محنت و آلامدن  
 عشق طریقینده که گوتدون قدم منتظر اول، رنج و غمه دم به دم  
 هر نه چیخور اوغرووا، باس باغریوا یاددان آپار هر زادی یاردان سوا  
 ناله و فریاد ایلمز عاشقان قلبیده فریادنی ایلر نهان  
 عشق طریقین کیم ایده اختیار اولمویا منظوری گَرَک جز نگار  
 معرکه عشقده فانی اولا اسمی آتا، محو معانی اولا  
 آلمویا منظوره اوز آسایشین خاطر معشوق ایده هر ایشین  
 اولماسا هر کیم بیله، عاشق دگل مرحلهؤ عشقده صادق دگل  
 اشاره به هدر رفتن گوشت‌های قربانی و افسوس و دریغ بر نبودن برنامه‌ای برای استفاده

ص: ۱۰۴

بهینه از این گوشت‌ها، آن هم در زمانی که این همه گرسنه و فقیر در جهان وجود دارد، از نکات دیگر است (ص ۱۲۱):

اولسا بو مورد ده اگر قاعده خلق بو ایشدن آپارا فایده

ایمدی بو دوراندا تاپیلور غذا ات دن اوتور خلق دوتوبدور عزا

بیر پارا پرکرده قالب خلق آج مین بو قدر ات لره وار احتیاج

چوخلاری تاپمور سالات آشینا بوردا بیاباندا قالب باشینا

شاعر از خلق موی سر در روز عید قربان، به عنوان نماد تسلیم و آمادگی برای سر باختن در راه جانان یاد می‌کند و این که برای

عاشق، حتی جان هم مانع دیدار معشوق نیست (ص ۱۲۲):

الده دوتوب هر حاجی بیر خود تراش تیت تسلیمیله قیرخیر دی باش

یعنی که عاشق، ره جانانیده سهلیدی باش وقف ایلویر، جانیده

عشق یولوندا سر و سامان ندی؟ عاشقه بو مرحله ده جان ندی؟

ساحت عشق ایلسه گر اقتضا عاشق ایدر جانینی آسان فدا

مرحله عشقه چاتان فانی دور عاشقی آواره قویان جانی دور

در رمی جمرات، اشاره به فلسفه این سه جمره می‌کند و چنین می‌سراید (ص ۱۲۴):

شرع بو اعمالی که قویموش قرار هر عملین اصل ده بیر سری وار

اوج یره داش وورماق اولوب شرط اگر هر بیرنین رمزی وار، ای با هنر

جنگ اوج ابلیسه منظور دی بو اوجی تزویر و زر و زور دی

اوندا که حاجی گیریری میدان اول ایدیر حمله بویوک شیطانا

چون یکه شیطان بد و نااهل دی وقتی بویوک گیتدی، کیچیک سهل دی

راحت ایدندن صورا افکاریوی باشلا کیچیک خصمیله پیکاریوی

خصم ضعیف اولدی، یوگور باش داشا خیردا بویوک، هر اوجی وور، قوی آشا

واجب اولوب یدی سی حتماً دگه تا کمر دشمنی بیر یول اگه

قربانی را، رمزی از ذبح نفس اماره و دیو هوی و هوس می‌داند و به فایده فقرزدایی آن از محرومان و گرسنگان اشاره می‌کند و

این که اگر درک این مفاهیم و فلسفه‌ها از اعمال حج نباشد، از سنگ روی سنگ انداختن، یا خوابیدن در صحرای مشعر چه فایده؟

(ص ۱۲۹):

هر عملین فلسفه سی وار غرض تااولا ماهیت انسان عوض

گر نه قوری چولده گیجه یاتماقین یا داشی داش اوسته دوروب آتماقین

وجهی ندور، اولماسا خاصیتی؟ پس بولارین واردی یقین حکمتی

و این اشارات، یادآور شعرهای ناصر خسرو است و حدیث امام سجاد علیه السلام با شبلی که رمزوار تک تک اعمال و مناسک را

یاد آورد می‌شود.

سپس باز گشت به مکه و انجام بقیه اعمال است و بیرون آمدن کامل از احرام و محرمات.

آنگاه انجام عمره مفرده در روزهای بعد، به نیت پدر و بقیه ایام تا پایان سفر. در پایان، دعا‌های فراوان به درگاه خدای متعال و

حاجت‌خواهی از آستان دوست؛ حاجت‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، حتی خواستن گشایش و فرج برای جهان اسلام و

امت عرب و نابودی اسرائیل و ابرقدرت شرق و غرب و اکنون اییاتی از این بخش پایانی (ص ۱۴۶):  
محو ایله روسیه و آمریکانی غصب ایلوب بو یکی سی دنیانی  
دولت اسرائیلی نابود ایله سلطه یولون اونالارا مسدود ایله  
ملت اعرابه ویر آزادگی ایتیمه بیگانه‌لره بندگی  
وحدت اسلام ده ایجاد ایله اونلاری جمعیته ارشاد ایله  
حاکم اعرابی اویات خواب‌دن اولمیا غافل غم اعراب‌دن  
سد ایله حکامه خیانت یولون عاجز و بیچاره‌لرین آچ قولون  
وعده‌وه ایت بار خدایا وفا ایت ضعفانی هم وغم دن رها  
ایله ایا صاحب عرش و تراب لطفله بو ادعیه‌نی مستجاب



## حکایت دو بیت بر دیواره بیت النبی صلی الله علیه و آله

علی گودرزی

بر نیمه آشکار دو ستون از ستون‌های جانبِ قبله مسجد نبوی، دو بیت شعر نوشته شده که چون از نظر معنی و محتوی، زبان حال همه کسانی است که به جهت حرمت صاحب حرم از راه دور و نزدیک در آنجا گرد می‌آیند، قابل توجه است. گرچه سراینده آن ناشناخته و گمنام است ولی گویا چون زبان حال همه را گفته، گفتارش به سنگ ستون حرم نقش بسته است.

به هر حال، اگر سراینده را یک اعرابی بادیه‌نشین بی‌نام و نشان دانسته‌اند، داستانش آنچنان در کتب قوم مشهور و معروف گشته است که می‌تواند جبران آن بی‌نام و نشانی را بنماید و شهرت و کثرت نقل داستان به قدری زیاد است که در مرحله نخست، چنین به نظر می‌رسد که صفای باطن و صدق اعتقاد آن بادیه‌نشین، موجب جاودانه شدن شعر او گشته است. آن حکایت ابتدا از زبان چند نفر نقل شده که خود، شاهدانِ اولیه واقعه بوده‌اند و سپس در طول تاریخ نقل کتاب‌ها گشته، تا آنجا که بر ستون مسجد نبوی نیز نقش بسته است و چون جزئیات آن داستان متفاوت و شخصیت ناقلان مختلف می‌باشد، ابتدا لازم است نقل‌ها را یادآوری کنیم و سپس مسائل پیرامون آن را مورد بررسی قرار دهیم:

۱. عتبی؛ کهن‌ترین سند تاریخی که این داستان را از «عتبی» نقل می‌کند، «ماوردی» (متوفای ۵۴۵. ق.) است. ماوردی می‌نویسد:  
«عتبی» حکایت کرده که نزد قبر پیامبر خدا نشسته بودم، مردی اعرابی آمد و پیش رفت و

ص: ۱۰۷

سلام داد و نیک سلام و درود فرستاد، سپس (خطاب به قبر پیغمبر) گفت: در قرآن چنین یافته‌ام:

... وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. (۱)

«هنگامی که مرتکب گناهی شدند، اگر نزد تو آمده، از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر بر ایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.»

اکنون به حضور شما رسیدم و از گناهانم توبه کردم و تو را شفیع نزد پروردگارم قرار دادم و سپس اشگی ریخت و چنین گفت:

يا خير من دفنت بالقاع أعظمه فطاب من طيبهنّ القاع و الأکم

نفسی الفداء لقبر أنت ساکنه فيه العفاف و فيه الجود و الکرّم

«ای بهترین کسی که استخوان‌هایش در زمین هموار دفن گشته و از بوی خوش آن دشت و دمن خوشبو شده است.

جانم فدای قبری که تو در آن آرمیده‌ای، که عفاف جود و کرم در آن است.»

ص: ۱۰۸

و سپس سوار بر مرکب خود شد و بازگشت، «عتبی» می‌گوید: خوابی سبک مرا فرا گرفت و پیامبر خدا را دیدم که فرمود: ای عتبی، آن اعرابی را دریاب و به او بگو که خداوند او را آمرزید. (۱) ۲. داستان به گونه‌ای دیگر و با توضیحی بیشتر از محمد بن حرب هلالی نقل شده که گفته است: مردی اعرابی حج گزارد، چون (به مدینه آمد) به در مسجد رسید، افسار مرکب خود را بست و به مسجد رفت، روبه‌روی قبر پیامبر ایستاد و گفت: پیامبر خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، با بار سنگین گناه آمده‌ام که تو را شفیع نزد پروردگرم قرار دهم، چون در قرآن آمده است:

... وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ ..... (۲) «هنگامی که مرتکب گناهی شدند، اگر نزد تو آمده، از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر بر ایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.»

بر خویشتن ستم کردم، اکنون آمده‌ام. پدر و مادرم فدای تو گردند. با بار سنگین گناه آمده‌ام. نزد پروردگارت شفاعتم کن که گناهانم را ببخشد و بعد از آن، در حالی که در جمع مردمان گم شد، می‌گفت: «یا خیر من دفنت فی القاع أعظمه ...». (۳) ۳. برخی این واقعه را مشهور و معروف یافته‌اند و بی‌آن‌که از گوینده نخستین آن نامی ببرند، به عنوان ارسال مسلمات شمرده و به نقل آن پرداخته‌اند. (۴) کثرت نقل این داستان و تمسک به این آیه و ترنم به این شعر، در دل و جان و اندیشه نسل‌های بعد، چنان تأثیری نهاد که به مرور و اندک‌اندک، در کتب ادعیه جا باز کرد و نویسندگان برای خوانندگان کتب خویش آن را به عنوان شیوه گفتگوی با پیامبر و آداب زیارت او معرفی کردند و از آن جمله گفته‌اند:

الف: چون به حرم پیامبر رسیدی روبه‌روی قبر پیامبر ایستاده و در حق خویش توسل جسته، او را شفیع پروردگار خود قرار ده و از بهترین سخنانی که رسیده، آن است که «مارودی» نقل کرده (۵) و سپس داستان را به عنوان الگوی ادب زیارت نقل کرده است. ب: بهترین سخنی که زائر (قبر پیامبر) می‌تواند بگوید، این است که: «یا خیر من دفنت فی القاع أعظمه ...». (۶)

۱- ابو الحسن علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی الماوردی، احکام السلطانیة، چاپ تهران، مکتب الاعلام الاسلامی، صص ۱۹۱-۱۹۰

النووی ۶۷۶، الاذکار، چاپ بیروت، دار احیا التراث، صص ۱۷۶-۱۷۵

ابن کثیر- ۷۷۴، تفسیر قرآن العظیم، چاپ بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۲۲

النووی ۶۷۶، المجموع فی شرح المهذب، لبنان، بیروت، دار الفکر، ج ۸، ص ۲۷۴

ابن قدامه ۶۲۰، المغنی، لبنان، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۲، ص ۵۹۰

عبد الرحمان بن قدامه ۶۸۲، الشرح الکبیر، بیروت دار الکتب العربی، ج ۲، ص ۴۹۴

البهوتی ۱۰۵۱، کشاف القناع، بنان، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص ۶۰۱

۲- نساء: ۶۴

۳- جلال الدین السیوطی، الدار المنثور، بیروت، دار المعرفه، چاپ ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۸

۴- النووی، المجموع فی شرح المهذب، همان مدرک.

محمد الشربینی الخطیب م ۹۷۷، مغنی المحتاج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۱۲

۵- النووی، همان مدرک.

۶- محمد الشربینی الخطیب، همان مدرک.





ص: ۱۰۹

ج: برخی اصل داستان را به عنوان یک ادب مسلّم و قطعی در زیارت پیامبر نقل کرده‌اند. (۱) داستانی از زبان امیر المؤمنین علی علیه السلام

علی علیه السلام فرمود: سه روز از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله نگذشته بود که عربی بادیه نشین آمد و خود را به قبر پیامبر افکند و از خاک آن بر سر می‌ریخت و می‌گفت: ای پیامبر خدا، گفته‌های تو را گوش کردم. شما سخن خدا را حفظ کردید و ما گفته‌های تو را پاس داشتیم؛ از جمله آیاتی که بر تو نازل شده، این بود:

... وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ ...

«بر خویشتن ستم کردم و اکنون نزد تو آمده‌ام تا برایم طلب بخشش کنی، از قبر ندا آمد که بخشیده شدی.» (۲) و در گفتار منقول از علی علیه السلام، سخنی از آن دو بیت شعر نیست و هم‌چنین سخنی از خواب دیدن پیامبر خدا به میان نیامده، بلکه ندایی از قبر بیرون آمد که آمرزیده شده است.

حقیقت داستان چیست؟

از این جهت که اهل تسنن خود را از ثقل اصغر دین و نیمه مکمل آن؛ یعنی ولای اهل بیت پیامبر محروم کرده‌اند، از منابع مهم معرفت‌شناسی و دریای معارف امامان معصوم، محروم شده‌اند.

آنچه قابل توجه و دقت است، این است که باید دانسته شود که آیا یک واقعه رخ داده و هر سه نفر شاهد آن بوده‌اند و هریک جداگانه به آن پرداخته‌اند؟ یا سه واقعه جداگانه بوده و برای هریک از آنان، به‌طور جداگانه رخ داده و هر کدام مشاهده خویش را چنانکه رخ داده، نقل کرده است؟ ولی از آنجا که هر سه ناقل معاصر هم نبوده‌اند، نمی‌تواند یک واقعه باشد که همه آنها شاهد آن باشند؛ زیرا علی علیه السلام در سال ۴۰ ه. ق. به شهادت رسیده (۳) و عتبی در سال ۲۲۸ فوت کرده است. (۴)

۱- الرمیاطی، همان مدرک.

۲- المتقی الهندی، کنز العمال، لبنان، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۱۴، ص

الصالحی الشامی، سبل الهدی فی سیره خیر العباد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۱۲، ص ۲۸۲۲۶۰

۳- محمدبن خاوند شاه، روضه الصفا، چاپ تهران، انتشارات علمی، ص ۳۱۷

۴- ابن کثیر، تفسیر کبیر، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۵۲۲

ص: ۱۱۰

محمد بن حرب هلالی را نیز از شاگردان امام صادق علیه السلام دانسته‌اند (۱) و او را از اصحاب آن حضرت در علم رجال شمرده‌اند، معلوم است که امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ وفات یافت، (۲) پس ناگزیر باید گفت حوادث متعددی رخ داده است؛ چنانکه برخی از اهل تحقیق هنگام نقل داستان منقول از علی علیه السلام گفته‌اند: و این داستان، غیر از داستان «عتبی» است در توسل بر پیامبر که قصه آن در نهایت شهرت است. (۳) عتبی کیست؟

نام او «محمد»، پدرش عبیدالله، کنیه‌اش «ابو عبد الرحمان» و «اموی» است. او معروف به «عتبی» منسوب به جدش «عتیبه بن ابی سفیان» است. بیشتر کارش نقل تاریخ بوده و اخبار را بیشتر از بنی امیه نقل کرده است و تاریخ و ایام و جنگ‌های آنان را گزارش می‌داده است. (۴) او شاعر بود و در مورد جدش «عتبه» شعر می‌گفت. به بغداد رفته، حدیث نقل می‌کرد و حدیث فرا می‌گرفت و شهرت به شراب‌خواری داشته است. (۵) و به جهت ادیب بودنش، او را از مردمان بلیغ دانسته‌اند و نیز کاتب و دیوان‌دار خلیفه مخلوع - المقتدر بالله عباسی - شمرده‌اند. (۶) آیا عتبی که از نوادگان ابو سفیان است و تمام همت خود را مصروف نقل تاریخ آنان کرده و شعرش را در استخدام توصیف جدش عتبه قرار داده که دشمن سر سخت پیامبر و خاندان او بوده است، می‌توان چنین حالتی روحانی توقع داشت که پیامبر را در خواب ببیند و پیام‌رسان او به اعرابی باشد؟!

فقر منابع دینی و نیاز معنوی:

از آنجاکه بشر برای تأمین نیازهای معنوی خویش ناگزیر از توجه به اماکن مقدس و زمان‌های ارزشمند و شخصیت‌های بزرگوار و مکرم است و خویشتن را در ساحت آن اماکن و ازمنه و بزرگان قرار می‌دهد تا بدان وسیله تقرّب به حق پیدا کند، حضور پیدا کردن در آن ساحت مقدس، یک نیاز است و طریقه مناسب گفتگو و راز و نیاز و بیان خواسته‌ها، نیازی دیگر است و اگر ادب مناسب را نداشته باشد، گاهی نقض غرض و خلاف هدف و مقصد پیش می‌آید و از این جهت که اهل تسنن خود را از ثقل اصغر دین و نیمه مکمل آن؛ یعنی ولای اهل بیت پیامبر محروم کرده‌اند، از منابع مهم معرفت‌شناسی و دریای معارف امامان

۱- ابن داود، رجال، تهران، دانشگاه تهران، ص ۳۰۳

اردبیلی، جامع الرواه، چاپ قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی النجفی المرعشی، ج ۲، ص ۸۸

۲- محمد بن خاوند شاه، همان مدرک.

۳- الحصنی الدمشقی، دفع الشبهه عن الرسول و الرساله، قاهره، دار احیاء الکتب العربی، ص ۸۲۹

۴- حاج شیخ عباس قمی، الکنی و الألقاب، چاپ تهران، مکتبه صدر، ج ۲، ص ۴۶۴، نقل از ابن خلکان.

۵- ابن قتیبه، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، چاپ قم، منشورات شریف رضی، ص ۵۳۸

۶- ابن ندیم، الفهرست، ترجمه تجدد، چاپ تهران بانک بازرگانی، ص ۲۰۷

ص: ۱۱۱

معصوم محروم شده‌اند، چون از جهان عرفان آنان برکنارند، لذا برای مناجات با خدا یا زیارت پیامبر خدا دستی خالی دارند و نمی‌دانند چه بگویند و چگونه خواسته‌های خود را بیان کنند، دردهای خویش را با چه زبانی بازگو نمایند، محبت و عشق خود را با چه کلماتی اظهار کنند، چون هیچ منبع موثقی ندارند، ناچار دست به دامن «عتبی» می‌زنند و کتاب‌های دانشمندان نیز گفته او را یادآوری می‌کنند. آری، آن نیاز معنوی و این فقر منابع، کار را به آنجا می‌کشاند که سخن و شعر یک شرابخوار ورد زبان مسلمانان شود و شعرش بر ستون دیوار حرم پیامبر نقش بندد. بنابراین، عتبی شرابخوار نمی‌تواند چنین حال روحانی پیدا کند که چنان واقعه معنوی برای او رخ دهد و پیام‌رسان پیامبر به اعرابی و در نتیجه بر همه مسلمانان باشد، بلکه شاید این واقعه را از زبان علی علیه السلام خوانده است و چون ادیب و شاعر بوده، شعری نیز برای آن سروده است.

نتیجه:

اگرچه حکایتی که در کتب قوم، از علی علیه السلام نقل شده، در منابع شیعه نیامده است، لیکن صحت آن بعید نیست؛ زیرا مضمون آن نه تنها مورد انکار شیعه نیست بلکه مورد تأیید نیز می‌باشد و لذا علما و دانشمندان شیعه در مورد مسأله جواز زیارت قبر پیامبر، آن را به عنوان تأیید از کتب اهل تسنن ذکر کرده‌اند که چون این واقعه در حضور علی علیه السلام رخ داده (۱) و خود آن حضرت ناقل آن می‌باشد، نوعی تقریر بر جواز زیارت است و دیگری نیز آن را یکی از بیست دلیل بر جواز زیارت قبر پیامبر دانسته، که کتب اهل سنت به هشت طریق آن را ذکر کرده‌اند. (۲) پی‌نوشت‌ها

۱- السید ابو القاسم الخوئی، البیان، عراق، مطبعه آداب النجف الأشرف، ص ۵۹۹

۲- الأملی، الغدیر، تهران، مکتبه الامام امیر المؤمنین، ج ۵، ص ۱۴۸



ص: ۱۱۳

جاریهای حج

ص: ۱۱۴  
گزارش نهایی

## نظرسنجی از زائران و مدیران کاروان‌های حج تمتع

مقدمه

برنامه‌ریزی و ارائه خدمت به زائران، بزرگترین وظیفه سازمان حج و زیارت است و برای رسیدن به این هدف، دستگاه‌های متعدد و افراد زیادی، دست‌اندرکار ارائه خدمات گوناگون می‌باشند. از این رو، ضروری است، این سازمان نتیجه عملکرد خود و سایر دست‌اندرکاران را که در رضایت زائران تبلور می‌یابد، مورد سنجش قرار دهد و از نقاط ضعف و قوت هر یک از زیرمجموعه فوق آگاهی پیدا کند.

با توجه به ضرورت پیش‌گفته، سازمان حج و زیارت تصمیم گرفت در مرحله نخست، میزان رضایت حج تمتع سال ۱۳۸۳ را، در سطوح جغرافیایی استان مورد بررسی و سنجش قرار دهد و در همین راستا عوامل مؤثر بر افزایش رضایت استفاده‌کنندگان از خدمات سازمان و به تبع آن، توسعه کمی و کیفی خدمات سازمان، شناسایی و تحلیل شود. در واقع نتایج حاصل از اجرای این طرح، امکانات و ابزار لازم را برای مسئولان سازمان‌ها و نهادها و افراد دست‌اندرکار فراهم خواهد کرد تا با

ص: ۱۱۵

آگاهی از نظریات زائران و مدیران کاروان‌ها، به تحلیل مستندی از عملکرد خود دست یابند.

#### ۱. جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را ۵۱۴ نفر مدیر کاروان و ۸۸۴۳۹ نفر زائر حج تمتع، بر اساس چارچوب موجود در سازمان حج و زیارت تشکیل می‌دهد.

#### ۲. روش پژوهش

این پژوهش، با مراجعه مستقیم به زائر و مدیر کاروان و مصاحبه و تکمیل فرم نظرسنجی انجام گرفت. از آنجا که سنجش خدمات ارائه شده توسط سازمان حج و زیارت و دست‌اندرکاران دیگر، هدف اصلی پژوهش بود، لذا بخشی از مصاحبه لازم بود بعد از انجام فعالیت‌ها صورت گیرد.

بنابراین، از دو روش به شرح زیر استفاده شد:

الف: پرسشنامه‌ها در اختیار زائران نمونه کاروان‌ها در عربستان و هنگام دریافت خدمات، قرار گرفت و پس از تکمیل توسط زائران جمع‌آوری شد.

ب: گروه پژوهشگر، در ۱۵ فرودگاه محلّ مراجعت حجاج، مستقر شدند و با زائران نمونه در تمام کاروان‌ها مصاحبه حضوری کردند و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند.

کلیه پرسشنامه‌های تکمیل شده در مرحله پیش‌گفته، توسط افراد بازبینی، مورد بررسی و کنترل قرار گرفت و پس از رفع اشکالات احتمالی، در قالب جداول خروجی، نتایج و یافته‌های طرح استخراج گردید. لازم به توضیح است که پاسخ‌های کمی نظرسنجی، با استخراج توسط کامپیوتر و پاسخ‌های کیفی و به‌خصوص اظهار نظر مدیران و زائران کاروان‌ها، به وسیله کارشناسان و به‌صورت دستی استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شد.

ص: ۱۱۶

۳- شرح مراحل و خدمات

مجموعه فعالیت‌های انجام گرفته در طرح نظرسنجی از زائران، به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۳-۱- بررسی سوابق و مستندات

بررسی فرآیندهای اعزام حجاج و دیگر اطلاعات از سازمان.

بررسی اطلاعات مربوط به جامعه آماری و توزیع آن.

۳-۲- طراحی

بررسی و تهیه پرسش‌نامه‌های مرحله اول و دوم.

حروف چینی و تدوین پرسش‌نامه.

تهیه دستورالعمل تکمیل پرسش‌نامه‌ها.

تهیه دستورالعمل بازبینی پرسش‌نامه‌ها.

تایپ و تدوین دستورالعمل‌های تکمیل پرسش‌نامه و بازبینی.

محاسبه تعداد نمونه و توزیع آن

تعیین روش انتخاب نمونه‌ها.

کسب اطلاعات مورد نیاز از جوامع خاص (کاروان‌های خاص).

تعیین تعداد و روش نمونه‌گیری از جوامع خاص.

تهیه دستورالعمل انتخاب نمونه در هر کاروان.

تهیه دستورالعمل انتخاب نمونه در کاروان‌های خاص.

تهیه سازمان اجرایی.

تعیین تعداد پرسشگر در هر فرودگاه.

تهیه دستورالعمل اجرایی و فرم‌های مورد نیاز.

انتخاب مسئول اجرای طرح.

انتخاب مجریان طرح در ۱۵ استان.



ص: ۱۱۷

چاپ پرسش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها.

هماهنگی با سازمان حج و زیارت برای اعزام مجری طرح از گروه کارشناسان ایران به مکه و مدینه.

توجیه مجریان با چگونگی انجام کار

انتخاب و آموزش پرسش‌گران توسط مجریان.

ارسال مدارک مورد نیاز به مجریان.

۳-۳- سازماندهی اجرای طرح

تهیه نامه برای مدیران کاروان‌ها، برای همکاری در عربستان و فرودگاه‌های ایران.

هماهنگی با مسئولان فرودگاه‌ها برای حضور پرسش‌گران.

هماهنگی با نیروی انتظامی فرودگاه برای آگاهی از اجرای طرح.

برگزاری جلسه توجیهی با ناظران حج و زیارت.

آموزش توجیهی مدیران عملیاتی حج در مکه و مدینه برای همکاری در اجرای طرح.

عملیات میدانی (مصاحبه، تکمیل پرسش‌نامه‌ها، جمع‌آوری اطلاعات).

انجام بازبینی پرسش‌نامه‌های تکمیل شده.

تعیین روش استخراج و مسئول استخراج.

تهیه نرم‌افزارهای مورد نیاز برای استخراج.

جمع‌آوری، کنترل و تحویل پرسش‌نامه‌ها برای استخراج.

انجام رمز (کد) گذاری و داده‌آمایی.

استخراج نتایج.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها.

تهیه گزارش نهایی در سه مرحله (گزارش مدیران حج، گزارش زائران، گزارش کاربردی و مدیریتی).

مستندسازی مجموعه مدارک طرح

ص: ۱۱۸

## نتایج طرح

در مجموع، با ۶۱۵۵ زائر نمونه مصاحبه شد و پرسش‌نامه ویژه مدیران در اختیار تمام مدیران کاروان‌ها (به صورت تمام شماری) قرار گرفت.

خلاصه نتایج طرح در کمتر از یک ماه، استخراج و در اختیار مسئولان سازمان حج و زیارت گذاشته شد. نتایج تفصیلی در دو جلد ویژه دیدگاه زائران و مدیران پس از گذشت حدود ۲ ماه از اجرای طرح، آماده و تحویل سازمان گردید. مجموعه حاضر، خلاصه‌ای است از نتایج تفصیلی، به انضمام نظریات ارائه شده در سؤالات باز و یا پیشنهادهای ارائه شده در پیوست‌های پرسش‌نامه‌ها.

امید است نتایج به دست آمده، زمینه مناسبی برای برنامه‌ریزی و ارتقای کیفیت خدمات به حجاج محترم را فراهم سازد. در پایان گزارش نهایی حاضر، ضمن سپاسگزاری از خداوند متعال به دلیل توفیق انجام خدمات مطالعاتی حاضر، از همه مسئولان، مدیران و کارشناسانی که در مراحل مختلف اجرای طرح گروه تحقیق را یاری نموده‌اند و به‌ویژه جناب آقای رضوی و جناب آقای نصیری تشکر و قدردانی نموده و توفیق بیشتر آنان را در ارائه خدمات به زائران خانه خدا از خداوند متعال خواستاریم. گروه تحقیق / خرداد ماه ۱۳۸۴

## ۱- ویژگی‌های عمومی جامعه مورد بررسی

از مجموع زائران نمونه، که به پرسش‌های نظرسنجی پاسخ داده‌اند، بیشترین تعداد در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ ساله با ۳۸/۴٪ و گروه‌های سنی ۵۰ تا ۶۰ ساله با ۲۴/۷٪ قرار دارند. ۶۹٪/۲ پاسخگویان را مردان و بقیه را خانم‌ها تشکیل داده‌اند. نزدیک به ۷۰٪ مصاحبه‌شوندگان، افراد شاغل و نزدیک به ۱۷٪ خانه‌دار بوده‌اند.

ص: ۱۱۹

تعداد بازنشسته‌ها نزدیک به ۱۱٪ زائران را تشکیل می‌دهد که نشان دهنده توجه خاص این طبقه به زیارت خانه خدا می‌باشد. اکثریت نسبی زائران (۶۴) از طبقه متوسط جامعه؛ یعنی دارندگان درآمد سالانه میان ۱۵ تا ۵۰ میلیون ریال می‌باشند. سهم گروه‌های کم درآمد (کمتر از ۱۵ میلیون ریال در سال) نزدیک به ۱۹٪ و گروه‌های پر درآمد (بیش از ۱۰۰ میلیون ریال در سال) حدود ۸٪ می‌باشد.

از زائران حج تمتع سال ۸۳ حدود ۶۷٪ کسانی بوده‌اند که برای نخستین بار مشرف شده‌اند. بیش از ۳۱٪ این افراد، گفته‌اند بیش از ۱۰ سال بوده که آرزوی تشرّف داشته‌اند و ۶۶٪ آن‌ها نیز میان ۳ تا ۱۰ سال در آرزوی تشرّف به‌سر برده‌اند. از کسانی که بیش از یک بار مشرف شده‌اند، ۳۲٪ را زائرانی تشکیل می‌دهند که بیش از ۲ بار مشرف شده‌اند. اکثریت زائرانی که همراه داشته‌اند، کسانی هستند که با همسر خود اقدام به سفر کرده‌اند. این گروه، بیش از ۸۶٪ زائران، دارای همراه را تشکیل می‌دهند.

بر اساس نتایج نظرسنجی، میانگین هزینه‌های مستقیم یک نفر زائر حج تمتع (غیر از هزینه ثبت نام) و نیز بدون احتساب هزینه‌های اطرافیان؛ مانند قربانی هنگام ورود و یا میهمانی و یا خرید چشم‌روشنی اطرافیان، برابر ۲۷/۷ میلیون ریال بوده است که برای کل زائران حدود ۲۴۵۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود.

ص: ۱۲۰

میانگین هزینه‌های یک زائر در حج تمتع سال ۱۳۸۳ (میلیون ریال)

شرح جمع هزینه قبل از سفر هزینه بعد از سفر هزینه خرید دیگر هزینه‌ها

میانگین هزینه یک زائر ۷/۵۲۷/۶۳/۹۹/۷۱۰/۳

در صد ۱۰/۶۱۰۰/۷۱۲/۴۳۴/۳۳۹/۱۳

از این مبلغ، حدود ۹۶۴ میلیارد ریال مربوط به خرید سوغاتی در عربستان می‌باشد.

همانطور که ملاحظه می‌شود، هزینه‌های خرید و سوغاتی، سهم قابل توجهی از متوسط هزینه‌های یک زائر را تشکیل می‌دهد.

میزان رضایت از دست‌اندرکاران تدارک سفر در ایران

علی‌رغم هزینه زیاد زائران در قبل و بعد از سفر و نیز خرید سوغاتی، بیش از ۱۲٪ زائران هزینه ثبت‌نام را زیاد می‌دانند.

نزدیک به ۱۸٪ زائران از مدت انتظار برای تشرّف اظهار نارضایتی کرده‌اند و نزدیک به ۲۵٪ زائران از مراجعات به سازمان حج و

زیارت رضایت نداشته‌اند. بیشترین نارضایتی در این ارتباط، مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال بوده است. (۱۵٪ زائران نیز از

مراجعات به کاروان اعلام عدم رضایت کرده‌اند).

در ارتباط با هماهنگی‌های به‌عمل آمده در فرودگاه‌ها، در مجموع ۸٪ زائران ناراضی بوده‌اند. زائران استان‌های یزد، لرستان و

اردبیل کمترین نارضایتی و زائران استان‌های چهارمحال و بختیاری بوشهر بیشترین نارضایتی را در این مورد ابراز کرده‌اند. ۲۰٪

زائران از مدت انتظار در فرودگاه شاکی بوده‌اند که زائران استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با

۲۹٪ و ۱۸٪ بیشترین نارضایتی را داشته‌اند.

در مجموع بیشترین نارضایتی در فرودگاه اصفهان و کمترین نارضایتی در فرودگاه شیراز بوده است.

بیش از ۶۳٪ زائران از خدمات گمرکی رضایت داشته و ۱۲٪ ناراضی بوده‌اند. زائران استان‌های فارس و یزد کمترین نارضایتی و

زائران استان‌های مازندران و کرمانشاه بیشترین نارضایتی را داشته‌اند.

ص: ۱۲۱

قریب به ۷۰٪ زائران از خدمات انتظامی و کنترلی فرودگاه در حد «زیاد» و «خیلی زیاد» راضی بوده‌اند و ۳/۸٪ نیز رضایت نداشته‌اند. زائران استان‌های لرستان و فارس کمترین نارضایتی و زائران استان‌های کرمان و چهارمحال و بختیاری بیشترین نارضایتی را در ارتباط با این موضوع داشته‌اند. در میان فرودگاه‌ها، زائران فرودگاه کرمان بیشترین نارضایتی را داشته‌اند، در حالی که زائران فرودگاه شیراز بیشتر از دیگران اعلام رضایت کرده‌اند.

اقدامات و هماهنگی‌های انجام گرفته قبل از عزیمت

بیش از ۳۸٪ زائران، برگزاری همایش عمومی قبل از سفر را کاملاً مفید و حدود ۲٪ غیرمفید دانسته‌اند. در حالی که برگزاری کلاس برای مسائل عمومی، از مقبولیت بیشتری برخوردار بوده و کمتر از ۱٪ زائران غیرمفید می‌دانند؛ به‌ویژه در ارتباط با برگزاری کلاس برای مناسک حج، از دید ۴/۴۸٪ زائران کاملاً مفید و ۴۲٪ زائران مفید بوده و فقط ۷/۰٪ آن را غیر مفید دانسته‌اند. اقدامات و هماهنگی‌های انجام گرفته در مورد پخش فیلم از نظر ۲۰٪ زائران اثربخشی نداشته و ۳۷٪ آن را کاملاً اثربخش عنوان کرده‌اند. این نظریه در مورد توزیع نشریات نیز کم و بیش یکسان است.

تشریح مسائل شرعی و مناسک حج کاملاً اثربخش بوده و تشریح قوانین و مقررات عربستان در مقایسه با آن، اثربخشی کمتری داشته است.

خدمات ارائه شده در طول عزیمت و اقامت در عربستان و میزان رضایت زائران

کمترین و بیشترین نارضایتی، در مورد خدمات ارائه شده در طول سفر، هر دو، به گروه سنی کمتر از ۲۰ سال مربوط می‌شود. زائران اعزامی از فرودگاه ارومیه، بیشترین و زائران فرودگاه بوشهر کمترین رضایت را در مورد موضوع فوق داشته‌اند. در ارتباط با تحصیلات زائران، بیشترین نارضایتی در میان دارندگان مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر و بیشترین رضایت در میان بی‌سوادها بوده است.

نزدیک به ۶٪ زائران از سازماندهی و اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده در عربستان،

ص: ۱۲۲

ناراضی بوده‌اند و بیشترین نارضایتی در میان زائران کمتر از ۲۰ سال بوده است.

حدود ۱۲٪ زائران از چگونگی هماهنگی برای ارتباط با خانواده خود اعلام نارضایتی کرده‌اند و فقط ۲۶٪ زائران در حد «خیلی زیاد» راضی بوده‌اند. این نارضایتی در میان جوانان زائر بیشتر بوده است و همین گروه از زائران، از چگونگی انتقال میان مکه و مدینه نیز بیشترین نارضایتی را داشته‌اند. زائران گروه‌های درآمدی بالا- نیز در مقایسه با سایرین، در این رابطه ناراضی‌تر به نظر می‌رسند.

حدود ۷٪ زائران از وضع تغذیه ناراضی بوده‌اند و جوانان میان ۲۰ تا ۳۰ ساله، بیشترین نارضایتی را داشته‌اند. قابل توجه این که زائران با درآمد سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون ریال، از وضع تغذیه بیشترین رضایت را داشته‌اند و در مقابل، زائران دارای درآمد کمتر از ۱۵ میلیون ریال در سال، کمترین رضایت را ابراز نموده‌اند.

حدود ۱۰٪ زائران از وضع بهداشت و درمان اعلام نارضایتی کرده‌اند که بیشترین نارضایتی در میان زائران با درآمد بالا بوده است و دارندگان تحصیلات بالاتر نیز رضایت کمتری از وضع بهداشت و درمان داشته‌اند.

بیشترین نارضایتی از روحانی و معین، در میان کسانی بوده که دارای تحصیلات حوزوی هستند.

حدود ۸٪ زائران از میزان رعایت حقوق افراد توسط همسفران رضایت نداشته‌اند. این نارضایتی به‌ویژه در میان افراد با تحصیلات بالا بیشتر بوده است.

خدمات ارائه شده توسط عوامل عربستان به زائران

نزدیک به ۷٪ زائران از برخورد پلیس و کارکنان فرودگاه در عربستان راضی نبوده‌اند ولی زائرانی که از عدم امنیت در عربستان اعلام نارضایتی کرده‌اند، تنها ۱٪ می‌باشد.

۳٪ زائران از کمبود امنیت در خیابان‌های مدینه و ۲٪ از کمبود امنیت در خیابان‌های مکه اعلام نارضایتی کرده‌اند.

میزان رضایت از برخورد فروشندگان عربستان بسیار کم بوده و تنها ۱۰٪ زائران در حد «خیلی زیاد» راضی بوده‌اند. در حالی که ۱۷٪ نارضایتی داشته‌اند.

میزان رضایت از هتل نیز در مدینه بیشتر از مکه اعلام شده است. مقایسه موارد

ص: ۱۲۳

مختلف نشان می‌دهد که کمترین رضایت از وضع بهداشت و درمان در دو شهر مدینه و مکه است. ضمن این که نزدیک به ۳۰٪ زائران از کمبود بهداشت در مشاعر شکایت داشته‌اند.

خدمات ارائه شده در مراجعت

حدود ۱۶٪ زائران از برنامه‌های پرواز برگشت، ناراضی بوده‌اند که بیشترین نارضایتی در میان دارندگان تحصیلات حوزوی به چشم می‌خورد. قریب به ۲۰٪ زائران از مدت انتظار در فرودگاه عربستان، برای مراجعت، اعلام عدم رضایت کرده‌اند. ۱۴٪ زائران، از مدت انتظار برای ترخیص در فرودگاه کشور رضایت نداشته‌اند که در میان زائران با تحصیلات بالاتر، این نارضایتی بیشتر بوده است. در مجموع، تنها ۱/۳٪ زائران از کل برنامه سفراعلام نارضایتی کرده‌اند، در حالی که ۸۸٪ زائران در حد «زیاد» یا «خیلی زیاد» راضی بوده‌اند. بیشترین رضایت از نظر سنی، در گروه کمتر از ۲۰ ساله، از نظر درآمدی در میان زائران با درآمد بالاتر بوده است و از نظر تحصیلات بیشترین نارضایتی در میان زائران، دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر دیده می‌شود.

بیش از ۱۸٪ زائران برنامه‌های پیش‌بینی شده برای اوقات فراغت خود را کمتر از انتظار دانسته‌اند و ۱۴٪ بیش از انتظار اعلام کرده‌اند. همین نسبت‌ها در مورد برنامه‌های بازدید از مراکز سیاحتی و تاریخی نیز صادق است. ۱۸٪ زائران از میزان پیش‌بینی خود کمتر خرید کرده‌اند و ۱۳٪ به عکس آن می‌باشند.

بیش از ۱۷٪ زائران قیمت کالاها را گرانتر از ایران ارزیابی کرده‌اند و ۴۹٪ آن را ارزانتر از ایران دانسته‌اند. مهمترین کالاهای خریداری شده توسط زائران پوشاک، پارچه، ساعت، دوربین، طلا و اسباب‌بازی بوده است که پوشاک و پارچه به تنهایی ۸۷٪ خرید را تشکیل می‌دهد. حدود ۵۵٪ زائران اعلام کرده‌اند که در طول سفر، دچار بیماری شده‌اند. بالأخره این که ۹۸/۵٪ زائران اعلام کرده‌اند دوست دارند باردیگر به حج مشرف شوند.

حدود ۱۹٪ زائران، مدت ۲۵ روز طول دوره سفر را زیاد یا خیلی زیاد می‌دانند، در حالی که ۱۹٪ آن را کم یا خیلی کم عنوان کرده‌اند.

ص: ۱۲۴

## ۲- نظریات و پیشنهادهای کلی زائران

زائران نمونه شرکت کننده در نظرسنجی، افزون بر پاسخگویی به پرسش‌های مطرح در پرسشنامه، نظریات توصیفی و تکمیلی دیگر نیز داده‌اند که خلاصه نظریات و پیشنهادهای، به شرح زیر، طبقه بندی و ارائه می‌شود:

## ۲-۱- از ثبت نام تا اعزام

تعدادی از زائران به طولانی بودن انتظار، که معمولاً بیش از ۳ سال (از زمان واریز وجه به بانک تا زمان تشرّف) طول می‌کشد، معترض بوده‌اند. برخی از زائران برای رفع این معضل و برای کاهش زمان انتظار، پیشنهاد داده‌اند که هر ایرانی فقط یک بار به حج تمتع مشرف شود.

## ۲-۲- آموزش حجاج

- مطالب کلاس‌ها تکراری و خسته کننده است.

- بخش قابل توجهی از وقت جلسات به روضه خوانی صرف می‌شود و آموزشی نیست.

- مکان تشکیل کلاس‌ها مناسب نیست به ویژه مساجد، برای خانم‌ها.

- کلاس‌ها برنامه خاصی ندارند و به همین دلیل با مطالب غیر مفید و بی محتوا وقت را پرمی‌کنند.

- زمان تشکیل کلاس‌ها به زمان اعزام نزدیکتر باشد مؤثرتر است.

- وظایف مدیر و عوامل کاروان به زائران گفته نمی‌شود.

- تعداد قابل ملاحظه‌ای از زائران، علاوه بر مسائلی که در کلاس‌ها آموزش داده می‌شود، خواستار مسائل دیگری شده‌اند که به زعم آنان باعث افزایش اعتبار و ارتقای جایگاه زائران ایرانی در بین سایر حجاج می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به «حساسیت‌های وهابیون و مواضع فکری آنان نسبت به تشیع»، «آداب خرید و حضور در بازار، به ویژه هنگام اذان و نماز»، «آراستگی ظاهری و ادب اجتماعی»، «عدم مبادرت به فروش جنس» و «دوری از عقاید خرافی» اشاره کرد.

- تعدادی از زائران، شیوه آموزش فعلی را، که متکی به سخنرانی روحانی و مدیر است، ناقص و کم کارآمد دانسته و تأکید کرده‌اند، آموزش با استفاده از امکانات سمعی و بصری به



ص: ۱۲۵

همراه توضیح مدیر و روحانی کاروان مؤثرتر است.

تعدادی از زائران سطح‌بندی کلاس‌های آموزشی را ضروری دانسته‌اند.

۲-۳- حمل و نقل هوایی

در مورد فرودگاه‌های ایران، نظریات متعددی، از حیث هماهنگی و امکانات اندک و ناقص و برخورد نامناسب مأموران ابراز شده است که از آن جمله می‌توان به «بازدید بدنی به صورت نامناسب و طولانی شدن زمان انتظار برای انجام بازرسی» و «تأخیر زیاد در پروازهای رفت در برخی استانها» اشاره کرد.

- نسبت به عملکرد خطوط هوایی سعودی، مواردی بیان شده که عمده آن عبارت است از: «برخورد مناسب میهمانداران» و «غذای نامناسب با سلیقه و ذائقه ایرانی».

۳-۴- ساختار کاروان حج:

در باره ضعف مدیریت کاروان و گروه منتخب وی، نظریاتی بیان شده که عمده آن، به شرح زیر است:

- «استفاده از عوامل خدماتی کم سواد» و «عدم تسلط مدیر و عوامل کاروان به زبان عربی» و «ناهماهنگی نیروهای اجرایی کاروان با یکدیگر».

- پیشنهاد شده است ظرفیت کاروان‌ها حد اکثر ۱۰۰ نفر باشد که خدمت رسانی به زائران کامل تر شود.

- مسأله دوری منازل مکه از حرم و مسافت طولانی بین هتل تا حرم، مورد توجه و اشاره تعداد قابل ملاحظه‌ای از زائران بوده است. تحلیل رفتن قوای زائران، به دلیل طولانی بودن راه در انجام اعمال واجب، مسأله ایجاد کرده است. برخی از زائران پیشنهاد کرده‌اند که روزهای سفر را کم و غذاها را ساده‌تر کنند و به جای آن از هتل‌های نزدیک حرم استفاده شود.

- امکانات مسکن در مکه در سطح یک مسافرخانه درجه چندم است و این موضوع به زائران در ایران گفته نمی‌شود و ذهن آنان را نسبت به امکانات مسکن مکه آماده نمی‌کنند.

به‌طور کلی وضعیت مسکن در مکه، در همه زمینه‌ها؛ از جمله بهداشت هتل و تراکم و فشردگی جمعیت داخل یک اتاق، مورد نارضایتی گروهی از زائران می‌باشد.

ص: ۱۲۶

- نا‌مأنوس بودن هم اتاقی‌ها با هم و عدم شناخت قبلی، یکی از مشکلات عمده زائران است.

- ملاک درجه‌بندی به مردم گفته نمی‌شود و این عدم شفافیت ابهام‌انگیز است.

- جدا بودن زن و شوهر در اتاق‌های هتل‌ها، مورد اعتراض برخی زائران بوده است.

- هتل مدینه امکانات گرمایشی کافی نداشت و نزدیک صبح زائران در معرض سرماخوردگی بودند.

۲-۵- تغذیه حجاج

- موضوع پخت مرکزی در مدینه و بخشی از کاروان‌های مکه، مورد اعتراض قرار گرفته است.

- غذای رژیمی، تابع قاعده و آثار خاصی نیست.

- نوشابه کوکا و فانتا، آنگونه که در نشریه زائر نوشته شده، متعلق به صهیونیست‌ها است ولی توزیع می‌شود.

- برخی از زائران نسبت به برنامه غذایی و موارد مصرف، به‌ویژه مواد چربی و نشاسته‌ای اعتراض داشته‌اند.

۲-۶- حمل و نقل درون شهری

- حمل و نقل درون شهری، به‌ویژه مسأله ایاب و ذهاب در مکه، بیشترین اظهارنظرها را در میان سایر موارد، به خود اختصاص داده

و اکثریت زائران نمونه، به نحوی به مشکلات ناشی از برنامه‌ریزی، هدایت و اجرا و نظارت بر امور حمل و نقل درون شهری مکه

اعتراض داشته‌اند.

این موضوع در روزهای اعمال مناسک حج و به‌خصوص سیل مکه شدت یافته است.

۲-۷- مشاعر (حمل و نقل، بهداشت، خیمه‌ها)

- مشکلات حمل و نقل مشاعر مقدس، مقوله‌ای است که ذهن زائران را به خود مشغول می‌کند؛ راه‌بندان‌های طولانی، وجود

اتوبوس‌های مکشوف (روباز) و عدم موفقیت پلیس

ص: ۱۲۷

راهنمایی عربستان در حالت‌های بحرانی؛ از جمله مواردی است که زائران به آن اشاره داشته‌اند.

- کمبود چادر در منا و عرفات و به همین دلیل خوابیدن در فضای بیرون از چادر؛ از جمله مشکلات زائران بیان شده است.
- تعداد قابل توجهی از زائران وضع بهداشتی منا و عرفات و مشعر را از نظر نظافت و سرویس‌های بهداشتی مورد نقد قرار داده‌اند
- تعدادی از زائران به مسأله حلق (سر تراشیدن) و نحوه انجام آن اعتراض داشته‌اند و حلق کردن در افکار عمومی و به صورت کاملاً غیربهداشتی و غیراخلاقی و خجالت‌آور و نشان از بی‌تمدنی دانسته و پیشنهاد کرده‌اند مکان خاصی حتی به صورت کانتینر برای این کار اختصاص داده شده شود.

۲-۸- خرید، بازار، اضافه‌بار

- میزان بار مجاز زائر و شرایط اخذ بار، از چالش‌های زائران است. چون خرید سوغات از مکه اجتناب ناپذیر است. از این رو، پیشنهاد شده در این مورد برای اضافه‌بار چاره‌ای اندیشیده شود.
- عدم آشنایی به زبان عربی و عدم قیمت‌گذاری یکسان روی اجناس در عربستان، برای زائر مسأله‌ساز است.
- راهنمایی مدیران و عوامل کاروان و همراهی آنان با زائران؛ از جمله پیشنهادهای زائران بوده است.
- فروشگاه‌های شاهد در فرودگاه‌های کشورمان، اجناسی که جنبه سوغات داشته باشند ندارند. پیشنهاد شده در این زمینه اقدام شود تا زائران بتوانند از فروشگاه‌های شاهد، سوغات مورد نظر را تهیه کنند.

ص: ۱۲۸

۲-۹- مدیریت حج در عربستان

- ازدحام میلیونی جمعیت حجاج از سراسر عالم، در زمان و مکان واحد، موجب بروز مشکلاتی است و مدیریت توانمندی را ایجاب می‌کند. برخی از زائران، وزارت حج عربستان را فاقد قابلیت و توانایی برای رسیدگی به مسائل حج دانسته‌اند و برخی پیشنهاد داده‌اند تعداد پذیرش حجاج کم شود.

- تعدادی از زائران از عدم بهداشت و ممیزی شهر مکه؛ اعم از معابر اصلی و فرعی اماکن اطراف مسجدالحرام و به‌خصوص در محل‌های تجمع و ازدحام، اظهار نارضایتی کرده‌اند.

- تعداد قابل توجهی از زائران در خصوص عملکرد متعصبین در اماکن زیارتی و برخورد با زائران ایرانی، اظهار انزجار کرده‌اند، این حرکات به‌طور عمده در کنار بقیع شریف و همچنین در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و مسجدالحرام و بیشتر بر ضد خانم‌ها انجام گرفته است.

- برخورد بد فروشندگان با برخی زائران در مکه و مدینه.

۲-۱۰- اطلاع‌رسانی و امور فرهنگی زائران

- گروهی از زائران چگونگی اطلاع‌رسانی سازمان و ارتباط سازمان و بعثه؛ چه قبل از مراسم و چه حین آن، با زائران را مناسب ندانسته‌اند؛ از جمله موضوعات: عدم اطلاع‌رسانی از هزینه‌های سفر به صورت کامل، تعهدات مالک ساختمانی مکه و مدینه، حقوق زائر و حقوق نیروهای اجرایی و فرهنگی و تعهدات شرکت بیمه را می‌توان برشمرد.

- در مورد نشریه زائر، برخی نکات به شرح زیر بیان شده است:

- اطلاع‌رسانی زائر، از نظر اخبار داخلی و خارجی ضعیف است و نیز مشکلات زائران را نمی‌نویسد و ...

- از وقت اضافه زائران در موسم حج هیچ استفاده‌ای نمی‌شود. پیشنهاد شده به هزینه زائران به صورت جمعی و با یک راهنما و مترجم تورهایی برای دیدار از اماکن تاریخی و دیدنی و مراکز تحقیقاتی برقرار گردد.

- همراهی مداح خوش صدا و قوی، از خواست‌های زائران است.

- نبود تلویزیون در اتاق‌ها، عامل بی‌خبری زائران تلقی شده است.

ص: ۱۲۹

- برنامه فرهنگی، برای کاهش فقر فرهنگی کاروان‌ها وجود نداد. به خوراک جسم زائران زیاد توجه شده و به خوراک روحی و معنوی آنها کمتر پرداخته می‌شود.
- برخی از زائران لباس زوار ترکیه را مناسب‌تر تشخیص داده و همانند آن را توصیه کرده‌اند و علاوه بر آن، پیشنهاد داده‌اند که نشان سازمان یا پرچم ایران روی آن دوخته شود.
- ۲-۱۱- طول سفر حج
- طولانی شدن سفر، با توجه به بی‌برنامگی آن، تبعات منفی زیادی در پی دارد و بیکاری بعد از انجام اعمال حج در مکه، موجب خستگی جسمی و روحی و عصبیت زائران می‌شود.
- مدت اقامت در مدینه، کمتر از مدت اقامت در مکه است. چند روزی به ایام اقامت در مدینه افزوده شود.
- ۲-۱۲- برنامه‌های پزشکی و دارویی
- برخی از زائران گفته‌اند: هیأت پزشکی حج وظیفه دارد راه‌های پیشگیری و مقابله با بیماری‌های شایع در حج را شناسایی کند. دست کم ۸۰٪ زائران گلو درد و ناراحتی تنفسی را با خود سوغات می‌آورند.
- داروها در اختیار پزشکان کاروان‌ها محدود به چند قلم است و زائران نگزیر از مراجعه به درمانگاه هستند.
- داروها نسبت به عفونت‌های شدید ریوی و بیماری‌های تنفسی بی‌اثر هستند.
- پزشک زن یا پرستار یا مسئول تزریقات و پانسمان خانم با کاروان‌ها اعزام شود.
- ۲-۱۳- دیگر موضوعات
- تعداد قابل توجهی از زائران نسبت به جایگاه روحانی کاروان و ویژگی‌های آن، اظهار نظر کرده‌اند و در مجموع برای روحانی کاروان نقش آرامش بخش و تسکین دهنده قائل شده‌اند و برای روحانی خصلت‌هایی برشمرده‌اند.
- بانک توسعه اسلامی، گوسفند را به ایرانی‌ها گرانتر می‌فروشد و مسؤولان هم از حق ما

ص: ۱۳۰

دفاع نکردند.

- مبلغ ثبت نام حج را بالا ببرید، اما شأن ما را حفظ کرده، جای بهتر و نزدیکتر در مکه اجاره کنید.
- بعثه رهبری اسکناس‌های هزار تومانی مردم را به ریال سعودی تبدیل کند، به زائران تأکید شود که از به کار بردن لفظ «یک خمینی» و «نیم خمینی» به جای اسکناس هزار تومانی و پانصد تومانی پرهیزند.
- راننده ایرانی اعزام شود
- لازم نیست ۴ تا ۶ ساعت پیش از پرواز زائر را به فرودگاه بیاورند و معطل نگه‌دارند.
- تحویل و ترخیص وسایل در فرودگاه‌ها هنگام برگشت، بسیار دشوار، بی‌نظم و آشفته است.
- برای حضور در مکه و مشاعر، ماسک در اختیار زائر گذاشته شود.
- وقتی زائر زبان عربی یا انگلیسی نمی‌داند، در مراسم حج نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است با دیگران ارتباط برقرار کند و از این بابت رنج می‌برد.
- توضیح این که بیش از ۳۵۰ اظهار نظر دیگر ارائه شده که علی‌رغم مفید و جالب بودن آن‌ها، به دلیل فراوانی اظهار نظر کنندگان، از بیان آنها صرف نظر شده است.
- ۳- پیشنهادهای کلی مدیران کاروان
- مدیران کاروان‌ها، افزون بر پاسخگویی به پرسش‌های پرسش‌نامه‌ها، نظریات توصیفی و تکمیلی به شرح زیر ارائه کرده‌اند:
- ۳-۱- از ثبت نام تا اعزام
- مدیران کاروان به‌طور عمده در موارد: فاصله زمانی میان ثبت نام تا اعزام زائر، برنامه رایانه‌ای ثبت نام زائران، تمرکز صدور گذرنامه در تهران برای سراسر کشور، اشتباه در گذرنامه‌های صادره و ... مشکلاتی را اظهار داشته‌اند و برخی پیشنهاد صدور و اصلاح گذرنامه در استان‌ها را داده‌اند.

ص: ۱۳۱

۳-۲- اعزام زائران

مدیران کاروان‌ها در باره اعزام زائران، نظریات گوناگونی را ارائه کرده‌اند که عمده آنها به شرح زیر است:

- تمرکز صدور بلیت هواپیمایی کل استان‌ها در تهران یک اشتباه محض است.

- تاریخ پروازها دیر اعلام می‌شود.

- زائران را خیلی زود به فرودگاه می‌کشانیم.

- تأخیر پروازها موجب تلخ‌گامی زائران می‌شود.

- خطوط هوایی عربستان سعودی در حج امسال خوب ظاهر نشد و سرویس مناسبی ارائه نکرد و میهمانداران رفتار خوبی نداشتند.

- غذای آنها هم باب طبع زائران ایرانی نبود.

- چگونگی بازرسی و برخورد نیروی انتظامی در برخی فرودگاه‌ها نامناسب و زننده توصیف شده است.

- پیشنهاد شده که تاریخ پرواز پیش از ثبت نام و انتخاب کاروان به مردم اعلام شود.

۳-۳- اطلاع رسانی

- برخی مدیران کاروان‌ها از چگونگی اطلاع‌رسانی سازمان و شیوه‌های آن، گله‌مند بودند و به‌ویژه در مورد شرح وظایف و

اختیارات و مسؤولیت‌های مدیر و عوامل کاروان به زائران اطلاع‌رسانی را ناکافی می‌دانند.

- پیشنهاد شده پیش از سفر، کتابچه‌ای حاوی دانستنی‌های ضروری سفر حج در اختیار زائران گذاشته شود. همچنین مدیران را در

خصوص تفاهمات و نتیجه گفت‌وگو و توافقات مسؤلان دو کشور در جریان بگذارند تا اطلاعات آنان به روز باشد.

۳-۴- فرهنگ‌سازی و امور فرهنگی

- اگر کار فرهنگی روی حجاج می‌شد، بسیاری از مشکلات رفتاری مردم و کاروان‌ها کاهش پیدا می‌کرد اما بعثه در طراحی و

اجرای برنامه‌های فرهنگی برای کاروان‌ها ضعف دارد و ارتباطش با زائران در عربستان تقریباً قطع است، مجموعاً سازمان و بعثه

نسبت به مسائل فرهنگی حجاج کم توجهی نشان می‌دهند و برنامه خاصی را دنبال نمی‌کنند.

ص: ۱۳۲

- مأموران مذهبی (مشهور به امر معروف و نهی از منکر) عربستان به‌خصوص در مدینه با زائران ایرانی رفتاری بسیار بد دارند و مزاحم زیارت آسوده زائران می‌شوند.
- پیشنهاد شده که بخشنامه‌های مربوط به مدیریت اجرایی را به روحانیون هم بدهید که در مسیر اجرا شبهه ایجاد نکنند.
- ۳-۵- جلسات آموزشی حجاج
- تعداد جلسات آموزشی زیاد است و مطلب مدون و استاندارد برای آموزش وجود ندارد. بیشتر زائران از کلاس‌های آموزشی خسته می‌شوند.
- آموزش مقررات عربستان برای زائران بسیار مهم و حیاتی است.
- پیشنهاد شده که کلاس‌های آموزشی برای زائران تفکیک شود و آموزش به صورت سمعی و بصری انجام گیرد.
- ۳-۶- امور مسکن حج
- درجه‌بندی منازل مکه با واقعیت‌ها منطبق نبود و مدیران نمی‌توانستند زائران را توجیه کنند.
- مدیر باید جوابگوی مشکلات مسکن زائران باشد، در صورتی که هیچ نقشی در تعیین منازل نداشتند.
- در مکه، منازل نزدیک حرم اجاره شود، حتی اگر امکانات کمتری داشته باشد و ساده‌تر هم باشد.
- مأموران اجاره مسکن حج باید با مسائل ساختمانی و تأسیسات آشنا باشند تا بتوانند پیگیر رفع نواقص مسکن باشند.
- گروهی ساختمان‌ها ناقص و غیر قابل شناسایی است و ضمناً تاکسی‌ها و سواری‌ها آدرس را آن‌طور که ما عنوان می‌کنیم، نمی‌شناسند.
- اسکان نیافتن همه متأهلان به صورت خانوادگی، مسائلی را برای مدیران ایجاد می‌کند.
- توزیع آب زمزم نظم نداشت.
- پیشنهاد شده در مکه هر استان در یک منطقه و نزدیک هم اسکان یابند.



ص: ۱۳۳

- نقشه هتل را پیش از ثبت‌نام به مدیر بدهند تا در هنگام ثبت‌نام زائران ترکیب مناسب را انتخاب کنند.
- منازل اهل تسنن را نزدیک حرم بگیرد، هزینه را زائران آماده‌اند پردازند.
- توزیع مناطق مکه به صورت چرخشی میان استان‌ها انجام گیرد.
- در تعیین ظرفیت ساختمان، ظرفیت و کشش آسانسورها و راه‌پله‌ها نیز در نظر گرفته شود.
- ۳-۷- تدارکات و تغذیه
- توزیع لبنیات به صورت مناسبی انجام نمی‌گیرد و دارای اشکال است.
- توزیع گوشت گرم کار بسیار مناسبی بود.
- برنامه غذایی تنوع ندارد و مرغ آن زیاد است.
- غذای متمرکز، طعم و مزه دلخواه ایرانی را ندارد و زائران، پخت متمرکز را نمی‌پسندند.
- نظام پخت متمرکز، باید به صورت استانی تنظیم و اجرا شود.
- برنامه غذایی ایام تشریق در اختیار کاروان گذاشته شود.
- شرکت‌های سعودی در زمینه تأمین مواد لبنی، متعهد شوند اقلام را جلوی هتل تحویل دهند.
- ۳-۸- حمل و نقل بین شهری
- اتوبوس‌های بین شهری، اتوبوس‌های مناسبی از نظر رعایت نظافت، فاصله صندلی‌ها و کولر نبود.
- ۳-۹- ستادهای اجرای حج (مکه و مدینه)
- ساعات برگزاری جلسات روزانه ستادی مکه در اوج کارهای فشرده کاروان است و ساعات مناسبی نیست.
- برخی مطالب را می‌شود به صورت مکتوب به مدیران کاروان داد.

ص: ۱۳۴

۳-۱۰- مشاعر (حمل و نقل)

- بیشترین نظریات، در مورد حمل و نقل مشاعر ارائه شده که حاکی از بی‌نظمی مطلق در این مورد است. از عملکرد شرکت حافل به‌طور چشمگیری انتقاد شده است.

جمع‌بندی نظریات ارائه شده را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- «تحویل اتوبوس مشاعر از پارکینگ شمیسی بسیار دشوار، وحشتناک و توأم با ازدحام و دردسر و ناراحتی و آبروریزی بود و نیاز به حضور فعالانه نماینده ستاد در صحنه را داشت.

- اتوبوس روباز (مکشوف) برای ایام تشریق، بنا به درخواست کاروان باشد، نه اجباری.

- اتوبوس‌های مشاعر را زودتر و در کنار هتل تحویل دهند.

۳-۱۱- مشاعر (خیمه‌ها)

- تقسیم خیمه به صورت درست و منصفانه انجام نمی‌گیرد.

- پیشنهاد شده با نصب پلاک روی چادرها با برچسب‌های رنگی برای شناسایی کاروان‌ها استفاده شود.

۳-۱۲- مشاعر (طرح قربانی)

- قیمت قربانی حجاج ایرانی بیشتر از سایرین بود.

- پول قربانی همان اول با بقیه مبالغ مابه‌التفاوت از زائر دریافت شود.

۳-۱۳- حمل و نقل درون شهری

- بیشترین اعتراض زائران به حمل و نقل درون شهری و نا منظم بودن آن، در شهر مکه بوده؛ به‌طوری که سوار شدن به اتوبوس و برگشت از حرم به هتل در مکه، سخت‌ترین و مصیبت‌بارترین قسمت مراسم حج برشمرده شده است.

۳-۱۴- بهداشت و درمان (ایرانی و عربستانی)

- بیشترین اعتراض مدیران کاروان، به معاینات قبل از سفر است که اعتقاد دارند این معاینات تشریفاتی است و بعضاً دقیق نیست و یا با اغماض برخورد می‌شود و بعضی معتادان

ص: ۱۳۵

در معاینات مردود نشده، اعزام می‌شوند.

- داروهای هیأت پزشکی که در اختیار پزشک بود، تأثیر بسیار کمی داشت.

- محل بیمارستان ایرانی در مکه بسیار دور بود.

- آموزش بهداشتی ویژه زائران بی‌سواد بسیار ضعیف بود.

۳-۱۵- بار همراه مسافر

- از مواردی که بیشتر مدیران کاروان نسبت به وضعیت آن اظهار نظر کرده‌اند، بار همراه مسافر است. همه مدیران گفته‌اند علی‌رغم

توصیه‌های مکرر به زائران، نمی‌توانند جلوی خرید سوغات را بگیرند و به همین دلیل خواستار تدبیر جدیدی برای حمل بار مسافران

شده‌اند؛ چون به اعتقاد آنها خرید سوغات اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان جلوی آن را گرفت. پیشنهاد شده که نمایندگان فروشگاه

شاهد در کلاس‌های آموزشی حجاج حضور پیدا کنند و درباره چگونگی و مزایای خرید از شاهد، به آنها اطلاع‌رسانی کنند و از

طرف دیگر فروشگاه‌های شاهد خود را با اجناس سوغاتی مجهز کنند.

۳-۱۶- امور مالی

- در مورد دستمزد مدیر کاروان، اکثریت مدیران معتقدند که دستمزد مدیران کم است و برخی پیشنهاد کرده‌اند که در این

دستمزدها تجدید نظر شود.

- برخی مدیران میزان اعتبار ارزی کاروان‌ها را کم ارزیابی کرده‌اند.

- پیشنهاد شده است برای مدیران کارت اعتباری پیش‌بینی شود.

ص: ۱۳۶

۳-۱۷- دستورالعمل‌ها

- در مورد دستورالعمل‌ها مدیران اعتقاد دارند که برخی از نکات اصلی در آن‌ها غفلت شده و مرتب پیرو و اصلاحیه می‌خورد و گاهی ضدّ و نقیض و غیر شفاف هستند.

۳-۱۸- مدت سفر حج

- تعداد قابل ملاحظه‌ای از مدیران کاروان، طول سفر حج را زیاد دانسته و پیشنهاد کرده‌اند که به حدود سه هفته تقلیل یابد.

- پیشنهاد اهل تسنن این است که دست کم ۸ روز در مدینه مستقر شوند تا ۴۰ وعده نمازشان را در آنجا بخوانند.

۳-۱۹- مشکلات مدیریت کاروان‌ها

- بیشترین اظهار نظرها، در مورد آگاهی نداشتن زائران از وظایف و مسؤولیت‌ها و اختیارات مدیر کاروان است، که در برخی موارد موجب تنش‌هایی می‌شود.

- برخی مدیران از برخورد نامناسب سازمان با مدیران گله داشتند.

- پیشنهاد شده است که اختیار بیشتری به مدیر کاروان داده شود و از او مسؤولیت بخواهند و بر عملکردش نظارت بیشتری شود.

- خدمه کاروان چون در معرض خطر هستند بیمه شوند.

۳-۲۰- سایر موارد

- رنگی زیبا با فرم دوخت آراسته و جالب، برای لباس یکسان مردان تعیین شود. به نظر می‌رسد فرم کت همانند لباس حجاج ترکیه مناسب است.

- امیدواریم از نتایج این پرسش‌نامه‌ها بهره‌برداری اجرایی و کاربردی شود و روند نظرسنجی در حج و عمره نیز اجرا گردد.

۴- توصیه و پیشنهادهای مدیریتی و کاربردی

از آنجا که هدف از انجام نظرسنجی، آگاهی از نظریات زائران و مدیران در مورد مراحل

ص: ۱۳۷

مختلف خدمات حج و زیارت و به کارگیری نظریات و پیشنهادهای آنان در جهت بهبود فرآیند حج و تکریم زائران و افزایش رضایت آنها و در فرجام، ارتقای بهره‌وری و بهبود عملکرد سازمان حج و زیارت می‌باشد. از این روی، پیشنهادهای زیر برای به کارگیری نتایج نظرسنجی و به‌خصوص نظریات و پیشنهادهای زائران و مدیران حج ارائه می‌شود:

۱. قبل از آغاز موسم حج تمتع سال ۱۳۸۴، کمیته تخصصی حج تمتع سال ۱۳۸۴ با مشارکت مدیران عملیاتی حج تمتع سال ۱۳۸۴ در مکه و مدینه و مناطق آن و نیز کارشناسان صاحب‌نظر در حج و زیارت، به ریاست جناب آقای رضوی، معاون محترم حج و زیارت تشکیل شد و طی چند جلسه فشرده، میزان رضایت و عدم رضایت در مراحل مختلف حج و نیز نظریات و پیشنهادهای ارائه شده به وسیله مدیران و زائران بررسی گردید و مقرر شد مواردی که از نظر اجرا و به کارگیری در حج سال جاری امکان‌پذیر و اجرایی است، تعیین شود.

۲. پس از جلسه سیاستگذاری پیش‌گفته (بند ۱) کارگروه تخصصی و کارشناسی حج و زیارت، تشکیل شود و مواردی را که شورای سیاستگذاری تأیید و تصویب کرده، تحلیل و ارزیابی کند و آنها را در دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی مسکن، تغذیه، بهداشت، درمان، گذرنامه و ... اعمال نماید و به گونه‌ای، از تعارض احتمالی آنها، در ارتباط با یکدیگر بکاهد.

۳. افزون بر نظریاتی که توسط زائران و مدیران کاروان‌ها پیشنهاد شده، توصیه می‌شود موارد زیر نیز، که از مشاهدات کارشناسی مشاور و یا در مذاکره و مصاحبه دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران حج، در مکه و مدینه و تهران به دست آمده، مورد بررسی و دقت قرار گیرد و مواردی که درست تشخیص داده می‌شود، در حج امسال (۱۳۸۴ ش.) به کار گرفته شود.

۳-۱- آموزش زائران و نیز مدیران کاروان‌ها، پیش از آغاز سفر، بازنگری شود و در آنها علاوه بر به کارگیری فن‌آوری اطلاعات (IT) و استفاده از فیلم و سی‌دی برای ارائه آموزش موضوعات جدید و هدفمند؛ مانند مدیریت بحران (در مواردی که سیل می‌آید و یا حوادث ناگهانی رخ می‌دهد)، مدیریت خرید، مدیریت روابط عمومی و معاشرت با دیگر زائران، قیمت تطبیقی ریال با کالاهای چگونگی گذران اوقات فراغت، آگاهی‌های تاریخی و مذهبی در مورد عربستان، ایران و ... در برنامه‌های آموزشی قرار گیرد.

ص: ۱۳۸

۲-۳- مراحل و اقدامات مختلف حج از زمان ورود به جده تا زمان خروج از جده یا مدینه، به صورت تصویر و به زبان بسیار ساده، تهیه و ترسیم و همراه با توضیحات، به صورت کتابچه‌ای رنگی در اختیار کاروان‌ها و زائران قرار گیرد. این موضوع کمک می‌کند که همه زائران، به‌ویژه افراد کم سواد و یا بی‌سواد در کنار توضیحات مدیر و روحانی کاروان، به کارها و وظایف حج، مخصوصاً در روزهای تشریق، اشراف بیشتر و بهتری پیدا کنند.

۳-۳- با توجه به این که بروز بعضی از بیماری‌ها در زمان حج، هم به دلیل آلودگی هوا و هم به دلیل تراکم جمعیت و عدم رعایت مسائل بهداشتی، اجتناب ناپذیر است. بنابراین، گروه بهداشت و درمان، بروشورهای ساده‌ای را تهیه کرده و در آن، راه‌های پیشگیری از بیماری‌های رایج و متداول را به زائران آموزش دهند.

۳-۴- به گفته زائران و مدیران حج، تعداد روزهای حضور در عربستان از ۲۵ تا ۲۹ روز زیاد است و کاهش منطقی آن ضروری به نظر می‌رسد. اگر مانع اصلی برای این کار موضوع حمل و نقل هوایی است، در آن صورت می‌توان همانند کشورهای کویت، عمان، بحرین، سوریه و ... از حمل و نقل زمینی (اتوبوس، کشتی و ...) از طریق استان‌های جنوبی ایران نیز استفاده کرد. این موضوع برای زائران استان‌های جنوبی کشور قابل بررسی است.

۳-۵- خرید سوغاتی در عربستان، برای بسیاری از زائران، به صورت یک فرهنگ و یک رفتار مصرفی معمول است تا از مکه و مدینه، با سوغات برای اعضای خانواده به وطن برگردند. در عین حال، معدودی از زائران نیز با هدف تجارت به این کار اقدام می‌کنند که نظام پیش‌بینی شده را به هم می‌زند. پیشنهاد می‌شود حمل بارهای زائران (البته در چمدان‌های استاندارد) قبل از عزیمت آنها به ایران و با نظم و مدیریتی خاص صورت گیرد تا مشکل بسیار پیچیده و غیر قابل قبول از نظر فرهنگی و شأن ایرانی را تقلیل دهد. این موضوع نیز جای بررسی و برنامه‌ریزی دارد. به عبارت ساده‌تر، حمل و نقل بار از مسافر تفکیک شود تا مشکلات کمی کاهش یابد.

۳-۶- هم نتایج نظرسنجی و هم مشاهدات کارشناسی نشان می‌دهد که باید در زمینه کارهای فرهنگی برای زائران، گام‌های بلندتری برداشته شود و ضمن تبیین و تشریح فلسفه و فرهنگ حج و ارتقای منزلت حاجی از این طریق، آموزش‌های همه‌جانبه‌ای از موضوعات فرهنگی - آموزشی به صور مختلف و سمعی و بصری، در مراحل مختلف؛ مانند قبل از سفر،

ص: ۱۳۹

در محل کاروان، سمینارهای عمومی در شهرهای محل سکونت زائران، نمایش فیلم هدفمند در داخل هواپیما، در مکه و مدینه و در محل‌های بعثه و کاروان، در بازگشت به کشور و ... برگزار گردد.

در طراحی و تدوین مطالب آموزش‌های مزبور، تنها به روحانیون اکتفا نشود، بلکه علاوه بر آنها، از اساتید و مدرسین واجد شرایط نیز استفاده شود.

ص: ۱۴۰

تصویر ص ۱۱۲ به ص ۱۴۰ منتقل شود.



ص: ۱۴۱

گفتگو

ص: ۱۴۲

### ویژگی‌های حج ۸۳ در گفتگو با امیر الحاج

فصلنامه «میقات حج» در هر سال، پس از موسم حج، گفتگویی صمیمانه با نماینده محترم ولی فقیه، حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری شهری - دامت افاضاته برگزار می‌کند تا علاقمندان را در جریان چگونگی برگزاری حج گذشته قرار دهد.

اکنون نیز، طبق روال گذشته، در باره مسائلی چون موفقیت‌های اجرایی، سیاسی و فرهنگی حج سال ۸۳، نقایص و کاستی‌ها و همچنین اطلاع‌رسانی حج و ... گفتگویی ترتیب داده‌ایم که توجه خوانندگان محترم را به مشروح آن جلب می‌کنیم:

: ضمن تشکر از حضرت عالی به خاطر شرکت در این گفتگو، خواهشمندیم ارزیابی خود را از چگونگی برگزاری حج ۱۳۸۳ ه. ش. بیان فرمایید.

آقای ری شهری: در آغاز از دست‌اندرکاران فصلنامه وزین و ارزنده «میقات حج» تشکر می‌کنم و برای آنان آرزوی توفیق دارم و از خداوند متعال می‌خواهم این عزیزان را یاری دهد تا بتوانند در جهت پربارتر کردن این فصلنامه، گام‌های بلندتری بردارند.

در پاسخ به پرسش مطرح شده، به‌طور مختصر باید بگویم که ما در سال ۱۳۸۳ حج

ص: ۱۴۳

آرام و مطلوبی داشتیم و در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجرایی نسبت به سال پیش موفقیت‌های بیشتری کسب کردیم. به عبارت دیگر، با توجه به فضای خاص حاکم بر منطقه، مانند فشارهای آمریکا و اروپا در مورد مسائل هسته‌ای، اوضاع خاص عراق و مسائل دیگر از این دست، که حج سال گذشته را نسبت به سال‌های قبل حساس‌تر کرده بود، احتمال بروز برخی مشکلات وجود داشت، لیکن با یاری خداوند، حجاجی آرام و کم‌مشکل برگزار شد که این، حاصل تلاش همه خدمتگزاران و دست‌اندرکاران امر حج و زیارت بود.

وضعیت جوی معتدل نیز به کاهش بیماری‌ها و بهداشت زائران کمک کرد و اگر سیل روز دوازدهم ذی‌حجه نبود، شاید بتوان گفت که حج‌گزاری در سال ۸۳، از بهترین و کم‌نظیرترین حج در سال‌های گذشته بود.

مجموع حاجیانی که از کشورهای مختلف و از جمله عربستان در مراسم حج شرکت داشتند ۷۰۶، ۴۱۹، ۲ نفر بودند که این آمار، حدود یکصد هزار نفر بیش از حج‌گزاران سال ۸۲ است. از این تعداد ۷۵۹، ۵۳۴، ۱ نفر از خارج عربستان مشرف شده بودند و حجاج ایرانی نیز در مجموع ۰۸۰، ۹۷ نفر بودند که نزدیک به دو هزار نفر آنان را عراقی‌ها و افغانی‌های مقیم ایران تشکیل می‌دادند و تعداد ۲۷۶۷ نفر هم از ایرانیان خارج کشور به جمع حجاج ایرانی پیوستند.

ص: ۱۴۴

خداوند متعال را سپاس گزاریم که با عنایات اهل بیت، به ویژه حضرت بقیه‌الله اعظم و تلاش همه دست‌اندرکاران امور فرهنگی و اجرایی، توانستیم به بیشترین اهداف خود دست یابیم و برنامه‌های پیش‌بینی شده را به مورد اجرا بگذاریم. از سوی دیگر، به دلیل تغییراتی که در جمرات به وجود آمد و دولت سعودی محل رمی را توسعه داد، خوشبختانه نه تنها مشکلی در انجام رمی به وجود نیامد، که بسیار روان‌تر از سال‌های گذشته انجام شد.

در باره قربانی هم باید بگوییم که در حج سال گذشته بیش از ۸۰،۰۰۰ نفر از زائران ایرانی توانستند از قربانگاه‌های جدید استفاده کنند که بیشترین آمار در سال‌های اخیر است و بحمدالله گوشت‌های قربانی هدر نرفت و از آن‌ها استفاده بهینه شد.

حج سال ۸۳، نسبت به سال‌های پیش از آن، از چه ویژگی‌هایی برخوردار بود؟

آقای ری شهری: در رابطه با ویژگی‌های اجرایی، فرهنگی و سیاسی حج سال ۸۳ چند نکته قابل توجه است:

ویژگی‌های اجرایی

انتقال مستقیم ۴۷۸۰۰ نفر از زائران به مدینه و نیز ۴۸،۰۵۰ نفر زائر مدینه، بعد به جدّه، اسکان ۶۵٪ از زائران در هتل‌های منطقه مرکزی مدینه و اطراف مسجد شریف نبوی، اجرای طرح کامل طبخ غذا به صورت متمرکز برای حدود ۹۶٪ زائران در مدینه و ۳۰٪ در مکه، اجرای طرح متمرکز قربانی با آمار ۸۳٪ در روز عید قربان و ۱۷٪ در روز یازدهم توسط ۹۵ نفر از ذابحان ایرانی از جمله ویژگی‌های اجرایی حج سال گذشته بود.

ویژگی‌های فرهنگی

در سال گذشته با توجه به محور قرار گرفتن قرآن کریم، شاهد قرائت و انجام بیشتر ختم قرآن به صورت گسترده توسط زائران بودیم، حضور قاریان برجسته و بین‌المللی

ص: ۱۴۵

کشورمان در حج و اجرای برنامه در مسجدالحرام، مسجدالنبی، و همایش‌های بین‌المللی بعثه و نیز توجه ویژه به مباحث قرآنی در جلسات عمومی و همایش‌های بین‌المللی بعثه از ویژگی‌های فرهنگی سال گذشته بود ...

طرح جدید اعزام خواهران معین به حج، دومین سال موفقیت‌آمیز خود را پشت سر گذاشت و با پیوستن حدود ۱۸۳ خواهر تحصیل کرده در جمع روحانیون در حج، پاسخگویی به مسائل ویژه بانوان با سهولت بیشتری انجام شد.

سخنرانی‌های آموزشی و تبلیغی متعددی در جلسات عمومی بعثه و نیز داخل کاروان‌ها از سوی سخنرانان و خطبای خوب کشورمان و نیز توسط برخی از بانوان مبلغ، هم در مکه و هم در مدینه برگزار شد.

شورای استفتای بعثه مقام معظم رهبری همه‌روزه در مدینه و مکه پاسخگویی پرسش‌های فقهی زائران ایرانی و خارجی بودند. کارگاه‌های آموزشی ویژه روحانیون کاروان‌ها تشکیل شد و معضلات فقهی مناسک حج، مورد بحث و گفتگو قرار می‌گرفت.

حضور افرادی از شورای استفتا و نیز روحانیون و بانوان مبلغ در مسجد شجره، جحفه، مسجدالحرام و مسعی، تشکیل شورای فرهنگی در هر کاروان، سازماندهی و بهره‌گیری از گروه‌های ارشاد در کاروان‌ها، اجرای طرح نظرسنجی جهت دستیابی هرچه بهتر و دقیق‌تر به نظریات و پیشنهادها و انتقادات زائران و ... از ویژگی‌های فرهنگی حج گذشته بود.

به دلیل تغییراتی که در جمرات به‌وجود آمد و دولت سعودی محلّ رمی را توسعه داد، خوشبختانه نه تنها مشکلی در انجام رمی به وجود نیامد، که بسیار روان‌تر از سال‌های گذشته انجام شد.

ویژگی‌های سیاسی:

بیداری مسلمانان نسبت به توطئه‌های آمریکا و اسرائیل و طرح‌های آنان برای سلطه بر جهان اسلام، به‌ویژه عراق و فلسطین و تشدید حس همگرایی ملت‌های اسلامی، از

ص: ۱۴۶

ویژگی‌های مهم سیاسی حج گذشته بود. وضعیت لوزان آمریکا در عراق، سردرگمی اسرائیل و انتخابات فلسطین، موفقیت‌های مردمی در عراق و لبنان و مسائلی از این دست، به تدریج ملت‌ها را متوجه نیروی عظیم نهفته در درون خود کرده و آنان را به چاره‌جویی و فکر و اندیشه واداشته است و این امر در حج گذشته به خوبی خود را نشان می‌داد.

برگزاری با شکوه مراسم براءت از مشرکان با شرکت حجاج و زائران بیت‌الله الحرام و نمایندگانی از بعثه‌های مراجع عظام و تعدادی از حجاج دیگر کشور، به خصوص هیأت نمایندگی لبنان و برگردان پیام مقام معظم رهبری به ۱۰ زبان و انتشار آن با بهره‌گیری از ابزار مختلف؛ از جمله اینترنت، دیدار با رؤسای بعثه‌های تعدادی از کشورها؛ مانند وزیر اوقاف و حج اردن، مشاور اعظم سلطنتی کشور عمان، معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان، آقای شیخ نعیم قاسم، قائم‌مقام وزیر خارجه عراق، عضو شورای مرکزی مجلس انقلاب اسلامی عراق، رئیس اوقاف شیعیان عراق، وزیر اوقاف و امور دینی الجزایر، محمد بشیرالدین احمد، مفتی اعظم و رئیس امور دینی جامو و کشمیر و ... و رایزنی با آنان در باره مسائل مختلف جهان اسلام، از دیگر دستاوردهای سیاسی حج سال گذشته بود. در این میان، جریان افراطی سلفی‌گری و تندروهای مذهبی در عربستان نیز تلاش‌هایی داشتند تا برای زائران ایرانی فشارهایی را بر آنان وارد کنند و نمونه آن محروم ساختن بانوان برای حضور در کنار قبرستان بقیع و زیارت قبور ائمه بود، لیکن بحمدالله بیشتر این تلاش‌ها ناکام و بی‌نتیجه ماند.

ویژگی‌های خبری و اطلاع‌رسانی

در زمینه‌های خبری نیز گروه‌های اعزامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و انعکاس اخبار حج در شبکه‌های مختلف، پخش مراسم دعای کمیل، براءت، همایش‌ها و دیدارها و مراسم فرهنگی و سیاسی بعثه، نقش مؤثری در ترویج فرهنگ حج در جامعه ایفا کرد که بنده در همین جا از تلاش‌های صدا و سیمای تشکر می‌کنم.

نشریه زائر با توجه به محوریت قرآن در حج گذشته، علاوه بر اطلاع‌رسانی در زمینه‌های مختلف به مردم، در این زمینه نیز تلاش‌های خوبی داشت. پایگاه اینترنتی

ص: ۱۴۷

بعثه نسبت به گذشته پربارتر و متنوع‌تر شده بود. به تصویر کشیدن همه فعالیت‌های حج در سال گذشته، به منظور تهیه فیلم مستند حج و نیز تدوین مکتوب فعالیت‌های حج، تحت عنوان «با کاروان صفا» نیز از ویژگی‌های خبری و اطلاع‌رسانی حج گذشته بود.

سال گذشته قرآن محوری شعار حج بود، خواهشمندیم بخشی از اقداماتی که در این زمینه صورت گرفته را بیان فرمایید: آقای ری شهری: بر اساس رهنمود مقام معظم رهبری، در سال گذشته، محور فعالیت‌های فرهنگی حج، قرآن بود. البته این بدان معنی نیست که در سال‌های پیش از آن، به قرآن پرداخته نمی‌شد و قرآن محوریت نداشت، بلکه سال گذشته بعثه مقام معظم رهبری و دست‌اندرکاران فرهنگی؛ اعم از روحانیان و خدمتگزاران، فعالیت بیشتر و چشمگیرتری در این زمینه داشتند و با تمرکز بیشتر پیرامون قرآن، امور فرهنگی به اجرا درآمد و در نتیجه زائران عزیز توانستند از فضای معنوی حج بیشتر بهره‌برداری نموده، با قرآن انس بگیرند. پیش از حج، در کمیته فرهنگی موضوع محوریت قرآن در حج به بحث گذاشته شد و تصمیماتی اتخاذ گردید که با عنایات خداوند بیشترین آنها به اجرا درآمد.

نقاط ضعف و کاستی‌های حج ۸۳ در زمینه‌های فرهنگی و اجرایی چه بود؟

آقای ری شهری: در زمینه‌های فرهنگی، هنوز کاستی‌هایی داریم که با استفاده از نظرسنجی‌های به عمل آمده، تا حدی مشخص شده و ما امیدواریم با طرح آن در کمیته فرهنگی و بررسی‌های کارشناسانه هر یک از موضوعات بتوانیم در آینده در رفع آنها تلاش کنیم، لیکن آنچه به‌طور مشخص هنوز برای ما مشکل‌آفرین است، بی‌توجهی برخی از زائران به حضور نیافتن در نمازهای جماعت و یا حضور در خیابان‌ها و کنار مغازه‌ها به هنگام برپایی نماز جماعت است که علی‌رغم تذکرات جدی و مکرر روحانیان و دیگر مسؤولان فرهنگی، متأسفانه هنوز هم شاهد آن هستیم، و اگرچه این افراد در اقلیت‌اند، لیکن به هر حال باید برای آن چاره‌ای اندیشید و باید راه حل را از ایران آغاز کرد.

ص: ۱۴۸

زائری که نماز خواندن در اوّل وقت برای او به صورت فرهنگ در نیامده و نسبت به نماز اوّل وقت بی‌توجه است، چگونه می‌توان در مدّت کوتاهی به این امر مهمّ مقید ساخت و یا زائری که به برخی از تخلفات رفتاری، عادت کرده، در چند روز نمی‌توان او را از عادت‌ها و روش‌های غلط بازداشت. به نظر می‌رسد بهترین راه حل آن است که با بهره‌گیری از نظرسنجی‌ها و با همکاری مجموعه نهادهای فرهنگی کشور، بتوان از این گونه کارها جلوگیری کرد. البته نتایج نظرسنجی‌ها را نیز باید منتشر ساخت و چه بهتر که ما ابتدا خودمان را نقد کنیم و از این مسأله نهراسیم. مشکلات را نیز صادقانه با مردم و حجاج در میان بگذاریم. برنامه‌های سال آینده را هم برای مردم تبیین کنیم تا ان شاء الله از حجم این مشکلات کاسته شود.

در زمینه اجرایی نیز علی‌رغم کارهای انجام شده در زمینه حمل و نقل درون‌شهری مکه، باز هم کاستی‌هایی داشتیم؛ به‌خصوص در منطقه باب‌علی، در اطراف مسجدالحرام، که به دلیل تراکم حجاج، هنگام سوار شدن حجاج به اتوبوس‌ها ازدحام شدیدی ایجاد می‌شد که زبینه حجاج ما نبود، البته حل این مشکل هم در توان جمهوری اسلامی ایران نیست. دولت عربستان باید مشکل را حل کند و زائران ما هم باید نیم تا یک ساعت پس از اتمام نمازها، از مسجدالحرام خارج شوند تا کمی از تراکم جمعیت کاسته شود. اعزام حجاج به مدینه و فرود آنان در فرودگاه مدینه نیز منافع فراوانی برای حجاج ما در برداشته، لیکن فرودگاه مدینه، ظرفیت لازم را برای پذیرش این همه حاجی ندارد که امیدواریم به تدریج این مشکل توسط دولت عربستان حل شود. مشکل دیگر تأخیر در پروازها بود که در پاره‌ای موارد خاطر زائران را می‌آزرد.

در معاینات پیش از عزیمت حجاج نیز مشکلاتی داشتیم و من در جلسه‌ای که اخیراً برای مدیران کاروان‌های حج سال ۸۴ داشتم عرض کردم که اینها همان گونه که در مورد مشکل حامله بودن بانوان با دقتی که از طریق دستیاران زن داشتند، در سال‌های قبل حل کردند. می‌توانند در سال‌های آینده نیز برای حل این معضل چاره‌اندیشی کنند. طول کشیدن بازرسی‌ها در فرودگاه جدّه نیز از کاستی‌های حج سال قبل بود.



ص: ۱۴۹

امیدوارم با برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته، سال آینده از حجم این مشکلات کاسته شود.

: در سال‌های اخیر و پس از سقوط صدام، حضور زائران شیعه در عربستان گسترش یافته است، آیا برای انسجام تشیع در حج چاره‌ای اندیشیده شده است؟

آقای ری شهری: حقیقت این است که ما سلطه‌ای بر دیگر زائران شیعه‌ای که به حج مشرف می‌شوند نداریم و اگر ما بتوانیم روی زائران ایرانی خودمان کار کرده، نقاط ضعف موجود را برطرف کنیم و جلو ناهنجاری‌هایی که گاهی از برخی صادر می‌شود را بگیریم، کار مهمی کرده‌ایم، لیکن در عین حال در سال جاری برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا جلسه‌ای با روحانیون شیعه سایر کشورها داشته باشیم و بتوانیم از طریق صحبت با آن‌ها برخی ناهنجاری‌های موجود را برطرف سازیم ولی به هر حال، اگر اقدام منسجمی صورت نپذیرد، ممکن است در آینده مشکلات زیادتری از این ناحیه داشته باشیم. البته اقدام سازمان فرهنگ و ارتباطات و مجمع جهانی اهل بیت، در طول سال، برای توجیه روحانیون شیعه و مدیران کاروانی که زائران شیعه را به حج می‌آورند، تأثیری بیشتر از آن خواهد داشت که ما در مدت کوتاه حج برای آن برنامه‌ریزی کنیم.

به هر حال، انسجام شیعیان در حج و تشریک مساعی با برادران مسلمانان که از سرتاسر جهان به حج آمده‌اند، وحدت امت اسلامی را تقویت و از تفرقه، که وسیله نفوذ دشمنان در میان مسلمانان است جلوگیری به عمل خواهد آورد.

: شخصیت‌های مهمی چون وزرا و رؤسای حج برخی کشورهای اسلامی و نیز علما و اندیشمندان در حج، با جناب عالی دیدار داشتند. جمع‌بندی شما از این دیدارها چیست؟

آقای ری شهری: دیدارهایی که در مکه با وزرا، علما و اندیشمندان جهان اسلام دارم، بیشترین دستاورد و ثمره‌اش تقویت وحدت کلمه امت اسلامی است. البته برکات جانبی دیگری هم دارد، لیکن عمده هدف و انتظار ما از این دیدارها، همان تقویت وحدت امت اسلامی است که در این سال‌های اخیر بحمدالله این ملاقات‌ها گسترش

ص: ۱۵۰

یافته و آثار و فواید خوب سیاسی هم در پی داشته است؛ به این معنی که در ایجاد روابط سیاسی میان جمهوری اسلامی و برخی کشورهای با آنها روابط جدی نداشته‌ایم، تأثیرگذار بوده است. برای نمونه می‌توان از کشور الجزایر نام برد که در سال اولی که بنده با وزیر حج الجزائر در مکه دیدار داشتم، در آن زمان میان دو کشور روابط خوبی حاکم نبود لیکن با پی‌گیری‌هایی که به عمل آمد، بحمدالله هم‌اکنون روابط سیاسی مطلوبی میان دو کشور برقرار شده است.

: شباهت زیادی در سال‌های گذشته توسط سلفی‌ها به خصوص در حج به مسلمانان القا می‌شود که خشم مسلمانان را هم در پی داشته است. حضرت عالی در این زمینه چه تحلیلی دارید؟ و برای جلوگیری از آنها چه اقداماتی صورت گرفته است؟

آقای ری‌شهری: شکستی که به نظر من سلفی‌ها پس از سقوط طالبان در افغانستان خوردند، سبب شد تا آنها به کارهای نسنجیده و عملیات انتحاری و ترورهای کور روی آورند و خود را روز به روز منزوی‌تر کنند. بنابراین، بنده تشدید فعالیت‌های تبلیغی آنها را ناشی از شکستی می‌دانم که در جبهه سیاسی داشتند و ما برای این که در جبهه فرهنگی، که بسیار مهم هم هست، با آنها برخورد کنیم، لازم است از همان

ص: ۱۵۱

راه‌هایی که آنها وارد شده‌اند، استفاده کنیم و پاسخ مناسبی برای آنان داشته باشیم. اینها در همین اواخر نوارهای متعددی را توزیع کرده و عقاید شیعه را به شکل موهنی زیر سؤال برده‌اند. بعضی از مطالبی که در این نوارها مطرح کرده‌اند، تحریف شده و برخی دیگر هم پاسخ دارد که باید به طور منطقی و حساب‌شده از طریق کتاب، نوار و حتی اینترنت با این حرکت مقابله کنیم و اگر احیاناً کسانی در میان آنها هستند که گوششان به حرف حق بدهکار است. آنها را برای نشست‌های دوستانه و مباحثات دعوت کنیم، البته تجربه‌هایی که ما داریم، غالب این افراد حاضر به مباحثه و گفتگوی رودررو نیستند و تلاش می‌کنند تا بیشتر روی عوام مردم تأثیرگذار باشند و القای شبهه کنند و به خیال خام خود، آنها را از مکتب اهل بیت دور کنند.

: حدود دو سال است که اجازه ورود به محوطه جلو قبرستان بقیع و نیز نشستن بین الحرمین، به بانوان و زنان ایرانی داده نمی‌شود.

این اقدام سعودی‌ها را بر چه اساس ارزیابی نموده و برای حل آن تاکنون چه اقداماتی صورت داده‌اید؟

آقای ری شهری: این اقدام وهابی‌ها در راستای همان مطلبی است که پیشتر گفتم؛ یعنی آنان به دنبال شکست سیاسی که داشتند، فشارهای خود را بیشتر کرده‌اند تا مشکلاتی را برای شیعیان و دیگر فرق اسلامی که با آنها هم عقیده نیستند، به وجود آورند، همان‌گونه که می‌دانید وهابیت فرقه کوچکی بیش نیست و بسیاری از فرق اسلامی افکار و عقاید آنها را بر نمی‌تابند و بسیاری از متفکران و اندیشمندان اهل سنت، که ما در حج با آنان دیدار داشتیم، از این رفتار سلفی‌ها و افکار غیرمنطقی و متحجرانه آنان و دخالت‌کردنشان در امور مذهبی دیگر مسلمانان اظهار نفرت می‌کردند. ما تلاش‌های زیادی کردیم تا این مشکل را حل کنیم. نامه‌ای به آقای امیر عبدالله نوشتیم و رییس محترم سازمان حج و زیارت در دیدار با آقای امیر عبدالله و برخی مقامات دیگر سعودی مشکل را مطرح و خواستار حل فوری آن شدند، ولی متأسفانه هیچ کدام از آنها نتیجه ملموسی نداشت، تا آن‌که سعودی‌ها احساس کردند جلوگیری از زیارت مردم ممکن است به تظاهرات و برخوردهای مردمی منجر شود و مشکلات امنیتی ایجاد کند که در نتیجه راه را برای آقایان باز گذاشتند و تاکنون هم ادامه دارد، لیکن

ص: ۱۵۲

متأسفانه نسبت به بانوان هنوز مانع ایجاد می‌کنند و اجازه نمی‌دهند آن‌ها پشت قبرستان بقیع تجمع کنند و من خوف آن دارم که اگر این مشکل مرتفع نشود، تبعات خوبی نداشته باشد و حداقل این تبعات منفی، آن است که تعداد قابل توجهی از بانوان ایرانی و غیرایرانی نتوانند از این فرصت معنوی استفاده کنند، ارزیابی ضعف در دولت عربستان خواهند کرد که نمی‌تواند در برابر این گروه افراطی بایستد و از حقوق زائران دفاع کند و آنچه را که به مصلحت کشورشان هست، به مورد اجرا بگذارد. (۱)

۱- صاحب السمو الملكي الأمير عبدالله بن عبدالعزيز آل سعود

ولي العهد ونائب رئيس مجلس الوزراء بالمملكة العربية السعودية

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بداية أرى من الضروري أن أتقدم لسموكم بالشكر والتقدير لما وعدتم خلال زيارة معالي وزير الثقافة والإرشاد الإسلامي بالجمهورية الإسلامية الإيرانية لكم، بالعمل على حل مشكلة البقيع وأرجو لكم دوام النجاح والتوفيق في خدمة ضيوف بيت الله الحرام.

فكما تعلمون، أن نجاح بيت الله الحرام من إيران وسائر الدول يعانون في هذا الموسم من مشكلة هامة جدية بالاهتمام تسبب امتعاضهم ويخشى أن تؤدي لا سمح الله إلى خسائر وإصابات، إن لم يتم معالجتها:

۱- كان البقيع يفتح أمام الزوّار في الأعوام الماضية ساعتين صباحاً وعصراً حيث يتمّ الدخول من طرفٍ والخروج من طرفٍ آخر بانتظام. وعند الضرورة وازدياد عدد الزوّار، كان المجال يفسح أمامهم من جانب آخر حيث يوجد السلم وذلك لمرورهم لئلا يؤذيهم الازدحام. وبعد غلق أبواب البقيع، كان الدور للنساء ليقمن بزيارته من الخارج ومن خلف جدرانها. وهكذا كان الجميع يتركون المدينة المنورة بارتياح وسرور.

وللأسف فإن أبواب البقيع في العالم الحالي لا تفتح إلا لمدة محدودة ولا يسمح لدخول الزوّار إلا عبر طريق واحد. وبما أن الأبواب تغلق في وقت مبكر، لذلك يضطرّ الزوّار أن يتسارعوا بعد أداء الصلاة صوب البقيع وهذا يؤدي إلى ازدحام الناس وتدافعهم. فإن استمرّ هذا الوضع يخشى أن يصاب بعض الأشخاص أو يؤدي ذلك إلى وفاة عدد منهم فيتكرّر لا سمح الله ما حصل من حادث مؤسف في رمي الجمرات قبل سنوات.

۲- إن النساء اللاتي يشكّلن ۵۰

كما ويمنع الزوّار من الوقوف والزيارة في المساحة المحصورة بين المسجد النبوي والبقيع مما يدفع الزوّار إلى الانتشار في جميع أطرافه أو المحاولة لارتقاء جدرانها هنا وهناك لرؤية القبور مما يخشى أيضاً أن يؤدي إلى السقوط على الأرض وإصابة الأشخاص لا سمح الله.

إنني على ثقة بأنكم لا توافقون على هذه التصرفات السيئة لبعض المتطرفين وأنكم أبدتكم كراراً قلقكم وامتعاضكم مما يجري من تشدد وأعمال قاسية. لكنني أود أن أؤكد مرة أخرى على ضرورة معالجة هذه المشكلة للحيلولة دون وقوع كارثة مؤلمة لا سمح الله. وختاماً أسأل الله العليّ القدير أن يوفق الجميع لتوطيد أواصر المحبة والصداقة بين البلدين وأن يمنّ عليكم بالنجاح لخدمة ضيوف الرحمن وحجاج بيته وزوّار قبر نبيه. إنّه سميع مجيب.

محمد الري شهري:

ممثل الإمام الخامنئي في الحج



ص: ۱۵۳

هنوز حج از اهداف خود بسیار فاصله دارد؛ حجی که بتواند زائر را همانند روز تولد پاک کند و پاکیزه به دیار خود برگرداند؟ به نظر جناب عالی چه راه‌کارهایی برای رسیدن و تحقق این اهداف وجود دارد؟

وهابیت فرقه کوچکی بیش نیست و بسیاری از فرق اسلامی افکار و عقاید آنها را بر نمی‌تابند و بسیاری از متفکران و اندیشمندان اهل سنت، که ما در حج با آنان دیدار داشتیم، از این رفتار سلفی‌ها و افکار غیرمنطقی و متحجرانه آنان و دخالت‌کردنشان در امور مذهبی دیگر مسلمانان اظهار نفرت می‌کردند.

آقای ری شهری: به نظر من سه نکته برای تحقق اهداف حج بسیار مهم است:

نکته اول «معرفت» است، هرچه معرفت و بصیرت دست‌اندرکاران حج و حجاج بیت‌الله الحرام نسبت به انجام این فریضه بسیار مهم بیشتر باشد و ظرفیت‌های مهمی که این واجب الهی برای خودسازی دارد، بیشتر شناخته شود، بهتر می‌شود از این ظرفیت‌ها استفاده کرد.

نکته دوم «تلاش برای اجتناب از آفات حج» است؛ شناخت اموری که موجب می‌شود تا آثار حج از میان برود، بسیار مهم است. نکته سوم «تلاش برای کمال حج» است که چه کنیم از نورانیت بیشتری در امر حج برخوردار شویم، این سه نکته به نظر من بسیار مهم است و باید همگان از آن آگاه شوند تا بتوانند از برکات و معنویات حج بهره‌مند گردند.

ص: ۱۵۴

: اخیراً جناب عالی دیدار و جلسه‌ای برای هنرمندان و مجریان و تهیه‌کنندگان صدا و سیما داشتید، فعالیت‌های صداوسیما را در سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید و چه رهنمودهایی برای آنان دارید؟

آقای ری‌شهری: اولاً به این نکته اشاره کنم که صدا و سیما در سال‌های اخیر بسیار خوب عمل کرده و سرمایه‌گذاری بسیاری می‌کند تا مردم از فضای نورانی حج بهره‌مند شوند که قابل تقدیر است، لیکن برای این که از ظرفیت‌های فراوان فرهنگی حج بیشتر استفاده شود، باید به نکاتی اهمیت دهد. در آن جلسه نکاتی را گفتم که در اینجا نیز به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

- مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، با همکاری معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، ظرفیت‌های حج را شناسایی و مشخص کنند.

- شناسایی و به‌کارگیری بهترین‌ها برای برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از هنر، برای انتقال فرهنگ حج به مردم و جامعه.

- مقابله با آفات بهره‌گیری از عمره و حج. هم‌اکنون عده‌ای هستند که می‌خواهند از عمره و حج به عنوان یک تشکیلات درآمدزا استفاده کنند و مهمترین جایی که می‌تواند با این فکر مبارزه کند، صداوسیما است.

- ناهنجاری‌هایی که در حج و عمره اتفاق می‌افتد را به تصویر کشیدن و برای اصلاح آنها اقدام کردن نیز از کارهای مهم دیگری است که صداوسیما می‌تواند در آن نقش اساسی داشته باشد.

- فرهنگ‌سازی در زمینه حج نیز از کارهایی است که نقش رسانه ملی در آن انکارناپذیر است.

دو کار نیز از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است که به نظر من صدا و سیما باید با همکاری بعثه مقام معظم رهبری روی آن سرمایه‌گذاری بیشتری کند:

۱. تهیه تاریخ مستند و تصویری حج، عمره و عتبات عالیات و همه مراکز زیارتی.

روشن است که پرجاذبه‌ترین و مستندترین تاریخ، تاریخ تصویری است که هم برای امروز و هم برای آینده بسیار مفید است و این کاری است که صداوسیما می‌تواند روی آن سرمایه‌گذاری کند و اولویت دارد.

ص: ۱۵۵

۲. به تصویر کشیدن برکات و منافع حج.

قرآن می‌فرماید: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ.**

گاهی کسی با زبان و سخن این برکات را بیان می‌کند، و یک وقت به صورت تصویری، برکات فردی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی را ارائه می‌کند که دومی قطعاً بسیار مهم و تأثیرگذارتر از اولی است.

مثلاً وقتی قرآن سخن از ام‌القری بودن مکه و این خانه می‌گوید، این را به تصویر کشیدن و از ابتدای پیدایش خشکی در این نقطه از زمین و سپس ساخته شدن کعبه و مراحل توسعه آن را برای مردم با زبان تصویر سخن گفتن، مطمئناً تأثیرش در مردم بسیار زیاد خواهد بود.

چگونه مکه ام‌القری شده، چه برکاتی برای مردم داشته، چه دعاهایی اینجا مستجاب شده، چه کسانی برکات فردی برده‌اند؟ همه اینها پرجاذبه است و مهمترین برکات این خانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام از کنار این خانه است که به نظر من تمامی اینها را می‌توان به تصویر کشید و با زبان هنر این تاریخ درخشان را و این برکات را برای مردم بیان کرد.

ساخت فیلم‌های کوتاه و بلند در زمینه تاریخ اسلام، شناخت اماکن، حج‌گزاری عارفان و صالحان از کارهای دیگری است که هنرمندان متعهد ما در صداوسیما می‌توانند انجام دهند.

مثلاً همین حدیث شبلی را که دارای مضامین بلند عرفانی است، به تصویر کشیدن، تأثیر زیادی در زائر ایجاد می‌کند و به او می‌فهماند که از همان ابتدا با چه معرفتی سفر را آغاز و در طول حج چگونه عمل کند. گرچه انتساب این حدیث به امام سجاد علیه السلام روشن نیست بلکه به نظر می‌رسد که مربوط به برخی از عرفا باشد، لیکن مضامین آن بسیار جالب و آموزنده است.

تاریخ مسجد مباحله را به تصویر کشیدن و از آن فیلم ساختن نیز از کارهایی است که جاذبه زیادی برای مردم دارد. به هر حال، در یک جمله باید گفت تهیه تاریخ مستند و تصویری حج و تفسیر تصویری منافع و برکات حج، از کارهای مهمی است که صداوسیما توان به تصویر کشیدن را دارد.



ص: ۱۵۶

: در روزهای اخیر ملک فهد از دار دنیا رفته و آقای امیر عبدالله رسماً پادشاهی این کشور را به عهده گرفته است. آینده روابط دو کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا این تغییرات در حج‌گزاری و مراسم حج تأثیر خواهد داشت؟

آقای ری شهری: فکر می‌کنم با توجه به دیدگاه‌هایی که آقای امیر عبدالله نسبت به روابط با جمهوری اسلامی ایران دارد، روابط دو کشور تقویت خواهد شد و امیدوارم این تقویت روابط، در هر چه بهتر برگزار شدن حج سال آینده و سال‌های بعد مفید باشد و خصوصاً در حل مشکلاتی که زائران عزیز دارند، تسهیلاتی ایجاد شود.

: اخیراً سخن از احداث شهرک‌های آموزشی برای حجاج و زائران است.

حضرت عالی این اقدام را تا چه حد مفید و ضروری می‌دانید و چه پیش‌بینی‌هایی را برای این شهرک‌ها در نظر گرفته‌اید؟  
آقای ری شهری: به نظر من این کار، ضروری و بسیار لازم است و خوب بود که پیش از این انجام می‌شد. ما هم‌اکنون چه در تهران و چه در استان‌ها و شهرهای بزرگ، مکان مناسبی برای آموزش حجاج و معتمرین و زائران نداریم و با استقبال که مردم از حج و عمره دارند، اگر جای مناسبی برای آموزش زائران داشته باشیم، قطعاً در روش و منش آنها و بهره‌گیری هر چه بهتر از مناسک حج و عمره و کاستی از ناهنجاری‌ها بسیار تأثیرگذار است.

امیدواریم ان شاء الله در تهران و بعضی از استان‌ها که پیش‌بینی لازم صورت گرفته به زودی این امر محقق شود و در آینده نیز حداقل در مراکز استان‌ها این مجموعه‌های آموزشی تأسیس و مورد استفاده مردم قرار گیرد.

: سال آینده محور تبلیغاتی حج چیست؟ و زائران از هم‌اکنون برای آمادگی جهت تحقق این محور تبلیغی، چه باید بکنند؟

آقای ری شهری: موضوع ترابط قرآن و سنت و یا «پیوند و ارتباط متقابل قرآن و سنت» را به عنوان محور فرهنگی و تبلیغی حج سال ۸۴ برگزیده‌ایم که مسأله بسیار مهم در جهان اسلام است. این سؤال در جوامع اسلامی مطرح بوده و هست که آیا در حوزه معرفت

ص: ۱۵۷

دینی، قرآن تنها کافی است یا آن که به سنت هم نیازمندیم؟

گروهی از مسلمانان معتقدند که: «حَسْبُنَا كِتَابَ اللَّهِ» قرآن تنها کافی است و نیازی به سنت نداریم. در برابر این گروه اخباری‌ها هستند که معتقدند قرآن قابل فهم برای ما نیست و ما فقط باید از سنت بهره بگیریم! بنابراین، «ترابط قرآن و سنت» موضوع بسیار مهمی است که چه خوب است بررسی آن از کنار خانه خدا آغاز شود.

بنده در مقدمه کتاب دانشنامه میزان الحکمه ذکر کرده‌ام که چهار نظریه هم‌اکنون در این رابطه وجود دارد:

۱. نیاز نداشتن به سنت و کافی بودن قرآن

۲. کافی بودن سنت و عدم نیاز به مراجعه به قرآن

۳. کافی بودن قرآن و نیاز به سنت در موارد خاص

۴. تفصیل میان مراتب فهم قرآن

و گزینه چهارم چیزی است که ما مطرح کرده‌ایم؛ به این معنی که شناخت قرآن مراتبی دارد. ما در برخی از مراتب مربوط به فهم قرآن نیاز به سنت نداریم و می‌توانیم با مراجعه به لغت، قرآن را با قرآن تفسیر کنیم و معنای آیه را بدون مراجعه به سنت بفهمیم، امّا اگر بخواهیم به عمق معانی قرآن و نیز اشارات و لطایف و حقایق قرآنی پی ببریم، حتماً نیاز به سنت داریم و رسیدن به این حقایق جز با بهره‌گیری از سنت میسر نیست.

امید است محققان و عالمان و اندیشمندان در رابطه با این موضوع مهم، بیشتر کار کنند و ما هم بتوانیم در حج آینده با محور قرار دادن آن در روشنگری افکار و اذهان مسلمانان گام‌های مؤثری برداریم.

: جناب آقای ری شهری، از این که در این گفتگو شرکت فرمودید، صمیمانه سپاسگزاریم و از خداوند متعال سلامتی و موفقیت روزافزون شما را در خدمت هر چه بیشتر به زائران بیت الله الحرام مسألت داریم.



ص: ۱۵۹

**خاطرات**

ص: ۱۶۰

## سفر حج مرحوم آیت‌الله محمد یزدی اصفهانی

حسین یزدی

مطالبی که در پیش روی شماست، گزارش سفر حجی است که گروهی از اهالی اصفهان، همراه عالم ربّانی، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد یزدی اصفهانی، در سال ۱۳۲۲ ه. ش. / ۱۳۶۲ ه. ق. مشرف شده‌اند؛ سالی که یکی از حجاج ایرانی به نام ابوطالب، از اهالی اردکان یزد، به دست وهابیان در مکه معظمه - بلد امن - وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (۱) به شهادت رسید.

این گزارش، به نقل از آن عالم وارسته و ربّانی است.

همراه با گروهی از اهالی اصفهان، به عزم حج گزار و زیارت حرمین شریفین، راهی بندر بوشهر شدیم و از آنجا به وسیله یک کشتی ۷۰ نفری، به طرف کویت راه افتادیم. کشتی از نوع بَلَم بود و به وسیله پرده و باد حرکت می‌کرد. مقداری از مسیر را رفتیم تا به محلی از دریا، به نام خور عبد‌الله رسیدیم. امواج دریا از چهار طرف می‌آمد. ناگهان دیدیم که طوفانی شدید ایجاد شد؛ به گونه‌ای که پرده کشتی از پایین به بالا پاره شد و کشتی از حرکت ایستاد! با توجه به شدت طوفان و هجوم امواج، تعادل کشتی به هم خورد؛ به طوری که در تلاطم افتاد و به راست و چپ می‌غلتید و از هر طرف آب و ماهی به درون کشتی می‌آمد.

ص: ۱۶۱

خدمه و کارکنان کشتی، آب‌ها را بیرون می‌ریختند. هر لحظه بر وحشت و اضطراب مسافران و ساکنان کشتی افزوده می‌شد، تا آنجا که فریادها به استغاثه و یاری بلند شد، صدای ضجّه و شیون به آسمان رفت. حتی برخی می‌گفتند: کاش نیامده بودیم! مناظری عجیب در کشتی پدید آمد. یکی از مسافران ترک زبان، فرزند خود را در آغوش گرفت و داشت با وی وداع می‌کرد ... و من (مرحوم آیت‌الله یزدی) که نمی‌توانستم بنشینم، سر بر سجده گذارده و در آن حال، نماز حضرت زهرا علیها السلام را خواندم و بعد از نماز به حضرت مهدی - صلوات الله علیه - متوسّل شده و استغاثه به آن جناب نمودم. خطاب به آن حضرت گفتم: ای حجت خدا، اگر ما غرق شویم مسأله‌ای نیست. عمری از ما گذشته و تسلیم مرگیم. تو می‌دانی که ما روحانیون و اهل علم، همواره مردم را مخاطب قرار داده، به آنان گفته‌ایم:

ای مردم شیعه، در گرفتاری‌ها، مصیبت‌ها، پیش آمدهای ناگوار، هنگام ابتلا به مرض‌های بی درمان و صعب‌العلاج و سختی‌های دوران و در مسافرت‌ها، در بیابان‌ها و در برخورد با ناملازمات، دست توسّل به ذیل عنایت آقا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بزنید و بدانید که حتماً آن حجت خدا فریادرس شما خواهد بود.

اکنون ما، در این طوفان، اگر غرق شویم و از میان برویم. مردم خواهند گفت که عالمان همواره به ما می‌گفتند که در شداید و گرفتاری‌ها به امام عصر (عج) توسّل بجوئید که آقا شما را نجات می‌دهد. اکنون چرا خودشان توسّل نجستند و از حضرت نخواستند که ما را نجات دهند؟! در پاسخ این پرسش چه جوابی خواهید داد، ای حجت خدا؟!!

وقتی مناجات و حرف‌هایم را با امام زمان - علیه آلاف التحية والثناء - در میان گذاردم، دیدم که از شدت طوفان کاسته شد و دریا آرام گرفت. اضطراب و وحشت مسافران کشتی کمتر شد و آرامش به کشتی بازگشت. خدمه کشتی چادر کشتی را دوختند و کشتی به حرکت خود ادامه داد و ما به یاری خداوند، در سلامت به کویت رسیدیم.

در کویت، به انتظار وسیله نقلیه بودیم که هر لحظه بر مسافران عازم بیت‌الله الحرام افزوده می‌شد و از سوی دیگر وسیله نقلیه به قدر کافی وجود نداشت. برخی ناگزیر از ماشین‌های باری، که برای حمل مصالح ساختمانی؛ مانند گچ و آجر به کار گرفته می‌شد، استفاده می‌کردند. ساعت به ساعت بر کرایه‌ها افزوده می‌شد.

ص: ۱۶۲

سرانجام ما نیز ماشینی را اجاره کرده، از دروازه شهر کویت، به طرف عربستان حرکت کردیم. در راهی که نه آسفالت بود و نه جاژه معینی داشت و شن‌زاری بیش نبود، مقداری از مسافت را طی کردیم. ناگهان ماشین از حرکت ایستاد. افراد خبره مقداری بررسی کردند اما نتوانستند به آن سامان دهند و به راه بیندازند. در نتیجه، در آن بیابان ماندگار شدیم!

ماشینهای دیگری نیز در این مسیر از حرکت می‌ایستادند و دچار نقص فنی می‌شدند. اما خوشبختانه نزدیک این منطقه بی‌آب و علف، یک آبادی وجود داشت به نام «مُراد» که قلعه آن به خوبی نمایان بود. مردمانی در آنجا زندگی می‌کردند. در میان آنان روحانی و عالمی بود که ریش بلندی داشت. تمام امور مردم به دست او اداره می‌شد و مردم به امامت او نماز می‌گزاردند.

به دیدن او رفته، پس از سلام و احوال‌پرسی، مشکل خود را برایش شرح دادیم و کم‌کم طرح دوستی و رفاقت با او ریخته شد ...

پیوسته آیه شریفه وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱)

را زمزمه می‌کردم؛ زیرا ما نخستین گروهی بودیم که به این مکان رسیدیم و همچنان در انتظار وسیله‌ایم که ما را به مکه معظمه برساند.

عالم آبادی مراد به ما قول داد که با رسیدن وسیله، شما را در اولویت قرار خواهیم داد ...

سرانجام ماشینی بسیار مجهز رسید که حامل ریال‌های سعودی بود که از مکه به مقصد ریاض می‌رفت. شیخ به آنان پیشنهاد کرد که پول‌ها را به او دهند و ابتدا حجاج را به مکه برسانند و سپس بازگشته، پول‌ها را به ریاض ببرند.

آنان گفتند: ما اجازه چنین کاری را نداریم.

شیخ تلگرافی به مقامات سعودی زد و از آنان اجازه تحویل پول‌ها را گرفت و مسؤولان ماشین پول‌ها را شبانه تحویل شیخ دادند و تصمیم گرفتند اول صبح زائران خانه خدا سوار کرده، حرکت خود را آغاز کنند.

حجاج که منتظر بودند، به مجرد آماده شدن ماشین، هجوم آورده، داخل ماشین شدند و ماشین پر از جمعیت شد و جایی برای ما نماند! نزد شیخ رفته، ماجرای خواندن آیه شریفه:

وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۲)

را مطرح کردم و به او گفتم، ماشین از افراد متفرقه پر شد و جای خالی برای ما نماند.

۱- واقعه: ۱۰ و ۱۱

۲- واقعه: ۱۰ و ۱۱

ص: ۱۶۳

شیخ بی‌درنگ به سوی ماشین آمد و با چوب خیزرانی که در دست داشت سرنشینان را پیاده کرد و دستور داد ماشین را به درون قلعه بردند و در قلعه را بستند و به ما (آیت‌الله یزدی و جمعیت همراه) گفت: از سمت دیگر قلعه به درون قلعه بیایید و سوار شوید و ما از آن در آمده سوار ماشین شدیم و به طرف مکه معظمه راه افتادیم. شب هفتم یا هشتم ذی‌حجه الحرام از مسیر ریاض وارد مکه شدیم و توفیق انجام اعمال عمره و حج را یافتیم.

اما جریان و داستان ابوطالب یزدی

در این سال (۱۳۲۲ ش.) و در این سفر بود که ماجرای تلخ ابوطالب یزدی رخ داد. ماجرا چنین بود که در حین طواف کعبه، از شدت گرما و فشار جمعیت، حالت تهوع (وقی کردن) به ابوطالب یزدی اردکانی دست می‌دهد و او به ناچار دامن لباس احرامش را بالا می‌گیرد و در آن استفراغ می‌کند تا مسجدالحرام ملوث و آلوده نشود. گروهی از اهل سنت متعصب مصری، نزد قاضی رفته و شهادت می‌دهند این شخص (ابوطالب) تصمیم داشت خانه خدا و کعبه معظمه را ملوث و نجس کند!

قاضی، بدون تحقیق و بررسی در کیفیت واقعه، حکم اعدام این مسلمان مظلوم و زائر خانه خدا را صادر می‌کند و بی‌درنگ حکم اعدام در مقابل مسجدالحرام به اجرا در می‌آید.

ماجرا از سوی مقامات کشور ایران پی‌گیری شده، پس از تحقیق و بررسی، معلوم می‌شود که قضیه عمدی نبوده و هیچ‌گونه تصمیمی جهت تنجیس مسجدالحرام در کار نبوده است. و مرحوم ابوطالب یزدی صد در صد بی‌گناه بوده و شهادت شاهدان و گواهان، بی‌اساس و از روی غرض بوده است.

و این سرگذشت تلخ زائری است که میهمان خدا بود و از ضیوف الرحمان. با این که قرآن کریم می‌فرماید: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (۱)**

که حق تعالی کلیه مسلمین جهان را نسبت به یکدیگر برادر خوانده است و در جای دیگر می‌فرماید: **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (۲)**

اکنون جا دارد به مناسبت این واقعه و رخداد تلخ، که شهادت و گواهی ناحق موجب شد خون مسلمان و زائری در سرزمین امن خدا ریخته شود، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شود:

۱- حجرات: ۱۰

۲- فتح: ۲۹



ص: ۱۶۴

ابن ابی عمیر از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«شَاهِدُ الزُّورِ لَا تَزَالُ قَدَمَاهُ حَتَّى تَجِبَ لَهُ النَّارُ»؛ «آن که شهادت بر دروغ دهد سرانجام گام‌هایش به سوی آتش کشیده خواهد شد.»  
(۱) و نیز مرحوم صدوق (محمد بن علی بن الحسین) در کتاب «عقاب الأعمال» از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن

حضرت فرمود:

«وَمَنْ شَهِدَ شَهَادَةً زُورًا عَلَى رَجُلٍ مُسْلِمٍ أَوْ ذِمِّيٍّ أَوْ مَنْ كَانَ مِنَ النَّاسِ عُلِقَ بِلِسَانِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» (۲) «هر آن که به ناحق و دروغ بر ضد مسلمانان و یا بر ضد یکی از اهل کتاب (یهودی، مسیحی و زردشتی) گواهی دهد و یا شهادت ناحق بر ضد کسی دهد که از هیچ کدام از گروه‌ها نیست، او را در روز قیامت به زبانش آویزان کنند و جایگاهش در

جهنم با منافقین، یعنی در قعر جهنم خواهد بود.»

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۲۸ ربیع الاول ۱۴۲۶ / مطابق با ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۴

پی‌نوشت‌ها

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۳۶، ح ۱

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۲۵

ص: ۱۶۵

## گزارش سفر اولیا چلبی به مریمین شریفین

در سال ۱۰۸۱

مقدمه و ترجمه از: رسول جعفریان

مقدمه

سیاحت‌نامه اولیا چلبی، مهم‌ترین و مفصل‌ترین سفرنامه‌ای است که در دوره عثمانی، در نیمه دوم قرن یازدهم هجری نوشته شده و در بر دارنده خاطرات سفر نویسنده از سرزمین‌های وسیعی است که آن زمان در اختیار دولت عثمانی و گاه خارج از سلطه آن دولت بوده است.

این اثر ارزشمند، بارها به ترکی عثمانی و لاتین چاپ گردیده (۱) و در دوران ما هم، از سوی انتشارات *yky* (انتشارات بانک یاپوکردی)، در دست نشر می‌باشد که تاکنون هشت مجلد آن از چاپ خارج شده است.

بخش کوتاهی از این سفرنامه، که مربوط به تبریز و شهرهای اطراف آن است و مربوط به

سال ۱۰۵۰ می‌باشد، توسط مرحوم حاج حسین نخجوانی ترجمه و به فارسی منتشر شده است (تبریز، ۱۳۳۸ ش، ۴۱ صص.). و ما تا آنجا که می‌دانیم، اطلاع و متن بیشتری از این دایرة المعارف شگفت، که به نوعی می‌توان آن را با «سفرنامه شاردن» مقایسه کرد، در فارسی ارائه نکرده‌اند. مطالعه همان بخش، که مربوط به شهرهای مختلف آذربایجان؛ از جمله مراغه، تبریز و ... است، نشان می‌دهد که این اثر تا چه اندازه اهمیت دارد.

در اینجا ابتدا اشاره‌ای به زندگی وی کرده،

۱- برای نسخه‌های خطی و چاپی آن نک: مجله‌الداره، سال ۲۷، ش ۳، صص ۷۰-۶۸

ص: ۱۶۶

سپس به پژوهش در باره او می‌پردازیم و در آخر گزارشی فشرده از سفر وی به مدینه و مکه ارائه خواهیم کرد. در مقدمه، از منابع گوناگون، به‌ویژه برخی از سایت‌های ترکی استفاده کرده‌ایم، اما گزارش سفرنامه، از ترجمه عربی بخش حجاز آن است که با عنوان «الرحله الحجازیه» به‌وسیله استاد دکتر الصفصافی احمد المرسی، از ترکی به عربی در آمده است؛ (چاپ دارالآفاق العربیه، قاهره، ۱۹۹۹).

وی حواشی سودمندی بر کتاب زده، اما به نظر می‌رسد متن آن دقت لازم را ندارد.

اولیا چلبی (۱۰۲۰-۱۰۹۴) در دهم محرم سال ۱۰۲۰ هجری در اونقپانی در شهر استانبول به دنیا آمد. همانجا به مدرسه رفت و خط، تذهیب و نقاشی را از پدرش درویش محمد ظلی، فرا گرفت. پدر او جواهرچی قصر بود و از این جهت فردی محترم به شمار می‌آمد. نیای اعلای ایشان به احمد یسوی، صوفی مشهور می‌رسد. عنوان درویش برای پدر او هم نشان آن است که همچنان علایق تصوّف در آنان باقی مانده است. با این حال، خاندان او، چهره‌های برجسته‌ای در دولت عثمانی بودند و طبعاً این وضعیت روی سرنوشت اولیا چلبی هم مؤثر بوده است.

افندی علاوه بر دروس مدرسی، قرآن را حفظ کرد و به همین جهت لقب حافظ به دادند.

در سال ۱۰۴۵، در شب قدر، در مسجد ایاصوفیه، در حضور سلطان مراد عثمانی قرآن خواند که مورد تشویق وی قرار گرفت. سلطان از او خواست تا مصاحبش باشد؛ یعنی در مجموعه دربار قرار گرفت.

چلبی، افزون بر دروس رسمی، مطالعاتی در موسیقی و شعر نیز داشت و پس از آن که مورد تشویق سلطان قرار گرفت، برای تحصیل به اندرون کاخ عثمانی رفت. در آنجا با عربی و فارسی آشنا شد. بخشی از گلستان سعدی و مثنوی ملای رومی را حفظ کرد که گاه به عبارات آنها هم در سیاحتنامه خود استناد می‌کند. زمانی که وی در اندرون بود، بیست سال داشت و مطالب زیادی فرا گرفته، اشعار و قصاید فراوانی در حفظ داشت. این دوره چهار سال طول کشید.

با حمایت دایی‌اش، ملک احمد پاشا، که از مقربان سلطان مراد بود، در درون دربار

ص: ۱۶۷

شغلی به دست آورد. در واقع خود وی خواست تا به سپاه بیوندد و سلطان هم با او موافقت کرد.

به نظر می‌رسد که اولیا از همان زمان سیاحت را دوست می‌داشت و به دلیل آن که از پدر و دوستان پدرش مطالبی در باره بلاد مختلف شنیده بود، هوس سیاحت در سر داشت. در واقع، پدر وی که به کارهای هنری در صفحات برنجی مشغول بود، خودش در جنگ زیگت‌وار شرکت کرده بود و اولیا، داستان زندگی دوستان پدرش را از زبان آنان، که با پدرش رفت و آمد داشتند، می‌شنید. شنیدن این داستان‌ها، هوس سیاحت را در او تقویت می‌کرد. وی بیست ساله بود که سفرش را از استانبول آغاز کرد و هر آنچه را که در آنجا دیده بود، ثبت کرد.

او شبی پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید. وقتی خواست دست آن حضرت را ببوسد، رفت تا بگوید «شفاعت» یا رسول الله، از لرزش گفت: «سیاحت» یا رسول الله. پس از آن که خوابش را برای برخی از معبران گفت، آنان تأکید کردند که او اهل سیاحت خواهد شد.

وی کارش را با این داستان آغاز کرد. این نکته‌ای است که خود او در سیاحتنامه‌اش آورده، گرچه قدری متفاوت با این حکایت است.

اولیا در سال ۱۰۵۰ / ۱۶۴۰، پس از گردش و دیدار از استانبول و نگارش آنچه در این گردش به دست آورده بود، به بورسا و طرابوزان رفت و در کریمه، نزد بهادرخان گرای رفت.

سپس همراه برجستگانی از دولت، به نقاط مختلفی سفر کرد. در جریان جنگ‌ها، نامه رسان میان پاشاهان بود و کار برید و الاغ می‌کرد. سفر او به ایران هم در همین چهارچوب بود که طی آن، آگاهی‌های دقیقی را از آذربایجان و شهرهای مختلف آن ثبت کرد.

در سال ۱۶۴۵، در جریان جنگی که منجر به تصرف «یانیا» شد، در خدمت یوسف پاشا بود؛ چنان که در سال ۱۶۴۶ در ارزروم حسابدار دفتر محمدپاشا بود. از آنجا به آذربایجان و گرجستان رفت.

در سال ۱۶۴۸ از استانبول با مصطفی پاشا به شام رفت و سه سال در آنجا ماند و سپس بازگشت. بعد از سال ۱۶۵۱ سفر خود را به بخش اروپایی تحت سلطه عثمانی آغاز کرد و مدتها در صوفیه ماند.

میان سال‌های ۱۶۶۷-۱۶۷۸ در اطریش، آلبانی، تسلیا، کاندیه، گومولجینه (از بلغارستان) و سلانیک بود.

ص: ۱۶۸

اولیا چلبی تمامی آناتولی، خاورمیانه، قفقاز، سودان، صحرای عرب تا شمال حبشه، روم اروپایی، آلبانی، رومانی، مجارستان، وین، آلمان، هلند، بوسنی و هرزگوین، دالماسیا، جنوب روسیه و تمامی مناطق عرب را گشت و آنچه را دید، نوشت. وی در سال ۱۶۸۲ در استانبول درگذشت. امروزه کسی از محل دفن او آگاهی ندارد.

سیاحتنامه وی، حاصل این اسفار و بزرگترین مجموعه سفرنامه‌ای ترکی است که تاکنون همه یا بخش‌هایی از آن به ده زبان برگردان شده است.

مهم‌ترین نسخه خطی برجای مانده از او، در چهار جلد، در موزه توپقاپی سرای، در قسمت «روان» به شماره ۱۴۵۷ نگهداری می‌شود. یک نسخه هم به خط مؤلف وجود دارد (و پذیرفته شده که از خود چلبی است) و آن در توپقاپی سرای به شماره ۳۰۴، در قسمت «بغداد» نگهداری می‌شود. پایان نامه‌ای در سال ۱۹۹۴ در باره این نسخه از سفرنامه، نوشته شده است.

پژوهش بسیاری در باره سیاحتنامه اولیا چلبی در زبان‌های مختلف به ویژه توسط اروپایی‌ها نوشته شده است. سمیناری هم در هشتم نوامبر ۲۰۰۱ در دانشگاه مدیترانه شرقی، در باره این کتاب برگزار شد که نشانی اینترنتی آن سمینار چنین است: [www.emu.ed.tr](http://www.emu.ed.tr) [ed.tr] عناوین مقالات ارائه شده در این سمینار عبارت است از:

بازارهای آناتولی، ساختار سربازی در قرن هفدهم در کریمه، اولیا چلبی یک مورخ جنگ، منابع و محتوای سیاحتنامه، جزیره رودوس؛ سیاحتنامه به زبان گفتاری نه نوشتاری، یک کلیسای یهودی استانبول از نگاه چلبی، نام‌های اماکن در باکو در سیاحتنامه، جلالیان و اوباشان در آناتولی در سیاحتنامه، بخش‌های منظوم سیاحتنامه، سلطان حسین بایقرا در سیاحتنامه، نان در مجلدات اول تا پنجم سیاحتنامه در آناتولی، حمام‌نامه در سیاحتنامه، راه‌های حج و حج‌گزاری در سیاحتنامه، دفاتر سجلی در سیاحتنامه از شهرهای آناتولی، وصف قیافه‌های اروپایی در سیاحتنامه، واژه اوغوز (ترک‌های اولیه) در سیاحتنامه، چلبی یک استاد اسلوب و طرح، یک معجم ترکی در سیاحتنامه و تصویر دربند آذربایجان در سیاحتنامه.

اینها عناوین برگزیده‌ای بود از این سمینار بین‌المللی، که می‌تواند تصویری از آنچه در این کتاب مهم و مفصل وجود دارد، به ما ارائه کند.

ص: ۱۶۹

علاوه بر این، کارهای پژوهشی دیگری نیز در باره این سیاحتنامه انجام شده است. برای نمونه، دکتر سامی بایبال، در دانشکده الهیات سلجوق، تحقیقی با عنوان «اوضاع اجانب (غیر مسلمانان) ساکن آنا تولی در سیاحتنامه چلبی» نوشته است. اکنون مهم‌ترین پرسش این است که آیا آنچه را که وی نوشته، بر اساس واقعیت است یا خیر. به سخن دیگر، آیا وی خیال‌پردازی کرده یا واقعیت‌ها را نوشته است؟

باید توجه داشت که وی در اواخر دوره توقف عثمانی در فتوحات زندگی می‌کرده است؛ زمانی که کوپریلی‌ها صدر اعظم بودند و سلطان چندان توان تصمیم‌گیری نداشت. این زمان، دوران سلطان مراد بود که بیشتر سرگرم مسائل داخلی بود و جبهه اروپایی هم ساکت شده بود. در بخش آنا تولی، عصیان جلالی‌ها وجود داشت و خود استانبول نیز گهگاه از سوی ینی‌چری یا برجستگان دربار عثمانی (سارای) تهدید می‌شد. این روزگاری است که چلبی گردش کرده و می‌بایست نوشته‌های او را با توجه به این اوضاع، مورد بررسی قرار داد. اگر چلبی در نقل برخی از مطالب، خیال‌پردازی و یا بزرگ‌نمایی کرده، باید توجه داشت که همین دوره توقف، روی او تأثیر گذاشته است.

علاقه شخصی چلبی چنان بود که در باره هر چیز، به دنبال دانش بی‌اندازه بود و تا آخر کار می‌رفت و حتی به خیال‌بافی هم می‌افتاد. وی مطیع فرهنگ خودی بود و در باره فرهنگش اعتماد به نفس کافی داشت و با همین اعتماد بود که نزد اجانب و خارجی‌ها می‌رفت و کارهای آنان را ثبت می‌کرد و در ضمن موضع مسلط خود را داشت. وی به کلیساها می‌رفت و متون مسیحیان را رونویسی می‌کرد. حتی در خانه‌اش برای آن دسته افراد، شراب و مخدرات آماده می‌کرد و دوستی‌اش را با آنان دوام می‌بخشید. وی برای این‌گونه برخوردها که با آن دسته از افراد داشت، باید تحمّل زیادی می‌کرد. اخبار غیبی، رؤیاهای شگفت، ستایش از خود یا نقل عجایب و غرایب را برای آن نوشته است تا خواننده را به خود جلب کند. طنز در این کتاب جایگاه بالایی دارد و روح کتاب بر این اساس است.

به هر حال، همین مسائل سبب شده است که در باره ارزش این کتاب به عنوان یک منبع، فراوان بحث شود و نکته دیگری که باید بدان توجه داشت این است که ادبیات آن کتاب، ادبیات نوشتاری نیست، بلکه حالت گفتاری دارد. نخستین بار یک ربع قرن بعد از وی بود که هامر مورخ، او را کشف کرد و تا امروز نام

ص: ۱۷۰

وی در جهان باقی است؛ زیرا قلم او سرشار از زندگی و حیات بود و آنجا که توضیح بیشتر می‌داد، از سر همین احساس او به زندگی بود و با نیت خوب انجام می‌داد. در لابلای مطالب، گاه به طنزگویی افتاده و گهگاه کلمات ترکی را با لهجه ترکی بیان کرده که خود زبان آن اثر را شیرین کرده است.

چلبی، مانند شعرا از زبان دشوار استفاده نکرده، بلکه مطالبش را به همان زبان عامیانه نوشته است. در این سیاحتنامه، معلومات فراوانی در تاریخ و جغرافیا می‌توان به دست آورد، اما مهم‌ترین چیز، بیان ذهنیت آن روز عثمانی، به خصوص نسبت به کشورهای خارجی است که به‌طور کامل برای ما تصویر کرده است. وی به درون مدارس رفته و به وصف آنها پرداخته است. از علما به گونه‌ای سخن می‌گوید، که اکنون ما می‌توانیم سطح علمای و مدارس آنان را دریابیم.

کتاب اولیا چلبی، در میان ترکها، به جد جا افتاده و به آن استناد می‌شود؛ مثلاً مردم شهر بدلیس به استناد سخن اولیا چلبی که می‌گوید «کتاب بوریان از بدلیس است»، چنین ادعا می‌کنند که بنا به گفته چلبی، این کتاب متعلق به ما بوده است. همین‌طور اقوامی مانند علویان، بوسنیایی‌ها، کردها و ... وجود و وضعیت و ویژگی‌های تاریخی‌شان را در آن دوره، با استناد به این کتاب بیان می‌کنند و نام بسیاری از مدارس را از روی این کتاب می‌شناسند.

حیاتی دوله، دانشمند لغت شناس ترک، مقاله‌ای مفصل در باره سیاحتنامه نگاشته است که به وسیله مؤسسه زبان ترکی در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان «ترکی میانه عثمانی (قرن هفدهم)، ترکی اوغوزی غربی از دید سیاحتنامه چلبی» چاپ شده است.

کارهای جزئی‌تری هم روی سیاحتنامه شده است؛ «زندگی و استانبول در سیاحتنامه اولیا چلبی»، «ترکهای بلغارستان در سیاحتنامه» و «تاریخ بوسنی و هرزگوین و سیاحتنامه اولیا چلبی» از جمله آن تحقیقات است.

اطلاعاتی در سیاحتنامه هست که در هیچ منبع دیگری موجود نیست و همین امر، ضمن این که ارزش منبعی به این کتاب می‌دهد، عاملی برای تردید در برخی از مطالب آن نیز هست؛ مثلاً آگاهی‌هایی در باره دده سلطان، از رهبران بکتاشیه آورده است که علویان ترکیه، تنها با استناد به این کتاب از وجود او خبر دارند.

سیاحتنامه اولیا چلبی به کارهای داستانی برای بچه‌ها و حتی فیلم‌های کارتنی در تلویزیون

ص: ۱۷۱

نیز راه یافته است. شگفتی‌های موجود در این سیاحتنامه، مانند وصف او از سردی هوا در این که گربه از دیوار پرید و در وسط هوا یخ زد، نشانگر وجود فضای خیال پردازانه در این اثر است.

به هر حال، این اثر منبع آثار تاریخی فراوانی است و بر آن اعتماد زیادی شده است.

و آخرین نکته آن که، در ترکی، کسی را که زیاد سفر می‌کند، به اولیا چلبی تشبیه می‌کنند.

اما فهرست کلی کتاب سفرنامه:

مجلد نخست، در باره استانبول، تاریخچه و فتح و توسعه و اقدامات بایزید دوم و چهره‌های برجسته دوران سلطان سلیمان قانونی و وقایع روزگار سلیم دوم و محمد سوم تا دوران محمد چهارم (۱۱۰۴ هجری).

مجلد دوم، شرح سفر وی به بورسا است که از سال ۱۰۵۰ آغاز کرده و وصف دقیقی از اماکن تاریخی آنجا به دست داده است. سپس بازگشت به استانبول و سفر به بلاد شرقی؛ از جمله برخی از شهرهای ایران، آنگاه به گرجستان و تفلیس و در نهایت منازل میان استانبول تا شام، زمانی که به سال ۱۰۵۸ به شام رفته است.

مجلد سوم، سفر از شام به صیدا و وصف دقیق تمامی مناطق طول راه است؛ وصف شهرهای فلسطین و بازگشت به شام. از آنجا به رها و سپس دیاربکر و برخی دیگر از شهرهای شرق ترکیه می‌رود. او در جلد، او از وضعیت دولت عثمانی در روزگار سلطان محمد چهارم به تفصیل سخن گفته است. پس از آن، از سفرش به بالکان (در سال ۱۰۶۲) و وصف شهرهای آن نواحی و سرانجام بازگشت به استانبول (در سال ۱۰۶۳) و رفتنش به وان (در سال ۱۰۶۵)، در شرق ترکیه می‌نویسد.

مجلد چهارم، گزارش سفرش به وان و از آنجا به ایران و کردستان است و آنگاه شهرهای مختلف این ناحیه و نیز وضعیت زندگی مردم را توصیف می‌کند. از خوراک، پوشاک و ... تا بازگشتش به استانبول نیز می‌نویسد.

مجلد پنجم، در ادامه سفر به وان و بدلیس، تا بازگشت به استانبول، در سال ۱۰۶۶ و سپس سفر به حدود روسیه و بیان مسائلی است که در این سفر رخ داده است. پس از آن، سفر به بغداد یا جبل اسود، در سال ۱۰۷۰ و شرح چرایی شورش افلاق بر ضد عثمانی و نیز شرح وضعیت بوسنی و هرزگوین و قلعه‌های موجود در آن نواحی است.



ص: ۱۷۲

مجلد ششم، در باره سفرش به مجارستان و آلمان و سوئد و دیگر بلاد اروپایی (در سال ۱۰۷۰) است. وی شرح حال تفصیلی افرادی را که در این سفر با او بوده‌اند آورده است. در این بخش، وی وصف دقیقی از نواحی مختلف مجارستان دارد. مجلد هفتم، ادامه سفر اروپایی اوست، که شرحی از جزیره بلاتین بر حسب اطلاعاتی که از منابع اروپایی گرفته، به دست داده است. پس از آن، شرحی از جنگ میان سپاه عثمانی با سپاه کفر در نزدیکی رودخانه رابه و دیگر نبردها آورده است. در این بخش نیز گزارش مفصلی از وضعیت شهرهای طول مسیر ارائه کرده، آنگاه به بحث در مورد داغستان و بخارا و خراسان ایران پرداخته و شهرهایی را که در مسیر بازگشت او به استانبول (در سال ۱۰۷۷) بوده، وصف کرده است.

مجلد هشتم، در شرح سفرش با خان کریمه است؛ سپس از رفتنش به ادرنه می‌نویسد و آنگاه بحث از رومانی و در نهایت سفرش (در سال ۱۰۷۸) به آلبانی و دیگر بلاد اروپایی است. او در این جا باز هم از بازگشت خود به استانبول سخن گفته و از آنجا عازم مناطق آناتولی شده است. در همین بخش است که او از سفر حجش در سال ۱۰۸۱ یاد کرده، هرچند تفصیل مطلب را در مجلد نهم آورده است.

مجلد نهم و دهم، گزارش تفصیلی سفر وی به حجاز و سپس مصر و سودان است. (۱)

۱- نک: مجله الداره، سال ۲۷، ش ۳، ۱۴۲۲ ق. مقاله سهیل صابان با عنوان: «اولیا چلبی و رحلته إلى الحجاز فی اواخر القرن الحادی عشر الهجری»، صص ۹۲-۶۳

ص: ۱۷۳

## سفرنامه حج چلبی

اولیا چلبی با اجازه پدرش و نیز جسارت خود، به همراه سه دوست و هشت غلام از محرم سال ۱۰۸۱ تا سال ۱۰۸۲ به سفر حج رفته و این سفر در شصت سالگی وی بوده است.

چلبی شرحی از چگونگی حرکت محمل استانبول و آداب و رسوم خاص آن و نیز رخدادهای هنگام حرکت با حضور سلطان و صدر اعظم و شیخ الاسلام به دست داده که خواندنی است. با این حال خود او از مسیر اصلی صرّه همایون حرکت نکرده و مسیر دیگری را که بسیار طولانی بوده، برگزیده است. او از استانبول تا ادنا، از آنجا تا مرعش، عنتاب، حلب، بیروت و سپس به قدس رفته است. پیش از پیوستن به کاروان حج، مسجد الأقصی و دیگر جاهای مقدس را زیارت کرده است. زمانی که اولیا در قدس بود، محمد چهارم که سلطان وقت عثمانی بود، به حرমوش پاشا، حاکم عثمانی در قدس مکتوبی فرستاد و به او گفت: کاروان شام حج امسال می‌بایست ده روز زودتر حرکت کند. این دستور به کاروان حج مصر نیز داده شد. اولیا که بنا داشت همراه کاروان حج مصر برود، به آن نرسید و تصمیم گرفت به همراه کاروان شام راهی مکه شود. پس از عید فطر، وی به شام رفت. او و دوستانش، از طرف حسین پاشا مورد استقبال قرار گرفتند. حسین پاشا نیازهای آنان را برای مسیر شام تا مکه از شتر و غیره تأمین کرد.

وی سفرنامه حج خود را از شام و از بیستم شوال ۱۰۸۱ آغاز کرده و همان ابتدا اشاره می‌کند که در همین روز دو هزار نفر از حجاج ایرانی به کاروان شام پیوستند و از هر حاج ایرانی پانزده سکه طلا گرفتند که یک کمک بسیار زیادی در آن وقت بود. «کاروان ما با یک جشن بسیار بزرگ از شام خارج شد، احتفالی که تاکنون مانند آن دیده نشده بود. پس از آن به مقدار یک ساعت میان باغ‌ها و بستان‌ها گذر کرده، به قصر کوچوک احمد پاشا رسید». این آغاز سفر است.

به نظر می‌رسد چلبی این راه پر خطر را تنها برای انجام فریضه حج طی نکرده است. وی به وصف منازل حج نمی‌پردازد، بلکه در توصیف همه مسیر می‌نویسد. پس از انجام سفر حج، همراه کاروان مصر به قاهره می‌رود و به این ترتیب، سفرنامه مصرش، پس از سفر حجاز او قرار دارد که در جلد نهم سیاحتنامه وی درج شده است. بعد از آن هم مدت زیادی در سودان و حبشه ماند و باقی‌مانده سیاحتنامه خود را، که در مجلد دهم آمده، در آنجا نوشت.

ص: ۱۷۴

چلبی آنچه را که در پیش چشمانش بوده و مشاهده کرده و شنیده، با بی‌طرفی نوشته است. او حتی تصوّرات خویش را نیز به قلم می‌آورد. بخش اول مطالب وی در باره حجاز، بیشتر حالت جغرافیایی دارد، اما بخش دوم آن بیشتر شبیه یک قصه و شرح حال نگاری است و خصوصیت سیاحتنامه‌ای آن بیشتر است.

وی شرح حال تعداد زیادی از چهره‌های قرن هفدهم را در اختیار ما می‌گذارد. به اعتقاد برخی، سفرنامه اولیا چلبی از مکه و مدینه، مفصل‌ترین نوشته‌ای است که در این باره از قرن هفدهم میلادی برجای مانده است. (۱) به نظر می‌رسد او هم مانند ابن بطوطه و ابن جبیر، تدوین نهایی سیاحتنامه را پس از سفر انجام داده، گرچه برخی بخش‌ها را همان لحظه نوشته است. البته نوشته‌ها همه از خود اوست، نه کس دیگر و به همین دلیل زبانی روان و مردمی دارد. در این کتاب، از هنر تصویرگری قصه‌ای استفاده شده است. وی در این وصف‌ها گاه از منابعی استفاده کرده که از برخی نام برده و از برخی دیگر نام نمی‌برد. در این باره تحقیقاتی هم صورت گرفته است. بسا در باره هر شهر، از بزرگان یا استادانی یا حتی منابع رسمی اطلاعاتی گرفته باشد. در سیاحتنامه شاهدیم که حاکمان شهر معمولاً از وی استقبال گرمی صورت گرفته و او را میزبانی کرده‌اند.

وی در سیاحتنامه خود از اشعار فارسی، ترکی و عربی استفاده کرده است. گفتنی است چلبی ادیب نبود تا زندگی نامه شخصی خود را با این ملاحظه بنویسد.

مهم‌ترین ویژگی این کتاب، ثبت عقاید عامیانه است. وی هر آنچه را از مردم در باره جایی می‌شنیده، ثبت می‌کرده است. این باور، بسا که در طول زمان به هر دلیل از میان رفته باشد. در باره سفر حج او هم، چنین است.

همان‌گونه که اشاره شد، متن حاضر یک گزارش منتخب می‌باشد، بنابراین کوتاه شده است. بخش نخست آن در باره مدینه و بخش دومش در مورد مکه خواهد بود.

رسیدن به مدینه

پس از عبور از کوه‌هایی که از شام تا مدینه امتداد داشت و لخت و عاری از اشجار و باغات بود، به وادی خازن رسیدیم که به آن وادی وداع و وادی استقبال هم گفته می‌شود.

تمام شخصیت‌های مدینه و برجستگان و مطوفین و مرشدین به استقبال موکب آمده

ص: ۱۷۵

بودند، در حالی که همگی لباس سفید به تن داشتند و صورت‌هایشان نورانی بود و به چشم‌هایشان سر مه کشیده بودند و در صدایشان رقت و شیرینی بود و نشانه‌های صحت در وجودشان آشکار. آنان هلهله می‌کشیدند و خوشحال بودند و هدایایی با خود داشتند. در آنجا دو ساعت ماندیم، آن هم در میان جمعیتی که به استقبال آمده بودند. اکنون فقط یک روز به حلول ماه ذی‌حجه مانده است. برای این‌که به عرفات برسیم که روز دهم ذی‌حجه است! (۱) اصلاً نمی‌توانم از کاروان جدا شوم و باید همراه با آن شب و روز حرکت کنم. محمل از منزل مزیرب تا اینجا هیچ توفقی که بارها را زمین بگذارند نداشته است.

مسافت میان شام و مدینه، شامل ۲۴ مرحله است که ۳۵۰ ساعت وقت می‌گیرد. این وقتی است که حرکت با شتر باشد. اما اگر راه هموارتر و آب و غذا فراهم بود، ممکن بود که این راه را با ۱۰۰ ساعت آمد، آن هم با اسب و قاطر. اما چون راه غیر از این است، قافله‌ها باید از شتر استفاده کنند. راه رفتن با شتر با راه رفتن پیاده فرقی ندارد. بنابراین، اگر سلاطین همت کرده، راه‌های ریسی و سلطانی، از شام به مدینه درست می‌کردند، شتران و چهارپایان به این مصایب که اکنون دچار شده و هلاک می‌شوند، گرفتار نمی‌آمدند و آمدن با اسب و قاطر سریعتر و در وقتی کمتر ممکن بود. خداوند متعال در شتر قوت و صبر و تحملی داده که اینچنین حرکت می‌کند، حتی در وقتی که خواب است.

قافله به سرعت حرکت کرد و ما بعد از یک ساعت، بر بالای یک بلندی رسیدیم، چشممان به باغ‌های مدینه و گنبد مسجد نبوی افتاد. وقتی جمعیت چشمشان به گنبد افتاد، در حالی که سوار بودند یا افسار شتر را داشتند، صورتشان را به طرف مدینه گردانده، می‌گفتند: «الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ». همان لحظه، همزمان، شترها و اسب‌ها و الاغ‌ها هم به صدا درآمدند و صیحه می‌کشیدند. در این هنگام، سرعت برای رسیدن به شهر بیشتر شد.

وقتی نزدیک مدینه رسیدیم، دیگر صحرا تمام شد و به زمین‌های سبز و نشان از آدمی رسیدیم. مردم مدینه از مرد و زن و کوچک و بزرگ به استقبال آمدند و کودکان در حالی که کیسه‌های خرما به حجاج عرضه می‌کردند، می‌گفتند: «حَمِيداً عَلٰی السَّلَامَةِ يَا حَاجَ زِيَارَةَ مَقْبُولَةً وَ حَجَّ مَبْرُورًا». حجاج هم به آنان پاسخ می‌دادند: «شُكْرًا لِلّٰهِ .. لَقَدْ قَدِمْنَا اِلٰى اَعْتَابِ سَيِّدِنَا وَ نَبِينَا، الَّذِي هُوَ رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ».

دختران کوچک هم سرودهای دینی می‌خواندند و حجاج را همراهی می‌کردند تا به

۱- کذا در متن عربی. روز عرفه، روز نهم ذی حجه است.

ص: ۱۷۶

دروازه شهر مدینه وارد شدند. مرحله اخیر در مدت پنج ساعت طی شد.

ریس محملِ شام، حسین پاشا بود که با عظمت و فخر وارد شهر شد؛ آن گونه که رؤسای محمل‌های پیشین؛ مانند سنان پاشا، رضوان پاشا (و) طاوشان سلیمان پاشا این چنین وارد شهر نشده بودند. در آن زمان بود که اهالی برای استقبال در اطراف خیابان‌ها ایستاده، قربانی می‌کردند. زنان مدینه هم در لابلائی دیوارها، در حالی که لباس‌های حریر به تن داشتند، ایستاده بودند و هزمان با دیدن موکب پاشا، پاهای خود را بر زمین می‌کوبیدند؛ به‌طوری که صدای آن همه جا را پر کرده و زمین زیر گام‌هایشان به لرزه درآمده بود.

حسین پاشا آخرین نفر بود که با عظمت تمام وارد شده، از میان جمعیت عبور کرد؛ در حالی که بالاپوشی از سمور داشت و عمامه‌ای سلیمی - منسوب به سلطان سلیم - بر سر، و نیروهایی با لباس نظامی در اطرافش بودند. به دنبال آن دسته، موزیک و طبّال‌ها آمدند، در حالی که می‌نواختند و بر طبل می‌زدند. حرکت او تا محل استقرارش ادامه یافت. اینجا بود که هفتاد تا هشتاد توپ از توپخانه مدینه شلیک شد و این به معنای اجازه ورود به شهر بود.

وقتی قافله استقرار یافت، من بنده خدا آماده برای زیارت شدم.

جای‌های زیارت در خارج مدینه

از راه شام که وارد مدینه می‌شوی، در مدخل و ورودی، باغ عثمان است که درخت‌های فراوان و آب گوارا دارد و کنار آنجا مسجد ذی‌قبتین است. شک نیست که اگر کسی آنجا نماز بگذارد و خشوع کامل داشته باشد، خداوند او را بدون عذاب و حساب داخل بهشت می‌کند.

نزدیک آنجا چهار مسجد هست؛ یکی مسجد سلمان، دیگری مسجد عثمان و دیگری مسجد علی است [از مسجد چهارم یاد نمی‌کند].

در جنوب این مساجد، یک کوه کوچک هست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آنجا نماز خوانده و جای آن معین است. کوه عسیر یا جهنم هم نزدیک همان کوه است و در چهارطرفش باغ‌هایی هست، اما خود کوه خشک است. باغ‌های اینجا خیلی پر آب و پر ثمر است و لیمون و نارنج و دیگر میوه‌ها در آن‌ها هست.

اینجا باغ‌های دیگری هم در سر راه حجاج هست که در یکی از آن‌ها، وقت آمدن حجاج، معمولاً زنان به آنجا می‌آیند تا موکب حجاج را ببینند. من فقیر در آن‌ها گشتی زدم.

ص: ۱۷۷

من بعد از آن سفر طولانی، برای رفع خستگی، در یک حمام عمومی غسل کرده، لباس‌های سفر را عوض کردم و به سمت قلعه مدینه رفتم (۱) در حالی که آیه کریمه: ... رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَا... را می‌خواندم. از آنجا به سمت مسجد نبوی رفته، از باب‌السلام داخل شدم و این قسمت را سینه خیز رفتم تا به ضریح نبوی رسیدم. آنگاه روی زانو ایستاده گفتم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» و سپس از خود بی‌خود شدم. وقتی به خود آمدم، با زحمت و به آرامی از وسط آن جمعیت برگشتم و به خیمه آمدم. در این وقت اعلام شد که محمل دو روز در مدینه خواهد ماند.

اوصاف قلعه مدینه منوره

یثرب شهر کوچکی بود که بعد از هجرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنجا، آباد گردید. یکی از مهم‌ترین رخداد‌های مربوط به آن شهر، آن است که وقتی کفار خواستند بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله مسلط شده، آنجا را از بین ببرند، نورالدین زنگی، نه روزه خود را از شام به آنجا رساند و مدینه را از شر دشمن نجات داد و در اطراف آن قلعه‌ای ساخت. اما این قلعه به مرور زمان خراب شد تا این که سلطان سلیمان [قانونی ۹۰۰-۹۷۴] در خواب پیغمبر را دید که به او فرمود: بلغراد، بودین و رودس را فتح کن و با غنایم آن، قلعه‌ای در اطراف قدس شریف، و در اطراف شهر من، یثرب بنا کن. سلطان سلیمان هم چنین کرد.

شهر مدینه، یک مولویة القضاء (۲) بود که حقوق آن به پانصد آقچه می‌رسید، اما به خاطر دوری مدینه (از استانبول) و عدم آبادی و سرسبزی، این دستور مورد اهمال قرار گرفته بود تا آن که سلطان محمد رابع فرمانی صادر کرد که بدون قضاء مکه و مدینه، هیچ قاضی در استانبول نخواهد بود و همین سبب شد تا مولویة حرمین شریفین، به مولویة استانبول پیوند خورد. مردم مدینه، به حلم و نرمی و تسالم شهرت دارند.

در این زمان، برای هر یک از شیخ الاسلام، مشایخ حرم و معلمین، از صره همایون، هزار سکه اختصاص یافت. برای طوایف مختلف هم، هر کدام دویست کیسه گندم، که از مصر آمده بود، اختصاص داده شد.

شیخ حرم با سپاهی که عددشان به پانصد نفر می‌رسد، امنیت آنجا را تأمین می‌کند. مدینه چند بخش دارد که زیر نظر این شهر است؛ ینبع دریا، ینبع بڑ، حددیه، صفرا، دارالقری و فدک

۱- آن زمان، پیرامون شهر مدینه؛ یعنی همان ساختمان‌هایی که اطراف مسجد بوده و اکنون تقریباً تمامی آن در مسجد فعلی افتاده، دیواری بوده و در چند طرف دروازه داشته است. چلبی از آن، با «قلعه مدینه» یاد می‌کند.

۲- نوعی مرتبه علمی که به مدرّسان بزرگ داده می‌شد.

ص: ۱۷۸

و دیار خیبر. در قلعه مدینه، هشتاد توپ، یک زندان و تعدادی سپاه و مهتر - گروه موسیقی - وجود دارد.

اما حدود قلعه مدینه: در جنوب شهر یک دروازه است که دو طرف آن، دو برج دارد و بالای در نوشته شده است: **إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ، إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ \* بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** سبب قدم به سمت شمال، باب الحاج یا باب القبله است. دوست قدم بالاتر از آن، دری است که از آنجا تا وسط برج میانی چهارصد گام است. در سمت دیگر باب الشام است و در سمت دیگر باب البقیع.

در جمع، محیط قلعه ۳۳۵۰ گام است و عرض دیوار شش ذراع و ارتفاع آن بیست ذراع است. در داخل قلعه، دو هزار خانه مسکونی وجود دارد. به جز آنها، خانات و مدارس و تکایا و دارالحدیث و دار القراء و سبیل است. داخل قلعه مسجدی - به جز مسجد نبوی - نیست، اما در بیرون نزدیک دیوار قلعه هست. تنها در هفت خانه، باغچه هست. به علاوه در داخل قلعه، چند انبار و جبه‌خانه و هفتاد - هشتاد خانه کوچک هست. یک مسجد کوچک هم سلطان سلیمان ساخته که بسیار زیبا است. اما تنها در مسجد اعظم خطبه خوانده می‌شود.

در مدینه، نماز جمعه تنها در مسجد بزرگ (نبوی) خوانده می‌شود و به جز آن، در هیچ مسجدی نماز جمعه خوانده نمی‌شود. به همین خاطر، جمعیت زیادی در اینجا حاضر می‌شود.

حاکمان در زمان‌های مختلف به این مسجد توجه کرده و از لحاظ معماری و هنری و تزئین آن، کارهای زیادی انجام داده‌اند. اینجا، جایی است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، شترش نزدیک خانه ابو ایوب انصاری زانو زد و او خانه‌اش را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داد. بعد پیامبر صلی الله علیه و آله دستور ساختن این مسجد را داد. خانه‌ای هم در جنب آن برای خود ساخت و پس از آن که رحلت کرد، جسم آن حضرت را در همان خانه شریف دفن کردند. (۱) یک شبی هم صحابه همگی خواب پیغمبر صلی الله علیه و آله را دیدند که در خواب به آنها فرمود: ای امت من ... اگر شفاعت مرا می‌خواهید ... من نیازی به طلا و نقره و قبه‌های مُطلا ندارم ... اگر رضای مرا می‌خواهید مسجد را توسعه دهید و دیوار شهر را بسازید که حافظ من باشد از منکرین و مشرکین. این بود که صحابه نظرشان از مُطلا کردن و تزئین آنجا منصرف شده، به توسعه مقام شریف پرداختند و عثمان مسجد را گسترش داد. بعد سیدنا علی و سپس ولید اموی

۱- چلبی در این بخش‌ها، اخبار تاریخی آورده که دقیق نیست و اهمیتی برای نقل آنها در اینجا وجود ندارد، لذا حذف شد.

ص: ۱۷۹

و بعد قایتبای و غوری و از آل عثمان، سلطان سلیمان و مراد سوم و احمد سوم و هر کدام اقدامات و اضافات تازه‌ای در آنجا انجام دادند.

[در اینجا اولیا چلبی به ارائه وصفی دقیق از داخل مسجد و حرم پرداخته از سنگفرش‌های بسیار زیبا، فواصل میان درها، مخزن روغن چراغ، منبر و محراب‌های متعدد در مسجد، فرش‌های گرانبها، شمعدان‌های طلا و نقره، تعداد ستون‌های مسجد، که سیصد عدد بوده، مئذنه‌ها، شیشه‌های ملون، که هنگام طلوع خورشید تصویر زیبایی از آن‌ها متصاعد می‌شده و ... سخن گفته است. وی همانجا برخی از کتیبه‌های ترکی و قرآنی موجود در اطراف حرم نبوی را نیز نوشته است].

من هم در یک لوحه‌ای، با خط جلی نوشتم: «سیاح عالم، اولیا رُوحی چون فاتحه». و در برابر مقصوره، با خط خود نوشتم: «شفاعت یا رسول الله، اولیایه، ۱۰۸۲». (۱) در مسجد نبوی هفت هزار قندیل برای روشنایی وجود دارد.

روضه مطهر و قبر شریف نبوی

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.

آغاز کنیم در بیان سبب بنای مخزن سّر الهی. وقتی آیت ... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا در سال چهارم هجرت در حق اهل بیت مصطفی؛ یعنی در حق سیدنا علی و حسن و حسین و فاطمه الزهرا نازل شد. (۲) چون ممکن است که در آینده، دشمنان متحد شده و آزاری به جسم مبارک رسول صلی الله علیه و آله بزنند، اهل بیت کرام و صحابه و دیگران، به ضرورت محافظت بر قبر، بنایی در اطراف آن ساخته‌اند. بعدها هارون الرشید بر این بنا افزود. زمانی که نورالدین شهید زنگی به حکومت رسید، همان وقت پاپ، در اسپانیا گفت که ما هر مقدار که لازم باشد کشته می‌دهیم و هزینه می‌کنیم و فدایی آماده می‌کنیم تا پنهانی به مدینه بروند و در آنجا، در انزوا زندگی کنند، اما نزدیک قبر محمد رفته، در آنجا تونلی زیر زمین حفر کنند تا جسد محمد (صلی الله علیه و آله) را سرقت کنیم و به روم بیاوریم.

پاپای معلون بسیاری از زبان‌ها را می‌شناخت. در این وقت، بیست نفر آماده شده، از آنجا به مصر رفتند و آنجا سوار بر الاغ شده، همراه با حجاج به مدینه آمدند. در اینجا به زی

۱- در ابتدای سفرنامه سال ۱۰۸۱ آمده و در اینجا ۱۰۸۲

۲- این بند، در اصل چنین است و پیداست که مقدمه و مؤخره‌ای داشته است.



ص: ۱۸۰

علما در آمده، ده نفر در نزدیک حرم شریف و ده نفر بیرون از مدینه ساکن شدند. آنها سه سال تلاش می‌کردند تا نفق بزنند. آنها خاک را در کیسه‌هایی کرده، از آنجا دور می‌کردند. در وقتی که به شش متری قبر رسیدند، نورالدین، پیغمبر صلی الله علیه و آله را به خواب دید که به او می‌فرمود: ای نورالدین، این ملعون‌ها می‌خواهند قبر مرا حفر کرده، جسد مرا ببرند. نورالدین برخاست و شش هزار سرباز برداشت و سه روز و سه شب مثل برق راه را پیمود. وقتی به مدینه رسید، از همه مردم دعوت کرد تا به آنها ولیمه بدهد. بعد پرسید: آیا از فقرای شهر کسی هست که در ولیمه حاضر نشده باشد؟ گفتند: بلی ده نفر هستند که همه‌اش در حال روزه و عبادت‌اند و سه سال است که در حجره‌ای در مدرسه باب الشفا زندگی می‌کنند و شغل شاغل آنان عبادت است. نورالدین گفت آنان را حاضر کنید. بعد کسانی را به جستجوی منازل آنها فرستاد و وسایل زیادی برای حفاری پیدا کردند. آنان زیر شکنجه زبان به اعتراف گشودند و ده نفر دیگر را هم گرفتند. آنها گفتند: ما از رهبانان اسپانیا هستیم. از زمانی که دین محمد آمده، آرامش از ما گرفته شده. اعراب، دیار ما را گرفتند و مقدس‌ترین بقاع ما را در تصرف خود درآوردند. ما در فکر انتقام افتاده و این راه را انتخاب کردیم تا جسد پیامبر شما را به روم ببریم و از این راه اندلس و افریقا و سوریا را بگیریم و عرب‌ها دوباره به صحرای خودشان برگردند.

آنها گفتند یک ماه پیش هم باز پاپ به ما پیغام فرستاد که اگر بتوانید، جسد محمد را به روم بیاورید یا اسپانیا، که ما آن را کعبه کنیم و هر سال هزاران نفر از عرب و ترک برای زیارت آن بیایند و ما از هر کس یکصد قطعه طلا بگیریم. آن‌ها اظهار توبه و پشیمانی کرده و گفتند که مسلمان می‌شویم. اما نورالدین فریب آنها را نخورد و دستور داد همگی را کشتند تا هیچ یهودی و نصرانی جرأت نکند پای به زمین مکه و مدینه بگذارد.

نورالدین و بنای مجدد روضه مطهر

نورالدین تعدادی از استادان معمار را از شام به مکه و مدینه آورد و از این دو شهر و نیز از شام و حلب مقدار زیادی سرب و آهن و غیره آورد. ابتدا دستور داد تا قبه‌ای را که روی قبر شریف بود برداشتند. پس از آن، به فاصله بیست ذراع عقب‌تر از قبر رفته و در آنجا خندق‌هایی به عمق بیست ذراع و عرض ده ذراع کردند، سپس در چهار طرف قبر شریف، شبکه‌ای از آهن درست کردند؛ به طوری که گویی قبر شریف در یک صندوق آهنین قرار

ص: ۱۸۱

گرفت. پس با سرب آن مشبک آهنین و خندق را پر کردند. در این وقت، در اطراف قبر شریف، دیواره‌ای از برنز ساخته شد. سپس باز از دیواری که عثمان گذاشته بود تا سمت باب جبریل و از آنجا تا درون مسجد، خندقی کنده، باز در آنجا هم شبکه‌ای آهنین قرار داده آنجا را مثل سدّ سکندر کردند. بعد هم در بالای قبر شریف یک مقصوره آهنی دور تا دور گذاشتند.

در اینجا عقاید دیگری هم هست که می‌گویند: آن‌هایی که قصد جسد مطهر را داشتند، از روافض بوده‌اند. اما این رأی از نظر تاریخی غلط است و هیچ سند و برهانی ندارد و این تدبیر از سوی کفار اسپانیا بود.

قبه حضرت پنجاه ذراع است و روی نوزده ستون قرار گرفته که اطراف آن‌ها را سُرَب ریخته و نقش و نگار از گل‌ها کشیده‌اند. در آنجا بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد و بالای آنجا نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و نام سلطان قایتبای به چشم می‌خورد. مرقد سیده، فاطمه زهرا هم داخل همان مقصوره است.

وقتی بخواهی زیارت کنی، اول باید غسل کنی، لباس‌های تمیز بپوشی، خود را با بوی‌های خوش معطر سازی، با توجه قلبی به توسل و دعا بپرداز، در حالی که تو در حضور حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله هستی. در این وقت باید مطوّفی باشد که تو با راهنمایی او حرکت کنی.

دست را بر سینه بگذار و نزدیک مقصوره که رسیدی، این آیت را بخوان که: ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا و بعد بر محمد سلام بفرست: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» و بعد استغفار و توبه کن. بعد هم ابوبکر و عمر را سلام بفرست [اینجا مؤلف یک صفحه در فضایل و تاریخ زندگی دو خلیفه مطلب نوشته است].

ای زائر عزیز، در اینجا تو باید فاتحه برای اهل علم و عرفان بخوانی و به‌طور مخفی، به فقرا و مساکین صدقه بدهی. مبادا که صدقه دادن را عیان سازی که در غیر این صورت، فقرا همه چیز حتی لباس‌هایت را می‌برند و مزاحم تو می‌شوند.

در آنجا هفتصد خادم از طواشیه هستند که در حرم کار می‌کنند و سیصد کلید از طلا دارند. به‌جز این‌ها هزار خادم دیگر در مسجد کار می‌کنند. اگر اینان کسی را در حال دادن صدقه ببینند، ممکن است مشکلی برایش درست شود و کار به جای باریک برسد و خطرناک شود. در مدینه، تمامی مردم، از فقیر و غنی، منتظر آمدن حجاج هستند و هرچه به آن‌ها بتوان

ص: ۱۸۲

داد، محل دارد و ثواب، اما بهتر، بلکه واجب است مخفیانه باشد.

من توانستم با ولی نعمت خودم، حسین پاشا داخل روضه مطهره شوم. ما لباس پاکیزه و حلال پوشیدیم و با خشوع و بهجت، صلوات بر محمد می‌فرستادیم. شیخ حرم آمد، در حالی که همراه او دوازده طواشیه بودند و بخور و عطریات همراه داشتند. ما هم هفت نفر بودیم. در را باز کردند و داخل شدیم.

در وقت ورود می‌گفتند: دستور یا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ؛ یعنی از فاطمه زهرا علیها السلام اجازه ورود می‌خواستند، چون باید از کنار او رد شده به سمت قبر شریف می‌رفتند.

حسین پاشا و من، هر دو، زمین را به قصد شفاعت بوسیدیم. بعد شروع به نظافت آنجا کردیم. بدین ترتیب پانزده نفر در داخل بودند. من خودم، گویی هوشیاری‌ام را از دست داده بودم و روحم از عشق در حال پرواز بود. هر لحظه به خودم مراجعه می‌کردم، به اطرافم می‌نگریستم، باز به قصد شفاعت رسول صلی الله علیه و آله متوسل می‌شدم. سه قنديل روشن شد. در میان قبه، قبری شریف بود که در صندوقی قرار داشت و روی آن پارچه‌ای از کسوه سبز کعبه کشیده شده بود.

در این مکان پاک، قطعات طلا و شمع‌دان‌های طلا و قنادیل مرصع و غیره چندان بود که چشم ندیده و به عقل بشر خطور نمی‌کرد و قیمتش را نمی‌شد تعیین نمود.

مسئولان و خدّام، هر سال یکبار به اینجا می‌آیند تا آن را نظیف کرده، غبار را از روی این چیزها پاک کنند. ابوبکر و عمر هم زیر همین قبه هستند، اما فاطمه زهرا خارج از این قبه قرار دارد.

زمین آنجا سنگ فرش است و از بهترین سنگ‌ها؛ مانند

ص: ۱۸۳

عقیق و فیروز و کریستال و غیره فرش شده است. اشیا و هدایا هم با زنجیر آویزان شده است.

برخی از شمع‌دان‌های طلا که آنجا هست، به قد یک انسان طول دارد.

من اکنون پنجاه سال دارم، اما وقتی جوان بودم، در خواب مشغول اذان بودم، دیدم که در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله هستم و دو دست او را بوسیدم. حضرت به من بشارت داد: الشفاعة، ...

الزيارة ... السياحة ... فاتحة. حال خدا را شاکرم که بشارت حبیب در حق من محقق گردید.

از وقتی که ما از خیمه خودمان در قلعه مُزئرب شام خارج شده‌ایم تاکنون، هفده روز است و در خلال این مدت من هفت بار قرآن را ختم کرده‌ام. در برخی از این دفعات، سوره والضحی و دیگری یاسین و سوم اخلاص را خواندم که آن‌ها را در اینجا تمام کردم.

خداوند در محفل مؤذنین، در وقت ظهر، توفیق اتمام آخرین ختم را داد.

ساختمان‌های موجود در قلعه مدینه

بیرون از باب‌الرحمه، مدرسه سیف‌الدین سلطان است، که روی در آن نوشته شده:

وَمَنْ أَرَادَ الْأَخْرَجَ وَسَعَى لَهَا سَعِيهَا ... و زیر آن نوشته است که این بنا به دستور امیر سیف‌الدین چوپان (۱) و خاتون معظمه در سال ۷۲۴ ساخته شد.

در کنار این مدرسه، و چسبیده به آن، مدرسه سلطان قایتبای است. در بیرون باب جبرئیل، مدرسه صوقوللی محمد پاشا (از صدر اعظم‌های عثمانی که پانزده سال سر کار بود) قرار دارد.

در نزدیکی باب‌السلام، یک بنای وقف از سلطان محمد ثالث هست. و آن‌جا تمام و کمال، ۱۱۸ مدرسه وجود دارد!

در داخل قلعه، چندین حمام و چندین خان-مسافرخانه-هست. راه‌های داخل قلعه بسیار نظیف است و دائماً روی آن‌ها آب پاشیده می‌شود. یک مدرسه برای بچه‌ها، هفت مرکز برای قراء، هفت محل برای حدیث، و هفتاد محل استقرار برای افراد غریب هست که برخی اوقاف هم دارد که با استفاده از آن‌ها غسل و شربت‌های محلی دیگر میان حجاج توزیع می‌شود. چند آب انبار هم هست که یکی از آنها بیست-سی پله دارد و آب آن از عین‌الزرقاء می‌آید و این از خیرات سلطان سلیمان است. روی اسبله-محل سبیل الله که آب در آنها هست-نوشته شده: ... وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً و بر برخی دیگر نوشته شده: عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلاً.

۱- در متن اصلی ترکی و عربی «خوبان». درست آن چوپان است. وی از امرای دمشق در دوره مماليك و سلطنت ملك ناصر بوده است. شرح حال وی را نک: الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۲۹۷. وی به احتمال در سال ۷۳۰ در گذشته است. ابن کثیر در البدایة و النهایه، ج ۱۸، ص ۲۶۵ چاپ دکتر عبدالله ترکی ذیل حوادث سال ۷۲۶، از وی با عنوان امیر سیف‌الدین چوپان یاد کرده است.

ص: ۱۸۴

اینجا، در مدینه، هیچ چیز عزیزتر از آب نیست و هر کسی بایستد و آب به مسجد رسول صلی الله علیه و آله برساند و حوضی برای آب بسازد، ثواب هزار حج خواهد داشت. چه بسیار سلاطینی که اینجا آمده‌اند اما نتوانسته‌اند در این باره خدمتی بکنند. اینجا برخی از حجاج فقط برای این که وضو بگیرند، باید ظرف آبی را به قیمت دو سکه بخرند تا با آن وضو بگیرند. در اینجا تجار، اشیایی را که از بلاد دور آورده‌اند، عرضه می‌کنند و اهالی هم کار تجاری می‌کنند.

دروازه‌های مدینه در طول رجب و شعبان و رمضان، در همه شبها باز است و در مدینه، هزاران قنديل شب را روشن می‌کند، اما عید حقیقی این مردم وقتی است که حجاج می‌آیند. وقتی محمل شام و مصر با صرّه و سکه می‌رسد، اهالی بهترین لباس خود را می‌پوشند و حجاج را به خانه‌های خود دعوت می‌کنند و با آنان دوستی می‌کنند و آنان را به زیارت می‌برند و واضح است که از این راه سود زیادی می‌برند.

اما ضاحیه و اطراف مدینه هم مملو از باغ‌ها و قصرهاست. خانه‌هایی که در وسط باغ است فراوان. در مدینه، هفت محله وجود دارد که دو هزار خانه در آن‌هاست و دو طبقه.

چوب‌هایی که در آنها به کار رفته از طریق سوئز از مصر به یمن آورده شده و از آنجا با شتر به مدینه آورده می‌شود. مردم مدینه از این چوب‌ها برای خود خانه می‌سازند. در اطراف مدینه، زمین‌های خشک سنگی هست که مثل یک خندق مدینه را محاصره کرده است.

... مسجدی هست (۱) که بالای محراب آن نوشته شده: ... وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ ...، یک ایوان خارجی دارد، اما داخل آن با سنگ‌ریزه فرش شده و دعا در آنجا مستجاب است؛ زیرا که مصطفی صلی الله علیه و آله در آنجا دعا کرده است. غرب این مسجد، مسجد ابوبکر است و یک صد قدم با مسجد النبی صلی الله علیه و آله فاصله دارد ... (اینجا هم در اصل عبارت افتادگی دارد). برخی از مدارس که تعدادش به ۴۶ می‌رسد، به صورت منزل درآمده است. شش مدرسه برای قراء، یازده مدرسه دار الحدیث، و بیست مدرسه برای اطفال هست. همه این مدارس از صیرره سَینویه (سکه‌های اهدایی سالانه) استفاده می‌کنند و سهم معین دارند. خیراتی که برای شهر مدینه است، با هیچ شهری برابر نیست.

در ضاحیه مدینه یک حمام عمومی هم هست اما در طول روز کار نمی‌کند. نزدیک آن یک مدرسه خاصگیه هست که حجاج در آن می‌خوابند. چاه سیدنا علی هم در همین جاست.

در آنجا چهار بنای بزرگ وجود دارد که یکی از آثار سلطان سلیمان است و این نزدیک

۱- نام این مسجد نیامده و به نظر می‌رسد در اینجا از اصل چیزی افتاده است. در متن ترکی نقطه چین هست که نشان سقط است. در متن عربی ص ۱۵۷ این نقطه چین نیامده است.

ص: ۱۸۵

به حمام مراد سوم است. در آنجا از پول سلطان، شوربا و برنج و زرده و عاشورا (۱) میان فقرا تقسیم می‌شود. از این غذا به کسانی هم که داخل قلعه هستند؛ از فقیر و غنی و خادم و مخدوم داده می‌شود.

در ضاحیه مدینه، چهل میهمان سرا هست که عابرین سیل از آن‌ها استفاده می‌کنند.

مهم‌ترین آن‌ها میهمان‌سرای محمد پاشا است که در ایوان جامع امیرال قرار دارد. بالای آن هم کتیبه‌ای بود که من نتوانستم بخوانم. در بیرون باب مصر، سیل آغا هست که روی محل ورودی آن نوشته شده: وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا ... و زیر آن «خاصگی سلطان».

همچنین سیل آغا در السعاده هم آنجا است. کنار هر خان و مدرسه یک سیل هست که آبش را از عین زرقا می‌آورند. هفت حوض هم هست. چاه‌های پراکنده دیگری هم هست. در آنجا حوالی یک‌صد مغازه هست که بیشتر آن‌ها قهوه خانه و دکان قصابی و مطعم و عطاری و صرافی است.

وقتی حجاج به مدینه می‌آیند، مدینه مثل یک دریا می‌شود و همه جا پوشیده از آدم.

سکنه اصلی مدینه، پیش از آمدن حجاج حوالی چهارده هزار نفرند. خوردنی‌های آنها همه از مصر می‌آید که آن از اوقاف سلیم در وقت فتح مصر است و از سلیمان و مراد سوم و سلطان احمد که اوقاف زیادی برای مدینه در مصر درست کرده‌اند. وقف دیشیه (۲) از اوقاف مرادیه و محمدیه و خاصگیه به اینجا می‌آورند. از دیشیه چهارده هزار و از گندم صد هزار کیسه، از مصر به مدینه می‌آورند و بر حسب فرمان سلطانی تقسیم می‌شود.

وقتی امین صرّه با قافله شام به مدینه می‌رسد، مبالغ اختصاص یافته که از مصر رسیده، که مقدار آن‌ها شصت و دو هزار سکه طلا است، نزد او حاضر می‌شود، به علاوه، آنچه از اوقاف دیگر می‌رسد و از شهرهای تازه فتح شده به مکه و مدینه اختصاص یافته، همه در حضور شیخ حرم و جمعیتی از مردم مدینه، میان صاحبان آنها تقسیم می‌شود. روز و شب زیر نور چراغ‌ها و بر طبق دفاتر سلطانی. اینها همه در میان شادی اهالی و هلله و دعا و ثنای آنان برای سلطان، توزیع می‌شود.

هوای مدینه، در غایت اعتدال و زیبایی است. زنان مدینه، غالباً لباس‌های حریر آبی می‌پوشند و کفش به پا دارند و روی آنها سرتا پا ازار مشکی بر می‌کنند و روی سرشان نقاب می‌گذارند که رنگ‌های آن بین سبز، قرمز و زرد است. اما رجال روی سرشان طاقیه شامیه

۱- نوعی غذا است که در گذشته روزهای عاشورا دهم محرم پخته و توزیع می‌شد و به همین نام مشهور گردید.

این غذا از دوازده نوع حبوبات تهیه می‌شد و میان خانواده و نزدیکان و همسایگان و فقیران تقسیم می‌گردید.

۲- دیشیه رسول الله، یکی از قدیمی‌ترین انواع صدق است. در زمان حضرت، نوعی گندم بزرگ را با جو و خرما و گوشت مخلوط کرده، نزد ایشان می‌آوردند و با اصحاب می‌خوردند. این ترکیب ادامه یافت. در دوره ممالیک، برای این کار وقفی صورت می‌گیرد و نام وقف دیشیه به آن می‌دهند. برای همین گندم مصر را گندم دیشیه می‌گویند.

ص: ۱۸۶

می‌گذارند و بالای آن شال کشمیری و عمامه سفید و همه مردم مدینه از زن و مرد بر چشم خود سر مه می‌کشند. باغ صوقوللی محمد پاشا و باغ شیخ الاسلام و دیگر باغات، انواع میوه‌های تازه دارد. در مدینه انواع مختلف خرما و نیز سیب و انگور و هلو و مشمش و لیمون و آلوچه، که گاه به اندازه سر انسان است، وجود دارد. انواع نارنج، لیمون ترش، درختان زیتون و انار و هندوانه و غیره هست. با این حال، منطقه مدینه، صخره‌ای است و مزارعش کم و حبوبات غالباً از مصر و طائف و حجاز می‌آید. در مدینه، یک گل قرمز هست که مانند آن در هیچ کجا نیست. گل‌های دیگری هم مانند سوسن و میخک و یاسمن و نرجس و بنفشه در آنجا هست و خرماي مدینه، بهتر از انواع مشابه آن از سایر بلاد است.

زیارتگاه‌های بیرون قلعه مدینه

اولین جای زیارت، بقیع است، که در شرق قلعه مدینه قرار دارد. زائر باید نخست وضو بگیرد، سپس به طرف بقیع برود، در حالی که می‌خواند: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ...» بعد اَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ را بخواند.

دویست قدم پایین‌تر، قبر عثمان است. بعد بیاید به زیارت قبر امّ سلمه. قبر حکم بن ابی‌العاص هم نزدیک عثمان است. ابوسعید خضری (کذا. حدری درست است) نزدیک قبر عباس است. جابر بن عبداللّه نزدیک قبر عایشه است. قبر عبداللّه بن جعفر، بعد امام زین‌العابدین که امام چهارم است؛ زیر قبه امام حسن است که امام حسن خود فرزند سیدنا علی است - رضی اللّه عنهم اجمعین -. کما این که عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله هم زیر این قبه است. همین‌طور امام محمد باقر و امام جعفر صادق.

عباس و امام حسن و امام محمد باقر و امام جعفر صادق، همگی در بقیع زیر یک قبه هشت ضلعی هستند و ما، سوره یاسین را برای همگی خواندیم.

در مقابل این بقعه طاهره، مسجد سیدنا علی است، که مسجد کوچکی است، بدون مناره.

داخل این بقعه مرقد عقیل بن ابی طالب است، همین‌طور نافع. نزدیک آن مرقد مادر سیدنا علی است. نزدیک آنجا باز مرقد امام مالک است که نزدیک آن قبر واثق عباسی است و نزدیک آنجا امّ صفیه!

ص: ۱۸۷

آل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله همگی در بقیع و زیر قبه واحدی هستند، اما عایشه و امّ حبیبه و برخی از کنیزان آن حضرت، نزدیک قبر عایشه هستند. نزدیک قبر عایشه این تاریخ هست: «امر بتجدید هذا المرقد المبارک لحضرة الصدیقه عایشة السلطان سلیمان شاه بن بایزید خان بن محمد خان خلد الله ملکه سنه ۹۵۰».

زیر همان قبه، قبر امّ کلثوم و رقیه دختران رسول صلی الله علیه و آله هم هست. همین طور زینب و امّ هانی.

و نزدیک آنها سه نفر از کنیزان آن حضرت. نزدیک به آنجا قبر حلیمه سعديه و خواهر رضاعی آن حضرت سیده سلمه! و کنیز آن حضرت بر که هست که از پدرش به او رسید و دوران کودکی آن حضرت، از ایشان پرستاری می کرد و به او ام ایمن می گفتند و نزدیک قبر حلیمه مدفون است. مادر حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله در مسیر مدینه به مکه وفات کرده، همانجا مدفون شد. برخی از کتاب‌های سیره موثق نوشته‌اند که حضرت در سال ششم، جنازه ایشان را به مدینه منوره منتقل کرده، زیر همان قبه‌ای که مادر رضاعی او در آنجاست، دفن کرد! ما برای آن‌ها سوره نساء را تلاوت کردیم.

همچنین قبر ابراهیم پسر رسول صلی الله علیه و آله و مادرش در بقیع است.

اما از صحابه، شمار زیادی از آنان در بقیع مدفون هستند.

قبور برخی از علمای روم است که در این دیار مرده‌اند؛ مانند مصلح‌الدین افندی و سید ابراهیم مدنی هست که نزدیک قبر سیدنا عباس دفن شده‌اند. همین طور محمد افندی، مولانا سنان نهجی و ...

قبا

قریه‌ای است با باغات فراوان، که دوست منزل در آن هست و به عنوان نزهتگاه اهل مدینه شناخته می شود. در آنجا مسجد قبا هست که خود حضرت رسول آن را مثل یک درخت ساخت. با هفت پله به آن می‌رسیم. در داخل آن نخلی هست که رسول با دو دست پاکش آن را غرس کرده است. یک درخت سدر هم آنجا هست. زیر این درخت یک چاه آب قرار دارد. در این مسجد تمامی دعاها مستجاب می‌شود. به جز محراب اصلی، محرابی هم در گوشه شمالی آن هست که به آن محراب مکشف می‌گویند و رسول در آنجا نماز می‌خوانده و از آنجا به سوی مکه، وطنش می‌نگریسته است. مسجد سیدنا علی در سمت قبه این مسجد



ص: ۱۸۸

قرار دارد و گنجایش پنجاه نفر را دارد. در سمت قبله، پنجاه قدم آن طرف تر، مسجد سیده عایشه است. چاه اریس هم در کنار راه قرار دارد. هرکس چهل روز از آب این چاه بخورد، از همه بیماری‌ها شفا می‌یابد. خود من بعد از شکست اردل (۱) مرض خفقان گرفتم و از همین آب خورده، خوب شدم. باغات اطراف را از آب همین چاه، آبیاری می‌کنند.

باغ صوقوللی یکی از باغ‌های بسیار زیبای قُبا است که قصرهایی در نهایت زیبایی و عظمت هم در آنجا هست.

زائر در این وقت باید برای دیدن دو نخلی که خود حضرت غرس کرده، برود و در آنجا دو رکعت نماز بخواند.

در باغ‌های مدینه، چاهی به نام چاه عروه‌بن زبیر هست. در میان باغی که دو نخل رسول صلی الله علیه و آله هست، آب عجیبی است که برای زنان خاصیت‌هایی دارد؛ مثلاً کسی که درد زایمان دارد و برایش خیلی سخت است، اگر از آن آب بخورد، زایمان بر او آسان می‌شود. یا کسی که حیض می‌شود، اگر از آن بخورد، حیض نشده و پاک می‌شود. تمامی زن‌ها و دختران مدینه این حوض را می‌شناسند و آنجا غسل می‌کنند. برای همین مردم مدینه، بستان دو نخل را بستان النساء می‌نامند و کسی جز زنان داخل آن نمی‌شود.

مرقد حمزه

چون مرقد حمزه مقدار زیادی از مدینه فاصله دارد، برای زیارت آنجا، همراه جمع زیادی به آنجا رفتیم که بالغ بر ۱۵۰ اسب سوار و مسلّح بود. مرقد در موقعیت احد قرار دارد و میدان نبرد در سمت شمالی آن است. یک هزار گام که از مدینه بیرون برویم، جایی هست که حضرت درع خود را در آنجا گذاشته است. این راه را باید پیاده رفت تا ثوابش مضاعف باشد.

من خودم پیاده رفتم و اسبم را به غلامم دادم. یک ساعت بعد به آنجا رسیدم.

موقعیت سپاه رسول صلی الله علیه و آله در این وادی بوده. در آنجا ایوان کوچکی هست و خیمه حضرت در بالای آن ایوان بوده است. خواندن دو رکعت نماز در آنجا از سنن مستحبه است.

در این جایگاه، سپاه آن حضرت بوده. رسول صلی الله علیه و آله حمزه را فرمانده قسمت چپ و خالدبن ولید را در سمت راست گذاشت! (۲) در شمال اینجا، به مقدار پانصد قدم ایوان عاشورا است. اینجا جایی است که شامی‌ها

۱- جایی در رومانی که عثمانی‌ها با اروپایی‌ها نبرد کردند.

۲- این نکته بی‌اطلاعی اولیا چلبی از تاریخ اسلام را می‌رساند. خالدبن ولید در این جنگ فرماندهی از فرماندهان مشرکین بود که حمله او سبب شکست سپاه اسلام و شهادت حمزه و هفتاد نفر دیگر از اصحاب شد. اما وی او را هم‌ردیف حمزه، جزو فرماندهان اسلام معرفی کرده است!

ص: ۱۸۹

غذای عاشورا درست کرده، به حجاج می‌دهند. در کنار آن ایوان، امین صره است و ایوان ملا، و ایوان شیخ الحرم. رسول صلی الله علیه و آله هر سال بر این مکان، برای زیارت سیدنا حمزه و آماده کردن عاشورا اشراف دارد. (۱) مزار حمزه، یک ساعت راه تا مدینه است و به شکل قبه‌ای است. مدخل آن از بایی است که به سمت قبله باز می‌شود. داخل آن با سنگ‌های سفید فرش شده است. زیر این قبه قبر حمزه، داخل یک صندوق مربع شکل است و صندوق داخل یک مقصوره مربع است. هر کسی شمشیر دارد، باید شمشیر خود را داخل صندوق سیدنا حمزه بگذارد و بعد از اندکی، در حالی که حارس مقبره تکبیر می‌گوید آن را درآورد و وسط تهلیل گویان آنان بدان دست بکشد، در آن صورت ثواب جنگ احد را برده است. شریف صالح که از ذریه حمزه است، کنار او دفن شده است. در عمق ضریح، چاه آبی است. و به حکمت خداوندی خاک این منطقه در اطراف ضریح، سفید است در حالی که خاک این نواحی قرمز می‌باشد. قرمزی آن هم به خاطر خون پاکی است که از دندان پیامبر صلی الله علیه و آله ریخته است. اگر کسی دندانش را با خاک اینجا مالش دهد، از دردهای دندان در امان می‌ماند. این تجربه شده است.

پانصد قدم بالاتر، کوه احد است که کوه سخت و بلندی است و صخره‌های سرخ‌رنگ دارد و غارهای چندی در آن است. در همین وادی، جایی هست که آن را وادی حمزه می‌نامند که مکان ترسناکی است. کفار در این غارات مخفی شده و به حمزه که شهید شد یورش بردند، در حالی که با آنان نبرد می‌کرد. ما به سرعت از این منطقه بازگشتیم، در حالی که دو رکعت نماز خواندیم. بعد به مقدار دوست قدم به جنوب آمدیم تا به مزار میدان شهدا رسیدیم.

اینجا بیش از یک هزار صحابی شهید شده‌اند! و قبه‌ای ندارند اما برای برخی از مشاهیر آنان، علائم قبر هست. به خاطر باران‌های سیل آسا، خاک و سنگریزه‌ها از روی حدود هفتاد یا هشتاد شهید کنار رفت؛ به طوری که اجساد طاهر آنان آشکار شد. وقتی مردم مدینه شنیدند، همه آمدند و دیدند آنچه را که شادمانشان کرد و قلبشان را آرامش داد. آنها اجساد را تازه یافتند. گویی تازه شهید شده بودند. از برخی هنوز خون تازه می‌آمد. برخی سرهاشان جدا شده بود و ... مردم این را دیدند و عظمت شهادت در راه خدا را دریافتند. سپس برای پوشاندن اجساد اقدام کردند. شیخ حرم دستور داد دیواری به طول چهارصد قدم ساختند تا جلوی

---

۱- عبارت در عربی همین است: و كان صفوة الخلق ص يشرف هذا المكان كل عام لزيارة سيدنا حمزه - رضی اللّٰه عنه - و اعداد العاشورا.

ص: ۱۹۰

سیلاب را بگیرد.

شرط زیارت در آنجا این است که وقت سحر باشد، زائر چیزی روی سر نیندازد. وقت ظهر اصلاً وقت خوبی برای زیارت نیست؛ زیرا زمین و رمل‌ها همه مثل آتشی ملتهب هستند.

اگر زائر کفش به پا کند، بسا که توهین به این مکان باشد. همه این صحرا مزار شهداست و همه، از کوچک و بزرگ، از زیارت بدون وضو پرهیز می‌کنند.

در خلال دو ماه محرم و صفر، در هر سال، در اینجا و نزدیک مقبره حمزه مولودیه برگزار می‌شود. (۱) این مکان مملو از جمعیت مؤمنین شده و ارواح مؤمنان، هر سال، در پی خواندن اشعار دینی و دعا و راز و نیاز که صدایش همه جا می‌پیچد، از آن به وجد می‌آید؛ به طوری که برخی در این حال، جانشان از دست می‌رود و همانجا دفن می‌شوند.

زیارت اماکن بیرون مدینه تمام شد.

برای وداع باید زائر لباس طاهر بپوشد و با ادب تمام از باب قلعه وارد شده، به سمت مسجد رفته، از باب جبرئیل داخل شود، فاتحه بخواند و «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» بگوید و سپس بگوید: «الْوَدَاعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ».

پی‌نوشت‌ها

۱- در ادبیات ترکی - مثل عربی - نوعی شعر دینی هست که به مولد شناخته شده و مدائح نبوی است. معروف‌ترین آن اشعار ترکی، «وسيلة النجاة» از سلیمان چلبی م ۸۲۵ / ۱۴۲۲ م است که همزمان مقبول میان افراد نخبه در کنار توده‌های مردم است. در دولت عثمانی، احتفال به طور رسمی از زمان سلطان مراد سوم ۹۸۲ - ۱۰۰۳ آغاز شد و او در تشریفات سلطان، از سال ۹۹۶ جایی را به احتفال اختصاص داد که تا روزگار ما برگزار می‌شود. در این باره نک: د. نجلاپیک اولجای، اسلامی تورک آدیباتی، استانبول، ۱۹۶۶، صص ۱۴۰ - ۱۵۳. سلیمان چلبی وقتی شصت ساله و امام جماعت مسجد بورسا بود، این اشعار را سرود که بنا بر مشهورترین نظر، ۳۱۷ بیت است. محتوای آن توحید باری تعالی، دعا، روح محمد، ظهور محمد، معجزات و معراج، هجرت و نصیحت و ارشاد است.





ص: ۱۹۳

از نگاهی دیگر

ص: ۱۹۴

## حج‌گزاری در ترکیه

### کارگزاران حج

فکر و اندیشه تأسیس سازمان دیانت، که مسؤول امور دینی در کشور ترکیه است به حدود نیم قرن می‌رسد. این سازمان، از سال ۱۹۷۳ تا کنون؛ یعنی ۲۴ سال است که ساماندهی و مدیریت اعزام زائران خانه خدا و حاجیان را نیز بر عهده دارد. پیش از آن که ترکیه جمهوری شود، متقاضیان حج اندک بودند. در آن زمان بسیاری از مسئولان، دلیل استقبال نکردن مردم از این سفر معنوی را، اوضاع بد اقتصادی می‌دانستند، در حالی که آنان، خود نیز به جهت کم بها دادن به این فریضه دینی، بر بی‌رونقی و عدم استقبال از این سفر، دامن می‌زدند.

### ثبت نام و اعزام

همه ساله، در تاریخ مشخصی، ثبت نام زائران خانه خدا اعلام می‌شود. در واقع مردم ابتدا به مفتی استان مراجعه می‌کنند و از آنها ثبت نام به عمل می‌آید و در ضمن ثبت نام، به آگاهی همه رسانده می‌شود که بعد از قرعه کشی مشخص می‌گردد چه کسانی توفیق سفر خواهند یافت. و از ثبت نام کنندگان تعهد گرفته می‌شود که اگر نامشان در قرعه در نیامد، اعتراضی نداشته باشند. از ثبت نام کنندگان حج، پول ثبت نام را در سه قسط دریافت می‌کنند و هنگام واریز کردن اولین قسط، گذرنامه، فتوکپی شناسنامه و سند بانکی و همچنین برگه‌ای خاص (از کسانی که بیش از ۶۵ سال سن دارند) گرفته می‌شود.

ص: ۱۹۵

قرعه‌کشی از سوی دفتر اسناد انجام می‌شود و انتخاب شدگان کارت شناسایی حج را دریافت می‌کنند. کسانی که می‌خواهند با سازمان دیانت اعزام شوند، به شعبه‌های این سازمان رفته، ثبت نام می‌کنند. کسانی که با شرکت‌های آزاد می‌روند، با کارتی که در اختیارشان گذاشته شده، به تورها مراجعه می‌کنند.

ثبت نام حج، در سی و دو استان ترکیه برگزار می‌شود. در سالی که گذشت (۲۰۰۴) ۲۱۰۰۰۰ زائر به دفاتر مراجعه کردند، ولی از میان آنها تنها ۹۰۰۰۰ نفر توانستند به حج مشرف شوند. آمار شرکت کنندگان ترک در حج، حدود ۹۰۰۰۰ نفر است.

گفتنی است سهمیه مردم ترکیه، از هر ۱۰۰ نفر، ۱ نفر است، در حالی که از هر ۱۰۰ نفر ۳ نفر به دفاتر ثبت نام مراجعه می‌کنند و در واقع ۱۴۵۰۰۰ نفر در نوبت قرار می‌گیرند و در سال بعد بار دیگر در فهرست قرعه‌کشی قرار داده می‌شوند و به همین منوال هر سال بر تعداد متقاضیان افزوده می‌شود. مسؤولان حج ترکیه به دلیل اقبال مردم به حج و تقاضای زیاد آنها، در پذیرش زائر محدودیت قائل شده و در سال ۲۰۰۴ حج نیابتی را ممنوع کرده‌اند.

اولویت با کسانی است که به حج نرفته‌اند. تنها در شهر استانبول ۲۵۰۰۰ نفر به دلیل این که متقاضی دومین سفر به حج بودند، در قرعه‌کشی شرکت داده نشدند.

همانگونه که پیشتر اشاره شد، درخواست کنندگان حج، ابتدا به سازمان دیانت، که چندین شعبه دارد و مرکز آن در استانبول است، مراجعه و ثبت نام می‌کنند و چند روز مانده به موسم حج، واکسن منتزیت می‌زنند و کارت واکسن را تا آخر موسم، همراه خود دارند.

#### حمل و نقل و راه‌ها

در سال ۱۹۴۷ م، زمانی که ترکیه جمهوری شد، رفتن به سفر حج، به صورت دسته‌جمعی، آزاد گردید. در آن زمان، راه‌های حج، منحصر در سه مسیر بود: سوریه، فلسطین و اردن و به صورت زمینی، دریایی و هوایی.

راه زمینی؛ به دلیل تخریب راه آهن حجاز در جنگ جهانی اول و تعمیر نشدن آن، زائران با کامیون‌های صحرایی، از راه فلسطین به این سفر اعزام می‌شدند و البته با سختی‌ها و دشواری‌های فراوان روبه‌رو بودند. تا این که با اشغال سرزمین فلسطین به دست صهیونیست‌ها و



ص: ۱۹۶

به خطر افتادن امنیت این راه، استفاده از این مسیر برای زائران ترکیه غیر ممکن شد. راه دریایی؛ دومین راه برای زائران ترک بود، از کانال سوئز می‌گذشت و به جده می‌رسید. این مسیر در مقایسه با راه زمینی هزینه کمتری را بر حاجیان تحمیل می‌کرد و برای آنان توجیه اقتصادی نیز داشت. طی این مسیر ده روز به طول می‌انجامید. راه هوایی؛ برای طی کردن این مسیر، هواپیمای حامل زائران حرمین شریفین، از ترکیه به لبنان و از لبنان به اردن و سپس به جده می‌رفتند. در این دوران دولت ترکیه هیچ دخالتی در امور حجاج نداشت و از این بابت آنان با سختی‌های زیادی روبه‌رو می‌شدند. سفر حج و پرداختن به این فریضه مهم دینی، از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۹ برای مردم ترکیه، با فراز و فرودهای بسیاری روبه‌رو بود تا این که در سال ۱۹۷۹ تمام امور حج به سازمان دیانت واگذار گردید و از مشکلات آن کاست.

آموزش حجاج و پاسخ به پرسش‌های آنان

کسانی که مشکل فقهی و سؤال در باره حج دارند، از اداره حج و عمره، که مفتی‌های استان‌ها در آن مستقر هستند، می‌پرسند. در سال‌های اخیر، سازمان دیانت فعالیت‌هایی در آگاهی دادن به زائران انجام داده است. این مؤسسه، نوارهایی در باره حج توزیع می‌کند و سمینارهای گسترده تشکیل می‌دهد.

مسئولان حج ترکیه، به فکر زائران ترک در خارج از ترکیه نیز هستند، و برای آگاهی دادن به آنان، از امکانات مناسبی برخوردارند و گام‌های خوبی بر می‌دارند.

پیش از اعزام، حاجیان در تاریخ‌های معینی به مساجد شهر یا دیگر اماکن، فراخوانده می‌شوند و در طی نشستی، مسائل حج و آداب سفر برایشان شرح داده می‌شود. البته این برنامه هنوز به صورت گسترده اجرا نشده و فراگیر نیست.

این برنامه، بیشتر در مسجد سلیمانیه استانبول برگزار می‌شود و مفتی این شهر سخنرانی مهمی ایراد می‌کند و به دنبال آن، حاجیان با خدمه کاروان و مدیران آشنا می‌شوند.

در این جلسه ماکت کعبه را در معرض دید مردم قرار می‌دهند، و برنامه حج‌گزاری را به صورت عملی به زائران می‌آموزند و در پایان اگر کسی پرسشی داشته باشد، از مفتی و کارشناس حج می‌پرسد.

ص: ۱۹۷

تعداد هر کاروان ۲۰۰ نفر هستند و آنها به چهار یا پنج گروه تقسیم می‌شوند. وسایل مورد نیاز زائران:

به هر حاجی، پیش از اعزام، چند چیز داده می‌شود:

۱. قرآن با ترجمه (ترجمه سازمان دیانت).

۲. کتاب راهنمای حج.

۳. کتاب دعای سعی و طواف.

۴. یک نقشه و بروشور مربوط به اماکن.

۵. دو عدد حوله احرام

۶. کیف مخصوص برای گذرنامه

۷. ماسک محافظ بهداشتی

۸. دستبند نام و مشخصات

۹. بالش و پتو

۱۰. کتاب‌های آموزشی.

۱۱. کارت شناسایی حج.

۱۲. چتر.

فعالیت‌های سازمان دیانت:

۱. مدیریت حج.

۲. فتوا و ارشاد.

۳. پذیرایی و بدرقه زائران.

۴. اجاره مسکن در مکه و مدینه.

۵. رسیدگی به امور مسئولان اجرایی کشور؛ مانند وزرا و خبرنگاران حاضر در حج.

۶. تأمین گذرنامه و اتوبوس

۷. مراقبت‌های بهداشتی و بیماری

۸. پیگیری امور گم‌شدگان و فوت‌شدگان

۹. تهیه وسیله نقلیه (برای رفتن به اماکن مقدس)

۱۰. خدمات رایانه‌ای.

۱۱. تأسیس مرکزی برای مأموران سازمان دیانت.

۱۲. حفظ و نگهداری پول و صرافی آن به ریال سعودی.

هزینه و مدت اقامت:

مبلغ دریافتی از زائران ترکیه یکسان نبوده و بر اساس نوع هتل و مدت اقامت در نوسان است:

۱- عادی، ۲۰ تا ۳۵ روز، با مبلغ ۱۷۹۰ دلار خوراک به عهده زائر

ص: ۱۹۸

۲- عادی- با غذا، ۳۵ روز ۲۰۳۰ دلار صبحانه و ....

این دو گروه، از تمام نقاط کشور با هواپیما اعزام می‌شوند.

۳- با اتاق مستقل در هتل، که دو نوع است:

الف: ۲۲ روز تا ۲۸ روز ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار این گروه فقط از شهرهای بزرگ اعزام می‌شوند.

ب: ۲۵ تا ۲۸ روز ۳۵۵۰ تا ۳۳۵۰ دلار، این گروه فقط از استانبول و آنکارا پرواز دارند.

۴- لوکس و درجه یک، ۱۵ روز ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ دلار از آنکارا به استانبول می‌روند و از آنجا به مکه مشرف می‌شوند و در هتل‌های هیلتون و شرلتون اقامت می‌کنند.

ارائه خدمات بهداشتی از سوی سازمان دیانت:

- استقرار بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی در مکه.

- راه‌اندازی بیمارستان ۵۰ تختخوابی در مدینه.

- استقرار اورژانس‌هایی در مناطق خانه‌های حجاج.

- به پا کردن چندین درمانگاه‌ها در مناطق مختلف.

- فعالیت گروه‌های بهداشتی سیار در خانه‌های مکه و مدینه.

- مستقر کردن بیمارستان صحرائی در عرفات.

- راه‌اندازی ۲۰ دستگاه آمبولانس.

- تشکیل گروه‌های بهداشتی سیار در منا.

حاجی باید وضعیت خود را (اگر بیماری خاصی دارد)، به رییس کاروان اطلاع دهد.

کتابهای مرتبط با حج و مناسک

کتاب‌هایی با عنوان‌های دلیل، دفاتر، آداب حج و عمره، نیت حج و دعا در اختیار زائران قرار می‌گیرد. این کتابها بیشتر کوچک، دستی، با زبان ساده و با تصویر و نقشه است و ارزش تاریخی و ادبی چندانی ندارد. تعداد آنها بسیار است و از سوی سازمان دیانت و شرکت‌های آزاد در اختیار زائران قرار می‌گیرد. قابل توجه است که کتاب‌های پیش گفته، در سال‌های اخیر به حروف لاتین نیز منتشر می‌شود. گفتنی است، از سوی مؤسسه‌های دیانت و آزاد، DC و

ص: ۱۹۹

کتابچه نیز توزیع و در اختیار زائران قرار می‌گیرد.

کتابهایی که از سوی سازمان دیانت توزیع می‌شود:

- دعاها و دانستنی‌های مفید.

- راهنمای حج (آگاهی‌های مختصر در باره حج).

- معلومات عمومی برای زائران.

- وزارت جهان‌گردی (۱۹۶۴).

- راهنمای حج (جیبی).

- دلیل حج، مسجد سلیمانیه، حاجی صادق ارزی، آنکارا.

- رساله حج، نوشته عبدالله توپراق.

- دعا‌های حج دیانت (۲۰۰۲) آنکارا.

- دعا‌های سعی و طواف، دیانت، (۲۰۰۱).

- راهنمای حج عملی، آنکارا (۲۰۰۱).

- انجام حج و توجه به حکمت‌های آن، آنکارا (۲۰۰۴).

- راهنمای جدید و کامل، حاجی منصور.

- دلیل حج حاجی داود.

راه‌های تشرّف به حج

زائران ترک، پس از گرفتن کارت شناسایی اصلی، از دو طریق می‌توانند به حج مشرف شوند:

۱- سازمان دیانت

کسانی که به مسائل امنیتی و دینی بیشتر بها می‌دهند، برای سفر حج، دیانت را انتخاب می‌کنند و دلیل دیگر این است که دیانت در

هر گروه مالی، زائران را می‌پذیرد. و از شرکت‌های آزاد استقبال زیادی نمی‌شود.

سازمان دیانت، زائران را در شهر مکه، به مسجد جن، جنة المعلاة، منا، مزدلفه، عرفات و

ص: ۲۰۰

خانه‌ای که پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن متولد شده، می‌برند.

در شهر مدینه نیز به جَنَّة البقیع، مسجد قُبا، مسجد هفتگانه (مساجد سبع) و شهدای احد می‌برند.

۲- شرکت‌های آزاد

از شرکت‌های آزاد برای ثبت نام و اعزام به حج استقبال چندانی نمی‌شود و این شاید از آن‌رو است که در آنها تقلب و کلاه‌برداری بسیار رخ می‌دهد. در سالی که گذشت یکی از شرکت‌ها، از ۲۸۰ حاجی، که برای حج ثبت‌نام کرده بود، ۷۹ هزار دلار خورد. ۴۰۰ نفر در آن شرکت آنکارایی به عنوان قصاب، نام خود را نوشته بودند. بسیاری از این شرکت‌ها به خاطر سنگینی شرایط، کار خود را تعطیل کرده‌اند.

از سال ۱۹۹۹ تا کنون که پنج سال می‌گذرد، از ۱۵۶ دفتر، ۱۱۰ تای آن فعال است و بقیه تعطیل شده‌اند.

در آمد دفاتر غیر دولتی و آزاد سیاحت، ۴۰۰ میلیون دلار در سال بود که اکنون کاهش یافته است.

در کشور ترکیه، شرکت‌هایی اجازه فعالیت در امور حج را دارند که زیر نظر سازمان جهانگردی باشند و گذشته از این، باید درجه یک بوده و در هر سال، بیش از یک میلیون دلار ارز به داخل کشور بیاورند. گفتنی است تنها ۱۲۵ شرکت دارای این شرایط هستند.

حد اقل وجه پرداختی برای حج در این شرکت‌ها، ۱۷۹۰ دلار است. شرکت‌ها، بیشتر از این، هرچه بخواهند می‌توانند به بهانه در اختیار گذاشتن امکانات بیشتر، از حاجی بگیرند.

مدیریت این شرکت‌ها، بیشتر با کسانی است که مدتی را در مکه و مدینه مانده‌اند و با محیط آنجا آشنا هستند. مرکز بسیاری از این شرکت‌ها در استانبول است.

شرکت‌های آزاد، (مانند سلامت‌تور) که بیشتر زائران را با اتوبوس می‌برند، از دو مسیر می‌رفتند؛ یکی، از راه شام و دیگر از راه بغداد. لیکن اکنون حدود ۱۰ سال است که سفر از راه زمینی ممنوع شده و با هواپیما می‌روند. البته ده سال پیش، از راه دریایی و با کشتی نیز می‌رفتند.

ص: ۲۰۱

معیارهای انتخاب شرکت برای ثبت نام

شرکت‌های معروف و شناخته شده در ترکیه عبارت‌اند از شرکت‌های: امانتور، اکرام‌تور، امیرتور، عمران‌تور، برات‌تور و اقلیم‌تور که معمولاً شرکت‌های یاد شده، سهم بیشتری از زائران را به خود اختصاص می‌دهند و مرکز فعالیت آن‌ها شهرهای استانبول و آنکارا است و از همه شهرهای کشور مراجعه کننده دارند.

حجاج ترک، در ثبت نام، به چند چیز اهمیت می‌دهند:

از آن رو که بیشتر آنان پیر هستند، خواسته اولشان این است که محل سکونتشان نزدیک به اماکن مقدس باشد. البته در سال‌های اخیر، در صد زائران جوان به تدریج بیشتر می‌شود.

برخی از شرکت‌ها، وسیله حمل و نقل ۲۴ ساعته در اختیار حجاج قرار می‌دهند و این در انتخاب شرکت برای ثبت نام از سوی زائران، نقش زیادی دارد. همانگونه که بیشتر اشاره شد، این شرکت‌ها کتاب و CD در اختیار زائران می‌گذارند.

شیوه تعلیم و آموزش شرکت‌ها از دیانت بهتر است، البته پول بیشتری هم دریافت می‌کنند.

آداب و رسوم

برخی روزهای خاص، در نظر مردم ترکیه دارای اهمیت ویژه‌اند؛ مانند تولد پیغمبر، شب قدر، شب معراج، لیلۃ الرغائب.

در ماه مبارک رمضان، مردم برای رفتن به عمره رغبت بیشتری نشان می‌دهند.

زنانی که قصد رفتن به حج دارند، اگر ازدواج کرده‌اند، باید شناسنامه یا سند ازدواج و اگر ازدواج نکرده‌اند، از طرف پدرشان موافقت‌نامه و اگر پدر ندارند، تعهدنامه‌ای از سوی خویشاوندانشان ارائه کنند و اگر کمتر از چهل سال دارند، تنها با خویشاوندان درجه اول می‌توانند به عمره و حج مشرف شوند.

آب زمزم، بهترین هدیه برای نزدیکان و خویشاوندان است. زائران رو به قبله نشسته، زانو به زمین می‌زنند و سپس نام خدا را برده آن را می‌نوشند و اصطلاح‌هایی برای آب زمزم هنوز هم به کار می‌رود.

ص: ۲۰۲

سایت‌های مهم مربوط به حج گزارى در تركيه.

www. diyanet. gov. tr Diyanet hac rehberi  
www. haccagidiyorum. ۴ t. com/ hachaberleri.  
htm  
www. hacrehberi. com  
www. mekkemedi nere siml eri. ۴. com  
genis bir fotograf kolleksiyonu ve mutevazibazi hac hatiralari  
www. davetci. com  
www. essemlam. net  
www. hiratur. com  
turizim acentalari  
www. islamisiteler. net  
www. cicektur. com  
www. gulentur. com  
www. gulentur. com  
www. berat. com  
www. tursab. org  
turkiye seyahat acentelari birligi  
www. dinibilgiler. org  
www. diyanet. nl/ tr/ hac/ hac ۲۰۰۰. htm  
istatistik bilgiler  
www. sadakat. net

تفاوت‌ها و مشتركات در فرهنگ و دين مردم تركيه و عربستان سعودى

ميان ترکان تركيه و عرب سعودى، تفاوت زيادى از نظر مذهب و تفكر اسلامى نيست.

تنها در برخى موارد فرق‌هاى با هم دارند:

- مذهب مردم تركيه، بيشتر حنفى و مذهب مردم عربستان وهابى است. گاهى به سبب آثار باقى مانده از دولت عثمانى، تنش‌هاى

ميان اين دو جمعيت به وجود مى‌آيد؛ يكى از نمونه‌هاى آن، تخریب قلعه احياد عثمانى، در يك سال پيش است كه موجب بروز

مشكل گرديد. اين قلعه حدود ۴۰۰ سال قدمت داشت و داراى اهميت تاريخى بود.

محمد نورى يلماز، به خاطر اين قضيه مى‌خواست سفر به حج از تركيه را تعطيل كند، ليكن به جهت اين كه پول حج را داده بودند و

از نظر فقهى نيز پايه و دليلى براى تعطيلى نداشت، لذا از اين تصميم منصرف شد.

در زمان حج، براى جلوگيرى از تخریب قلعه احياد، از ۱۱۰ ۰۰۰ زائر تركيه امضا جمع

ص: ۲۰۳

کردند. در مکه دو قلعه نیز به نام «فلفل» و «هندی» وجود دارد و یک مرکز توپخانه میان قلعه اجیاد و جبل عمر موجود است که سرنوشت آن‌ها مبهم است.

چند نکته از حج سال ۲۰۰۴

از حاجیانی که قصد حج دارند، بیش از ۴۰٪ آن‌ها خانم هستند.

در سالی که گذشت، دو میلیون حاجی از کشورهای اسلامی و یکصد هزار مسلمان از ترکیه حاجی شدند.

در همین سال، از زائران ترک، در اثر ازدحام در منا ۹ نفر مردند.

هفت تن از نمایندگان مجلس توفیق تشرّف به حج را یافتند.

رییس سازمان دیانت (علی بردک اوقلو) همه ساله به حج می‌رود. او ضمن گزاردن حج، در اداره امور مرکز حج برای مردم سخنرانی می‌کند. در حج سال جاری نیز در ضمن سخنانی توصیه کرد:

حاجیان ترکیه با یک چمدان بروند و با یک چمدان برگردند و چیزهای بی ارزش نخرند. ولی به عکس، زائران ترک علاقمند هستند از این سرزمین برای اقوام و فامیل، با خودشان سوغات ببرند، هرچند چیز کوچکی باشد. البته این سنت، روز به روز کمرنگ می‌شود؛ زیرا زائران پیش از رفتن به حج، از استانبول، مراکز فروش لوازم، سوغاتی‌های خود را می‌خرند و زحمت حمل بار را به خود نمی‌دهند.

حاجیان مسلمان ترک، بیشتر پیر هستند و آرزو دارند که در سرزمین مکه و مدینه



ص: ۲۰۴

فوت شوند. پیرترین حاجی در سال گذشته «جودت بوز طونا» بود که در سال ۱۹۱۴ م در رومانی متولد شده است. او بعد از انجام حج و زیارت قبر پیامبر، آرزو داشت همانجا بمیرد.

در شهرهای کوچک ترکیه هنوز هم بدرقه زائران خانه خدا، با جشن و شور و شوق انجام می‌شود. هنگام بازگشت و استقبال از حجاج هم در شهرها، خانواده‌های آنان جشن‌های گوناگون برپا می‌کنند.

حاجیانی که در سفر، در یک کاروان همراه و رفیق‌اند، بعد از برگشتن به کشور، دوستی خود را ادامه می‌دهند و حتی در مواردی، هر هفته با هم، یک جا جمع می‌شوند و از خاطرات حج سخن می‌گویند.

جایگاه ترکیه با گذشته، از یک جهت تفاوت اساسی کرده است؛ در سال‌های گذشته و در دوره عثمانی، ترک‌ها میزبان بودند و حج‌گزاری با مدیریت آنان انجام می‌شد اما امروزه آنان نیز مانند زائران دیگر کشورها میهمان هستند.

کتاب‌های راهنما

- راهنمای زیارت مسجد نبوی و حج عمره، نوشته سلیمان آتش ۱۹۹۳

- دفتر حج نوزاد بایرام، انتشارات آدم، استانبول.

- راهنمای حج، انتشارات علم.

- حج و عمره، م. قانتارجی، انتشارات آیدین.

- نیت حج، محمد پکر، انتشارات بقاع.

- راهنمای عمره و کتاب دعا، ابراهیم چتین، انتشارات اکرام.

- راهنمای عمره و حج، با شرح و کوشش مولود کارجا، شرکت سیاحت برات.

- راهنمای حج مصور، ایوب جوشقون، استانبول ۲۰۰۲

- سفر به اقلیم عصر سعادت، اسماعیل حقی اوجا، معلم دانشکده الهیات قونیه.

- حج و عمره، علی‌رضا دمیرجان، سیاحت امیر.

- راهنمای حج و عمره و زیارت مدینه منوره، رمضان آیواللی، انتشارات بوغاز ایچی.

- پیغمبر خدا و حجة‌الوداع، علی‌رضا دمیرجان.

- حج محمد بیبر، انتشارات دوغان.

ص: ۲۰۵

- راهنمای مسافران مکه و مدینه در حج و عمره، ایوب صبری پاشا، انتشارات نصر.
  - راهنمای مکه و مدینه و حجاز، یوسف ازبک رجب دوقرو، انتشارات اوجاق ۲۰۰۴
  - راهنمای حج، علی سون موزن، مدینه منوره.
  - آداب حج و عمره، برهان بزگیک، انتشارات ارحان.
  - حج و عمره، امام نبوی، ترجمه مدحاد آجار، انتشارات قهرمان.
  - راهی به سوی خدا (راهنمایی حج)، نجمی انور، استانبول ۱۹۶۷
  - اسرار و فضایل حج، اسعد جوشان، انتشارات سحر.
  - راهنمای حج، ابراهیم بوغالی، انتشارات سونمز.
  - دعا‌های مخصوص و دانستنی‌های ویژه برای حجاج، عرفان یوجل، آنکارا.
  - راهنمای راه حج، جمال الدین آق‌دره، ۱۹۶۶
  - سرود مکه، مصطفی جان، انتشارات جان.
  - راهنمای حرمین، احمد حلمی امره، انتشارات جمال اوغلو.
  - راهنمای حج در اسلام، علی رضا تائر بوردی، مطبوعه روزگارلو.
  - راهنمای حج با توضیحات ساده، الهان آق چای.
  - راهنمای مصور، یونس وهبی یاووز، ۱۹۷۳
- سی دی های راهنما
- فیلم مستند با موضوع «به حج می‌روم»، الیف ویدئو وی‌سی‌دی
  - سفر مقدس حج لئیک، فیلم مستند سرای وی‌سی‌دی (۲ نوار).
  - حج و عمره، وی‌سی‌دی صباح‌الدین قایش، انتشارات نورا.
  - خاطرات حج، پنج نوار، قونیه.
  - سفر مقدس عبادت حج، سیاحت ایسپا.
  - بهترین سرود حج، «سلام برسانید»، محمد امین آی.
  - حج ۲۰۰۵، سیاحت امیر.
  - حج، انتشارات آدم‌سی‌دی.
  - سفر به دروازه بی‌نهایت (حج) سرای وی‌سی‌دی، مسعود اوچک آن.

ص: ۲۰۶

پژوهش‌های فرهنگی

بخشی از کارهای فرهنگی حج را سازمان دیانت و بخشی دیگر را برخی دانشگاهها انجام می‌دهند؛ در قالب رساله فوق‌لیسانس، رساله دکترا که در مجله‌های دانشگاهی TTK وزارت فرهنگ، مؤسسه زبان ترک و مجله‌های مشهور در ترکیه چاپ می‌شود. این کارها جدی، سنگین و با ارزش هستند، البته در دایرةالمعارف اسلامی که از طرف سازمان دیانت چاپ می‌شود، مقالات زیادی درباره حج منتشر می‌گردد.

ادبیات حج در ترکیه و کتاب‌های حج با حروف لاتین

امروزه به کتاب‌های نوشته شده با حروف لاتین هم زبان ترکی اطلاق می‌شود. البته این کتاب‌ها را از کتاب‌هایی که به زبان عثمانی نوشته شده، نمی‌توانیم جدا کنیم. بیشتر این کتاب‌ها یا ترجمه و یا اقتباس از قدیم است؛ بعضی از آنها فقط به ترکی امروز نوشته شده، بعضی هم عثمانی و هم ترکی چاپ شده است. از کتاب‌های مشهور دوره عثمانی، امروزه به زبان ترکی با حروف لاتین برگردان شده است؛ مانند مرآةالحرمین ایوب صبری پاشا، سیاحت‌نامه جناب شهاب‌الدین.

کتاب‌هایی که درباره حج نوشته شده و معرفی خواهیم کرد، عموماً با موضوعات:

راهنماها، مناسک و آثار فقهی است، که با تلاش سازمان دیانت و مؤسسات دینی دیگر منتشر شده است. و گاهی نویسنده خود آن را به چاپ رسانده است.

چند اثر دیگر که ارزش تاریخی دارد، از سوی برخی دانشگاه‌ها تحقیق و منتشر شده است؛ مانند دفاتر صرّه.

جدیدترین کارهای تحقیقی از محققانی است که نام می‌بریم:

اسماعیل حقی اوزون چارشلی، منیر آتالار، سلیمان آتش، جوش‌گون مندرس، زکریا قورشون، گلدان ساری یلدوز، ثریا فاروقی و

...

می‌توانیم بگوییم که از دوره عثمانی، آثار و کتاب‌های بسیاری به‌جای مانده است؛ که بعد دینی این کتاب‌ها کم‌رنگ‌تر از بُعد تاریخی آنها است.

ص: ۲۰۷

آثار منتشر شده در موضوع حج

- آلائی صرّه و صرّه همایون در دولت عثمانی، پروفیسور دکتر منیر آتالار، دیانت آنکارا.
- حج از نظر فرهنگی و اجتماعی در ترکیه، دکتر مصطفی بای‌بی‌گیت، ۲۰۰۲، آنکارا.
- راه و منازل حج در دوره عثمانی، عبداللطیف ارمغان، دانشگاه استانبول، ۱۹۹۰
- سفر حج، سفری مقدس است، مصطفی ردنیان، مجله اسلام، سفرنامه‌های منظوم و منثور حج و تحفه الحرمین نابی، مندرس جوش‌قون، وزارت فرهنگ، ۲۰۰۲
- مصاحبه درباره حج لطفی دوغان، آنکارا، ۱۹۶۳، مجله اسلام.
- اهمیت جهان‌شمولی مؤسسات حج، ادیب اشرف، مجله سیل الرشاد، ۱۹۴۹
- گذرگاه و خرج راه حج، منیر آتالار، آنکارا، ۱۹۹۳
- حج از نظر علوم اجتماعی، ظفر چیگیل، رساله فوق‌لیسانس، استانبول، ۲۰۰۳
- تاریخ حج، ضیاء شاکر، مجله تاریخ مصور.
- تطبیق حج و عمره، درس‌های دینی و فرهنگ اسلامی، الهیات، دانشگاه بورسه، ۲۰۰۳
- خدمات ترکه‌ها به کعبه، مجله دانشگاهی آنکارا.
- کمک‌های اقتصادی ترکه‌ها به کعبه، مجله دانشگاه آنکارا.
- چگونه به حج رویم و چه چیز ببریم؟ حاجی مراد، استانبول، مجله شکار.
- فرودگاه حج، ملک عبدالعزیز، آیلا گورسل، مجله بنا.
- برای قبول حج، ضیاء‌الدین گموشوی، مجله اسلام، ۱۹۶۵
- کتابخانه‌های حجاز، مصطفی فایدا، مجله دانشگاه الهیات، آنکارا.
- اهمیت نوشته‌های عربی در سوریه و مصر و حجاز از نظر تاریخ عثمانی، مؤسسه تاریخ ترک، آنکارا.
- مبارزه پرستیز عثمانی برای خلیج بصره و حجاز، جاهد بالتاژی، مجله الهیات، مرمره.
- راه آهن حجاز حمیدیه، ابراهیم نومان، مجله لاله.
- حج در جاهلیت و اسلام، جودت آق‌قایا، از میر، الهیات، فوق‌لیسانس، ۱۹۶۶
- حجاز چگونه از دست ما رفت؟ صلاح‌الدین گون‌گور، مجله مصور، ۱۹۵۴
- اوضاع حجاز امروز، شریف آدنان پاشا، مجله سیل الرشاد، ۱۹۲۴
- ارتباطات میان ترکیه و حجاز، مجله اقتصاد، استانبول، ۱۹۶۶

ص: ۲۰۸

- سفرنامه حجاز، سلیمه اوق لو سلیمان شفیق، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- علامت سؤال در حجاز و ترک‌های سوریه، کوانچ قالب اور، آنکارا، مجله ترکیه، جدید ۱۹۹۷
- حج در اسلام، محمد حمیدالله، ترجمه محمد عاکف آیدن، ۱۹۶۴
- سخنرانی درباره حج، حج و معنای آن، حج و هشدار به مقام‌های عالی عثمانی، مجله قارون جا.
- امرای حج و چند مسأله مربوط به آن، محمد ارکال، مجله دانشگاه سکاریا، ۲۰۰۱
- مناسک، عبدالرحمان هیبری، پایان‌نامه فوق لیسانس تاریخ، دانشگاه استانبول، سویم دینج.
- تاریخ کوتاه حج، مجله اسلام.
- اسرار حج، مجله اسلام.
- حج و رخ دادها، مجله اسلام.
- راه‌های حج، شام و اردن در قرن ۱۶ و ۱۷ در دوره امپراتوری عثمانی، خاقان بدوی، فوق لیسانس در دانشگاه آنکارا.
- منازل حج، احمد ال‌گول، دانشگاه استانبول، فوق لیسانس.
- مناسک مسالک، عبدالرحمان هیبری سویم ایل‌گولر، دانشگاه استانبول، فوق لیسانس.
- حج ایللیز آتق، پایان‌نامه، دانشگاه الهیات، مرمره.
- حج در ماه رمضان و مساجد در قرون وسطی، علی مظاهری، مجله الهیات.
- خاطرات پزشکی کارانتینا، خانیک و توسعه کلرا با راه حج در قرن ۱۶، مؤسسه تاریخ ترک، ۱۹۹۳
- خاطرات راه‌آهن حجاز، مهندس ابوندرت نورجان سور تانلی، مجله تحقیقات تاریخ.
- اوقاف حرمین و اهمیتش در قرن ۱۶ و ۱۷، مصطفی‌گولر، دانشگاه الهیات مرمره، ۱۹۹۸
- لایحه راه‌آهن حجاز- استانبول، مؤسسه تاریخ ترک.
- راپورتی سالیانه، مؤسسه صحیه حجاز، قاسم عزت‌الدین، مؤسسه تاریخ ترک.
- سالنامه الهیات حجاز- مکه ۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۹ هجری، مؤسسه تاریخ ترک.
- بودجه راه‌آهن حجاز سال ۱۳۳۱، استانبول، مؤسسه تاریخ تر.

ص: ۲۰۹

- اوصاف حرمین و جغرافیای تاریخ خط الحجازیه، حسن تحسین، ۱۲۹۷ ه. استانبول.
- اشکالات فقهی در حج، فوق لیسانس دانشگاه اولوداغ، ۱۹۹۵
- تاریخ کامل کپجی، (قلم محاسبه حرمین)، آدنان بایکال، فوق لیسانس دانشگاه استانبول.
- سالنامه حجاز، مرسل آرسلان، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.
- ترک‌ها و اولین مؤسسه‌های تعلیم مدرن در حجاز، فتح توت اوغلو، مجله فرهنگ ترک ۱۹۸۶
- کمک‌های مادی انگلیسی‌ها در شورش حجاز، متین خولاقو، مجله دانشگاه ارجی‌یس ۱۹۹۵
- راه آهن حجاز و نکات مهم در منابع مالی آن، لطف‌الله قرمان، مجله تاریخ عسکری ۱۹۹۱
- راه آهن حجاز برای آوردن فرهنگ (مدنیت)، ارخان کوراوغلو، استانبول، مجله تاریخ.
- قصه راه آهن حجاز، ویلیوم کارتر، ترجمه موریت عثمان، مجله راه آهن.
- جبهه حجاز ترک در جنگ جهانی اول، شکری ارکال، مجله تاریخ عسکری.
- راه آهن حجاز و نامه‌های آن، احمد جمال، مجله سیبل الرشاد.
- خدمات حرمین در دوره بحری مملوکیان، فاتح ایاز، فوق لیسانس، دانشگاه مرمره.
- تحقیق دفتر صرّه ۶۸۸ هجری، پریخان اکین، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- دفتر صرّه، حسین آکجا قویون، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.
- سیستم راه و تشکیلات منزل در امپراتوری عثمانی، یوسف خلیج اوغلو، رساله دکترا، دانشگاه استانبول.
- مراحل توسعه مسجد نبوی از آغاز بنا تا امروز، ابراهیم آتش، مجله اوقاف.
- نوشته‌های روضه مطهره، عبدالکریم عبدالقادر اوغلو، مجله فرهنگ ترک.
- اوصاف مسجد شریف، مجله زبان ترک، آنکارا.
- کعبه در شعر قدیم و زیارت آن، مژگان جوبور، دانشگاه مرمره.
- جشن‌های ارسال صرّه همایون (که هر سال عادت شده است)، یاوزارجان، مجله تاریخ و مردم.
- حرکت امین صرّه و آلائی صرّه در شهرهای مقدس حجاز، زینب من جی اوق بلو،

ص: ۲۱۰

مجله تاریخ و مردم.

- حج در دوره عثمانی، عبدالقادر اوزجان، دایره‌المعارف اسلام، جلد ۱۴
- سیاحت‌نامه‌های حج، احمد اوزل دایره‌المعارف اسلام، جلد ۱۴
- تشکیلات قرنطینه حجاز، گلدن ساری یولدوز، مؤسسه تاریخ ترک، رساله دکترای.
- تهفۀ الحرمین، سلامی توران، فوق لیسانس، الهیات ارجی‌یس.
- اوصاف حرمین شریفین، مؤسسه تاریخ ترک.
- فضیلت مکه، مدینه و قدس شریف، محمد آی دن، فوق لیسانس دانشگاه قاضی.
- کتاب فضائل مکه و مدینه و بیت‌المقدس (از اول تا قسمت دوم)، عبدالله چولاک، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- (از باب ششم تا آخر) عثمان کمال قایا، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- گفتگوهای بین‌المللی در مسجد النبی، محمد طالبی سمپوزیوم، گفتگو میان فرهنگ‌ها ۱۹۹۸، استانبول.
- منزل‌ها و گذرگاه‌های حج در قرن ۱۸، عبداللطیف ارمغان، مجله تحقیقات عثمانی.
- جده در حکومت عثمانی قرن ۱۶، محمد نور، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- ابو نومی و تأسیس حاکمیت عثمانی در حجاز، فریدون امجان، مجله دانش پژوهی تاریخ.
- فرستادن صرّه به حرمین از دریا، منیر آتالار، مجله دانشگاه آنکارا.
- ماجرای صرّه همایون در قرن ۱۹، عبدالله اوچمان، مجله تحقیق‌های علمی.
- راپورت حجاز ۱۸۸۵، عثمان نوری پاشا، سلجوق اکسین سومل، مجله تحقیقات تاریخ.
- فخرالدین پاشا مدافع مدینه در اسناد انگلیسی، دکتر صالحی سون یل، مجله برلتن مؤسسه تاریخ ترک.
- حجاز در دولت عثمانی (۱۹۱۹-۱۵۱۷)، زکریا قوش اون، مجله ترکیه جدید.
- کمک‌های اقتصادی ترک‌ها به کعبه، منیر آتالار، مجله دانشگاه آنکارا.
- هدیه‌ها و پول‌هایی که در دوره عثمانی به مکه و مدینه فرستاده شد، ابراهیم آتش، مجله وقف‌ها.
- صرّه‌نامه ۱۳۳۵ هجری، منیر آتالار، مجله دانشگاه الهیات.
- اسناد مجادله با پورتکیس‌ها در دریای سرخ و تأسیس حاکمیت عثمانی در حجاز،

ص: ۲۱۱

یاکوپ موکل، مؤسسه تاریخ ترک.

- سیاحت‌نامه سیاحان عرب مکی، که در قرن ۱۶ از وطنمان دیدن کردند، اکرم کامل، مجله سمینار تاریخ استانبول.
- دفاتر صرّه سال ۱۰۴۹، آنام محمد عثمان الخبشی، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.
- صرّه حج در دوره عثمانی، مجله خانواده و بانو.
- دولت عثمانی و شریف مکه، حسین سلیمان یاتاک، مجله فن و علم.
- تحفه عطایه، اسماعیل حقی بورسوی و یسل آق قایا، فوق لیسانس، دانشگاه الهیات مرمره.
- یک داستان دو نکته در قرن ۱۹ صرّه همایون، عبدالله اوچمان، مجله تحقیقات علمی.
- آینده خاک‌های مقدس، احمد ساربابی.
- فخرالدین پاشا و مرگ او در پنجاه سالگی، فاروق شریف اوغلو.
- میهمان‌پذیر عبدالحمید دوم که در مکه برای حجاج فقیر بنا کرد، گول دان ساری یولدوز، مجله پژوهشکده تاریخ (ویژه حج)، استانداری استانبول، ۲۰۰۱
- مناسک الحج، مولانا سیان الخلیفه الرومی، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.
- حاجیان سابان، گولو اوغلو، مجله اولوداغ.
- پژوهش در اشتباهات ما در حج، اکرام دوغان، مجله اسلام.



ص: ۲۱۲

- مسکن و فولک‌لور حجاز در دوران پیامبر، در روایات پیامبر

- پیشگیری دولت عثمانی از مرض‌های انتقالی در حجاز، گولدان ساری یولدوز، مجله تاریخ و مردم.

- تصویری از یک وکالت‌نامه حج، زرن تانوند، مجله دنیای فن.

- حج و آلالی صرّه، اکرم اوی کوجو، مجموعه تاریخ حیات.

- ماهیت مناسک حج و حضرت ابراهیم، تالات قوچ یی گیت، مجله دیانت.

- بازی حجاج در بوسنی و هرزگوین، ژارکو ایلیچ، مجله تحقیق‌های فولک‌لوری ترک.

- احادیثی درباره عمره و حج، محبوبی اربعین.

- حج میان حقیقت و مجاز در دوره عثمانی، احسان فاضل اوغلو، در سمپوزیوم حج سعودی.

- منازل حج، احمد ال‌گول، فوق لیسانس، دانشگاه استانبول.

- حج در ادیان دیگر، علی ارباش، مجله دانشگاه ساکاریا.

- صرّه در ۵ سال اول تنظیمات خالد ارسلان، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.

- منازل و راه‌های حج در دوره عثمانی، احمد اینجاکارا، فوق لیسانس، دانشگاه آنکارا.

- کعبه‌نامه عبدالرحمان غباری اوضای قاراداخ، رساله دکترا، دانشگاه آنکارا.

- نمادین بودن کعبه، صادق قیلیچ، مجله تحقیق‌های اسلام.

- پیرامون کعبه جمع می‌شویم، احسان ثریا سرا، مجله اسلام.

- تصاویر کعبه در نوشته‌های چینی ترک تبار، صابیحا ارکن، مجله آسیای مرکزی.

- سجاده مصور کعبه در موزه قونیه، مولانا آیشن آلدوگان، مجله تاریخ فن.

- زیارت کعبه و کعبه در شعرهای قدیم، مژگان جومبور، مجله تحقیق‌های ترکی.

- قفل‌ها و کلید طلای کعبه، ابراهیم حقی قون یالی، مجله هفت روز.

- بنای کعبه، کورشات اکرم اویو کوجو، مجله تاریخ حیات.

- تعمیرات کعبه، تحسین اوز، مجله آرکیتکت، شورش شریف حسین امیر مکه در جنگ جهانی اول، هولیاتوکر، مجله سمینار،

تاریخ عسکری.

- حکومت مکه در دوره عثمانی، وهبی عجل، مجله تاریخ دنیای ترک.

- مکان‌های مقدس زیارتی در مکه و مدینه، دیانت.

ص: ۲۱۳

- بیمارستان پرتونیال مادر سلطان در مدینه منوره، نیل قارادنیز، مجله بیمارستان بزم عالم مادر سلطان واقف قربا.
- تاریخ مدینه منوره، ابن شبه و تاریخ‌های شهرهای اول دنیای اسلام، مصطفی فایدا، مجله دانشگاه آنکارا.
- بازار یثرب در صدر اسلام و پیش از آن، مایکل لچ کر، ترجمه محفوظ سویلمز، مجله دانشگاه الهیات چروم.
- خطاب اسلام در مدینه منوره به عالم، احمد حمدی آکسکی لی، مجله سیبل الرشاد.
- کعبه مکان مقدس اسلام، زتاشاکر، مجله مجموعه مصور تاریخ.

تاریخ

مطالبی چون صرّه همایون کاروان‌ها، راه‌های حج، اهمیت راه آهن حجاز، حاکمیت عثمانی در حجاز و وهابیان، اوقاف حرمین، دفاتر صرّه، مؤسسه‌های بهداشتی در حج، میراث عثمانی و از میان رفتن آنها در حجاز، تاریخ مکه و مدینه و عرب و ... از مسائلی است که نویسندگان ترک بدان‌ها پرداخته‌اند. و مؤسسه‌هایی مانند مؤسسه تاریخ ترک و وزارت فرهنگ بخشی از آن‌ها را منتشر کرده است؛ مانند:

- تاریخ مکه، ایوب صبری پاشا، انتشارات فاتح.
- امرای مکه مکرمه، اسماعیل حقی اوزون چارشولی، مؤسسه تاریخ ترک، ۱۹۷۲
- تاریخ کعبه، احمد گلجان، مطبعه عمل، آنکارا.
- حج و تاریخ مکه و مدینه، عبدالله اوز.
- حجاج و سلاطین، ثریا فاروقی / ترجمه از انتشارات وقف تاریخ.
- معبدهای مقدس اسلام، دکتر ییلمازجان، انتشارات سیدره.
- مهدی گرایی و حادثه کعبه، ترجمه احمد فاروق، انتشارات وحدت.
- حرمین از دوران جاهلیت تا پایان امویان، مصطفی کوچوک آق جو ircica
- کعبه و تاریخ آن، الزرقایی، ترجمه یونوز وهبی یاوز، انتشارات فیضا.
- تاریخ اوقاف حرمین، محمد کمال.
- سیاحت‌نامه آش چی دده، ابراهیم خلیل افندی، نشریات دائرةالمعارف، استانبول.

ص: ۲۱۴

- راه آهن حجاز، اوفوک گول سوی، انتشارات ارن.
- مسأله مصر و یمن و حجاز، سلیمان قاری ایرتم، انتشارات تمل.
- حاکمیت عثمانی در یمن برای کعبه و حرمین، خلوصی یاوز.
- چرا حجاز از ما جدا شد و دفاع مدینه، کاشف ناجی کی جی مان.
- تصفیه امپراتوری از حجاز تا بالکان، حسین کاظم قدری استانبول.
- آلبوم فتوگرافی راه حجاز استانبول.
- کعبه و مسیحیت در منابع اسلامی، ارول سرور، انتشارات کاینک.
- جنگ ترک در خیبر، کتابخانه استانبول.
- زوال امپراتور عثمانی و خاطرات آخرین والی یمن و یک عمر در عربستان، محمود ندیم بک.
- خاطره ماندگار، احد نجیب گیلانی، انتشارات ارکان.
- راه رسولان کعبه، علی اونال، انتشارات پنار.
- تاریخ کعبه، احمد گول کان.
- تشکیلات کاراتنی نای حجاز ۱۸۶۵ تا ۱۹۱۴، گول دان ساری یولدوز، انتشارات مؤسسه تاریخ ترک.
- حاکمیت عثمانی در نجد و احسا، حرکت وهابی و تشکیل دولت سعودی، زکریا قورشون، مؤسسه تاریخ ترک.
- در مکه چه شد، حج و حجاج، فهمی قور، انتشارات بیان.
- رساله عبرت درباره راه‌زنان، حسن هیلمی، استانبول.
- مادر دنیا، محمد صادق شریف، مطبعه جهان، ۱۳۲۴ هجری.
- حاکمیت عثمانی در قطر از نظر اسناد بایگانی، عثمان سوی‌بی گیت، استانبول.
- ترجمه رساله وهابیه، استانبول، ۱۲۷۱ هجری.
- فاجعه تونل محمد سولای، استانبول.

سفرنامه‌ها

بسیاری از کتب سفرنامه و خاطره‌نگاری، به وسیله ناشران آزاد چاپ و منتشر گردیده

ص: ۲۱۵

است. خاطرات سفر حج، تجربه‌های شخصی افراد از حج است و ارزش ادبی و تاریخی دارد. تعداد این بخش از کتاب‌ها زیاد نیست؛ چرا که در دوران عثمانی نوشتن سفرنامه و یادداشت خاطرات رایج نبود. امروزه نیز به خاطر طولانی و مفصل نبودن این نوع از کتاب‌ها، بیشتر آنها را در مجله‌ها به چاپ می‌رسانند. همچنین در اینترنت، در سایت‌های شخصی می‌آورند.

نمونه‌هایی از کتب منتشر شده در موضوع سفرنامه و خاطرات حج عبارت‌اند از:

- سیاحت‌نامه اولیا چلبی، ده جلد، نهمین جلد آن در باره حج است. انتشارات اوچ‌دال، استانبول.

- در راه حج، جناب شهاب‌الدین، به کوشش بالقیص گورسوی، انتشارات کتاب اوی.

- صداها و رنگ‌ها از حجاز، نجیب فاضل کساکورک، انتشارات بیوک دوغو.

- لبیک خاطرات حج، امل اسین، استانبول، ۱۹۶۸

- تحفة الحرمین، نابی، به کوشش سیف‌الدین اون لو، انتشارات تیماش.

- گلزار مدینه، علی‌رضا قاشق‌چی، انتشارات غدیر.

- راهنمای حج، راهی به خدا، انتشارات توکر، ۱۹۶۷

- روز مره حج، احمد توران آل‌کان، انتشارات تیماش.

- خاطرات حج، مصطفی یازگان، انتشارات سبیل.

- خاطرات حج حاجی حسن حمیدالله، مؤسسه تاریخ ترک.

- لبیک، به سوی حج ابراهیمی، معمر یاکوشیر، انتشارات چاق لایان.

- خاطرات حج من، طلعت وصفی اوز، مجله نور اسلام.

- پیغمبر محبوب حجازی، وهبی قاراتاش، انتشارات تیماش.

- سیاحت در سرزمین مقدس، حج محمد بیبر، روزنامه حریت.

- راه حج، انتشارات ینی‌سباح.

- نوشته‌هایی که از شهر مدینه منوره، علی اولوی قوروجو.

- آلبوم شهر مدینه منوره، علی سلیمان مهر، انتشارات نیل.

- مکه قبل از اسلام، یاشار چلیک قول، انتشارات مدرسه آنکارا.

- نوشته‌های مدینه، خیرالدین بولوت.

ص: ۲۱۶

- از حج بر می‌گردم، عمر کمال آغار، انتشارات پست کارمندها.
- راهنمای حجاز (سیاحت نامه و راهنمای راه‌های حجاز) مجموعه نور اسلام.
- سیاحت‌نامه راهنمای حج در اسلامیت، علی تانر ووردی.
- راه حج، (کامل و مفصل برای مسلمان‌ها) انتشارات ینی سباح.
- شکران و نوشته‌های حجاز، ماجرای پیاده رفتن او به حج از مانيسا تا مکه ۱۹۶۹
- سفر به کعبه، ابراهیم باکی، انتشارات ابرار.
- از حجاز به آندلس، ارسین گور دوغان.
- سیاحت‌های حجاز، آلیسوات انتشارات کتاب اوی.
- خاطرات مدینه، احمد پیشکاری انتشارات بدر.
- راه و مکه، محمد اسد، انتشارات یاقمور و انتشارات انسان.
- خاطرات حج و قدم زدن در دنیای دروغ، احسان ثریا سرما، انتشارات بیان.
- خاطرات حج رضا توفیق حج، علی شریعتی، انتشارات اوزگون سرزمین مقدس دکتر تولی اوغلو در راه مدینه ابوالحسن اندوی، انتشارات هلال.
- سیاحت عربستان، محمد صعاد، ترجمه از زبان فرانسوی.
- کوه زیتون، فاله رفقی آتای.
- خانه حبیب، انتشارات یدی گه‌جه.
- صفحات، محمدعاکف ارسوی، انتشارات ایز.
- شرط اول مکه، مجله سیاحت اطلس.
- کعبه و انسان از تحفة العطاءیه، اسماعیل حقی بورسوی.
- سیاحت‌نامه حجاز، سیف‌الدین اون لو، انتشارات تیماش.
- سیاحت حجاز، بربر بدری، در سال ۱۷۴۱-۱۷۶۱، انتشارات آک‌چا.
- اسلام در هندوستان و چین (در اواخر قرن بیست یکم) که بخشی از آن، سفر حج است. این کتاب هم عثمانی و هم ترکی چاپ گردیده. عبدالرشید ابراهیم، به کوشش محمد پاکسو.
- راهنمای سفر حج، حاجی منصور، انتشارات انقلاب.
- یک سفر مقدس (نوشته‌های عمره)، دورموش عالی یلدوز، قونیه، ۲۰۰۳

ص: ۲۱۷

اخبار حج

## چند خبر از سرزمین وحی

تکفیر پیروان مذاهب هشتگانه اسلامی جایز نیست

بخش خبری: کنفرانس بین المللی - اسلامی، که اخیراً با شرکت فقهای جهان اسلام در عمان، پایتخت اردن برگزار شد، بیانیه‌ای با عنوان «حقیقت اسلام و نقش آن در جامعه امروز» صادر کرد. در این بیانیه که بر اساس نقطه نظریات فقهی آیت‌الله سیستانی، شیخ ازهر مفتی مصر، مراجع مختلف شیعه (اعم از جعفری و زیدی)، مفتی عمان، مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، مجلس اعلای امور دینی ترکیه، فقهی اردن و هیأت صدور فتوا و شیخ یوسف قرضاوی منتشر شد، آمده است:

۱- آنچه برای رضای خدا و بر اساس بحث و تحقیق در این کنفرانس به آن رسیدیم طی توافقی که در ذیل می‌آید اعلام می‌نماییم. هرکس که پیرو یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی)، مذهب جعفری، زیدی، اباضی و ظاهری باشد، مسلمان است و تکفیر او جایز نیست. ریختن خون او و تعرض به مال و ناموس او حرام است همانگونه که (طبق فتوای شیخ ازهر) تکفیر اصحاب عقیده اشعری، پیروان تصوف حقیقی و اهل اندیشه صحیح سلفی مجاز نیست.

ص: ۲۱۹

از این رو، هیچ کس حق ندارد گروه‌های مسلمانی را که ایمان به خداوند متعال، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، ارکان ایمان و احترام به ارکان اسلام دارند و در عین حال منکر مسلمات و بدیهیات دین نیستند، تکفیر کند.

۲- مذاهب هشتگانه، دارای مشترکات فراوانی هستند و پیروان این مذاهب در مبادی اساسی اسلام، نظریه واحدی دارند. همگی به خدای یگانه، قرآن کریم و حضرت محمد صلی الله علیه و آله- به‌عنوان فرستاده خداوند بر همه بشریت، ایمان دارند. ضمن این که در باب ارکان پنجگانه اسلام؛ یعنی شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج اتفاق نظریه دارند و نسبت به ارکان ایمان؛ یعنی ایمان به خدا، فرشتگان، کتب آسمانی، پیامبران، روز واپسین، مقدرات نیک و بد هم عقیده هستند. اما اختلافاتی است در فروع و نه در اصول و این خود رحمت است؛ زیرا در گذشته گفته‌اند: اختلاف علما در رأی، امری نیکو است.

۳- پیروی از مذاهب اسلامی، به معنای التزام به راه صحیح و مشخص در فتواهاست، لذا هیچ کس- بدون هرگونه شایستگی که آن مذهب را تأیید می‌کند- حق قرار گرفتن در جایگاه فقهی را ندارد و مجاز به صدور فتوا، بدون تبعیت از راه صحیح نیست. ضمن این که کسی حق ندارد در صدد تشکیل و تأسیس مذهب جدید و اصرار فتوای غیر قابل قبول و به دور از قواعد شریعت باشد.

۴- خلاصه موضوع پیام «عَمَّان»، که در شب قدر، در سال ۱۴۲۵ ه. ق. صادر و در مسجد هاشمیین قرائت شد، همان التزام به مذاهب و طریق صحیح آن است. در این میان، به رسمیت شناختن مذاهب و اصرار و تأیید گفتمان و دیدار بیان علما و پیروان مذاهب با یکدیگر، ضامن اعتدال و میانه روی، گذشت، رحمت و گفتگو با دیگران خواهد شد.

۵- از مسلمانان می‌خواهیم اختلافات را کنار گذاشته، موضع‌گیری‌ها را نزدیک به هم و وحدت کلمه را در پیش بگیرند. آنان باید در احترام به یکدیگر، تقویت همبستگی میان ملت و دولت‌های خود، تقویت روابط برادری، که موجب محبت برای رضای الهی می‌شود، بکوشند و فرصت و بهانه‌ای برای بروز هرگونه فتنه میان خود را ندهند ... چرا که خداوند فرموده است: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.**

در پایان این بیانیه، به دو نکته مهم اشاره شده است:

الف: شرکت کنندگان در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در عَمَّان، که در نزدیکی



ص: ۲۲۰

مسجدالأقصی و سرزمین‌های اشغالی تجمع کرده‌اند، بر تلاش همه‌جانبه برای حمایت از مسجدالأقصی (بعنوان اولین قبله و سؤمین حرم شریف) به خاطر خطراتی که آن را تهدید می‌کند و برای پایان دادن به اشغال و آزادسازی مقدّسات تأکید دارند. ب: شرکت‌کنندگان بر ضرورت عمق بخشیدن به معانی آزادی و احترام به رأی و نظریه دیگران، در سراسر جهان اسلام تأکید می‌کنند.

آخرین گزارش سازمان اوقاف

آخرین گزارش سازمان حج و اوقاف حاکی است، در سالی که گذشت (۱۴۲۵ ه. ق.)، ۱۱۵۶۱۷۲۹ جلد کتاب؛ شامل قرآن کریم، ترجمه قرآن به ۲۵ زبان؛ در بجه‌های مخصوص توزیع شد و این، حاکی از پیشرفت خدمات‌رسانی برای حجاج است که هدفش آگاهی دادن به مسلمانان می‌باشد.

همچنین برنامه پاسخ‌گویی در سطح وسیع، که از سال ۱۴۲۴ برنامه‌ریزی شده بود، از طریق تلفن ۸۰۰۲۴۵۱۰۰۰ به صورت رایگان انجام گرفت و سعی شد از این فناوری جدید، با ارتباط ۲۶ خط تلفن، با اعضای کمیته علمی، که مکلف به پاسخگویی به پرسش‌های حجاج هستند، به صورت رایگان انجام شود که در این کمیته، مفتی کل کشور و اعضای دائمی کمیته علمی شرکت دارند تا حاجیان بتوانند از معلومات و ارشادات آن‌ها استفاده کنند و ۴۰ خط تلفن همراه در اختیار اعضای کمیته حاضر در محل، قرار گرفت تا همانگونه که ذکر شد، ارتباط میان آن‌ها و حجاج و پاسخ‌دهی به پرسش‌ها و سهولت ارتباط میان مبلغین برای تنظیم کارهای نوبتی و انجام خدمات ویژه در طول شبانه‌روز، به راحتی صورت گیرد.

در این گزارش آمده است: یک برنامه ارشادی برای حجاج وضع شده که میان فرودگاه قدیم و بندر جده، فعالیت می‌کند. این برنامه از تاریخ ۱۴/۱۱/۱۴۲۵ آغاز شده و تا ۲۹/۱۲/۱۴۲۵ ادامه داشته است.

در کنار این برنامه، کتابخانه‌ای علمی، مشتمل بر کتب مرجع، در ۲۰ مرکز اسلامی تأسیس شده است. همچنین می‌توان از ایجاد ۱۳ اتاق مخصوص برای کمیته‌های ارشاد اسلامی در صحن‌های مسجدالحرام نام برد.

ص: ۲۲۱

این گزارش در ادامه افزوده است: مرکز جدیدی برای ارشاد حاجیانی که از یمن و راه ودیعه به مکه می‌آیند، افتتاح گردیده و نیز از ۲ سایت جدید برای آگاهی حجاج، در کمیته استقبال، در اتوبان مکه به جده و مکه به مدینه خبر داد. در کنار این فعالیت‌ها، ۳ دستگاه تلویزیون برای توضیح احکام و آداب حج به صورت صوتی و تصویری در مسیرهای: «مسیر الطواف، منطقه جازان و مسیر بطحاء، منطقه اشرقیه و مسیر جدید، منطقه مرزهای شمالی» قرار داده شده است.

در ضمن، تابلوهای راهنمای بلند، مجهز به سیستم نورپردازی داخلی، به منظور راهنمایی حجاج به مراکز ارشادی اسلامی در عرفات نصب شده است و ۱۵۰ نفر پیشاهنگ سعودی برای شرکت در خدمات کمیته‌های حاضر در محل، برای توزیع مطبوعات و نظرخواهی‌ها در مکه و مدینه استخدام شده‌اند و به این منظور برنامه‌های ارشادی برای اولین بار از کانال‌های ریاض و مکه به‌طور همزمان و زنده از شبکه اول پخش می‌شد. این برنامه‌ها شامل تغییراتی در شکل و مضمون است که باعث پیگیری این برنامه‌ها از جانب حجاج می‌شود.

این گزارش به تصفیه آب باران مسجد خیف در منا و تغییر دستشویی‌های مجاور مسجد و ایجاد تابلوهای تعیین کننده مسیر قبله در مرحله دوم و سوم اشاره می‌کند.

همچنین این سازمان اقدام به ایجاد اتاق‌هایی برای مبلغان، در داخل صحن‌های مسجد کرده است که بدین وسیله مانع از توقف ماشین‌ها در مسیر حجاج می‌شود و نیز حق‌الزحمه امام جماعت‌های غیر رسمی که در کنار امام جماعت‌های رسمی در مساجد (نمره، خیف، مشعر و ...) کار می‌کنند، داده شد و همچنین کار تجهیز وسایل پخت‌وپز به صورت برقی، به‌جای گاز و تقویت جریان برق در مسجد خیف برای پخت غذا انجام شد و کار نصب میکروفن‌های جدید در مسجد خیف و تغییر شبکه آب فشار قوی برای دستشویی‌ها در منی به پایان رسید.

بنابراین گزارش، شعبه سازمان حج و اوقاف، اقدام به ساختن اتاقک‌های ارشادی کرده‌اند که یکی در مسجد قبا و دیگری در ذوالحلیفه می‌باشد و این دفتر به کارهایی مانند همسان کردن لباس‌های حجاج، زیاد کردن تابلوهای راهنمای مساجد، دستشویی‌ها، ورودی و خروجی در مسجد میقات اقدام کرده‌اند و نیز می‌توان از تأسیس دفتری برای وسایل گمشده در کنار مسجد میقات، یاد کرد.

در کنار این کارها، کمیته‌هایی متشکل از نمایندگان حکومتی و شعبه سازمان اوقاف و

ص: ۲۲۲

شهرداری و پلیس و گذرنامه تشکیل شد که مسئولیت نظارت برای پدیده گدایی در مساجد قبا، میقات و ذوقلین را دارد. در این میان، حضور گروه‌های پیشاهنگ سعودی نیز به چشم می‌خورد. دوش‌هایی هم برای آزمایش، برای قضای حاجت در دستشویی مسجد میقات نصب شد که بعداً در سایر دستشویی‌ها نیز ایجاد شود.

در سال ۱۴۲۵ ه. ق. برای نخستین بار مبلغان خانم برای هدایت و راهنمایی زنان و تبلیغ در امور دینی و چگونگی ادای اعمال و آداب شرکت کردند که مأموریت پی‌گیری کار مبلغین در این سال به عهده اداره پیگیری در این شعبه می‌باشد. در این زمینه سازمان اوقاف به اجرای شرط‌های وقف کنندگان از اوقاف می‌پردازد. این در حالی است که خود سازمان بر برنامه پذیرایی از حجاج نظارت دارد و نیز کار پذیرایی ۵۰ نفر از معلولان و حجاج کشورهای مالی، بورکینافاسو و قرقیزستان با همکاری سازمان امور اجتماعی انجام شد که این کار، برای نخستین بار بعد از اجرای برنامه پذیرایی از سال ۱۴۱۷ صورت گرفت.

ریال و دلار جعلی در شبکه پولی سعودی

در تاریخ ۲۸/۳/۸۴ در جریان قرار گرفتیم که اسکناس‌های ریال سعودی و دلارهای جعلی در شبکه پولی عربستان نیز مانند دیگر کشورها راه یافته و گزارش‌هایی مبنی بر ارائه آن، از سوی فروشندگان؛ اعم از مغازه‌داران و دست‌فروشان واصل گردید. تشخیص جعلی و واقعی بودن دلار و ریال سعودی، در نگاه اول ممکن نیست. هرچند نوع کاغذ و چاپ آن با نمونه اصلی تفاوت‌هایی دارد.

این اسکناس‌ها معمولاً هنگام ارائه به صراف‌ها یا فروشگاه‌های بزرگ و مراکز خرید، که فروشندگان و صندوقداران آن‌ها توجیه شده و آموزش دیده‌اند، کشف می‌شود.

کشف دلار یا اسکناس جعلی موجب خواهد شد که ارائه دهنده آن، تحت تعقیب و در مواردی از سوی فروشندگان تحویل پلیس شوند و بازداشت گردند.

ملاحظه:

۱- تهیه ارز از مراکز معتبر، شعب بانک و صرافی‌های داخلی و تبدیل آن در بانک و یا

ص: ۲۲۳

صَرفی‌های رسمی کشور سعودی و یادداشت شماره سریال ارز خریداری شده برای ارائه آن به مقامات قضایی و پلیس در مواقع ضروری مورد تأکید است.

۲- زائران توجیه شوند هنگام خرید و دریافت مابه‌التفاوت ارز، از فروشندگان نسبت به جعلی نبودن آن مطمئن شوند تا دچار خسارت و مشکل نشوند.

ازدحام زائران در حجرالأسود و فوت نوجوان ایرانی

بنابر اطلاع رسیده، آقای سید ابراهیم هاشمی شاهرودی، ۱۶ ساله، زائر اعزامی از تهران، در ازدحام حجرالأسود دچار مشکل تنفسی و خفگی شد و پس از اعزام به بیمارستان، دار فانی را وداع کرد.

گفته شده دو فرزند خانواده، قبلاً در سنین کودکی فوت کرده‌اند و نامبرده تنها فرزند خانواده بوده است.  
ملاحظه:

بوسیدن و استلام حجرالأسود، توسط خانم‌های زائر نیز حتی در وضعیت ازدحام مطاف و تجمع زائران مرد، از ملیت‌های مختلف صورت می‌گیرد که در چنین وضعیتی برای انجام یک امر مستحبی مرتکب فعل حرام می‌شوند؛ لذا ضرورت دارد در جلسات آموزشی اقدامات توجیهی و پیش‌گیرانه معمول گردد.

اطلاعاتی در مورد حج‌گزاری در پاکستان

آقای شاهدخان، رییس بعثه پاکستان، مطالبی در باره حج مطرح کرده که فشرده آن در زیر می‌آید:

در پاکستان جایگاهی در سطح وزارت در دولت، مسائل مربوط به حج و عمره شهروندان پاکستانی را پیگیری می‌کند و دفاتر آن در جده، مکه و مدینه در طول سال دایر است و مسائل مربوط به حج و عمره را پیگیری می‌کند.

ص: ۲۲۴

نیروهای ستادی و اجرایی، که هماهنگی و خدمات‌رسانی به حجاج پاکستانی در موسم حج را پیگیری می‌کند، شش هزار نفر است که یک هزار و دویست نفر عضو ستادهای حج پاکستان در مکه و مدینه و جده هستند. از این تعداد، ۳۰۰ نفر نظامی مسؤول امنیت، انتظامات و هدایت و کنترل، ۳۰۰ نفر کادر هیأت پزشکی امور درمان، ۳۰۰ روحانی پاسخگوی مسائل دینی، ۳۰۰ نیروی محلی امور زائران با دوایر رسمی و دولتی و امداد گمشدگان و مؤسسه مطوفی را پیگیری می‌کنند.

تمام زائران پاکستانی، در گروه‌های ۳۰ تا ۵۰ نفره ساماندهی می‌شوند. هر گروه دارای یک سرپرست است که از پاکستان گروه را همراهی می‌کند و یک نفر هم از ستاد بعثه به‌عنوان رابط و هماهنگ کننده به کاروان ملحق می‌شود.

پاکستان همه ساله یکصد و پنجاه هزار نفر برای انجام مناسک حج به عربستان اعزام می‌کند که بیشتر، افراد سالمند می‌باشند. مدت سفر زائران پاکستانی، حداکثر ۴۰ روز است که ۸ روز از این مدت را در مدینه و باقی را در مکه سپری می‌کنند.

هزینه سفر برای هر زائر، به حد اقل ۲۲۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ دلار می‌رسد و اختلاف در هزینه، در تغذیه و هزینه اجاره مسکن است. در سال جاری، برای هر زائر در مکه ۳/۵ متر مربع مسکن پیش‌بینی می‌شود و در مدینه سه تا چهار شرکت به صورت پکیج متکفل امور حجاج می‌باشند و بابت مسکن مدینه ۳۰۰ ریال اجاره دریافت می‌دارند.

هزینه سرانه مسکن در مکه، به‌طور متوسط ۲۵۰۰ ریال و در مدینه ۳۰۰ ریال می‌باشد.

ستاد هیچ‌گونه مسؤولیتی در برابر غذای زائر ندارد و فقط بابت هزینه غذا ۸۰۰ تا ۱۶۰۰ ریال سعودی به هر نفر پرداخت می‌کند که پیش از سفر و هنگام ثبت نام، هزینه‌ها از زائر دریافت می‌شود.

داوطلبان سفر به عربستان برای انجام مناسک حج، باید هزینه سفر را به هنگام ثبت نام برای قرعه کشی در ماه جولای پرداخت نمایند و در صورت برنده شدن مراحل بعدی اعزام را طی خواهند کرد و گرنه، وجه علی‌الحساب پرداختی برگردانده خواهد شد و سال بعد، در صورت نام‌نویسی مجدد، در قرعه کشی شرکت خواهند کرد. امسال دولت پاکستان برای نخستین بار در نظر دارد داوطلبان سال گذشته را بدون قرعه کشی در فهرست زائران حج امسال قرار دهد.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱  
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش  
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند  
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

